

حج ۳۱

«در خم ابروی دوست»

گزارشی از حج گزارى سال ۱۴۳۱ هـ.ق

برابر با سال ۱۳۸۹ هـ.ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- مقدمه ۱۵
- در میان قند زیارت و نقد نگارش ۱۷
- آغاز حج با دیدار دوست ۲۱
- یکشنبه دوم آبان ۱۳۸۹؛ شانزدهم ذی قعدة ۱۴۳۱
- تنها من انگشت نگاری نمی شوم ۲۹
- دوشنبه سوم آبان ۱۳۸۹؛ هفدهم ذی قعدة ۱۴۳۱
- بازگشت دوباره به «قصر الدخیل» ۳۴
- نخستین شور شورای برنامه ریزی بعثه ۳۵
- قرآنیان در مدینه ۳۷
- سه شنبه چهارم آبان ۱۳۸۹؛ هجدهم ذی قعدة ۱۴۳۱
- دیدار از بعثه جمهوری اسلامی ایران (نخستین دیدار از بعثه) ۳۹
- پرونده سازی پزشکی برای حاجیان در بانک اطلاعاتی ۴۱
- فعالیت های مخابرات بعثه ۴۴
- خبر آمدن هنرمندان سینما و تلویزیون ۴۵
- آماده سازی عربستان سعودی ۴۶
- نخستین دشت جناب ملک الموت ۴۷
- یادی از «ابوسفیان»، «معاویه» و «یزید» ۴۸
- چهارشنبه پنجم آبان ۱۳۸۹؛ نوزدهم ذی قعدة ۱۴۳۱
- دغدغه نوشتن از حج ۴۹
- دخالت های آقای خاص ۵۰
- درآمد دولت از اعزام حاجیان به مکه ۵۰

- ۵۱..... روزهای اول ورود به قصر الدخیل
- ۵۵..... دومین جلسه شورای هماهنگی بعثه
- ۵۸..... توسعه و کاهش در ساختار بعثه
- ۶۰..... «شیخ عبدالامیر قبلان» و پیاده روی ائمه علیهم السلام

پنجشنبه ششم آبان ۱۳۸۹؛ بیستم ذی قعدة ۱۴۳۱

- ۶۲..... دیدار از بعثه‌های مراجع عظام تقلید
- ۶۳..... ۱. بعثه «آیت‌الله مکارم شیرازی»
- ۶۳..... ۲. بعثه «آیت‌الله موسوی اردبیلی»
- ۶۴..... ۳. بعثه «آیت‌الله سیستانی»
- ۶۴..... ۴. بعثه «آیت‌الله سید محمدسعید حکیم»
- ۶۵..... ۵. بعثه «آیت‌الله وحید خراسانی»
- ۶۵..... ۶. بعثه «آیت‌الله فیاض»
- ۶۶..... ۷. بعثه «آیت‌الله نوری همدانی»
- ۶۶..... ۸. بعثه «آیت‌الله سبحانی»
- ۶۶..... ۹. بعثه «آیت‌الله صافی گلپایگانی»
- ۶۷..... ۱۰. بعثه «آیت‌الله جوادی آملی»
- ۶۷..... ۱۱. بعثه «آیت‌الله سید عزالدین زنجانی»
- ۶۸..... ۱۲. بعثه «آیت‌الله شبیری زنجانی»
- ۶۸..... ۱۳. بعثه «آیت‌الله سید کاظم حائری»
- ۶۹..... ۱۴. بعثه «آیت‌الله سید محمد شاهرودی»
- ۶۹..... دیدار با هیئت پزشکی حج
- ۷۰..... سؤال از نبود کنترل کامل در تهران
- ۷۱..... شور و شوق برپایی نخستین مراسم دعای کمیل در مدینه منوره
- ۷۴..... «ام‌البین» و پسرانش

جمعه هفتم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و یکم ذی قعدة ۱۴۳۱

- ۷۶..... ندبه در سلسله موی دوست
- ۷۶..... حج در یکصد و یازده سالگی
- ۷۷..... دفتر استفتانات
- ۷۹..... دیدار با بعثه عراق

شنبه هشتم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و دوم ذی قعدة ۱۴۳۱

- ۸۲..... بقیع و مبلغ‌های افراطی و هابی.
- ۸۲..... همایش سفیران وحدت.
- ۸۴..... سخنان امیرالحاج در دفاع از مسلمانان.
- ۸۶..... گزارش دیدار از هتل «بدر العوالی».
- ۸۷..... سیاست تجمیع هتل‌های اطراف حرم در مدینه.
- ۸۸..... تقاضا برای درک دعای کمیل در مدینه.
- ۸۸..... دیدار با بعثه بنگلادش.
- ۸۹..... تکرار سریال هنرمندان.
- ۹۰..... شیعه‌ستیزی سازمان یافته.
- ۹۲..... نخستین اردوی لیبک گویان.

یکشنبه نهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و سوم ذی قعدة ۱۴۳۱

- ۹۳..... دیدار از مرکز پزشکی حج در مدینه.
- ۹۴..... سکنه به هنگام احرام بستن در مسجد شجره.
- ۹۵..... به کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟!.
- ۹۷..... دیدار از هتل «لؤلؤ المبارک».
- ۹۹..... دیدار با بعثه نیجریه.
- ۱۰۱..... جایزه «ملک فیصل» برای آیت‌الله سیستانی.
- ۱۰۲..... فتواها و تناقض در مملکت سعودی.
- ۱۰۳..... پیشنهاد ملک عبدالله به عراق.
- ۱۰۴..... اندک اندک جمع مستان می‌رسد.

دوشنبه دهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و چهارم ذی قعدة ۱۴۳۱

- ۱۰۵..... دیدار از هتل «الودة المروه».
- ۱۰۷..... دیدار بعثه‌های مراجع از بعثه.
- ۱۰۷..... استشمام سخت‌گیری بیشتر و اشتباه در نقل فتوا.
- ۱۰۸..... رفت‌وآمد در بیت «آیت‌الله شیخ عمروی».
- ۱۰۸..... ضبط خاطره‌های آقای شیخ عمروی.
- ۱۰۹..... مسئله وضو گرفتن از آب‌های شرب داخل مسجدالنبی ﷺ.

- ۱۱۰.....خاطره‌ای از آیت‌الله العظمی گلپایگانی.....
- ۱۱۱.....ندادن جواز ورود دارو و ایستادن نبض زندگی.....
- ۱۱۱.....خاطرات و دغدغه‌های حجت الاسلام والمسلمین راشد یزدی.....
- ۱۱۲.....هشدارهای امنیتی.....
- ۱۱۴.....تلاش ناکام.....
- ۱۱۵.....دیدار با اصحاب آشپزخانه در بعثه.....
- ۱۱۶.....چشم‌گیر بودن سادگی و صفای امیرالحاج.....

سه شنبه یازدهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و پنجم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

- ۱۱۸.....جست‌وجوی راز جوانی بعضی از علما.....
- ۱۱۹.....دیدار بعثه آیت‌الله سیستانی.....
- ۱۲۰.....سومین جلسه شورای بعثه.....
- ۱۲۰.....ضرورت حمایت از سیل‌زدگان پاکستان.....
- ۱۲۲.....به نگارش کتاب حج کمک کنید!.....
- ۱۲۲.....انتظار طولانی خانواده شهدا.....
- ۱۲۳.....حضور جانبازان در حج.....
- ۱۲۴.....دیدار از جانبازان زائر.....

چهارشنبه دوازدهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و ششم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

- ۱۲۶.....گفت‌وگو با کنسول ایران در جده.....
- ۱۲۶.....سیل پاکستان و مواضع ارزشمند رهبر معظم انقلاب.....
- ۱۲۷.....ستاد مدینه در نشست با امیرالحاج.....
- ۱۲۸.....کنترل مواد مخدر، راز بررسی‌های سخت در ایران.....
- ۱۲۹.....جلسه شورای برنامه‌ریزی بعثه.....
- ۱۳۰.....تحمل نکردن عکس شهدا.....
- ۱۳۱.....شرکت در نشست‌های علمی سعودی‌ها در مدینه.....
- ۱۳۲.....دیدار با بعثه و اندیشمندان عراقی.....

پنج‌شنبه سیزدهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و هفتم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

- ۱۳۵.....جلسه «شورای رابطین روحانی».....
- ۱۳۶.....داستانی به نام «همایش زن و ارزش‌های اسلامی».....

- گفت‌وگو با خدا در خلوت هتل..... ۱۴۰
- درهای چوبی بقیع و کوچه بنی‌هاشم..... ۱۴۱
- دیدار از هتل «الانصار الجدید»..... ۱۴۲
- دیدار از هتل «مراج الشرق»..... ۱۴۳
- گردهمایی ترک‌های مقیم اروپا در بعثه..... ۱۴۴
- دومین دعای کمیل در مدینه..... ۱۴۷
- پادگان‌های شبه مدرسه..... ۱۴۸
- حال و هوای خداحافظی در دعای کمیل..... ۱۵۰
- محل برگزاری دعا و حال و هوای حضور ائمه علیهم‌السلام..... ۱۵۰
- برگزاری دعای کمیل در حصار نیروهای امنیتی!..... ۱۵۱

جمعه چهاردهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و هشتم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

- حضور در خط مقدم؛ یعنی بقیع..... ۱۵۲

شنبه پانزدهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و نهم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

- رییس سازمان و راهنمایی ترافیک..... ۱۵۵
- نخستین جلسه شورای بعثه در مکه..... ۱۵۶
- مشکل ناهماهنگی در حمل‌ونقل شهری مکه..... ۱۵۷
- استقرار در مشعر و منا..... ۱۵۹
- حضور سه میلیون نفر در حج..... ۱۶۰
- فراکسیون حج و زیارت در مجلس..... ۱۶۲
- دیدار از ستاد مکه..... ۱۶۳
- حمل‌ونقل ترددی در ایام تشریق..... ۱۶۴
- تجربه جدید صدور کارت حجاج..... ۱۶۵

یکشنبه شانزدهم آبان ۱۳۸۹؛ اول ذی‌حجه ۱۴۳۱

- نمایش اقوام..... ۱۶۶
- پروژه برج‌های منا و کاهش حضور زائران..... ۱۶۶
- مرهمی بر زخم گرسنگی مسلمانان پاکستان..... ۱۶۷
- روس‌ها به حج می‌آیند..... ۱۶۸
- افغان‌ها از ایران می‌آیند..... ۱۶۸

- ۱۶۹..... مصری‌ها با محدودیت می‌آیند.....
- ۱۶۹..... کارگاه ایران در «سیرالئون».....
- ۱۷۰..... حاجیان ترک آلمانی هم آمدند.....
- ۱۷۰..... حج زنان بدون همراه.....
- ۱۷۱..... پنجاه تن از مقام‌ها بیایند.....
- ۱۷۲..... حاجیان سرزمین‌های اشغالی فلسطین.....
- ۱۷۲..... دیدار با هنرمندان.....

سه‌شنبه هیجدهم آبان ۱۳۸۹؛ سوم ذی‌حجه ۱۴۳۱

- ۱۷۶..... برگزاری همایش اهل سنت.....
- ۱۷۹..... دیدار از ستاد منطقه ۹ هتل «صفوة الجرائد».....
- ۱۸۰..... همایش فرهیختگان.....
- ۱۸۴..... رییس سازمان حج و مشکل از وصال ماندگان.....
- ۱۸۴..... جایزه‌ای برای پزشکان.....
- ۱۸۵..... سوژه‌ای برای ساخت فیلم سینمایی.....
- ۱۸۶..... ادامه سریال هنرمندان.....
- ۱۸۶..... ساعت عجیب بر روی برجی عجیب‌تر.....

چهارشنبه نوزدهم آبان ۱۳۸۹؛ چهارم ذی‌حجه ۱۴۳۱

- ۱۸۸..... فرهنگ حج در معاونت فرهنگی.....
- ۱۹۰..... همایش «تقریب بین المذاهب».....
- ۱۹۳..... دیدارهای مکرر امیرالحاج.....
- ۱۹۳..... دیدار با گروه اعزامی صدا و سیما.....
- ۱۹۵..... دیدار با بعثه عمان.....
- ۱۹۷..... گفت‌وگوهایی از جنس عاطفه.....
- ۱۹۸..... حاجیان بی‌جا و مکان.....

پنج‌شنبه بیستم آبان ۱۳۸۹؛ پنجم ذی‌حجه ۱۴۳۱

- ۱۹۹..... کنفرانس قدس.....
- ۲۰۱..... مردی از پشت میله‌های زندان‌های اسرائیل.....
- ۲۰۳..... جراحی ناقص ترک‌ها.....

- دکتر «محمد نور» از کشور سودان..... ۲۰۵
- دیدار شیخ عبدالکریم عبید..... ۲۰۶
- دیدار با امیرالحاج بیمار..... ۲۰۹
- در محضر آیت الله جوادی آملی..... ۲۱۱
- از فتاوی خودخواهانه تا برنامه ریزی های نادرست..... ۲۱۲
- همایش روحانیون در مکه..... ۲۱۲
- دیدار با کاروان های ایرانیان خارج از کشور..... ۲۱۵
- جلسه مدیران ستاد مکه و مدیران ستادی با امیرالحاج..... ۲۱۸
- دیدار با بعثه بحرین «شیخ عدنان القطان»..... ۲۲۰
- گفت و گویی شنیدنی..... ۲۲۱
- برگزاری مراسم دعای کمیل در بعثه..... ۲۲۳

جمعه بیست و یکم آبان ۱۳۸۹؛ ششم ذی حجه ۱۴۳۱

- همایش اهل بیت (علیهم السلام) در مکه..... ۲۲۵
- قند پارسی در دیدار با امیرالحاج تاجیکستان..... ۲۲۷
- جلسه مدیران کاروان ها با امیرالحاج..... ۲۳۱

یکشنبه بیست و سوم آبان ۱۳۸۹؛ هشتم ذی حجه ۱۴۳۱

- حرکت به سوی عرفات..... ۲۳۴

دوشنبه بیست و چهارم آبان ۱۳۸۹؛ نهم ذی حجه ۱۴۳۱

- روز عرفه؛ مراسم برائت از مشرکان..... ۲۳۵
- مراسم دعای عرفه..... ۲۳۷
- سیستم قربانی در ایام حج..... ۲۳۹
- قربانی و هدایت صحیح آن به وسیله بعثه..... ۲۳۹
- باران روز دهم ذی حجه..... ۲۴۰

چهارشنبه بیست و ششم آبان ۱۳۸۹؛ یازدهم ذی حجه ۱۴۳۱

- تعطل در بهداشت مناطق منا..... ۲۴۲

شنبه بیست و نهم آبان ۱۳۸۹؛ چهاردهم ذی حجه ۱۴۳۱

- بازبینی فعالیت ها در ایام حج..... ۲۴۴

- داستان حمل و نقل و کرایه در مکه..... ۲۴۵
- تحلیل اشکال‌های موجود در بعثه..... ۲۴۵
- بازرسان و حساسیت‌های آنها..... ۲۴۷

یکشنبه سی‌ام آبان ۱۳۸۹؛ پانزدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

- نشست هنرمندان با امیرالحاج..... ۲۵۰
- حج‌نویسی مبنای ماندگاری..... ۲۵۱
- بازیگران فتیله‌ای..... ۲۵۳
- طولانی‌گویی نماینده مجلس..... ۲۵۳

دوشنبه یکم آذر ۱۳۸۹؛ شانزدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

- شرایط من در مذاکره‌های خاص..... ۲۵۵
- موضع‌گیری‌های مشترک کشورهای اسلامی در برابر دشمنان اسلام..... ۲۵۶
- رضایت حجاج از خدمات‌های ارائه شده..... ۲۵۷
- پخش مستقیم دعای کمیل مدینه..... ۲۵۷

سه‌شنبه دوم آذر ۱۳۸۹؛ هفدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

- دیدار با هیئت چینی..... ۲۵۸
- حاشیه‌های اقتصادی جلسه..... ۲۵۹
- دیدار با هیئت فرهنگی - سیاسی افغانستان..... ۲۶۰

چهارشنبه سوم آذر ماه ۱۳۸۹؛ هجدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

- عید غدیر در بعثه..... ۲۶۳
- آغاز میل رفتن و بروز مسائل..... ۲۶۳
- دیدار رییس بعثه فیلیپین از بعثه ایران..... ۲۶۴
- وضعیت مسلمانان فیلیپین..... ۲۶۶
- ما می‌خواهیم برابر سنت پیامبر ﷺ زندگی کنیم..... ۲۶۷

پنج‌شنبه چهارم آذر ۱۳۸۹؛ نوزدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

- آخرین میهمان در بعثه..... ۲۶۹
- معاونت بین‌الملل در تکانه‌ای شفاهی..... ۲۷۱
- تبلیغات ناجوان‌مردانه وهابیت و عکس‌العمل در برابر آن..... ۲۷۲

- آخرین دعای کمیل مکه و مراسم شکرگزاری..... ۲۷۲
- جمعه پنجم آذر ۱۳۸۹؛ بیستم ذی حجه ۱۴۳۱
- آخرین جلسه مدیران بعثه و محاجه با هما..... ۲۷۴
- فوت‌های با اجازه..... ۲۸۱
- موفقیت بزرگ مرکز پزشکی حج..... ۲۸۱
- شنبه ششم آذر ۱۳۸۹؛ بیست و یکم ذی حجه ۱۴۳۱
- بازگشت امیرالحاج به کشور..... ۲۸۳
- یکشنبه هفتم آذر ۱۳۸۹؛ بیست و دوم ذی حجه ۱۴۳۱
- فرصتی برای تنفس در زیارت..... ۲۸۴
- سه‌شنبه نهم آذر ۱۳۸۹؛ بیست و چهارم ذی حجه ۱۴۳۱
- آخرین همایش اهل سنت در قصرالدخیل مدینه..... ۲۸۶
- «مولوی چابهارى» و هم‌بستگی در سایه توحید و قرآن..... ۲۸۷
- یادآوری کلمات «شیخ نجم‌الدین»..... ۲۸۹
- انضباط در بهترین شکل..... ۲۸۹
- میهمان الجزایری بعثه..... ۲۹۲
- خطر در پی خطر..... ۲۹۲
- یکشنبه چهاردهم آذر ۱۳۸۹؛ بیست و نهم ذی حجه ۱۴۳۱
- دیدار از «مسجد عمروی»..... ۲۹۴
- راز محبت به شیخ عمروی و پسرش..... ۲۹۵
- خرمای ساده شیخ کاظم..... ۲۹۵
- نگرانی از وقوع فاجعه‌ای تاریخی..... ۲۹۶
- صد سال تاریخ در حال جان‌دادن..... ۲۹۶
- دوشنبه پانزدهم آذر ۱۳۸۹؛ سی‌ام ذی حجه ۱۴۳۱
- آخرین زیارت پیامبر ﷺ..... ۲۹۸
- آخرین پرواز..... ۲۹۸

مقدمه

مراسم حج سال ۱۳۸۹ ه.ش. سی و یکمین حج برگزار شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و یکی از با شکوه‌ترین و آرام‌ترین مراسم حج سال‌های اخیر بوده است. آنچه که در پیش روی دارید، گزارشی مبسوط از اولین سال مدیریت حج جناب حجت الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر در بعثه مقام معظم رهبری است. در این کتاب که در پی سلسله گزارشات سالیانه‌ای به نام کتاب حج نگاشته شده، تلاش شده است تا با نگاهی از منظر ثبت وقایع و تأکید بر تاریخی نمودن عناصر مختلف و بیان حس و حال و معنویت حاکم به فضای اعمال حج به بیان خدمات گسترده و زحمات بی‌بدیل و بی‌منت اصحاب مدیریت امور حج و زیارت کشور جمهوری اسلامی بپردازد.

تردید نیست که نگارنده چون یک نفر بوده و زاویه‌ی دید محدودی دارد قطعاً نمی‌توانسته همه آنچه که واقع شده است را دیده و گزارش کند و از دوره کوتاه ایام حج نیز نمی‌توان اعتماد و فرصت کافی را برای کشف همه زوایا و ابعاد به دست آورد و انسان را در ثبت پر شکوه‌ترین و عظیم‌ترین مناسک معنوی جهان دچار تحیر می‌کند. تحیری که قلم از توصیف آن ناتوان است و تلاش برای انتقال زوایای آن کم‌ثمر خواهد بود.

نویسنده در این گزارش، علیرغم تنهایی و اذعان به بضاعت مزجاة خود تلاش نمود تا گوشه‌ای از فعالیت‌های بسیار گسترده و شبانه روزی و انصافاً بی‌بدیل مسئولین حج جمهوری اسلامی چه در بعثه مقام معظم رهبری و چه در سازمان حج و زیارت را حتی الامکان به تصویر قلم بیاورد و از زاویه دید خویش این تلاشها را ثبت تاریخی نماید. تردیدی نیست شیوه گزارش نویسنده با شیوه گزارش نویسی‌های اداری ثبت شده دارای تفاوتی اساسی بوده و سعی نموده متن گزارش فعالیت‌های بعثه مقام معظم رهبری و عملیات عظیم مدیریت حج را به صورتی خواندنی روایت نماید تا حتی الامکان در پستوی گزارشات اداری مخفی نماند. اما در این که نویسنده تا چه حد توفیق یافته است زحمات مسئولان را ثبت نماید و جایگاه بزرگان علم و دین را یادآور شود، قضاوتی است که برعهده خوانندگان عزیز است.

کاستی‌ها و کژی‌های موجود در متن بر عهده صاحب این قلم است و کم دیدن‌ها و یا نادیدن‌ها، دلیلی بر نبودن نیست و آن را باید به حساب زاویه دید محدود یک انسان در یک واقعه عظیم گذاشت.

در نهایت، از نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی جناب حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی‌عسکر (زید عزه) در حسن اعتماد به این کمترین در سپارش مسئولیت عظیم نگارش کتاب حج ۱۳۸۹ صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

باشد که خوانندگان و آیندگان از این نوشتار راهی به سوی بخشی از آنچه که در این مراسم عظیم معنوی واقع شده است، پیدا کنند و با ما و همسفرانمان دقایقی را هم‌نفس شوند.

در میان قند زیارت و نقد نگارش

حج‌نویسی تاریخیچه طولانی دارد. نوشتن درباره حج و مراسم آن، با سایر نوشتن‌ها متفاوت است. میان آثار حج‌نویسان نیز تفاوت‌های بسیار وجود دارد؛ از سفرنامه «ناصر خسرو» گرفته تا سفرنامه «دختر فرهاد میرزا»، دل‌نوشته دکتر علی شریعتی، «خسی در میقات» جلال آل احمد، سفرنامه‌های رسول جعفریان، «پرس و جونا» سید علی کاشفی خوانساری، «سفر به قبله» هدایت بهبودی، سفرنامه‌های ابراهیم حسن بیگی، محمد ناصری، اسماعیل شفیع سروستانی و تا «نوشته‌های انقلابی در غربت» مجتبی رحمان‌دوست و کتاب‌های گوناگونی دیگر. در سال‌های اخیر برای حج گزارش‌سالیانه‌ای مکتوب می‌شود به نام «کتاب حج» که ترکیبی است از گزارش‌های نهادهای گوناگون مرتبط به عملیات حج. شاید در میان این گزارش‌ها، خواندنی‌تر از همه، همان کتاب حج سال ۱۳۸۳ آقای «رضا مختاری» باشد؛ هرچند نوشته رضا مختاری هم به‌طور کامل نوشته خود او نیست و بیشتر گردآوری نوشته‌های دیگران است.

نقطه مشترک همه این کتاب‌های حج آن است که کتاب، بر قلم نویسنده جاری نشده و پیوستی از یادداشت‌های ناهمگون گروه‌ها و نویسندگان گوناگون در مجموعه‌ای به نام «کتاب حج» است.

همان‌طور که گفته شد، کتاب حج آقای رضا مختاری از سایر کتاب‌ها قدری

خواندنی‌تر و از بیماری مزمن «رییس پردازی» کمی فارغ‌تر بوده است. وگرنه، کتاب‌های دیگر، فقط حول رفت‌وآمد و ملاقات‌های شخص رییس بعثه مقام معظم رهبری دور می‌زنند و تنها برای یک نگاه و مطالعه نیم ساعته کفایت می‌کنند تا به شرح عملکرد رییس بعثه در حج آن سال پی برده شود. پس اگر نام آنها را «رییس نامه» بگذاریم، پرگرافه نگفته‌ایم. بر همین اساس، به جناب حجت الاسلام و المسلمین قاضی عسکر، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت، قول داده‌ام که از سبک گذشته پیروی نکنم و تنها از ایشان سخن نگویم. البته ایشان با کمال بزرگواری پذیرفت و جالب‌تر اینکه، در کمال تواضع، از من خواست تا نقد و انتقادها را هم مطرح کنم.

نکته جالب توجه دیگر اینکه، من باید این کار بسیار گسترده را به تنهایی به انجام برسانم و گزارش‌های بسیار مهمی که برای تنظیم مطالب نیاز بود را نیز با پی‌گیری‌ها و رفت‌وآمدهای بسیار، یک ماه پس از سفر به صاحب این قلم دادند. البته این مشکل داستانی عجیب دارد که بیشتر از همه، در حج امسال دامن‌گیر من نویسنده بدون نام و نشان و ادعا شده بود؛ زیرا در سال‌های گذشته، متصدیان کتاب حج دست‌کم دو نفر بوده‌اند و طبیعی است که قدرت آنها برای انجام برخی امور بسیار بیشتر بوده است.

اما برقراری ارتباط و هماهنگی‌هایی که برای برگزاری یک گفت‌وگو باید صورت می‌گرفت، به زمانی طولانی نیاز داشت؛ بارها اتفاق می‌افتاد که برای گفت‌وگو با برخی از افراد، باید فرصت بسیاری را صرف می‌کردم و گاهی چون نویسنده را نمی‌شناختند، به هیچ وجه همکاری نکردند و من ناچار شدم همه آنها را دور بزنم و به مطالبی برسم که باید می‌رسیدم. در این میان، انواع و یروس‌های سرماخوردگی و آنفولانزاهای متنوع هم گریبان مرا گرفته و من را ناتوان کرده است. چه روزهایی که با تب و لرز در جلسه‌ها شرکت کردم یا در پی سوژه‌ها دویدم تا آنچه مأموریت ملی و دینی خود در حج می‌دانم را به‌خوبی به انجام برسانم.

از سوی دیگر، مطالب این نوشتار، نه روزشمار نویسی است (هر چند از روند روزشماری نویسی و گزارش لحظه‌ای هم ناگزیریم) و نه سفرنامه شخصی. در همه موارد، خود با مسائل تلخ و شیرین سفر حضور دارم و این در حالی است که من یک ناظر بیرونی از بعثه و سازمان حج هستم که در بسیاری موارد نیز بیماری نقد من که مقدار آن بسیار بیشتر از بیماری قند من است، به میان می‌آید. قلم منتقد من ممکن است بسیاری را بیازارد، هر چند که در گذشته نیز بسیاری را آزرده و همان افراد، اکنون به دوستان بسیار صمیمی‌ام بدل شده‌اند.

مطالبی که در مورد ابعاد حج و برنامه‌های آن در بعثه و سازمان حج و عملکرد رییس محترم بعثه مقام معظم رهبری و حوادث مربوط به آن نوشته می‌شود، باید خواندنی باشد. علاوه بر این، صاحب اثر باید به نقد نوشته خود نیز به اندازه کافی توجه داشته باشد که بی‌شک، به‌طور جدی در آینده بازخوانی و بررسی خواهد شد. بنابراین، لشکرنویسی سپاه سپیدپوش توحیدی برای این حقیر، فراتر از طاقت است و دست من هم کوتاه و خرمای وصل بر نخیل آرزوهاست.

برای رسیدن به این آرزو، شب‌های طولانی بسیاری را بیدار ماندم و تمام همت و توجه خود را صرف نگارش این کتاب کردم تا شاید بتوانم حتی برای لحظه‌ای به خانه دوست و محبت او نزدیک‌تر شوم.

آغاز حج با دیدار دوست

هجدهم مهر سال ۱۳۸۹، دوم ذی‌قعدة سال ۱۴۳۱ ق است. روز گذشته سالروز ولادت باشکوه‌ترین دختر از اهل بیت پیامبر ﷺ حضرت فاطمه معصومه عليها السلام بود. مدتی است که اذان حج را سر داده‌اند. بسیاری در تکاپوی تدارک بزرگ‌ترین سفر در عمر خود هستند؛ سفری که با هیچ چیز مانند نمی‌شود. خانواده‌ها در تلاش برای بهتر برگزار کردن حج برای حاجی خود هستند. نبض بیش از صد هزار زائر مشتاق به گذر روزها و لحظه‌ها و در انتظار سفر می‌زند. قلب‌ها، برای رسیدن به خانه دوست پر می‌کشد و چه چشم‌هایی که اشک می‌ریزند. این روزها در ایران حال و هوای دیگری است و همه دستگاه‌های کشور در تدارک این سفر بسیار گسترده و عظیم و حساس‌اند که آبرومند و بی حادثه برگزار شود. همه تلاش‌ها در مسیری پرتکاپو به انجام رسید و بسیاری باید در ادامه به انجام رسیده و به ثمر بنشینند؛ پس برای کلید زدن رسمی این مراسم بزرگ، باید از محضر بزرگ‌امت کسب اجازت کرد.

همه باید بیایند. من هم آمدم. اما این بار از همه زودتر؛ از ساعت هشت صبح؛ دو ساعتی نشستم و آمدن بسیاری را تک‌تک و دسته جمعی نظاره‌گر بودم. حالا همه آمده بودند؛ از مردم عادی که قرار است کارگزاران حج باشند، تا بستگان و خانواده‌هایشان، تا وزیر کشور، آقای «مصطفی محمد نجار»، وزیر ارشاد آقای «سید محمد حسینی» و

نماینده مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت «حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای قاضی عسکر»، فرمانده نیروی انتظامی، مسئولان دفتر مقام معظم رهبری، «منوچهر متکی» وزیر امور خارجه، تا حضرات آقایان «مهدی هادوی تهرانی» و «حسینی بوشهری» و «قمی» و بسیاری از علمای اهل تشیع و تسنن، همه با هم آمده‌اند.

دو مداح برای مداحی عازم‌اند. هنگامی که آقای «حسن باقری» «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» را سر می‌دهد، همگان احساس می‌کنند واقعاً حج آغاز شده است! دقایقی می‌گذرد. حضرت آقا می‌آید؛ قامت استوار و هیبت معنوی حضرت آقا، انصافاً گیرایی عجیبی دارد. آرام و با احترام به جمعیت، بر صندلی می‌نشیند. نگاهش را تقسیم می‌کند، اما گویی پلک نمی‌زند.

قرائت قاری آقای «حامد شاکر نژاد» که آیه‌های بسیار مناسب حالی را برگزیده، هیجان معنوی جمع را بالا می‌برد: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (بقره: ۱۲۷).

گویی هم‌اکنون حضرت ابراهیم علیه السلام به همراه حضرت اسماعیل علیه السلام در حال چیدن دیوار خانه کعبه‌اند و صدای نفس زدن‌های آن پدر و پسر به هنگام حمل سنگ‌های سنگین شنیده می‌شود. قرائت قاری بسیار زیبا و حساب شده بود، حتی حضرت آقا هم در لحظه‌هایی ابراز احساسات می‌کند. آیه‌های قرآن، همانند نسیم صبحگاهی بود که جمعیت متراکم درون حسینیه را به حرکت درآورده بود. گویی همه در برابر آیه‌های الهی و قرائت زیبای آن مسحور شده‌اند.

لحظه‌ای احساس می‌کنم که خداوند دوباره عبد آبق (فراری) خود را خوانده و اجازه نداده بیشتر بگریزد. شاید همگان در این لحظه چنین احساسی داشتند.

اندکی بعد، حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر بر می‌خیزند، پشت تریبون می‌روند، از حضرت آقا اجازه می‌گیرند و شروع به سخنرانی می‌کنند.

ایشان گزارش خود را از ابتدای هفته حج، آغاز می‌کند و از تحول در مدیریت حج و اقدام‌هایی که برای چابک‌سازی ساختار حج به انجام رسانده، از تغییر معاونت‌ها از پنج معاونت به سه معاونت و کاهش سطوح مدیریتی و ابلاغ جدید ساختار مدیریت‌ها که از دغدغه‌های مقام معظم رهبری بوده است، سخن می‌راند و از سند چشم‌انداز و نظام جامع حج و ایجاد کانون اندیشه و تولید فکر و علم برای استفاده از فرصت‌های جدید می‌گوید.

همچنین ایشان به یک‌شغله شدن مدیران حج اشاره می‌کند؛ مدیرانی که تمام وقت در خدمت بعثه و سازمان هستند.

بعثه به‌وسیله نظام گزینش جدید در میان روحانیون کاروان‌ها، معین‌ها و معینه‌ها، تلاش کرده تا خون تازه‌ای در رگ‌های آموزش روحانیون جاری سازد. ایشان در این مورد، این‌گونه توضیح می‌دهد:

«طبق آمار، همه‌ساله دو میلیون و پانصد هزار نفر در کشور به زیارت حج و عمره، عتبات و سوریه مشرف می‌شوند و اگر هر نفر از اینها، تنها با چهار نفر در ارتباط باشد، به‌طور طبیعی ۱۰ میلیون نفر در کشور تحت تأثیر آموزش‌های بعثه و فعالیت‌های فرهنگی امور حج قرار می‌گیرند. بنابراین، توجه به امر آموزش روحانیون، کارگزاران و زائران، یکی از همت‌های اصلی ماست و بخش آموزش مجازی و دیجیتال هم یکی از بخش‌های درخور توجه است که بیش از ۹۰ درصد آن در دسترس همگان قرار دارد.

تلاش دیگر انجام شده، تصویب رشته تخصصی حج در سطح سه حوزه (کارشناسی ارشد) است که زمینه پژوهش‌های وسیع‌تر و عمیق‌تر را در امور حج فراهم می‌سازد.

گسترش همکاری‌های بین‌المللی، به‌ویژه با کشورهای «ترکیه»، «الجزایر»، «عراق»، «لبنان» و «تانزانیا» و برگزاری سه همایش مهم به میزبانی وزیر شئون دینی و امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری نیز از دیگر فعالیت‌های بعثه بوده است.

توجه به پژوهش و تولید سه فصل نامه («میقات حج فارسی»، «میقات الحج عربی» و «فرهنگ زیارت»)، حدود یکصد جلد کتاب و اثر جدید که از حج گذشته به چاپ رسیده است و اقدام برای تدوین دائرة المعارف حج و موسوعه پاسخ به شبهات، از تلاش‌های در حال انجام بعثه است.

برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری بهتر از قرآن کریم در ایام زیارت و چاپ قرآن کریم به تعداد حجاج جهت اهدا، اقدام گسترده بعثه در جهت ایجاد ارتباط بیشتر حجاج با قرآن بوده است.

همه این فعالیت‌ها تنها در سایه حاکم ساختن فضای هم‌دلی در بعثه و سازمان و پرهیز از غوغا سالاری میسر خواهد بود. سامان دادن امر عمره، فرهنگ سازی در موضوع خرید سوغات، تلاش برای انتقال هزینه‌های اضافی و غیر مفید جهت مصرف در امر مدرسه سازی و کمک به سیل زدگان پاکستان همت مشترک بعثه و سازمان بوده است.

در همین موقع، منوچهر متکی وزیر خارجه، آرام و با عذرخواهی از بین آقایان کنار دیوار برمی‌خیزد و به سرعت از در ویژه میهمانان و مقامات خارج می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در پایان سخنرانی خود به تمرکز زدایی و واگذاری امور بیشتر به استان‌ها و برگزاری کنگره حج و حقوق بین‌الملل اشاره داشت.

آقای «علی لیالی» سخنران دیگری است که به‌عنوان رییس جدید سازمان حج پشت تریبون می‌رود و از حضرت آقا برای بیان سخنان و ارائه گزارش اجازه می‌طلبد و حضرت آقا با لبخند همیشگی و تکان دادن سر به احترام و گفتن: «بفرمایید» به ایشان اجازه می‌دهند.

آقای لیالی که به نظر می‌رسد در معرض هیبت حضور قرار گرفته، چنین آغاز می‌کند: «سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان حج، حسب فرمایشات مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهوری، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و نماینده محترم حضرت‌عالی

در امور حج و زیارت، تدوین و اجرا می‌شود و صحنه عملیات سازمان حج سه کشور: «عربستان سعودی»، «عراق» و «سوریه» است و این سازمان، با انجام امور مربوط به سفر دو و نیم میلیون نفر، ضامن اجرای سالم اعمال و سالم ماندن زوار از گزندهای سفر و تلاش در امر خدمت‌رسانی است که در سایه همکاری و همدلی با بعثه مقام معظم رهبری و جناب آقای قاضی عسکر میسر است».

تعارف‌ها و احترام سیاسی آقای لیالی، با تشکر از همکاری دستگاه دیپلماسی وزارت امور خارجه، وزارت کشور، بهداشت، نیروی انتظامی، بانک مرکزی، صدا و سیما و کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ادامه پیدا می‌کند.

عمل به «شعار «ریاضت انتخابی و رفاه نسبی» در ایام سفر از برنامه‌های سازمان حج است. ما در سال جاری حدود ۷۰۰ نفر از نیروها را کاهش دادیم و کمی هم به سهمیه حج افزوده شده است. همچنین توانسته‌ایم ۲۹ قلم از اقلام مورد نیاز را از داخل کشور تهیه کرده و به کشور عربستان انتقال دهیم و در ۲۹ مهر ماه، اولین گروه از حجاج عازم مدینه منوره خواهند شد».

به دنبال این گزارش عملیاتی، آقای «دکتر سید محمد حسینی»، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تنه به تنه فلسفه نویسان حج زد و به سخنرانی پرداخت. باید ثابت می‌شد که می‌تواند از فلسفه حج هم بگوید و رهنمود هم بدهد. او چنین از روی نوشته‌ای می‌خواند: «حج همایش عالم ذر است و اگر این سفر منافع معنوی حج محمدی ﷺ را ایفاد کند، آن‌گونه که مطمح نظر امام ﷺ و چشم انداز جناب‌عالی است، بی‌گمان از «صلح حدیبیه» امروزی خبری نخواهد بود.

اصرار پیامبر ﷺ بر اجرای حج در سخت‌ترین شرایط، نمایش «یدالله مع الجماعه»، تجلی قرآن در حج در مراسم برائت از مشرکان است و آمادگی برای قطع و وصل همراهی با نظام حقیقت از دیگر شئون حج است. حجاج سفرای دوجانبه هستند و

منش مکرمت آمیز آنها، تأثیر مستقیمی بر قلوب مسلمانان دارد.

رعایت عظمت و کرامت سرزمین وحی و زادگاه امیرمؤمنان علیه السلام و مدینه منوره‌ای که جای جای آن، خانه فاطمه علیها السلام است، برهمگان فرض است».

آقای حسینی از حضرت آقا درخواست می‌کند که چون بیشتر حجاج امسال، افرادی مسن هستند و کار حج امسال، بسیار دشوارتر از سال‌های گذشته است، به حجاج و کارگزاران تکلیف کنند که صبر و متانت و تحمل را پیشه خود سازند.

آقای حسینی، با سپاس‌گزاری از فتوای آقا، در حرمت و منع توهین به مقدسات اهل سنت - که موجب شادمانی علمای اهل سنت هم شد - به سخنان خود پایان داد. البته این جمله وزیر ارشاد، با تأیید و صدای تکبیر مردم همراه شد.

گل جلسه، آغاز سخنان حضرت آقا بود و گل سخنان حضرت آقا، درخواست متضرعانه از خداوند متعال که توفیق دهد تا این حرکت عظیم یکپارچه امت اسلامی، سالم، کامل و بی‌عیب باشد و آثار و برکات آن همه اقشار مسلمان را در برگیرد.

حضرت آقا فرمودند: «همه این سرفصل‌ها که آقایان فرمودند مهم است، لکن نکته اینجاست که مدیران و مسئولان، آنچه تدبیر کرده‌اند، در عمل انجام گیرد و تحقق پیدا کند». حضرت آقا که خوب می‌داند چگونه باید از مسئولان تلاش و همت بیشتر را مطالبه کند، می‌فرماید:

«طراحی، نیمی از قضیه است؛ نیم دیگر، اجرای کامل است و لازم است خروجی کار ملاحظه شود و در کیفیت اجرا و نقص و عیب، با چشم تیزبین مشاهده شود.

چرا تأکید می‌کنیم؟ چون حج فریضه‌ای مهم و در قلّه اهتمام شارع مقدس است. از تأثیرات داخلی و بین‌المللی آن، درهم شکستن روحیه دشمن و آشکارکردن وحدت امت اسلامی است. الان مثل جنگ احزاب، دشمن در مقابل اسلام آمده است، به دقت موشکافی می‌کنند تا نقطه ضعف را پیدا کنند و از نقاط ضعف وارد شوند و یکی

از این نقاط ضعف اختلاف در میان امت اسلامی است که سعی می‌کنند آنها را برجسته کنند. الان در دو طرف، به دو گرایش دامن می‌زنند؛ در طرف شیعه، به گرایش قرمطی دامن می‌زنند و در طرف تسنن، به گرایش ناصبی‌گری و سعی می‌کنند تا آنها را در مقابل یکدیگر قرار دهند.

دنایای اسلام به تفاهم و همدلی و همکاری نیاز دارد و حج، مظهر اتحاد و تفاهم و گفت‌وگو است.

من هم از زائران عزیز می‌خواهم هزینه‌های زائد را کم کنند، به قیمت غم‌گساری از سیل زدگان پاکستان و این پیش خدا خیلی اجر دارد.

امروز خیلی باید مراقب باشیم و اگر مراقب نباشیم، اسلام سیلی می‌خورد. حج را باید درست برگزار کرد. در طول این ۳۰ سال خوب بوده، اما از این به بعد، باید بهتر باشد».

جلسه با برخاستن آقا و ابراز احساسات حاضران پایان یافت. حال و احوال‌پرسی دوستان از همدیگر که پس از مدتی همدیگر را یافته بودند، آغاز شد. اما نکته جالب آن بود که بسیاری (از جمله خودم)، جدا جدا، سراغ آقای شاکرنژاد، قاری برجسته قرآن می‌رفتند و از او به خاطر قرائت اثرگذارش سپاس‌گزاری می‌کردند.

یکشنبه دوم آبان ۱۳۸۹؛ شانزدهم ذی قعدة ۱۴۳۱

تنها من انگشت نگاری نمی شوم

روز دوم آبان ماه سال ۱۳۸۹ با ترافیک کاری بسیاری همراه است. از ساعت شش صبح تا هفت شب در تکاپو بودم، تا بعضی از کارهای بر جای مانده را سروسامان دهم. در راه رسیدن به فرودگاه، ترافیک بسیار سنگین است همین سبب شد تا نیم ساعت دیرتر از موعد مقرر که ساعت ۸:۳۰ شب بود، به فرودگاه برسم، هرچند هواپیمای سعودی شماره (۵۱۴۷) مقرر شد ساعت ۹:۵۵ پرواز کند.

محوطه ترمینال (۳) «فرودگاه مهرآباد» بسیار شلوغ است. زائران حج و همراهانشان محوطه و حیاط ترمینال را پر کرده‌اند. به محض ورود به محوطه داخل فرودگاه، یکی از آقایان کارگزار مرا با یکی از دوستانش اشتباه گرفت و شروع کرد به روبوسی. می دانم او را جایی ندیده‌ام، ولی او اصرار دارد که مرا بسیار دیده است. من که قرار بود با امیرالحاج ایران، حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی عسکر هم سفر باشم، از طریق مسئول اعزام فهمیدم حاج آقا زودتر از ما به مدینه رسیده‌اند و همسفری برای یادداشت گزارش، رفیق راه نشده است. در پی آن، با خانواده و فرزندان برای بار آخر خداحافظی کردم و همراه با زائران بعثه، وارد سالن مخصوص مسافران می شوم؛ جایی که برگشت از آن کمی با زحمت همراه است. جمعیت بسیاری در انتظار پرواز هستند، کارها با تأخیر انجام می گیرد.

هنگامی که بازرسی شروع می‌شود، متوجه می‌شوم بازرسی بسیار سختی در حال جریان است: «کفش‌ها را از پا در آورید و داخل دستگاه بگذارید و پا برهنه وارد گیشه بازرسی شوید. هرچه دارید، در قسمت ورودی سیستم بازرسی الکترونیکی تخلیه کنید». به نظر نمی‌رسد این بازرسی شدید به دلیل خطر حمل تجهیزات احتمالی ضد امنیتی باشد. منطق این بازرسی با منطق نگرانی از احتمال جابه‌جایی اشیائی مانند: مواد مخدر و تریاک بیشتر هماهنگ است؛ چون بازرسی با لمس شدید بدنی و در همه اجزای بدن همراه است.

مدتی گذشت تا وارد هواپیما شدیم؛ هواپیمای پهن‌پیکر «بوئینگ ۷۴۷» عربستان به همراه خدمه فیلیپینی و تایلندی. ساعت ده شب است. هر کس بر روی یک صندلی می‌نشیند. دوست جدید یافته‌ام. او هم مرا به یک صندلی اختصاصی راهنمایی می‌کند، آن هم در انتهای هواپیما.

ساعت نزدیک ۲۳:۴۵ شب است. هواپیما آماده حرکت می‌شود. از مشکلات این هواپیماها، نداشتن هرگونه ارتباط کلامی با مسافران است. هیچ‌کدام از توصیه‌های مهمانداران و خلبان برای مسافران مفهوم نیست و موقع خطر و توصیه‌های امنیتی، حضور مترجم در این‌گونه هواپیماها بسیار ضروری است؛ زیرا بیشتر زائران، زبان عربی یا انگلیسی آن هم با لهجه فیلیپینی نمی‌دانند و لازم است به شرکت‌های هواپیمایی سعودی تکلیف شود تا از مهمانداران ایرانی بهره‌گیرند.

از سوی دیگر، کم‌حجابی مهمانداران در همان برخورد اول، برای زائر خانه خدا کمی زننده است، همچنین می‌توان تکلیف کرد که برای غذای مسیر رفت زائران، از غذاهای ایرانی استفاده کنند؛ چراکه بسیاری از زائران با بی‌میلی از این غذاها می‌خورند. هواپیما آرام آرام برمی‌خیزد. به یاد جمله معروف مرحوم «ملاصدرا شیرازی» می‌افتم که می‌گوید: موجودات در عالم هستی نسبت به ذات واجب الوجود، همانند آویختگی‌های روی سقف‌اند و اگر «حکیم شیراز» الان همراه ما بود، شاید به جای

آویختگی روی سقف، سوار شدن بر هواپیما را مثال می‌زد که همه هستی مادی انسان از جزء و کل، به این هواپیما آویزان است و هزاران علت و معلول باید در کنار یکدیگر درست عمل کنند تا هستی انسان مسافر ادامه پیدا کند و اینجاست که انسان به مفهوم این آیه پی می‌برد که: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر: ۱۵).

در هر صورت خوابم نمی‌برد. سؤال‌های بسیاری در ذهنم شکل می‌گیرد. جمعیت مشتاقی که در راه سفر وصل هستند و هزاران نفری که پشت سر اینان به درد هجر مبتلایند! شاید لحظه خداحافظی، دو اشتیاق بسیار دیدنی باشد: اشتیاق مسافری که او را به خانه معبود راه داده‌اند. او می‌داند که وعده وصل، تحقق پیدا کرده و می‌خواهد سبکبال شود و پرواز کند. اما آن دیگری که استطاعت و فرصت پیدا نکرده، در آهی عمیق از ناتوانستن در راه رسیدن به دوست، در التهاب عشق به دیدار می‌گذارد.

شب از نیمه گذشته است، چهره مشتاق آنهایی که نمی‌توانند و یا نتوانستند به این سفر مشرف شوند را به خاطر می‌آورم. سؤال اینجاست اگر عمل حج در استطاعت توانایان است، می‌توان پذیرفت که عشق به حج و اشتیاق وصل از آن ناتوانایان است؛ به کسانی که آه اشتیاقشان به شکلی دیگر معنا پیدا می‌کند؛ به همان آهی که می‌تواند راه‌های بسیاری را باز کند و گره‌ها بگشاید؛ آهی که برمی‌انگیزد، به حرکت درمی‌آورد، امید می‌سازد و راه می‌نماید.

فراموش نمی‌کنم نخستین باری را که به این حالت مبتلا شدم. طلبه سال سوم حوزه و در عنفوان جوانی بودم. دوستی از طلبه‌ها که چندبار به حج رفته بود، چنان با اشتیاق از زیارت حرم نبوی ﷺ و بیت الله الحرام می‌گفت که همه از اشتیاق آه می‌کشیدند. من به‌خوبی آن لحظه را به‌خاطر دارم؛ به‌گونه‌ای که با گذشت ۲۴ سال از آن روز، هنوز آن آه اشتیاق کهنه نشده است. همان احساس را این روزها در چهره بسیاری از کسانی که به این زودی‌ها امیدی به زیارت ندارند، می‌بینم و این آه عاشقانه است که انسان را در

این مسیر به حرکت درمی‌آورد و قطار عمر را بر روی ریل محبت وصل قرار می‌دهد. هواپیمای غول پیکر همچنان در پرواز بود. تصویر مردها از پشت سر که بر روی صندلی‌ها نشسته بودند، بسیار جالب است؟! سرهای طاس با موهای کاملاً سفید در بیشتر صندلی‌ها به چشم می‌خورد و این بدین معناست که بیشتر این جمعیت در سنین پیری و کهن‌سالی هستند و البته هم بانوانشان و جالب‌تر نوع همراهی بانوان با شوهرانشان است؛ در نگاه و رفتارشان نوعی تشکر عمیق از شوهرانشان حس می‌شود؛ سپاس‌گزاری از آنچه این روزها نصیبشان می‌شود و آن را محصول عمری زحمت در زندگی مشترک می‌دانند. نکته جالب توجه زیارت حج، احساس عمیق سپاس‌گزاری در پذیرش زحمت‌های متقابل زناشویی است و این ابراز احساسات بیشتر از سوی بانوان صورت می‌گیرد که این تأثیر بسیاری در تعمیق زندگی‌های خانوادگی پس از سفر حج دارد.

از جالب‌ترین موضوع‌های قابل توجه و پژوهش در ایران در سال‌های اخیر، حجم بالایی از ثبت مورد حج، اعم از عمره و تمتع در مهریه زوج‌های جوان است و از این طریق، حج، اعم از عمره و تمتع، به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی کابین ازدواج قید می‌شود؛ وصال معشوق و همسر با شرط رساندن به وصال دوست در خانه دوست.

خلبان هواپیما اعلام می‌کند که به زودی در فرودگاه «مدینه» خواهیم نشست. لحظه‌های بسیار خوشی است و انسان به یاد سفرهای اتوبوسی قدیم به مشهد مقدس می‌افتد که وقتی گنبد طلایی امام هشتم علیه السلام را برای نخستین بار می‌دیدند، دسته جمعی صلوات می‌فرستادند. دورنمای شهر مدینه معلوم شد. شهر غرق در نور آفتابی رنگ است. در این میان، قطعه‌ای است که با نور مهتابی و سبز در هم آمیخته شده است. کاملاً مشخص است که آنجا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله است. باید توجه کرد که اینجا سرزمین وحی و مأمّن پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است و آداب و مقتضیات خود را دارد.

دو ساعت از نیمه شب گذشته است. هواپیمای شرکت «ویر» با تأخیر دره‌ایش را

می‌گشاید و انبوه مسافران را پیاده می‌کند. وقتی به گیت بازرسی رسیدیم، جمعیت در آن موج می‌زد. فرودگاه به ظاهر در حال تعمیر است. به همین علت، گیت‌های بازرسی کم شده و مردم در گیت‌ها خیلی معطل می‌شوند. بیش از یک ساعت و نیم در گیت معطل و سر پا ماندیم؛ چراکه بازرسی دیدار بسیار سخت شده است. از وسایل همراه بازرسی آنچنانی نمی‌کنند. اما از افراد اثر انگشت‌های گوناگون می‌گیرند؛ اثر انگشت شست و انگشت‌های نشانه و سبابه. بعد هم عکس و تطبیق آن، من که از غوغای کارهای روزهای آخر، به‌کل فراموش کرده بودم واکسن بزنم و کارت واکسن را بیاورم، سخت نگران این موضوع و البته حساسیت سعودی‌ها به اخبار مربوط به خودشان بودم؛ چراکه من بارها در محافل گوناگونی در مورد وهابیت، مدارس علمیه آنها و حلقه‌های وصلشان با طالبان و القاعده و تروریسم، بحث‌های گوناگونی داشتم و مطالب بسیاری در این مورد در سایت‌های خبری آمده بود.

جالب اینکه، تا قبل از من، از بیشتر دوستان، جز پیرمردهای بسیار مسن هم انگشت‌نگاری کردند و هم عکس گرفتند. اما وقتی من جلوی گیشه بازرسی رسیدم، خیلی هم تظاهر به دوستی و آشنایی نکردم. مأمور به پاسپورت من نگاهی کرد و بعد آن را به دستم داد. با تعجب به او نگاه می‌کردم و بی‌حرکت ایستاده بودم. اصلاً متوجه نشدم چرا از من بازرسی و انگشت‌نگاری نشد. آن را به‌هرحال، به حساب خوش‌یمنی بیش از پیش این سفر مبارک می‌گذارم. با خوشحالی از گیت خارج شدم. آنها به‌جای واکسن، یک قرص «سیپروفلوکساسین» به من دادند. همه چیز به خوشی در حال گذر بود، تا اینکه، نوبت به تحویل ساک و وسایل رسید و ساک و وسایل همه دوستان به دستشان رسید، جز من. تمامی اصحاب بعثه در اتوبوس منتظر من بودند. ولی من ناامید از پیدا کردن ساک و دست خالی و نگران به بعثه آمدم. هیچ چیزی به‌همراه ندارم. و به‌ظاهر، یک حاجی کم دقت ساک مرا به‌جای ساک خود برده و ما باید در انتظار رسیدن آن بشینیم.

دوشنبه سوم آبان ۱۳۸۹؛ هفدهم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

بازگشت دوباره به «قصر الدخیل»

«قصر الدخیل» یادآور روزهای رؤیایی من و هر حاجی دیگری در بعثه بوده است. جالب اینکه، حکایت از زودتر رسیدن حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر و آقای لیالی و همراهانش دارد. آنها در عصر روز یکشنبه دوم آبان به مدینه رسیده بودند. تصویر ورود آقایان در روزنامه «زائر»، که با بدرقه آقای «محمدی گلپایگانی»، رئیس دفتر مقام معظم رهبری و با استقبال مقام‌های سعودی و سفیر ایران در عربستان همراه بوده، تیتراژ شده است.

جالب این است که حاج آقای قاضی عسکر، شعار حج سال ۱۴۳۱ق را شعار «هم‌بستگی، بیداری و مسئولیت اسلامی» اعلام کرده بود: «حج تمتع امسال، با دست‌مایه قرار دادن شعار وحدت، بیداری و مسئولیت اسلامی برپا می‌شود و دستور کار جدی حج امسال، اقتدار امت اسلامی خواهد بود که برگرفته از افکار امام راحل است».

حاج آقای قاضی، به‌خوبی توجه دارد که مسلمانان از فتنه قرآن‌سوزی کشیش دیوانه آمریکایی، «تری جونز» ناراحت و خشمگین‌اند و این بیماری روحی و اخلاقی حاکم بر اندیشه‌های اسلام‌ستیزانه غرب تا چه اندازه مسلمانان را آزرده است. از این‌رو، درباره فتنه سازی‌های قرآن‌سوزانه می‌گوید:

یکی از این فتنه‌ها، قرآن‌سوزی بود که با موضع‌گیری مسئولان جهان اسلام، به‌ویژه مقام معظم رهبری و سپس، حمایت مسلمانان کشورهای مختلف این توطئه‌ها خنثی شد.

این خبری بود که خبرگزاری «ایرنا» روز سوم آبان ۱۳۸۹ روی برد خبری خود گذاشته بود. با این وجود، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به مسئله بسیار مهم دیگری اشاره دارد و آن برنامه جدی ایران، برای ارسال گوسفندهای قربانی شده برای سیل‌زدگان پاکستان است و این کاری است که با هماهنگی سازمان حج جمهوری اسلامی، کمیته امداد و وزارت حج عربستان برای فرستادن یکصد هزار قربانی به پاکستان صورت گرفته است. ایرنا از قول حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، از بهبود روابط ایران و عربستان می‌گوید و از نیابتش در حج به جای همه ایرانیان.

اما جالب‌تر آمدن حاجیان روسی به مکه است که بیشتر علاقمندند با ماشین به مکه برسند و حجاجی زمینی را تجربه کنند. امسال ۲۰۵۰۰ نفر از حاجیان روس می‌آیند. بیشتر آنها از «جمهوری داغستان» هستند که طی سال‌های اخیر، به دلیل مسلمان بودن به هزاران وسیله، از گلوله و بمباران و ترور و قتل عام داغ شده‌اند. نام این جمهوری مسلمان‌نشین، به حق داغستان است؛ پر از داغ هزاران جوان مسلمان.

نخستین شور شورای برنامه‌ریزی بعثه

نخستین جلسه شورای برنامه‌ریزی و هماهنگی بعثه مقام معظم رهبری، روز دوشنبه در محل اتاق جلسه‌های بعثه تشکیل می‌شود. حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر نماینده محترم ولی فقیه، آقای علی لیالی رییس سازمان حج و زیارت به‌همراه مدیران بخش‌های گوناگون و سازمان به جلسه می‌آیند.

تلاوت قرآن، آغازگر برنامه نخستین جلسه شورای برنامه‌ریزی است. آقای «مسعود مجردی» که مسئول ستاد مدینه است، درباره روند مسائل آغازین ورود زائران به مدینه توضیح می‌دهد و می‌گوید:

زائران در فرودگاه مدینه با مسائل بسیاری روبه‌رو هستند و این مشکل، ناشی از تغییرها و تعمیرها در سالن‌های فرودگاه مدینه است و به‌ظاهر، آقایان در معطل کردن حجاج نیت بدی ندارند. اما انگشت‌نگاری از زوار زن از جمله مسائلی بود که بی‌درنگ پی‌گیری کردیم که سرانجام با برقراری تماس و مکاتبه با وزیر حج عربستان سعودی به نتیجه رسیدیم؛ تا جایی که دیگر از زائران زن انگشت‌نگاری نمی‌شود.

واحد تدارکات ستاد مدینه هم از نخستین روز استقرار در مدینه النبوی ﷺ فعالیت خود را آغاز کرد و مدیران کاروان‌ها تمام ۱۹ قلم کالای مورد نیاز خود را تحویل می‌گیرند و آب آشامیدنی مورد نیاز کاروان‌ها نیز در اختیارشان قرار گرفته است و تاکنون هم در طبخ غذا دچار مشکل نبوده‌ایم.

به همین ترتیب، گفت‌وگو ادامه می‌یابد.

تازه سه روز است که زائران آمده‌اند. یک زائر ۶۹ ساله از کاروانی از استان تهران، به دلیل ایست قلبی از دنیا رفت و خانواده‌اش نیز مجوز دفن او را در قبرستان بقیع اعلام کردند. گرفتاری جدی‌ای که درحال حاضر ستاد با آن درگیر است، مسئله تخلیه هتل‌ها از زائران خارجی دیگری است که رعایت زمان آغاز اجاره زائران ایرانی را نمی‌کنند و در موعد مقرر خارج نمی‌شوند و این سبب می‌شود که زائران در لابی هتل، تا زمان خروج آنها منتظر بمانند.

«دکتر جمشیدی» رییس هیئت پزشکی حج در مدینه، به شرح فعالیت‌های چند روز نخست دوستانش می‌پردازد؛ چه اینکه آنها از روز ۲۵ مهر و چند روز زودتر از زائران به مدینه آمده بودند و از روز ۲۸ مهر آماده به خدمت بوده‌اند. کلینیک‌های تخصصی در بیمارستان تقریباً راه‌اندازی شده‌اند و تا امروز، ۱۴۰ مورد مراجعه به بیمارستان صورت گرفته است. سرکشی به کاروان‌ها از همان ابتدا در دستور کار هیئت پزشکی بوده و سیستم ارجاع بیماران که از طریق پزشک کاروان به بیمارستان منتقل می‌شوند، فعال است. «آقای رسولی محلاتی» که سفیر جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی است،

خبر از اعلام همکاری حداکثری مسئولان عربستان با جمهوری اسلامی و بعثه، در برگزاری حج می‌دهد. اما در نهایت، مشخص می‌شود که همکاری حداکثری بدین معنا بوده که مراسم برائت از مشرکان باید در چادرهای عرفات برگزار شود؛ آن هم خیمه‌های حجاج ایرانی و دیگر آنکه وزیر کشور عربستان از رفت و آمد حجاج و زائران خارجی به بعثه ایران، انتقاد و اعلام نارضایتی کرده است.

«مسجدالحرام»، «قبرستان بقیع» و «مسجد قبا» الهام‌بخش‌اند. اما مسئولان فرهنگی روز کشور به این موضوع توجهی ندارند و با لطافت انتقاد می‌کنند. «مصطفی محدثی خراسانی» هم که با ما در روزنامه «زائر» هم‌سفر بود، در ایام حج، هم‌اتاق شب‌های مدینه و مکه ما شده بود. یادداشت‌های ادبی او در روزنامه «زائر»، به نام «طنین کوه»، به چاپ رسید. او می‌گوید:

جهان امروز در عرصه مسائل فرهنگی است و درباره موضوع مهمی چون مراسم حج، حرف‌های زیادی برای گفتن وجود دارد، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی و طرح دیدگاه‌های حضرت امام خمینی علیه‌السلام که در ایران و جهان طرف‌داران بسیاری دارد و لزوم توجه به آن بیش از پیش شده است.

هنگامی که این یادداشت‌ها را می‌خوانم، می‌دانم امسال بار سنگینی بر دوش من افتاده است؛ چه اینکه من بین سفرنامه نویسی و ثبت خاطره‌ها و روزشمارنویسی و گزارش عملکرد بعثه و یک متن خواندنی و ماندگار باید سخت تلاش کنم؛ امسال سال تلاش مضاعف و همت مضاعف است و من باید به تنهایی این وظیفه را بر دوش بکشم.

قرآنیان در مدینه

خواندن قرآن در مدینه به‌عنوان کلام وحی، حال و هوایی دیگر دارد. اما شیرین‌تر از آن، شنیدن قرآن است، آن هم با صدای بهترین قاریان و در حال و هوایی که با بریده شدن از اغلب اغیار همراه است.

کاروان این قاریان را «کاروان نور» نامیده‌اند. «محمدتقی میرزاجانی» سرپرست آنهاست. نخستین قاری «ابوالفضل قدیانی» در بعثه به تخت قرائت می‌نشیند و «علیرضا سلطانی اقدم» در مسجد شیعیان صوت ملکوتی برمی‌انگیزد و به همین صورت، قاریان دیگری مانند: جناب «حجت الاسلام شجاع» و «سید مصطفی جوادی» و «حامد شاکرنژاد» در هتل‌ها و مساجد به قرائت قرآن می‌نشینند و هیجان و سماع و استماع در می‌افکنند.

اما خبر پلیس ایران درباره دستگیری‌های حاجیان و زائران آزار دهنده است؛ خبرگزاری «آفتاب» اعلام کرد که ۴۸۰ نفر از زائران در ایران و هفت نفر در عربستان سعودی هنگام اعزام به عمره، به دلیل حمل مواد مخدر دستگیر شده‌اند. اما معلوم شد که «نبی‌الله حیدری» رییس پلیس فرودگاه‌های کشور این خبر را که مربوط به حج گذشته نیز بوده، داده است؛ زیرا در سال گذشته، ۱۰۸ نفر به جرم حمل مواد مخدر در هنگام اعزام به حج تمتع بازداشت شده‌اند.

اما خوشبختانه، تا اینجا که حدود بیست هزار نفر آمده‌اند، سعودی‌ها نتوانسته‌اند از زائران ایرانی تریاکی دشت کنند.

لیالی هم در گفت‌وگو با خبرنگاران می‌گوید: «زائران روایت خود را از سفارت عربستان در تهران دریافت کرده‌اند و همه همکاران ستادی ما در فرودگاه‌های عربستان مجهز و مهیا هستند، تا اگر پروازی با مشکل مواجه شد، همه نوع خدمات را متناسب با وضعیت ارائه کنند تا در زمان تأخیر، زائران دچار خستگی نشوند. امید است که شاهد حج آرام و قابل قبولی در سال جاری باشیم».

این جمله آخر لیالی، خبر از سیاست هماهنگ بعثه و سازمان در برگزاری حجی آرام و بدون تنش در سال ۱۴۳۱ هـ ق دارد. با این وجود، هنوز کسی نمی‌داند که چه آشوبی در دل رؤسای سازمان برای برنامه پروازها وجود دارد....

سه‌شنبه چهارم آبان ۱۳۸۹؛ هجدهم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

دیدار از بعثه جمهوری اسلامی ایران (نخستین دیدار از بعثه)

امروز سه‌شنبه و ساعت یازده است هیئتی چهار نفره از بعثه کشور آفریقایی «سنگال» به دیدار حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر آمده‌اند. بعضی از معاونان بعثه هم حضور دارند. «حاج منصور دیوپ»، رییس بعثه سنگال مردی میانسال است که در نگاه اول، جوان‌تر نشان می‌دهد.

مترجم سخنان آنها را از فرانسه به فارسی ترجمه می‌کند که این از سابقه حاکمیت استعماری فرانسه بر سنگال حکایت دارد.

نماینده محترم ولی‌فقیه هم به‌عنوان امیرالحاج ایرانیان می‌گوید:

«ایران هر ساله ۱۰۳ هزار حاجی به حج می‌آورد و بار سنگینی را در عرصه حج بر دوش می‌کشد. بیش از ۸۰۰ کتاب را محققان و نویسندگان ما در نگاه‌های مختلف نوشته‌اند که به عبارتی می‌شود آن را در حدود ۲۶ هزار صفحه حدس زد. تازه در کنار این، هر روز، مطالب مختلف در فضای دیجیتال نوشته می‌شود و در مسیر آموزش و انجام اعمال حج، روحانیون درکاروان‌ها حضور مستمر دارند. یک تا سه روحانی سهم معنوی هر کاروان از سفر حوزه علمیه است و اگر جامعه زنان در کاروان به بیش از نصف به اضافه یک برسد، باید عالمه‌ای از زنان حوزه علمیه در جمع آنان باشد.

درمانگاه و بیمارستان هم اینجا فراهم است. با همه امکانات و برگزیدگانی از دنیای طبابت به اینجا می‌آیند. تازه برای رعایت بهداشت جمع حجاج، غذای همه حجاج یک جا طبخ می‌شود. صد و سه هزار نفر باید به‌طور متمرکز غذا داده شوند. خود، غذای شهری است بزرگ. صبحانه، نهار، شام.

سرویس حمل و نقل آنها هم با خود ماست و در سطح شهر جابه‌جایی آنها را هماهنگ می‌کنیم.

با همه این کثرت جمعیت و بار سنگین مسئولیت، اصحاب مدیریت حج عربستان، حجاج ما را منظم‌ترین حجاج می‌دانند. با این وجود، ما حاضر به انتقال این تجربه‌ها و برنامه‌ها به شما هستیم، بی‌مزد و منت».

حاج منصور دیوپ که به نظر می‌رسد کهنه سیاست‌مداری هم باشد، بی‌درنگ، مقایسه ذهنی و عینی خوبی می‌کند و می‌گوید:

خوب ما، ده هزار و پانصد حاجی داریم و این یعنی یک دهم حاجی‌های شما. شما سالیانه هشتصد هزار نفر عمره گزار دارید و ما تقریباً اصلاً عمره گزار نداریم و سفر عمره در کشور ما معمول نیست. حجم بالای انتشارات و کارهای شما درخور توجه و تبریک است و ما آمده‌ایم تا از تجربیات شما استفاده کنیم.

همراه حاج منصور، سه تن از کارشناسان وزارت خارجه هستند و جوان‌ترین آنها گزارش‌نویسی را انجام می‌دهد. گفت‌وگوی دو طرف، به پذیرش تهیه پیش‌نویس یک تفاهم‌نامه منتهی می‌شود.

«مولوی اسحاق مدنی» - که از حاضران جلسه است - به‌عنوان مشاور رییس‌جمهور در امور اهل سنت - و رییس هیئت استفتائات اهل سنت، ادامه بحث را پی می‌گیرد و می‌گوید: «شیعه و سنی در ایران، روابط بسیار صمیمی دارند و ما احساس اقلیت بودن نداریم و در عین صمیمیت، آزادی در عقاید و اجرای احکام و آموزش آن قدر هست که

دانشکده اختصاصی فقه مذاهب اربعه داریم و از شما که مالکی هستید، دعوت می‌کنم جوانان خود را برای تحصیل به ایران بفرستید. من مثل حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی‌عسکر دو بار به سنگال آمدم و شهر «طوبا» را خیلی زیبا و تمیز و پیشرفته دیدم. سنگال که کشوری آفریقایی است، برای زیارت خانه خدا از حجاج چهار هزار و ششصد دلار می‌گیرد و به هنگام سفر سه هزار و دویست دلار را به آنها بر می‌گرداند. هزینه هواپیما و هتل و رفت و آمد با هزار و دویست دلار تأمین می‌شود و سه هزار و چهارصد دلار دیگر به‌عنوان هزینه جاری و غذا به حاجی بازگردانده می‌شود.

حاج منصور که با همراهانش پا برهنه و در کمال سادگی آمده است، می‌گوید: «من اصلاً بر حسب پروتکل و تشریفات به اینجا نیامدم. من برای ابراز صمیمیت و تلاش برای انتقال تجربه‌ها به دیدن شما آمده‌ام».

هنگامی که حاج منصور را از نزدیک دیدم، متوجه شدم که چهره آفریقایی، خوب می‌تواند پیری را بپوشاند.

پرونده‌سازی پزشکی برای حاجیان در بانک اطلاعاتی

هر زائری که به حج می‌رود، نزد کاروان و پزشک کاروان پرونده‌ای دارد. انواع بیماری‌ها نزد پزشک در لوح نه چندان محفوظ «لپ‌تاپ» آورده می‌شود و پزشک با دادن بارکد بیمار، سوابق زائر را بر روی صفحه می‌آورد و ابتلائات او را به انواع بیماری بررسی می‌کند. اما جالب اینکه امسال از ۶۶۰ پزشک، تنها ۱۱۰ نفر لپ‌تاپ داشتند که جزو ضروری‌ترین وسایل هر پزشکی است و ۵۵۰ نفر دیگر با نداشتن «لپ‌تاپ»، خارج از ماجرای پرونده پزشکی می‌شدند.

و به ظاهر تشکیلات تحت امر دکتر «ریاض»، نتوانست برای این جمع ۵۵۰ نفره، لپ‌تاپ قطعی تهیه کند و بانک اطلاعاتی و بارکد هم خیلی به کار نیامد و اجرای پروژه

بانک اطلاعاتی پزشکی حاجیان در حال حاضر ناقص مانده است. با وجود این، مرکز پزشکی خبر می‌دهد که در آشپزخانه‌های مدینه و مکه، دو نوع غذای رژیمی تدارک دیده شود تا آنهایی که دیابت دارند و یا گرفتار فشارخون هستند، بتوانند از این دو مدل غذای رژیمی هم بهره بگیرند و فشارخون و قند آنها بالا نرود و به استرس بیشتر مبتلا نشوند؛ چه اینکه استرس‌های گوناگون در ایام حج هم اگر با خوردن موز فراوان موجود در کاروان‌ها همراه شود، در زائران مشکل یبوست ایجاد می‌کند که با وجود نبود سیستم دستشویی مناسب سنتی، اسباب هزاران غصه دیگر می‌شود.

در هر صورت، مرکز پزشکی با وجود توصیه‌هایی که برای نخستین بار به صورت بروشور چاپ کرده و در اختیار زائران قرار داده، به موضوع‌های حساس و مهمی چون روش جلوگیری از بیماری‌های گوناگون توجه اساسی دارد؛ به طوری که ۳۶۰ نفر کادر پزشکی مرکز در مدینه و مکه که در تدارک بیمارستان صحرايي در «عرفات»، «منا»، «مشعر» و ایام تشریق هستند، واکسن انواع آنفولانزاها و پنومواکس را به زائران بیمار زده و ناچارند بیماری‌های ناشی از سینوزیت، سینو بورنشیت، آسم، (COPD) که با پنومونی سندرم آلرژي و گلودرد چرکی و یا گوش درد همراه است را درمان کنند. طی سال‌های گذشته، ۷۵ درصد از زائران ایرانی به نوعی گرفتار بیماری‌های تنفسی شده‌اند که ناشی از تغییر محیط و وجود انواع ویروس‌ها، باکتری‌ها و نبود بهداشت در محیط عربستان است. گذشته از این، آفتاب گرم عربستان برخی از زائران را به بیماری‌های اسکلتی و عضلانی مبتلا می‌کند و حوادثی همچون: سقوط از بلندی، پله برقی، آسانسور، لیز خوردن در حمام و معابر و بدتر از همه در وان نیز زائران را دچار مشکل می‌سازد.

علی لیلالی رییس سازمان حج که تازه هم به مدینه رسیده است، هنوز کاری انجام نشده، از ویژه بودن مورد دیگری در بین حجاج امسال سخن می‌گوید و آن ویژه بودن

کھولت سن است؛ چه اینکه امسال ۳۰ درصد از حاجیان، بالای ۶۵ سال سن دارند و سال گذشته، به علت ترس از بیماری «خنزیری» به حج نیامدند و امسال که «آنفلانزای خوکی» هم رخت بر بست، این ۳۰ درصد در اولویت قرار گرفتند. تازه باید بیشتر مواظب آنها باشند که بیمار نشوند.

لیالی از ورود نخستین گروه از زائران در ۲۷ مهر و آخرین گروه آنها در ۱۹ آبان چنین می‌گوید: «تاریخ حرکت برای رفتن از مدینه به مکه از ۱۱ تا ۱۷ آبان است». او از اجتماع ۱۰۳ هزار نفری ایرانیان در مکه می‌گوید:

با غیر متغیر بودن وضعیت مسکن در مکه، نمی‌توان همه را در شرایط یکسان مسکن قرار داد. اما در غذا و حمل‌ونقل و در امکانات دیگر که متغیر است، امکان ایجاد برابری وجود دارد.

لیالی، داغ دل همه را تازه می‌کند که تا هفده سال دیگر با سهمیه ۱۰۰ هزار نفری، نمی‌توان ثبت نام جدید کرد و در حال حاضر باید صبور بود. با وجود این، از افزایش ۴۰۰ هزار تومانی قیمت حج هم سخن به میان می‌آورد. ایشان سقف قیمت هزینه حج تمتع در سال ۱۳۹۰ را چهار میلیون و ۱۰۴ هزار تومان اعلام می‌کند و کف آن را دو میلیون و ۵۴۳ هزار تومان که در قیمت کف، ۳۰۰ هزار تومان افزایش اتفاق افتاده است. برای ما که نوستالژیک و گذشته‌نگر هستیم، این قیمت برای سال‌های آینده (سال ۱۴۴۰ ه.ش) بسیار ایده‌آل خواهد بود؛ همان‌طور که حاجیان امروز از قیمت چهارهزار تومان کاروان «شربت اوغلی» در «حسینه ارشاد» تهران هم می‌گویند که بسیار عالی و خوش سفر بوده است؛ آن هم حدود پنجاه سال پیش.

اما بازرسی شدید از زائران در ایران و ممانعت از ورود زائران تریاکی و معتاد، گرفتاری دیگری برای زائران منقل‌نشین درست کرده و سبب دستگیری تعدادی در فرودگاه شده است.

البته این داستان در حج گذشته و ایام عمره نیز جریان داشت و اسباب دردسر برای کشور و ملت شده بود. لیلی می‌گوید ما گذرنامه آنها را باطل می‌کنیم و اصلاً اجازه خروج معتاد از کشور را نمی‌دهیم. با وجود این او وقتی به مسئله انگشت‌نگاری سعودی‌ها در فرودگاه می‌رسد، بر اعصابش سنگینی می‌کند و می‌گوید: «انگشت‌نگاری بحث سنگینی است و کشورها بر اساس قوانین خود نسبت به آن اقدام می‌کنند و در سال گذشته نسبت به عموم حاجیان بوده و مختص ایرانیان نبوده است».

جالب اینکه، عربستان که خود مهد القاعده و حامی طالبان است، از حاجیان پیرمرد، زنان و مردان ایرانی اثر انگشت می‌طلبد و از چشم‌ها عکس می‌گیرد و مهمان‌نوازی جانانه می‌کند. عجب دنیای متلوّن در هم‌برهمی است.

لیلی به سازمان هواپیمایی کشور نیز اشاره می‌کند که از اعزام همه حاجیان ناتوان است؛ تا جایی که ۵۰ درصد را به شرکت‌های هواپیمایی سعودی واگذار کرده و امسال هم تنها ۳۱ درصد از حاجیان را آورده است تا با ۲۰ درصد بقیه، حساب‌های شرکت حمل‌ونقل «وفیر» سعودی پر شود. لیلی در کمال ناراحتی از تأخیر پروازها می‌گوید: «و اینکه در صورت بروز نقص فنی و یا تغییر آب و هوا تأخیر پذیرفتنی است. در غیر این صورت، سوء مدیریت است و غیر قابل پذیرش».

فعالیت‌های مخابرات بعثه

شرکت مخابرات هم در این میان، مسائل خاص خودش را دارد و داستان هزینه رومینگ و سیم کارت‌های اعتباری شرکت‌های «زین»، «الجوال» و «الاتحاد»، موضوعی است که سبب شد شرکت ارتباطات سیار ایران، با اپراتورهای عربستان به گفت‌وگو بنشیند و همه تعرفه‌ها را یکسان کند؛ بر این اساس، تماس دریافتی ۱۶۷ تومان، تماس با ایران در همه شرکت‌ها ۲۵۵۶ تومان و هزینه ارسال پیامک برای ایران ۴۳۰ تومان است. اما اگر یک

مشترک سعودی با تلفن همراه خود یا تلفن ثابت تماس بگیرد، هزینه آن ۹۴۱ تومان است و نرخ ارز هم در این میان تعیین‌کننده و نوسان‌های آن در تعرفه‌ها اثر گذار است. تازه وقتی این هزینه‌ها را جمع می‌کنیم، از تماس‌هایی که حاجیان با همدیگر می‌گیرند که با قیمت برقراری ارتباط با ایران یکسان است. (یک دقیقه، ۲۵۵۶ تومان) تازه مشخص می‌شود که چه پول هنگفتی به حساب مخابرات عربستان ریخته می‌شود. بی‌شک، زائران با راه حل خاص استفاده از کد (۱۹۹) و صرفه‌جویی ۸۰ درصدی هزینه رومینگ آشنا نیستند تا هزینه آنها از ۲۵۵۶ به ۵۰۰ تومان و همچنین از ۹۴۱ تومان به ۵۰۰ تومان کاهش پیدا کند. در هر صورت، راهی باید جست تا این مبلغ هنگفت به حساب سعودی‌ها ریخته نشود؛ زیرا اگر هر زائر ایرانی، یکصد هزار تومان هزینه تماس داشته باشد. مبلغ ده میلیارد و سیصد میلیون تومان ناقابل به حساب مخابرات عربستان سعودی خواهد رفت و این به معنای ۴۵ تا تک زنگ یک دقیقه‌ای به وسیله زائران است که بی‌تردید، بیش از این خواهد بود. حال در این میان، گرفتاری‌های ناشی از گم شدن و سرقت موبایل هم داستان‌های دیگری دارد؛ مشکلی که در کشور سعودی راه حل چندانی برای آن وجود ندارد.

خبر آمدن هنرمندان سینما و تلویزیون

خبرها حاکی از آمدن جمعی از هنرمندان برای زیارت حج است که با هماهنگ‌سازی رییس دفتر رییس‌جمهور صورت گرفته است و قرار بود که بعضی از خانم‌های هنرمند هم در این میان باشند. اما روز چهارم آبان خبر رسید که بعضی از آنها از سفر انصراف داده‌اند. بعضی از رسانه‌ها و سایت‌ها هم در مورد سفر این کاروان حساسیت به خرج دادند؛ چه اینکه حاجیان دیگر به غیر از پرداخت هزینه، ۱۷ سال باید در انتظار باشند.

ماجرای احتمال آمدن هنرمندان گویی می‌خواهد به معمایی بزرگ تبدیل شود. تلقی

عجیب و غریبی که به‌طور معمول گروه خاصی از مردم در مورد هنرمندان دارند، در اینجا به‌خوبی مشاهده می‌شود.

به هر حال، هنوز چنین کاروانی به این سفر نیامده و از کجا معلوم که آمدن آنها منشأ خیر هم نباشد. پیش‌داوری در این زمینه منصفانه نیست. گذشته از این، مگر مکه و زیارت خانه خدا تنها به جمع خاصی از مؤمنان اختصاص دارد. از سوی دیگر، تصویر عجیب و غریب از جامعه هنرمندان که در ذهن بسیاری از مؤمنان جامعه شکل گرفته است، با واقعیت آن فاصله‌ای بسیار دارد؛ تصویری که با نوعی خود مؤمن‌بینی همراه است.

آماده‌سازی عربستان سعودی

عربستان سعودی در بدو ورود زائران، اقدام به راه‌اندازی «رادیو التوعیه» یا همان رادیو آگاهی در حج می‌کند که به زبان‌های: عربی، انگلیسی، فرانسه، اندونزیایی، اردو، ترکی و فارسی پخش می‌شود. این رادیو، در یک دوره یک ماهه ایام حج فعال است و «عبدالعزیز بن محی‌الدین»، وزیر فرهنگ و اطلاع‌رسانی عربستان سعودی، درباره فعالیت‌های آن می‌گوید: «این رادیو ۲۴ ساعته برنامه پخش می‌کند» و صد البته، مؤسسه‌های فرهنگی و سیاسی کشور سعودی هم در پی حمایت از آن هستند و در مدت ۳۰ روز، ۹۹ برنامه خود را به روی آنتن می‌برند و به انتشار بیانیه‌ها و آمارهای مورد نیاز دولت سعودی می‌پردازند که با استخدام ۲۱ هزار نفر برای سرویس دهی به زائران، می‌خواهند وظایف نظافت و راهنمایی را برعهده بگیرند. در کنار رادیو، سعودی‌ها اعلام کردند که شش هزار نفر در مکه و شش هزار نفر در منا، برای نظافت و بقیه برای راهنمایی زائران و سرویس‌دهی به آنها از طریق کار در رستوران و نانوائی‌ها و مغازه‌ها مشغول به کارند. اما عجیب اینکه، همه استعداد عربستان سعودی فقط در نظافت مسجدالحرام در مکه دیده شده است و باید در انتظار بود تا در حج

سال جاری چه اتفاقی در نظافت ایام حج رخ خواهد داد.

از سوی دیگر، سعودی‌ها اعلام کردند که با سیستم مداربسته منطقه «جمرات» را کنترل خواهند کرد. «عرب نیوز» از قول «حبیب زین‌العابدین» در همایش امور پزشکی گفته است: «افتتاح طبقه پنجم جمرات، می‌تواند مراسم پرتاب سنگ‌ها به مجسمه شیطان را بیشتر تسهیل کند». وی که معاون وزیر امور شهری و روستایی عربستان است، می‌گوید: «در پل جمرات، وسایلی برای حمل زائران با نیازهای ویژه در نظر گرفته شده است تا به آنها کمک شود».

خدا کند که چنین باشد. شاید چنین وسایلی در جمرات پیدا شود.

نخستین دشت جناب ملک الموت

چهارم آبان است. هنوز چند روزی از ورود حاجیان نگذشته است و مسئله جدی بازرسی از حاجیان با انگشت‌نگاری و قرینه‌نگاری و عکس‌برداری به‌طور آزاردهنده‌ای در حال جریان است. اما به‌ظاهر مذاکره‌ها و چانه‌زنی‌های ستاد مدینه، به حذف انگشت‌نگاری از افراد بالای پنجاه سال منتهی می‌شود و مدت انتظار چهار ساعته در فرودگاه مدینه که به علت تخریب (به جهت بازسازی) سالن‌های فرودگاه مدینه به مکافات‌ی برای زائران تبدیل شده در حال حاضر کمی بهبود پیدا کرده است.

اما در این میان، جناب ملک الموت هم نخستین دشت خود را از میان زائران ایرانی می‌کند؛ «رحیم رنگی» فرزند «عزیز»، زائر ۶۹ ساله تهرانی بود که قلبش برای رسیدن به مدینه می‌تپید و با رسیدن به اینجا آرام گرفت و در بیمارستان «انصار» جان سپرد. از دیگر سوی «العالم» نیز خبر از تصویب پیشنهاد ایران برای تشکیل پرونده بین‌المللی ثبت جهانی مراسم معنوی حج به‌عنوان «طریق الحج» در «یونسکو» را داد که در کنفرانس بین‌المللی حفاظت و ترویج میراث معنوی آنها در میان کشورهای اسلامی و سازمان کنفرانس اسلامی به تصویب رسید. جالب است که چنین مراسم بزرگی، هنوز

در سازمان‌های بین‌المللی به ثبت نرسیده و تازه مسلمانان سازمان کنفرانس اسلامی پذیرفتند که به پیشنهاد ایران، پرونده را پی‌گیری کنند. باید به غیرت و تلاش وصف نشدنی مسلمانان در سازمان کنفرانس آفرین گفت که تاکنون به چنین سرمایه معنوی بزرگی توجه نکرده‌اند و البته آقای «مسعود علویان» نماینده ایران به آنها فهمانده که حج بالاترین و بزرگ‌ترین میراث معنوی کشورهای اسلامی است که باید برای آن پرونده بین‌المللی تنظیم شود.

یادی از «ابوسفیان»، «معاویه» و «یزید»

شبکه «الجزیره» قطر نشستی را با دو تن از چهره‌های افراطی و سرشناس فرقه وهابیت برگزار و در برنامه گزارشی خود، شیعیان را تکفیر کرد. پنج‌شنبه شب و جمعه، گزارشی همایشی در الجزیره به نام «جایگاه صحابه در اسلام» پخش شد. در این همایش «محمد الریفی» و «عثمان الخمیس» شرکت داشتند که در «دوحه» پایتخت قطر برگزار شده است. همایشی که به جای پرداختن به نقش صحابه، به سکویی برای فحاشی علیه شیعه بدل شد، با آتش دروغ علیه امامان معصوم علیهم‌السلام و شیعیان همراه بود. دروغ‌هایی که از گلوی شبه عالمان، آن هم در سطح رسانه بین‌المللی‌ای چون الجزیره به دامن جهان اسلام افتاده است. اما زشت‌تر از دروغ‌های الریفی، اباطیل تمجیدی عثمان الخمیس از ابوسفیان و معاویه و یزید بوده و تأسف از اینکه چرا عمر پسر معاویه کم بود و نواده هند جگرخوار، کمتر فرصت سرکوب شیعیان را یافته است. دست مریزادی به همه جنایتکاران و هم‌کیشان اموی و صد البته وهابیون عربستان که در مقابل اعمال زشت آنها واکنش مثبت نشان دادند. اما در این سوی ماجرا، رهبر انقلاب اسلامی هرگونه اهانت به بزرگان مورد احترام اهل سنت را حرام اعلام کرده است. «احمد الطیب» مفتی «الازهر» نیز طی فتوایی اعلام کرد که: «تکفیر شیعیان جایز نیست و پشت مسلمان شیعه می‌توان نماز جماعت خواند و به اقامه نماز نشست».

چهارشنبه پنجم آبان ۱۳۸۹؛ نوزدهم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

دغدغه نوشتن از حج

امروز ساعت ۸:۱۵ صبح به کتابخانه رفتم. افراد بسیاری به آنجا آمده بودند. یکی از خانم‌های حاضر در بعثه آمده و کتاب «عروة الوثقی» «سید محمد کاظم یزدی» را می‌خواهد تا بحث حج آن را برای تعدادی از خانم‌های معینه تدریس کند. جای خوشحالی دارد که سطح علمی خانم‌های حوزوی به درجات خوبی رسیده است. مراجعه‌های روحانیون به کتابخانه بسیار است. در خواست‌هایشان هم متفاوت. یادداشت‌ها را برای تایپ به اتاق امور فرهنگی می‌دهم. نماینده ولی‌فقیه در امور حج و زیارت، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به کتابخانه آمدند؛ بساط نوشتن من هم روی میز پهن است. ضمن سلام و احوال‌پرسی می‌خواهد زودتر مشغول نوشتن شوم. در مورد روش و سیاق نوشته بسیار دغدغه دارم؛ چون قضایا را به شکل زمان حال می‌نویسم. از سوی دیگر، کتاب حج به شیوه‌ای دیگر نوشته شده است؛ گزارش‌های رسمی و یا ترکیبی با قلم‌های متفاوت و این دست‌نوشته‌ها در کتاب حج، شاید یک تجربه متفاوت باشد.

در هر صورت، با نگرانی‌های بسیاری روبه‌رو هستم. هنوز کارم در قسمت‌های گوناگون بعثه خوب جا نیفتاده است و بخش‌ها خوب همراهی نمی‌کنند.

دخالت‌های آقای خاص

داستان دخالت «اسفندیار رحیم‌مشایی» در اعزام افراد به حج سال ۱۳۸۹، انعکاس‌های متنوعی پیدا کرد. هرچند «تابناک» از مشایی به نام «آقای خاص» نام می‌برد و معرفی هنرمندان و ورزشکاران را در نامه شماره (۷۸۶/۲۰) در سال ۱۳۸۹، به‌عنوان دخالت و استفاده نادرست از اختیارها برخلاف عدالت معرفی می‌کند و می‌گوید چرا ورزشکاران و هنرمندان و هشت تن از نمایندگان مجلس، به همراه همسر و دختران خود برای حج تمتع معرفی شده‌اند، بدون آنکه ثبت نام و یا سپرده‌گذاری کرده باشند. برای نمونه، در جریان بازی دوستانه فوتسال، آقای «حبیب کاشانی» سرپرست پرسپولیس «وحید طالب‌لو»، دروازه‌بان تیم را به‌عنوان تازه داماد معرفی کرد و از رییس‌جمهور خواست تا به‌عنوان هدیه ازدواج، برای اعزام او به حج تمتع اقدام کند.

در هر صورت، موضوع تأثیر گذاری «آقای خاص» در جریان اعزام برای حج، فضایی از تنش و انبوهی از سؤال‌ها را شکل داد. جای بسی تأمل دارد که هیچ‌یک از مقام‌ها و مؤسسه‌ها و وزارتخانه‌ها چنین فرصتی ندارند و اگر چنین فرصتی برای سایر مقام‌ها بوده باشد، آن وقت حاجی‌های بسیاری خارج از نوبت به سهمیه زائران، قابل تزریق خواهند بود.

درآمد دولت از اعزام حاجیان به مکه

یکی از جدیدترین بحث‌ها و سؤال‌ها، میزان درآمد دولت و نظام از اعزام حاجیان به حج است و این سؤالی بود که از علی لیلی، رییس سازمان حج پرسیده می‌شود.

لیلی این نظر را مطرح می‌کند که سازمان حج، هیچ مبلغی بابت فعالیت‌های حج از دولت دریافت نمی‌کند و دولت فقط حقوق کارمندان سازمان را می‌پردازد و پولی هم بابت برگزاری برنامه‌های حج دریافت نمی‌کند و برگزاری برنامه‌های حج به گونه‌ای

طراحی شده که هیچ مبلغی اضافه نیاید؛ البته همین‌طور هم باید توجه داشته باشد که مبلغی هم کم نیاید؛ چون نمی‌توان این مبلغ را از جایی تأمین کرد. به همین دلیل، توجه ما به حج بر اساس خدمت‌رسانی است، نه محاسبه سود و زیان.

از ماجرای تعلل هواپیمایی ایران در انتقال ندادن حاجیان گرفته، تا خرید ۹۷ قلم کالا از سعودی‌ها - که در اختیار دولت و سازمان حج است - که بگذریم، به پدیده فاجعه بار سوغاتی‌های خریداری شده به وسیله زائران می‌رسیم و وضعیت به مراتب وخیم‌تر می‌شود. اعتماد نابه‌جای زائران به بازار عربستان که در واقع، اعتماد به نازل‌ترین کالاهای چینی است و نبود یک بازار مطمئن ایرانی در مسیر فرودگاه و یا هر شکل دیگر از ایجاد اعتماد به تجار و کالاهای ایرانی سبب شده تا از سفره عظیم اقتصادی حج، هیچ سهمی به اقتصاد ایران نرسد. در حالی که، برای ده‌ها هزار نفر چینی و هندی و سعودی، بازار پر سود و رونقی شکل بگیرد و در نقطه مقابل، فضای کسب و کار بسیاری در ایران تعطیل شود و این تمام ماجرا نیست. واقعیت تلخ دیگر آن است که بخش بیشتری از ادبیات ضد اسلامی جریان‌های لائیک و سکولار، به همین وجوه حج که می‌رسند، سخن از ریختن پول به دامن عرب‌ها و دشمنان ایران به میان می‌آورند که با تأسف، برای بسیاری از مردم این سخن‌ها اثرگذار است و شائبه کم‌توجهی مسئولان جمهوری اسلامی و نداشتن برنامه اساسی در این مسیر را علیه نظام، بیشتر دامن می‌زند.

روزهای اول ورود به قصر الدخیل

ساختمان بعثه حج جمهوری اسلامی در هتل «قصر الدخیل»، واقع در خیابان «باب‌العوالی» است.

اتاق ۱۱۸ که اتاق مراجعه‌های معاونت فرهنگی است، در طبقه اول بعثه واقع شده که شلوغ‌ترین اتاق مجموعه بعثه هم هست و شاید نبض تپنده ارتباطات مردم و روحانیون

در حوزه فعالیت‌های فرهنگی است. معاون فرهنگی بعثه «حجت الاسلام دکتر مظلومی» به همراه «حجت الاسلام و المسلمین شیخ احمد زمانی» و «حجت الاسلام والمسلمین آقای حمید احمدی» مدام مشغول فعالیت و رفت و آمد در جلسه‌ها هستند؛ از طرح جلسه‌ها گرفته تا هماهنگی با رابطان و روحانیون و طرح سؤال‌های بسیار از روحانیون کاروان‌ها، و تقسیم سؤال‌های مسابقه‌های فرهنگی تا توزیع جوایز برای کاروان‌ها و نیز سازماندهی جلسه‌ها برای سخنرانی روحانیون مشهور در کاروان‌ها.

این فشار کار بالا در روزهای اول ورود به مدینه بسیار جدی است؛ چراکه کارها هنوز خوب سازمان‌دهی نشده‌اند. به همین دلیل، بیشترین وقت از شبانه‌روز، صرف تلاش برای به جریان انداختن امور فرهنگی زائران حرم نبوی ﷺ می‌شود.

روزهای اول، برای هماهنگ شدن و آشنایی با اجزای گوناگون بعثه و سازمان حج تلاش بسیاری باید بکنم. باید به چگونگی عملکرد هر بخش پی ببرم. هرچند در روزهای اول، تمام حواسم به شدت متوجه هماهنگ شدن با دفتر حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر است و سعی دارم در دسترس باشم و از بعثه کمتر خارج شوم تا از دیدارها و ملاقات‌ها دور نمانم.

گروه‌های گوناگون بعثه، هرکدام سخت مشغول دوندگی اولیه هستند. در کنار امور فرهنگی، دفتر استفتائات هم روزهای اول، مراجعه‌های بسیاری دارد؛ چه اینکه سؤال‌های اولیه زائران کم نیست. اما اختصاص چند خط تلفن بعثه به استفتائات، کار مراجعان را کمتر می‌کند.

«حجت الاسلام محمدحسین فلاح‌زاده»، اهل «ابرقوی یزد»، که با پای شکسته به مدینه آمده و عصا به دست به زحمت راه می‌رود و هنوز آثار ناشی از آسیب پا در چهره‌اش نمایان است، همچنان با حوصله و با شیرین‌کلامی و خوش‌خلقی پاسخ‌گوی افراد مراجعه کننده است. ضمن اینکه، اذعان دارد که خطوط تلفن پاسخ‌گوی بعثه، مشتری‌های آنها را

راحت کرده و با یک تلفن پاسخ می‌گیرند و از زحمت مراجعه خلاص شده‌اند.

پاسخ‌گوی دیگر استفتائات، «حجت الاسلام امیری» است که اهل «امیر کلاهی» مازندران است. به همان میزان که آقای فلاح زاده در گفت‌وگویش از واژه‌های مطابیتی استفاده می‌کند، آقای امیری علی‌رغم چهره خنداننش اصلاً اهل مطایبه و شوخی نیست. لبخندش همیشگی است، اما بدون هیچ‌گونه شوخی و مزاح.

یکی دیگر از قسمت‌های بعثه، اتاق محاسبه و دریافت وجوه شرعی است. بیشترین مراجعه به این اتاق، معطوف به کسانی است که در محاسبه خمس و حساب سال خود تأخیر کرده‌اند و یا بدهکارند و در ایام اعمال حج می‌خواهند پیش از شروع اعمال، به حساب سال خمسی خود توجه کنند، بدهی‌ها را پردازند یا در مورد پرداخت نکردن آن از نماینده و وکیل حضرت آقا اجازه شرعی بگیرند.

یکی دیگر از بخش‌های بعثه، امور مربوط به طرح و برنامه‌ریزی است که آقای «دکتر محمدهادی فلاح‌زاده» آن را مدیریت می‌کند. در این بخش، مطالعه روش‌ها و برنامه‌ها پی‌گیری می‌شود و در عمل، به صورت عقل ستاد بعثه عمل می‌کند و با تشکیل گروه‌های گوناگون به مطالعه روش‌ها و برنامه‌های سابق و حال و آینده می‌پردازد. گزارش‌ها را سازمان داده، تنظیم می‌کند. با وجود دستور دکتر فلاح‌زاده، تا مدت‌ها نمی‌توانم در خطوط آنها نفوذ کنم و گزارش‌ها را به دست بیاورم؛ کاری که آقای دکتر فلاح‌زاده در همان ابتدا به یکی از همکارانش می‌سپرد، این بود که بولتن‌های روزانه را بخوانم و از اخبار مطلع شوم. اما این کار به دلیل تلقی محرمانه بودن اخبار تا مدت‌ها انجام نمی‌شود.

بخش امور روحانیون، یکی دیگر از شلوغ‌ترین بخش‌های بعثه است که یکی از کانال‌های مطالبه‌ها و برنامه‌های بعثه با روحانیون کاروان‌هاست و همیشه تعدادی مراجعه‌کننده پروپاقرص در مدینه دارد. این روزهای اول، حجم مراجعه‌ها بسیار

بالاست و برنامه‌ها، درخواست‌های جلسه‌های گوناگون، تک‌تک و چندنفره به روحانیون کاروان‌ها منتقل می‌شود.

هنوز همه اجزای گوناگون بعثه و نیز مرزهای سازمان حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری برایم چندان روشن نیست؛ چون مسئولان قسمت‌های گوناگون را هنوز نمی‌شناسم. زبان توضیح آنها از قضایا به گونه‌ای است که تصور می‌کنند، من همه بخش‌ها را می‌شناسم و ناچارم بدون اظهار به ندانستن خود از تقسیم‌ها و وظایف بخش‌های گوناگون به طرح پرسش و پاسخ بپردازم تا مسائل برایم روشن شود. البته تجربه کردن این مسیر با مشکل بسیاری همراه است؛ تا نویسنده دریابد که چه باید بکند، باید سختی بسیاری بکشد و فرصت نوشتن نیز پیدا نمی‌کند و این در حالی است که به‌طور طبیعی، انتظار می‌رود تا اجزای گوناگون عملیات حج دیده شود. از این رو، نویسنده کتاب حج بر اجزای گوناگون حج اعم از بعثه و ستاد، اشراف کامل پیدا نمی‌کند. من هم برای رسیدن به این اشراف کامل مشکل بسیاری دارم. تازه روزهای اول، که مدیران بخش‌های گوناگون هنوز نویسنده را نمی‌شناسند، کمتر کسی به سؤال‌های او پاسخ می‌دهد؛ چون فکر می‌کنند یکی از ده‌ها خبرنگاری است که به حج آمده و می‌خواهد صفحه‌های خبرگزاری و روزنامه محل مأموریت خود را پر کرده و چند خط مطلب کاسب شود. اما کتاب حج باید در پی پاسخ همه این سؤال‌ها باشد و خبرها را جمع‌آوری کند و تا جایی که امکان دارد بر همه تصمیم‌ها و نشست‌ها و اخبار و حوادث و عملیات حج و مهم‌تر از همه بر همه اعمال و مسائل حاجیان اشراف پیدا کند. من هم به نماینده ولی فقیه، حاج آقای قاضی عسکر و دکتر مظلومی قول داده‌ام که فقط گزارش رفت‌وآمد سفر نماینده مقام معظم رهبری را ننویسم و از حجاج و کاروان‌ها و مدیران بخش‌های گوناگون حج نیز در گزارش حج سال ۱۴۳۱ هـ ق. مطالبی را بیان کنم.

دومین جلسه شورای هماهنگی بعثه

دومین جلسه شورای بعثه هم در عصر چهارشنبه تشکیل می‌شود و من برای نخستین بار در این جلسه شرکت می‌کنم. قرار است جلسه ساعت ۴ بعدازظهر برگزار شود. آقای «صالحی» مسئول دفتر حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر ساعت برنامه را خبر می‌دهد. تهیه صورت جلسه‌ها و مصوبه‌ها، وقایع و حوادث از وظایف من است؛ سنگ سنگینی برداشته‌ام.

شب، موضوع جلسه بر سر دیدار از کاروان‌ها و ارزیابی از وضعیت غذای حجاج شروع شد. حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به مسئله تغذیه حجاج اشاره می‌کند و می‌گوید: «در دیداری که از کاروان‌ها داشتم، ظاهراً روند کاهش مشکلات روزهای اول مشهود است و زائران مدینه همگی ظرف یک ساعت یا یک ساعت و نیم، تغذیه می‌شوند و در دیداری که از کاروان‌ها داشتم، از وضعیت غذا راضی بودند. اما گله آنها از زیادی غذا و اسراف بود!»

آقای لیالی هم به دیدار از آشپزخانه «دخیل» و «زین» در مدینه می‌پردازد و می‌گوید: «کارها روند داخلی خود را دارد. مدیران آشپزخانه‌ها مشکلی نداشتند. سیستم آشپزخانه و تدارکات، همگی به‌موقع عمل می‌کنند و مواد اولیه هم به‌موقع می‌رسد. از انبارهای جانبی دیدار داشتم. مدیران کاروان‌ها، انبار کالاهای خود را مرتب تحویل می‌گیرند. مشکلی هم نداشتیم و تا اینجا شکایتی نرسیده است.»

هنوز فضای جلسه و بحث جدی بر سر آشپزخانه‌ها و مواد غذایی، برایم نامأنوس است. چرا آقایان بحث را با موضوع خورد و خوراک شروع کرده‌اند؟! این سؤال برای هر تازه‌واردی که به این جمع می‌پیوندد، بسیار جدی است. مدیریت ارشد حج جمهوری اسلامی هم از این امر متعجب خواهند شد. اما داستان آنجایی جدی می‌شود که رییس سازمان حج، بحث را به سمت توضیح خریده‌ها می‌برد:

«در حوزه تدارکات و خرید از سه مجرا خرید می‌کنیم:

۱. عربستان سعودی با آگهی مناقصه و کمیسیون خرید که نماینده محترم مقام معظم رهبری در آن نماینده‌ای ویژه دارند. کمیسیون خرید هم از ۵ نفر به ۷ نفر افزایش یافت و علت هم این بود که مدیر کل حقوقی و قراردادهای و مدیر کل حراست را وارد کمیسیون خرید کردیم تا ضریب اطمینان بالا برود. اقلام مورد نیاز و نوع کالاها در کمیسیون خرید تعیین می‌شود و این تعیین کالاها، فقط در مورد مرغ استثنا است که کمیسیون به دفتر نمایندگی سازمان وکالت داد تا این امر را انجام دهد و با تشخیص موضوعی و کیفی در خرید مرغ اقدام کند؛

۲. کالاهایی است که مدیران کاروان‌ها حسب نیاز خود، انتخاب می‌کنند و برای کاروانیان می‌خرند و این نیاز ممکن است بر اساس موقعیت‌های جغرافیایی کاروان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشند؛

۳. اقلام سی و سه گانه وارداتی از ایران. سی و سه قلم کالای مورد نیاز در ایام حج از ایران وارد می‌شود که این اقلام، با رعایت تشریفات خرید و کمیسیون و قواعد مناقصه خریداری می‌شود. حتی خرید از تعاونی سازمان حج هم با رعایت مناقصه و شرایط خرید با بقیه خریداری می‌شود. قرارداد خرید منعقد شد. در مورد خرید لبنیات پگاه از سازمان دستور دادم که به تعاونی سازمان، به چشم یک متقاضی معمولی نگاه شود و تلقی ویژه‌ای در معامله‌ها جریان نداشته باشد و این مسئله، حتی در مورد خریدهای مربوط به ایام حج و عمره هم رعایت می‌شود».

هنگامی که سخنان داغ آقای لیالی به اوج رسید، به ماجرای خرید «رب شمال» پرداخت؛ زیرا رب خریداری شده، مورد تأیید آشپزخانه مکه بود، اما آشپزخانه مدینه آن را نپذیرفت.

توجه به حساسیت‌های موجود در موضوع مواد غذایی و پذیرایی، خرید و انتقال کالاها نشان می‌دهد که حجم بالایی از استعدادهای و ظرفیت‌ها، معطوف به هرچه بهتر

برگزارشدن مراسم حج باید شود و در این میان، حتی از احتمال ضعیف بودن یا وجود هر شائبه در مورد هر کالایی یا چگونگی خرید آن با وسواس پی‌گیری می‌شود؛ اعتراض آشپزخانه مدینه به پایین بودن کیفیت رب گوجه خریداری شده در مقابل رضایت کامل آشپزخانه مکه، بحث بسیار جدی‌ای را در مورد این کالا به میان می‌کشانند و رب «مهتاب شمال» و کمیسیون خرید را با چالشی جدی مواجه می‌سازد.

پی‌گیری جدی مسئولان امور حج ایران، چه حجت الاسلام و المسلمین قاضی عسکر و چه آقای لیالی رییس سازمان حج، در ماجرای رضایت نداشتن آشپزخانه مدینه از همین کالای خوراکی، حکایت از ضرورت ریزبینی و تیزبینی در مورد همه جریان‌های امور حج دارد.

موضوع مهم دیگر جلسه، مسئله برگزاری مراسم دعای «کمیل» است. پشت‌صحنه برگزاری دعای کمیل، تلاش‌های بسیاری را می‌طلبد تا مراسم دعا بدون مشکل برگزار شود. وقتی آقای مجید آخوندزاده به تشریح گفت‌وگوهای خود با رییس پلیس مدینه می‌پردازد، تازه مشخص می‌شود که چه حجم مفصلی از چانه‌زنی، تعامل و گفت‌وگو باید صورت گیرد تا یک دعای کمیل در «بین الحرمین» برگزار شود.

رییس پلیس مدینه در مذاکره خود با آقای آخوندزاده، مدیر عملیات حج که در مورد احتمال شلوغی جمعیت، پیشاپیش عذرخواهی می‌کند، می‌گوید:

«امنیت شما برای ما مهم است و ما به رعایت قوانین از ناحیه شما توجه داریم که زوار شما، نه تنها قوانین را رعایت می‌کنند، بلکه حتی بعد از مراسم، منطقه برگزاری دعا را کاملاً تمیز می‌کنند؛ طوری که حتی یک کاغذ هم روی زمین نمی‌ماند!

آخوندزاده می‌گوید: «ما این منطقه را بسیار مقدس می‌دانیم؛ به همین خاطر، حداکثر احترام را برای مکان و مراسم داریم. با وجود این، باید به اطلاع شما برسانم که برای این هفته، ما حدود ۳۰ هزار نفر جمعیت داریم و می‌خواهیم برنامه را از ساعت ۲۲ الی

۲۳ به ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰ تغییر دهیم». رییس پلیس گفت: «هرطور میل شماست.» وقتی از رییس پلیس در مورد اذیت و آزار تعدادی از هیئتی‌های امر به معروف و نهی از منکر پرسیدند، گفت: «امسال این مسائل در اداره پلیس تمرکز و حضور پیدا می‌کنند. رفتار آنها مشکلی ایجاد نمی‌کند».

درباره بازرسی مردها از کیف و لباس‌های خانم‌ها نیز اظهار نگرانی می‌شود که رییس پلیس قول می‌دهد یا خانم‌ها برای دیدار بیایند و یا مردها بازرسی نکنند.

یکی دیگر از مسائل مطرح در جلسه شورای بعثه، موضوع شعرخوانی‌های دعای کمیل بود که درباره شعرخوانی در مراسم دعا، به مسئله شعرهای ویژه مراسم توجه می‌شود که شعرها باید از پیش ارزیابی محتوایی شوند و مهم‌تر اینکه، به آیین نامه اجرایی دعای کمیل مدینه توجه شود.

مسئله مراقبت و حفاظت از زائران و موضوع چگونگی رفت و آمدهای زائران در پیش و پس از دعا و رفت و آمد آنها در میان جمعیت و چگونگی ایجاد راهروی جمعیتی، از موضوعاتی است که در شرایط برگزاری دعای کمیل در مدینه، باید به آنها توجه داشت.

دیوار انسانی سیصد نفره‌ای که دور جمعیت قرار می‌گیرد، باید به جلوگیری از تصادم افراد در رفت و آمدها کمک کند.

توسعه و کاهش در ساختار بعثه

دکتر محمد هادی فلاح‌زاده که در زمینه جامعه‌شناسی تدریس می‌کند و معاونت توسعه و مدیریت منابع انسانی در بعثه را برعهده دارد، پس از شرکت در جلسه شورای برنامه‌ریزی بعثه در نشست خبرنگاران شرکت می‌کند و من هم با او به جلسه می‌روم و بیشتر شاهد پرسش و پاسخ خبرنگاران مستقر در هتل الدخیل مدینه هستم.

فلاح‌زاده از ساختار حاکم بر عملیات حج می‌گوید؛ از اینکه امور فرهنگی و معنوی و البته سیاسی و روابط بین‌المللی حج، بر عهده بعثه معظم رهبری است و امور اجرایی همچون: تهیه گذرنامه و بلیت و سفر و اسکان، تغذیه و بهداشت و حراست و حمل‌ونقل بر عهده سازمان حج است.

دکتر فلاح‌زاده از کاهش بخش‌های گوناگون بعثه می‌گوید. ایشان اشاره دارد که پنج معاونت تشکیلات بعثه، به سه معاونت کاهش پیدا کرده‌اند. بیست پست سازمانی نیز حذف شده‌اند که نتیجه آن حذف ۱۲۰ نفر از کارکنان ستادی بعثه و جایگزینی ۱۲۰ نفر زائر به جمع زائران بوده است. البته این امر شامل حال کتاب حج نیز می‌شود؛ زیرا هر سال دو نفر برای جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه و نوشتن آن بسیج می‌شدند. اما امسال به دلیل کاهش نیرو، قرعه به نام من بیچاره افتاد که هر چی می‌نویسم، شکر خدا تمام نمی‌شود!

با وجود این، دکتر فلاح‌زاده از تشکیل پژوهشکده حج و زیارت در آینده خبر می‌دهد. هرچند هنوز از وزارت علوم و تحقیقات مجوز آن را نگرفته است.

اما با این حال، بعثه در مسیر فعالیت‌های پژوهشی خود باید گام‌های اساسی‌تری بردارد؛ چراکه اگر برای حج سه بعد حج‌گزاری، بین‌المللی و انتقال فرهنگ حج به داخل کشور را در نظر بگیریم، در مورد دو بعد اخیر، حج به‌هیچ‌روی کار جدی پژوهشی انجام نداده است.

اما در دیگر سو، «آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری» که رییس هیئت علمی بین‌المللی بعثه است، درخواستی از نوع دیگر را مطرح می‌کند و آن، حضور سران کشورهای اسلامی در ایام حج است، تا در این روزها، برای رفع مشکلات جهان اسلام فکری کنند و با الهام از فضای معنوی حج و وجود مقدس حرم نبوی ﷺ و بیت‌الله الحرام، به بررسی مسائل موجود در جوامع اسلامی بپردازند.

با آرزوی جناب آقای بوشهری بسیار موافقم؛ حضور در فضای حج، غلبه بسیاری از شیاطین را بر افکار و اذهان بسیاری از سیاست‌مداران و رهبری حکومت‌ها کاهش می‌دهد، اما فاکتور اساسی و به عبارتی سیطره آمریکا و اسرائیل را باید در نظر گرفت که آیا در ورای سلطه شدید غرب، چنین اقدامی از سوی سران کشورهای هم‌چون: «مصر»، «تونس»، «لیبی»، «عربستان»، «امارات»، «کویت»، «بحرین»، «لبنان» و... انجام پذیر است هرچند طرح این ایده و مطرح کردن بیش از پیش آن، می‌تواند زمینه‌ساز اجرای آن در آینده نه‌چندان دور باشد.

«شیخ عبدالامیر قبلان» و پیاده‌روی ائمه علیهم‌السلام

«آیت‌الله شیخ عبدالامیر قبلان» یکی از استوانه‌های تشیع در لبنان است و هنوز نیابت جناب «امام موسی صدر» که زمانی رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان بوده را به‌عنوان نائب رئیس مجلس اعلا بر عهده دارد. ایشان از نزدیک شدن قلوب مؤمنان سراسر جهان در ایام حج، این چنین سخن می‌گوید: «حج فریضه عظیمی است که خداوند آن را به‌عنوان یکی از ارکان دین و شریعت واجب کرد و این روزها مسلمانان در هرجایی که می‌توانند، برای اقامه این فریضه در مراسم حج حضور یابند و بر همین اساس بود که امامان معصوم علیهم‌السلام پیاده به حج می‌رفتند و سختی‌های زیادی را برای ادای این فریضه تحمل می‌کردند».

پیرمرد وقتی از فضای طواف زائران و سختی‌های موجود بین «صفا» و «مروه» و وقوف در عرفات می‌گوید، به وجد می‌آید و اشتیاق به رهایی از گناهان را در انسان برمی‌انگیزاند. ایشان از احساس تقویت ایمان در «رمی‌جمرات» می‌گوید: «رمی شیطان باید با رمی شیطان درون همراه باشد».

این زبان باطن شیخ بزرگ شیعه در لبنان هماهنگی عجیبی با کلام «ماموستا

حسام‌الدین» امام جمعه «سنندج» دارد که در نماز جمعه روز هفتم آبان ۱۳۸۹ از طواف خانه خدا سخن به میان می‌آورد:

«خانه خدا و کعبه با سابقه‌ترین معبد و با ارزش‌ترین مکان در روی زمین است؛ جایی که از سالیان بسیار دور، انبیا و اولیا و بندگان صالح خدا در آنجا به عبادت خدا مشغول بوده‌اند و آن فضا را با عطر خود معطر و منور و قداست بخشیده‌اند و امروز تجلی‌گاه وحدت مسلمانان است».

وقتی کلام دو عالم شیعی و سنی را کنار هم می‌گذارم، احساس می‌کنم راهی را که امروز می‌رویم، راه پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام است؛ راهی که بزرگ‌ترین و استوارترین استوانه‌های عبودیت و بندگی آن را طی کرده‌اند. اما آیا از گرد راه آنها غباری بر سر و صورت ما می‌نشیند و یا آنکه ماشینیس‌م عصر مدرن همین احساس را نیز از ما دریغ داشته و ما را از درک چنین فیضی محروم کرده است. شاید تنها رشحات از آن رشحات رحمانی به ما برسد و خدا کند از همین هم دریغ نشویم و محروم نمانیم.

پنج‌شنبه ششم آبان ۱۳۸۹؛ بیستم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

دیدار از بعثه‌های مراجع عظام تقلید

صبح پنج‌شنبه است. خبر دادند که باید برای دیدار بعثه‌های مراجع عظام تقلید برویم. دیدار نماینده مقام معظم رهبری از بعثه‌های مراجع عظام تقلید، امسال شکل دیگری پیدا کرده است. اگرچه همه مدیران و تحول‌های امسال سال اولی بوده‌اند، اما این اتفاق نیز امسال سال اولی بوده است. در سال‌های گذشته رویه بر این منوال بود که نمایندگان مراجع و رؤسای بعثه‌ها به دیدار نماینده ولی‌فقیه می‌آمدند و سپس این دیدار، پس داده می‌شد و دیدار صورت می‌گرفت. اما صبح پنج‌شنبه، نماینده ولی‌فقیه در امور حج و زیارت همه بعثه‌ها را غافل‌گیر کرد؛ چه اینکه خود شخصاً به همراه معاونانش به دیدار بعثه‌ها شتافت و این یک حرکت جدید از سوی بعثه بود. از این رو، من هم به دیدار این بعثه‌ها رفتم. در حالی‌که، هنوز داستان گذشته و حال این دیدارها را نمی‌دانستم.

قرار بود ساعت ۸:۳۰ دقیقه در لابی هتل قصرالدخیل بعثه باشیم. من هم ساعت ۸:۳۰ دقیقه رسیدم. اما متوجه شدم که حاج آقای قاضی عسکر به سرعت به راه افتاده‌اند. من نیز خودم را به زحمت به آنها رساندم.

۱. بعثه «آیت‌الله مکارم شیرازی»

به دنبال اعضای بعثه، داخل هتل قدیمی بسیار ساده‌ای که روبه‌روی ساختمان قصرالدخیل قرار گرفته است، می‌روم. هنوز نمی‌دانم نخستین بعثه‌ای که می‌رویم، بعثه کدامیک از مراجع است. با دیدن تابلوی ورودی ساختمان با عنوان «بعثه آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی» مشخص می‌شود که به کجا آمده‌ام.

حضور نماینده مقام معظم رهبری و علمای بعثه در بعثه آیت‌الله مکارم شیرازی، با شادمانی بسیاری مورد استقبال واقع شد. آپارتمان قدیمی با کولرهای متعدد روشن که به زحمت آن را کمی خنک می‌کرد، همه بعثه و تشکیلات دفتری آن را تشکیل می‌داد.

گفت‌وگوهای آقایان بسیار دوستانه و درمورد چگونگی آمدن شروع شد و اندک اندک به روش ممانعت مقام‌های عربستان از آوردن کتاب‌ها و رساله‌ها منتهی گردید. صمیمیت گفت‌وگوها با پذیرایی با چایی و نقل بیدمشک و شادمانی بسیار آقای «نظری منفرد»، رییس بعثه آیت‌الله مکارم بیشتر شد. اما گفت‌وگوهای پرهیاهوی دو طرفه و نیز سر و صدای کولر مجبورم کرد تا با دقت بسیار بیشتری به بحث‌ها گوش دهم که بیشتر در مورد صمیمیت‌ها و وقایع کشور بود.

۲. بعثه «آیت‌الله موسوی اردبیلی»

در اینجا بحث از حضور در مراسم زیارت‌ها و بقیع مطرح شد و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدوی رئیس بعثه در مورد حضور در بقیع خاطره‌ای را تعریف کرد بدین شرح که یکی از مبلغان حاضر در بقیع از آقای مهدوی می‌پرسد: آیا قرآن را حفظ هستید؟ ایشان پاسخ منفی می‌دهد و مبلغ وهابی، حفظ نبودن قرآن را مستند بطلان عقاید شیعه دانسته و می‌گوید: «هذا دلیل علی بطلانکم»؛ «این دلیل بر بطلان عقیده شما است [که قرآن را حفظ نیستید]».

۳. بعثه «آیت‌الله سیستانی»

برخلاف دو بعثه گذشته که فضای آنها به‌طور کامل فارسی بود، این بعثه در ساختمانی بسیار ساده و شبه مسجد قرار دارد و البته روحانیون بسیاری که بیشتر آنها عرب زبان و عراقی هستند، در آن حضور دارند. رییس بعثه آیت‌الله سیستانی، «حجت‌الاسلام والمسلمین شهرستانی» است که از خانواده‌های مشهور ایرانی - عراقی هستند و نفوذ بسیار در عراق دارند.

احوال‌پرسی‌های متداول صورت می‌گیرد و حجت‌الاسلام والمسلمین شهرستانی، ضمن احترام به نماینده محترم ولی‌فقیه، احترام ویژه‌ای به آیت‌الله حسینی بوشهری می‌گذارد. میوه‌ای آفریقایی در جمع میوه‌ها به‌چشم می‌خورد و آقای شهرستانی با کمال تواضع، شروع می‌کند به پوست کندن میوه برای حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر و آقای حسینی بوشهری. صحنه بسیار زیبایی است؛ صحنه‌ای که در میان سایر شخصیت‌های سیاسی و دانشگاهی هرگز دیده نمی‌شود.

در این میان، یکی از اخوان شهرستانی که به‌شدت کسالت دارد، به میان جمع می‌آید و همگی به احترام او برمی‌خیزند و او نیز از شرایطی که به خاطر تب و لرز شدید دارد، عذرخواهی می‌کند. آقای «راشد یزدی» دو تن از دوستان قدیمی‌اش را یافته و خود برخاسته و به کنارشان می‌رود.

۴. بعثه «آیت‌الله سید محمدسعید حکیم»

در بعثه آیت‌الله سید محمدسعید حکیم هم علمای عراقی و عرب حضور داشتند. این بعثه در محیطی بسیار ساده و بی‌پیرایه شکل یافته بود. در اینجا بحث سازماندهی سفر زمینی حج و زیارت دوره، از حج به عتبات مطرح شد.

زیارتی که از ایران به عراق و عربستان همراه با زیارت کامل و دوره عتبات و ائمه علیهم‌السلام در عراق و عربستان انجام گیرد، مسیری حدود دو هزار کیلومتر راه زمینی را

می‌طلبد؛ البته اگر بازگشت آن با هواپیما باشد که بی‌شک، اجرای چنین ایده‌ای، مستلزم هماهنگی‌های بسیار با دولت‌های منطقه است و بایستگی‌های فراوانی را در عرصه سیاست‌های منطقه‌ای این دولت‌ها می‌طلبد تا مرزهای زمینی خود را به صورت گسترده به‌روی یکدیگر و برای سفر زمینی باز کنند.

۵. بعثه «آیت‌الله وحید خراسانی»

در بعثه آیت‌الله وحید خراسانی ترکیبی از مبل و قالی و پستی به چشم می‌خورد. در این بعثه، بیشتر گفت‌وگوها در مورد سخت‌گیری‌های عربستان علیه شیعیان و مسائل مربوط به آوردن کتاب به عربستان برای حجاج بود.

«حجت الاسلام والمسلمین جعفر تبریزی»، پسر مرحوم «آیت‌الله شیخ جواد تبریزی» که رییس بعثه ایشان هم بوده است، به بحث انتقال بعثه مرحوم آیت‌الله شیخ جواد تبریزی به بعثه آیت‌الله وحید خراسانی، اشاره می‌کند. مسئله انتشار کتاب‌های ایشان به‌وسیله شیخ جعفر تبریزی نیز از مباحث این جلسه بود. همچنین در این دیدار به بحث سعی در طبقه‌بندی زیرزمین تأسیس شده در منطقه «مسعا» نیز پرداخته شد که حجت الاسلام والمسلمین «کلباسی» اظهار می‌داشتند حضرت آیت‌الله، سعی مسعای طبقه زیرزمین را جایز نمی‌دانند؛ چه اینکه طبقه زیرزمین سعی ریشه کوه است و نه خود کوه صفا. به همین خاطر، سعی در این قسمت را مجاز نمی‌شمرند.

۶. بعثه «آیت‌الله فیاض»

آیت‌الله فیاض اصالتاً از علمای افغانی است و بیشتر مقلدان ایشان هم افغانی هستند. دفتر ایشان بسیار ساده و بی‌پیرایه بود و کف آن با موکت بسیار ساده‌ای پوشانده شده بود. ایشان عالم بزرگ شیعی و حلقه وصل «آسیای جنوب غربی» و «شبه قاره هند» با شیعیان دیگر مناطق است. آقای «محقق» که رییس بعثه ایشان است، با کمال تواضع و ادب در

گوشه‌ای نشست‌ه بود. البته احترام و توجه ویژه‌ای که آقایان قاضی عسکر و راشد یزدی و استادی به او دارند، بسیار جالب و دیدنی است. آرایش اتاق، با پارچه‌های ساده سفید و سبز آویخته، به‌خوبی بیانگر ذوق و سلیقه افغانستانی حاکم بر بعثه آیت‌الله فیاض است.

۷. بعثه «آیت‌الله نوری همدانی»

بعثه آیت‌الله نوری همدانی که آقای «صالحی خوانساری» مدیریت آن را بر عهده دارد، محل دیدار بعدی رییس بعثه مقام معظم رهبری است. محیط ساده بعثه آیت‌الله، با صندلی‌های سفید پلاستیکی پوشیده شده است. حاج آقای فیض متولد ۱۳۰۳ از علمای کهن‌سال حاضر در جلسه است. وقتی از ایشان در مورد تعداد زیارت‌هایی که از بیت‌الله داشته‌اند، پرسیده می‌شود، به‌شیرینی پاسخ می‌دهد: «آنهایی که به من وعده سفر دادند، قرار گذاشتند که سفر را نشمرم».

۸. بعثه «آیت‌الله سبحانی»

ملاقات در بعثه آیت‌الله سبحانی نیز با صمیمیت بسیار علمای حاضر همراه است. اتاق کوچک بعثه، جای پذیرایی از میهمانان را ندارد. آقای «مدرسی» که ریاست بعثه ایشان را بر عهده دارد، از تقدم دیدار نماینده ولی‌فقیه، سپاس‌گزاری ویژه‌ای می‌کند و محظوظ از لطف و صمیمیت حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر است.

۹. بعثه «آیت‌الله صافی گلپایگانی»

بعثه آیت‌الله صافی گلپایگانی که آقای «سید محمدحسن قمی» مدیریت آن را بر عهده دارد، با وجود سادگی محیط، با تغییر ذائقه میهمانان از چایی به گل‌گاوزبان در استکانی کوچک همراه است که جای دیگری یافت نمی‌شود.

پس از احوال‌پرسی و قدرشناسی از اقدام حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، بحث به کتاب‌های حضرت آیت‌الله می‌رسد و آیت‌الله استادی مطالبه کتاب «خمس»

ایشان را می‌کند که به ایشان داده می‌شود. بی‌تردید، شأن و شَمّ آیت‌الله استادی در کتاب‌شناسی و کتاب‌خواهی اینجا هم جریان دارد. در این هنگام حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به شوخی گفتند: «خمس به آقای استادی [غیر سید] نمی‌رسد، ولی با این وجود، ایشان خمس خودشان را گرفتند».

۱۰. بعثه «آیت‌الله جوادی آملی»

دیدار با بعثه آیت‌الله جوادی آملی در حالی صورت گرفت که حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر از توصیه شیرین آیت‌الله جوادی آملی، در ضرورت اقامه حج به‌همراه ضرورت کاروان‌داری حج، سخن به میان می‌آورد؛ اینکه سفر حج برکت‌های فراوانی دارد و اوصاف آن با اوصاف باری تعالی هماهنگ است و حج مرکز مودت و محبت مردمی و انسانی است و در این شرایط، جهانی بیندیشیم و رزق الهی را جهانی توزیع کنیم.

ایشان روایتی را از حضرت آیت‌الله نقل کردند که موضوع آن پذیرش توبه از انسان سکرآلود مستی است که به خداوند پناه می‌برد و خداوند به خاطر زیارت و اعمال حج، او را می‌بخشد. در محضر خداوند، انسان از این همه لطف رحمانی حضرت دوست شرمسار می‌شود.

ریس بعثه آیت‌الله جوادی آملی که فرزند ایشان، حجت‌الاسلام والمسلمین «شیخ سعید جوادی» است، ضمن سپاس‌گزاری از حضور نماینده ولی‌فقیه، به توزیع پیام آیت‌الله جوادی آملی و سی‌دی سخنان ایشان اشاره می‌کند.

۱۱. بعثه «آیت‌الله سید عزالدین زنجانی»

دیدار از بعثه آیت‌الله سید عزالدین زنجانی، با صمیمیتی دو چندان همراه است. شیوه دیدار حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر که برخلاف روش‌های جاری سال‌های

گذشته بوده، شادی وصف ناپذیری را به بعثه‌ها هدیه کرده است. علاوه بر علمای حاضر در بعثه، پسر آیت‌الله عزالدین زنجانی که رییس بعثه ایشان است نیز حضور دارد. پیرمرد روحانی که با لبخند مشغول پذیرایی از میهمان‌ها بود، گز و شیرینی را با خوشحالی به سمت میهمانان می‌گرفت و درحالی‌که لرزش دستان او روی جعبه شیرینی پیدا بود، به شوخی می‌گفت: «بفرمایید. اگر نگیرید، حتماً پولش را می‌گیرم».

۱۲. بعثه «آیت‌الله شبیری زنجانی»

در این بعثه وسایل با سلیقه هم‌وطنان آذری چیده شده است؛ موکتی زیبا و نشیمن علمایی همراه با بازسازی ساختمان قدیمی با دیوارهای سفید و ساده آن، ترکیب ذوق عربی و ترکی را در ظاهر بنا نشان می‌دهد. در این بعثه، علاوه بر تعارف‌های معمول از فتوای آیت‌الله شبیری زنجانی در مورد جواز سفر و شرط داشتن محرم در سفر حج بحث می‌شود. به فتوای آیت‌الله زنجانی، داشتن محرم در سفر حج واجب، شرط نیست.

۱۳. بعثه «آیت‌الله سید کاظم حائری»

در بعثه آیت‌الله سید کاظم حائری، علمای عرب عراقی حضور دارند. اتاق از حضور میهمانان و میزبانان پر می‌شود و احوال‌پرسی علمای ایرانی و عراقی به سمت مباحث سیاسی روز عراق و به عبارتی، مسئله انتخاب نخست وزیر شیعه در عراق سوق پیدا می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌پرسد: «چرا تاکنون شیعیان نتوانستند در عراق خوب رشد کنند و در این مسئله بسیار مهم با همدیگر هماهنگ شوند و دست از اختلاف بردارند و چرا هنوز جایگاه شیعه در عراق، چندان مستحکم نشده و جامعه نوپای شیعه عراق، ظرفیت تداوم اختلاف و رقابت سیاسی درونی و در بین خود در برابر لائیک‌ها و سایر طوایف را ندارد».

گفت‌وگوها بر سر حساسیت مقابله با لائیک‌ها و جریان‌های تحت حمایت آمریکا ادامه پیدا می‌کند و اینکه خطر جدی فعلی، از خطر «صدام حسین» بیشتر است. در این بین، یکی از علما به مسئله قرآن سوزی «تری جونز»، کشیش آمریکایی اشاره می‌کند که این اقدام سبب توجه بیشتر مردم آمریکا و کشورهای گوناگون به قرآن شده است.

۱۴. بعثه «آیت‌الله سید محمد شاهرودی»

آخرین بعثه‌ای که برای دیدار به آن می‌رویم. بعثه «آیت‌الله سید محمد حسینی شاهرودی» است که آقای «شیخ محمد ربانی بیرجندی» مدیریت آن را بر عهده دارد. این دیدار، پایان دیدار ابتکاری حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در تقدم بر سلام و تحیت بر همه بعثه‌ها در نخستین سال نمایندگی مقام معظم رهبری در سمت امیرالحاج ایران است.

دیدار با هیئت پزشکی حج

بعد از ظهر پنج‌شنبه ششم آبان و بیستم ذی‌قعدة است. قرار شده اعضای هیئت پزشکی به دیدار امیرالحاج در محل بعثه بیایند. مطابق معمول، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر سر وقت می‌آیند. رییس هیئت پزشکی حج، دکتر ریاض است. معرفی افراد و احوال‌پرسی یکی پس از دیگری صورت می‌گیرد. دکتر ریاض در توضیح‌های خود می‌گوید:

«ما تلاش بسیاری برای انتقال آموزش بهداشت و سلامت انجام داده‌ایم و ارزیابی‌هایی از کاروان‌ها از نظر بهداشتی و نصب در سر در یخچال‌ها و سرویس‌های بهداشتی و انتشار جزوات از این دسته است.

تیم خبری هم اخبار و اطلاعات پزشکی را به سرعت منعکس می‌کند و از طریق همین تیم خبری، به‌دنبال کسب ایده‌های جدید هستیم».

در ادامه «دکتر جمشیدی» رییس مرکز پزشکی در مدینه توضیح می‌دهد که از ۲۸ مهر ۱۳۸۹ فعالیت‌هایمان را شروع کرده‌ایم و طی این چند روز، تاکنون ۱۱۷۲ مورد خدمات‌های پزشکی داشته‌ایم که ۲۰ مورد آن بستری در اورژانس و دو مورد آن فوتی بوده‌اند؛ یک پیرمرد ۶۹ ساله که دچار سکته قلبی شد و یک خانم ۸۱ ساله که به علت فشار خون بالا سکته مغزی کرد. در یک مورد هم بیماری با سرطان کبد پیشرفته داشتیم که به ایران عودت دادیم. با تأسف، ایشان در مسیر معاینه‌های پزشکی بیماری خود را کتمان کرده بود. از سوی دیگر، امسال در بیمارستان طرح پرستار استقبال را نیز گذاشته‌ایم تا از مریض در لحظه ورود به بیمارستان استقبال و او را به بخش‌های مورد نیاز راهنمایی کند که البته از این طرح استقبال فراوانی شده است.

از سوی دیگر، دوستان ما از چهارشنبه پنجم آبان در مسجد «شجره» مستقر شده‌اند و زائران در حال احرام که به آنجا می‌روند را مورد حمایت و امداد قرار می‌دهند. بسیاری از حجاج در حال شروع به احرام دچار تغییر حالت‌های گوناگونی می‌شوند و باید مراقبت بیشتری از افراد مسن و معتقد کرد.

سؤال از نبود کنترل کامل در تهران

حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر از پزشکان تشکر می‌کند، ولی می‌گوید: «اولین مسئله، مسئله کنترل بیماری‌هاست. باید بیمار را در تهران کنترل کرد تا اینجا دچار مشکل نشود؛ مانند افرادی که گرفتار آرایمر هستند».

در واقع، ایشان پرسیدند: «شما چرا در تهران کنترل نکردید که بیماران با مشکل بالا نظیر سرطان کبد پیشرفته به اینجا آمده‌اند و کلی مشکل برای شما و سازمان و البته خانواده‌های آنها درست شد. اینها اگر در کشور بمانند و سهمیه نیابت داده شود، این مشکلات پیش نمی‌آید».

حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌گوید: «مسئله دیگر، شناسایی و پژوهش درباره انواع بیماری‌هایی است که بیشتر از کشورهای آفریقایی به مکه و مدینه آورده می‌شود که باید بتوان آن را پیشاپیش واکسن زد یا درمان کرد. در این زمینه باید راهی را بیندیشید تا بتوانید در سیستم ارجاع کاری بکنید که هزینه‌های درمان را به دوش دولت و وزارت بهداشت عربستان بگذاریم تا بخشی از پولی که از ما می‌گیرند، جبران شود و این بی‌شک یک ضرورت است».

دکتر ریاض با اشکال چگونگی ورود زائران را می‌پذیرد و اینکه این اشکال سبب شده تا بیمار سرطانی پیشرفته بتواند از تور ارزیابی‌های آنها عبور کند. ایشان همچنین اظهار می‌کند که:

«در حوادث مربوط به شکستگی‌ها با توضیح‌ها و راهنمایی‌هایی که به زائران داده شده، میزان شکستگی‌ها و حوادثی از این دست کاهش یافته است.

در مورد مطالعه بیماری‌ها لازم است به طرح تأسیس «مرکز تحقیقات و مطالعات» حج اشاره کنم که مراحل تصویب آن را گذرانده ایم و لازم است تیم کاری «حجی — علمی» انتخاب شود تا بر اساس نیازهای حج هر سال و تحولات آن، به مطالعه و تحقیق بنشینند و در عین حال، ما در صدد برگزاری کنگره پزشکی حج نیز هستیم».

شور و شوق برپایی نخستین مراسم دعای کمیل در مدینه منوره

پنجشنبه، ساعت ۹ شب است. از همه کاروان‌ها برای برگزاری دعای کمیل در بین الحرمین آمده‌اند. در حد فاصل بین دیوار محوطه مسجدالنبی ﷺ و دیوار قبرستان بقیع، جمعیت موج می‌زند. هنوز مراسم دعا شروع نشده است. پلیس مدینه نیز خیابان‌های اطراف را به‌خوبی پوشش داده و برای این کار از وسایلی چون دستگاه‌های شناسایی مواد و تجهیزات ضد امنیتی همچنین عناصر پلیس مسلح به کلاهخود و باطوم و

آمبولانس و امکانات امدادی استفاده کرده است.

نمایندگان همه بعثه‌های مراجع هم آمده‌اند. صف کارگزاران اجرایی دیواری را بین دیوار حیاط مسجدالنبی ﷺ و زائران ایجاد کرده است. جایگاه برگزاری دعا در حاشیه دیوار بقیع و در عمق جمعیت است. دوربین‌ها علم شده‌اند. آرامش ملایمی جمعیت را فرا گرفته است. همه در نوعی سکوت در حال انتظار به سر می‌برند. کمتر کسی می‌داند که برای برگزاری این مراسم، باید چه خون دلی خورد و چقدر امکانات سیاسی و دیپلماتیک و مخاطره‌های امنیتی را در شهر مدینه به جان خرید تا این دعا برگزار شود؛ دعایی که در میان مردم ایران با اشتیاق فراوانی برگزار می‌شود و شرکت در آن از آرزوهای هر مؤمن شیعه‌ای است. دعای کمیل از زبان حضرت علی علیه السلام گفت‌وگو و راز و نیاز عاشقانه، عارفانه و موحدانه با خداوند، ترسیم لطیف‌ترین دقایق معنوی و رقیق‌ترین رشحه‌های عرفانی با بهترین زبان ادبی است. گویی حضرت علی علیه السلام هم اکنون با خداوند گفت‌وگو می‌کند. در واژه، واژه این دعا، بیان عشق الهی و تضرع به درگاه اوست.

امیرمؤمنان علیه السلام با لحن‌های گوناگون سخن گفته است؛ ایراد خطبه‌های نظامی، خطبه‌های سیاسی و گاهی لطایف اجتماعی و اندرزهای اخلاقی گویای این توانایی ایشان است. اما هنگامی که زبان امیرمؤمنان علیه السلام به دعا و راز و نیاز با خداوند گشوده می‌شود، گویی زبان بشری نیست که سخن می‌گوید. گویی در دیگر سخنان و مکتوبات و کلامش، امیر کلام، کلام دیگری دارد و اینجاست که تفاوت حضرتش با دیگران چون خورشید فروزان آشکار می‌شود.

مقام‌های سیاسی یکی پس از دیگری به جایگاه می‌آیند. جایگاه جز محل خواندن دعا چیز دیگری نیست و تفاوتی با بقیه ندارد. همه افراد، روی زمین سنگ‌فرش می‌نشینند. مدتی است که جایگاه به داخل جمعیت آورده شده است. پیش از این

جایگاه در ابتدای جمعیت قرار داشت. ناگهان متوجه دیوار بالای سرم شدم. دیدم از راهرو کنار دیوار بقیع که برای رفت‌وآمد به بقیع استفاده می‌شود، تعدادی پلیس و خبرنگار دوربین به دست ایستاده‌اند. سال ۱۳۸۳ که ما در این مراسم بودیم، پلیس‌های بسیاری بالای مناره‌های شرقی حرم می‌ایستادند. اما امروز از آنها خبری نیست. پیش و پس جمعیت به‌طور کامل با نرده‌های فلزی مسدود شده است. در دو قسمت جمعیت و در دو ستون جداگانه، خانم‌های زائر نشسته‌اند. سر ساعت ۹:۳۰ دقیقه صدای بلندگو به گوش می‌رسد. درحالی‌که سال‌های گذشته برنامه در ساعت ۱۰ آغاز می‌شد. آقای «سلطانی اقدام» با صدایی محزون در نغمه صبا شروع به قرائت می‌کند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ * وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾^۱

اللَّهُ أَكْبَرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأُخْرُ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾^۲

صدای حق‌هق‌گریه از جمعیت برمی‌خیزد. همین آیه‌ها، خودبه‌خود خطابه‌های معنوی بسیاری را به‌همراه دارد. بزرگان ما گفته‌اند هنگامی که قرآن را می‌خوانید یا می‌شنوید، احساس کنید که این آیه‌ها بر شما نازل می‌شوند. آقای شریعتمدار که تصور می‌کنم عرب‌زبان است، با لهجه غلیظ عربی خبر از آغاز مراسم دعای کمیل می‌دهد و مداح، آقای «خوش‌چهره» چنین شروع می‌کند:

۱. زمر: ۵۳ و ۵۴؛ «بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید».

من آمده‌ام گدای این در گردهم در بحر عنایتت شناور گردهم

با دست تهی آمده‌ام بر در تو مپسند که با دست تهی برگردم

در پی آن، به شعری از «سعدی شیرازی» تمثیل جسته می‌شود:

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش برآید

آقای شریعتمدار به زبان عربی گفت که: «در این زمان مای مؤمنان! به دعایی متوسل می‌شویم که مشهور است به دعای کمیل» و سپس دعا آغاز می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ...

نگهبانان و نیروهای پلیس در همه جا هستند. دوربین‌هایی که در جاهای گوناگون نصب کرده‌اند، مشغول فیلم برداری از صحنه‌اند و بی‌شک مراسم به‌طور مستقیم در چند مرکز مهم از هیئت‌های ارشادی و پلیس امنیتی پخش می‌شود و صحنه، صحنه آن تحت نظر است.

پلیس‌های گوناگون، جداگانه به عکس برداری مشغول هستند. طبیعی است که سرتاسر صحنه برگزاری دعا به‌دقت تحت نظر است.

«ام‌البینین» و پسرانش

دعا در ساعت ۱۰:۱۸ دقیقه تمام می‌شود. در فرصت دوازده دقیقه‌ای که باقی مانده، مداح، آقای «حسن باقری» اشعاری در مدح مدینه می‌خواند.

مراسم با ذکر مصیبت حضرت فاطمه علیها السلام و «الهی العفو!» ادامه می‌یابد و در پایان، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر دست به دعا برمی‌دارند: «... یا الله یا رحمن یا رحیم ... اللهم انصر الاسلام و المسلمین ... اللهم اغفر لموتانا ... اللهم اشف مرصانا ... اللهم عجل لولیک الفرج و اجعلنا من اعوانه و انصاره...».

دعا با تشکر از مردم حاضر و نیروهای انتظامی مدینه که نظم و امنیت مراسم را تأمین کرده‌اند، به پایان می‌رسد، درحالی‌که برای بسیاری از زوار با نشاط و سروری معنوی همراه است.

بسیاری از دوستان قدیمی در حاشیه مراسم همدیگر را پیدا می‌کنند و فرصتی برای تجدید دوستی‌ها فراهم می‌شود. درعین‌حال، کارگزاران امور اجرایی و زوار به‌سرعت هرگونه کاغذ و اشیایی که در محوطه برگزاری دعا ریخته شده باشد را جمع می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که انگار هیچ برنامه‌ای در منطقه بین‌الحرمین برگزار نشده است؛ سنت بسیار نیکویی که ایرانیان در برقراری نظم و نظافت کامل اجرا می‌کنند. جالب‌تر اینکه، همه در کنار هم و یکدل و هماهنگ با فراست متوجه برگزاری هرچه بهتر این برنامه هستند. این درست است که چون در خانه دیگران میهمان هستیم، چنین عمل می‌کنیم. اما وقتی همین مؤمنان در کشور خودشان به نماز جمعه می‌روند، حجم بالایی از کاغذ و زباله بر روی زمین ریخته می‌شود و هزاران ساعت وقت و میلیون‌ها تومان هزینه جمع‌آوری زباله‌ها می‌شود. چه نیکوست که این سنت حسنه به داخل کشور نیز برده شود و اجتماع‌های مذهبی درون کشوری ما هم با نظم و پاکیزگی معنوی و مادی همراه باشند.

جمعه هفتم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و یکم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

ندبه در سلسله موی دوست

صبح جمعه است. کاروان‌های گوناگونی از زائران به بعثه آمده‌اند تا صبح روزهای جمعه را در مدینه به یاد امام غائب علیه السلام به ندبه بنشینند؛

حج در یکصد و یازده سالگی

دیدن خانه خدا آن هم در یکصد و یازده سالگی، باید بسیار شگفت‌انگیز باشد. بیش از یک قرن انتظار برای دیدن خانه دوست. مشخص نشد پیرمرد با چه زحمتی خود را به حرم نبوی صلی الله علیه و آله رسانده و چه امکاناتی او را پشتیبانی کرده‌اند تا به اینجا رسیده است و از همه معاینه‌های پزشکی عبور کرده و پذیرفته شده است.

امسال کهن سال‌ترین و جوان‌ترین حاجی از خراسان رضوی آمده‌اند. «سرور صفوی» متولد فروردین‌ماه سال ۱۲۷۸ از کاروان «احراری» شهرستان «خواف»، به‌عنوان کهن‌سال‌ترین حاجی سال ۱۳۸۹ شناخته شده است و «فاطمه ابریشمی» نیز دختر نوجوان متولد فروردین‌ماه سال ۱۳۷۹ از کاروان «معین‌الرضا» استان «خراسان رضوی» است.

«مسعود مجردی» رییس ستاد مدینه این خبر را به خبرنگار خبرگزاری «فارس» می‌دهد. درحالی‌که به فاجعه‌ای اشاره می‌کند که بی‌سروصدا در حال جریان است و آن

اینکه همه ۱۲ هزار نفر حاجی استان خراسان رضوی، به وسیله شرکت های هواپیمایی سعودی به مدینه و جدّه آورده شده اند و هیچ هواپیمایی از کشور ایران، برای انتقال این حجاج از کشور برنخاسته است.

با وجود این، مدیر عامل «هما» از پرواز ۳۴ هزار زائر ایرانی گزارش می دهد. اما «فرهاد پرورش» توضیح نمی دهد که چرا ایران از ۶۹ هزار زائر دیگر خود چشم پوشیده و آنها را به شرکت هواپیمایی سعودی و شرکت «وفیر» واگذار کرده است.

دفتر استفتائات

دفتر استفتائات بعثه در روزهای حج با سؤال های متفاوت بسیاری مواجهه می شود؛ سؤال هایی که هر کدام، درخور توجه بوده و البته قابلیت همانند سازی دارند.

حجت الاسلام محمدحسین فلاح زاده - که با پای شکسته به این سفر آمده است - و حجت الاسلام امیری، اداره امور استفتائات را بر عهده دارند. بر اساس تجربه و جغرافیای حضور، نوع سؤال ها را به چهار دسته تقسیم می کنند:

۱. سؤال هایی که در مدینه پرسیده می شود؛

۲. سؤال هایی که در مکه پرسیده می شوند؛

۳. سؤال هایی که در ایام تشریق پرسیده می شوند؛

۴. سؤال هایی که پس از منا پرسیده می شوند.

در مدینه زائران بیشتر از مکان و محیط حضور پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت می پرسند و البته پرسش هایی درباره نیابت و استطاعت، مسئله تخیر بین قصر و اتمام یا روزه مستحبی در مدینه منوره از دغدغه های زائران است. در مکه هم زائران بیشتر درگیر سؤال هایی همچون: شک در طواف، نقص و اضافه و خلل در طواف - مانند هل خوردن و برگشتن شانه از کعبه - مکان نماز طواف - که بر اثر ازدحام در محل

دورتر به نماز می‌ایستند - بیرون رفتن از شهر مکه - برای نمونه، رفتن خدمه به منا و عرفات یا «جبل النور» - ارتکاب بعضی از محرمات مکه، مانند به زیر سایه رفتن در زمان احرام و مسائل دوره‌ای بانوان و خوردن قرص برای جلوگیری از عادت ماهیانه هستند.

در ایام تشریق هم سؤال‌ها معطوف است به تمام یا شکسته بودن نماز در عرفات مشعر و منا؛ وقوف اضطراری بانوان که آیا لازم است تا نصف شب بمانند یا خیر؛ شک در تعداد ریگ‌های جمرات در منا؛ تخییر بین حلق و تقصیر و یا وجوب حلق؛ مقدار بیتوته و زمان نصف شب به ساعت؛ نیابت در رمی (کسانی که در زمان شلوغی به دیگر افراد نیابت داده‌اند؛ بعد متوجه شده‌اند که وقت خلوت هم وجود دارد)؛ زمان خروج و کوچ از منا و مشعر برای دیدار برای کسانی که عمره تمتع در ذی‌قعدة انجام داده‌اند؛ به‌جای آوردن عمره مفرده پس از اعمال حج و قصر و اتمام نماز در مکه پس از اعمال حج.

اما در دیگر سو، برادران اهل تسنن گرفتار پاسخ به سؤال‌های مربوط به مفهوم مذکر بودن «دیوار» شده‌اند؛ خانم «منیره القیسی» یک چهره مفتی زن وهابی است و جمعیتی از زنان افراطی وهابی را رهبری می‌کند. این زن جنبشی وهابی را در «سوریه» سازمان‌دهی کرده است که این جنبش بر پایه اندیشه وحدت وجود و تقدیس خانم قیسی است؛ به‌طوری که این دسته از زنان، برای بوسیدن دست و پای وی بر همدیگر سبقت می‌گیرند.

خانم قیسی که «جنبش القیسیات» را در سوریه تأسیس کرده است، با وجودی که متولد ۱۹۳۳ است و بیش از ۶۷ سال سن دارد، لقب «آنسه» به معنای «دوشیزه» را برای خود انتخاب کرده و بخش بیشتری از تحصیلات وی در حوزه علوم طبیعی است. این خانم در سن پیری که ازدواج هم نکرده، فتوا داده که خوابیدن زنان در کنار دیوار حرام است؛ چون کلمه دیوار در عربی، یک کلمه مذکر است!

علمای سوریه گرفتار این فتوای عجیب و غریب شده‌اند. اما مفتیان سوری از «دکتر توفیق رمضان»، رییس گروه فقه اسلامی دانشکده دینی «دمشق» تا «شیخ احمد کفتارو»، از شیوخ سرشناس دینی سوریه، این فتوا را محکوم کرده‌اند.

شیخ احمد کفتارو می‌گوید: «این تفکر عجیبی است که تاکنون در شریعت اسلامی اصلاً وجود نداشته است و نشئت گرفته از بت‌های فکری و ضلالت عقل است و هدف آن، ایجاد فتنه در جهان عرب و اسلام از طریق تشویه حقایق دینی است».

با وجود این، این خانم دوشیزه وهابی توانسته بیش از هفتاد و پنج‌هزار دختر جوان را از طریق فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی به خود جذب کند. هرچند عرصه پاسخ‌گویی به شبهه‌های خانم القیسی به دستگاه پژوهش و پاسخ آقای فلاح‌زاده نرسیده است؛ اما این شبهه‌ها به‌زودی دامن احکام‌گویی آقای فلاح‌زاده را هم خواهد گرفت.

دیدار با بعثه عراق

ساعت ۷ شب روز جمعه، هفتم آبان سال ۱۳۸۹ است. قرار شده رییس بعثه مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق، حجت الاسلام والمسلمین «سید حیدر حکیم» به دیدار نماینده محترم ولی فقیه بیاید.

خانواده بزرگ حکیم در طول سال‌های اخیر، علاوه بر شهرت و بر سر زبان بودن در افکار عمومی، مصیبت بسیاری نیز کشیده‌اند.

به‌تازگی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کتابی درباره تلاش‌های آیت‌الله العظمی حکیم و خاندان او به چاپ رسانده است.

سید حیدر حکیم وارد جلسه می‌شود. او جوانی است با پوشش روحانی شبیه ایرانی‌ها. ایشان پسر شهید «آیت‌الله سید محمد باقر حکیم» است. حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر بر اهمیت و جدیت جایگاه خانواده حکیم تأکید می‌کند و

سابقه دوستی خود با شهید محمد باقر حکیم را یادآور می‌شود و می‌گوید:

«تأثیر خانواده حکیم بر سرنوشت شیعیان بسیار مهم و ماندگار است. علمای شیعه در عراق، تأثیر بسیار مهمی در گسترش تشیع داشته‌اند و امروزه، باید به اهمیت آن بسیار توجه و حساسیت داشته باشیم.

مؤسسه «شهید محراب» در عراق تلاش‌های گسترده فرهنگی را آغاز کرده‌اند که یکی از جدی‌ترین کارهایی است که هم‌اینک می‌تواند در عراق انجام گیرد؛ چراکه کار گسترده فرهنگی در عرصه‌های بین‌المللی حتی از فعالیت‌های نظامی هم مؤثرتر شده است.

ما در حوزه حج، کارهای گوناگونی انجام داده‌ایم که می‌تواند برای انتقال تجربه‌ها برای برادران عراقی و شما بسیار مناسب باشد. اما با وجود این، ما سخت نگران تأخیر جامعه عراق در تعیین دولت قانونی در عراق هستیم و برای این تأخیر هیچ فایده‌ای وجود ندارد».

سید حیدر که تردید دارد به زبان عربی سخن بگوید یا فارسی، این چنین سخن آغاز می‌کند: «من با برادران خود، به خانه اول و امید خود آمده‌ایم. علاقه ما به جمهوری اسلامی بسیار است؛ چراکه جمهوری اسلامی، عمق استراتژیک تشیع است و علاقه ما علاقه‌ای اعتقادی است. ما ایران را «ام‌القرای» جهان اسلام می‌دانیم.

شما به‌خوبی به بعد فرهنگی در عراق اشاره کردید و ما متوجه این مسئله پس از سقوط نظام صدام شدیم و تلاش گسترده‌ای را در این مسیر انجام دادیم و علاوه بر ما، مؤسسه‌های بسیاری در عراق در حال انجام فعالیت فرهنگی هستند».

روحانی دیگر «شیخ حمید معلی» است، قرار است از بخش‌های سیاسی و انتخاب نخست‌وزیر بگوید. او انتخاب حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر را به امیرالحاجی ایران تبریک می‌گوید و بر وظیفه سنگین او تأکید می‌کند. او در پاسخ

به این سؤال که چرا برنامه انتخاب نخست وزیر به تأخیر افتاده و تأخیر آن از حد گذشته است، در حالی که متضرر اول مردم عراق هستند که بیشترین آسیب را می‌بینند، گفت:

«در این تأخیر بخشی از عوامل، کشوری و داخلی و بخشی دیگر از عوامل خارجی هستند. همه عوامل خارجی مخالف تکرار تجربه حاکمیت نیروهای طرفدار اسلام و شیعه‌اند. اما عوامل داخلی از نیروهایی هستند که مخالف روی کار آمدن همه عناصر شیعی‌اند و این نیروها هر کدام بر اساس اراده‌های متفاوتی با این اصل مخالفت می‌کنند. این مجموعه مخالفت‌ها که با ناسازگاری درونی نیز همراه است، سبب شده تا رسیدن به توافق در داخل، بسیار مشکل شود».

بحث با تعارف‌های رسمی خاتمه یافت و قرار شده آقایان برای شام میهمان بعثه باشند؛ چه اینکه از لحظه‌های ملکوتی نماز مدتی گذشته بود.

شنبه هشتم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و دوم ذی قعدة ۱۴۳۱

بقیع و مبلغ‌های افراطی وهابی

ساعت شش صبح به بقیع می‌روم. پس از چند روز اقامت در مدینه، تازه امروز توانستم زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام مشرف شوم. بسیار شرمنده‌ام. وارد بقیع می‌شوم. طیف گسترده‌ای از جمعیت، از جمله: زائران ایرانی، عرب، ترک، پاکستانی، چینی، مالزیایی و... به بقیع می‌آیند. با زحمت خود را روبه‌روی قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام می‌رسانم. پلیس و اصحاب اداره امر به معروف و نهی از منکر به شیوه بسیار خشن و زنده‌ای برخورد می‌کنند. یک روایت نه‌چندان معلوم الصدور ورد زبان این بیچاره‌هاست. پلیس را می‌بینیم که سلاح به کمر بسته و در آن، ده گلوله واقعی به صورت خشاب ظاهری مشهود است تا به زائران خانه خدا و رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثابت شود که این گلوله‌ها واقعی هستند و با کسی شوخی ندارند گویی فتح بزرگی کرده‌اند؛ قبرستانی را تخریب کرده و پیرامونش دیواری عظیم کشیده‌اند!

همایش سفیران وحدت

ساعت هشت و نیم صبح است. همایش «سفیران وحدت» از زائران اهل سنت، در سالن همایش‌های بعثه در هتل قصرالدخیل مدینه در حال برگزاری است. در این

همایش «قوچایی» از کاروان «بیک محمدی» از استان گلستان شرکت دارد. او در سال گذشته روحانی کاروان بوده و از سال ۱۳۸۰ - ۱۳۸۹، در بیش از پنج نشست سفیران وحدت شرکت کرده و امروز، زودتر از همه به این نشست آمده است و بخش‌های گوناگون این نشست را برای من توضیح می‌دهد. وی در مورد محورهای هم‌بستگی و همدلی و دشمن‌شناسی، قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که در این نشست‌ها برگزار شده برایم توضیح می‌دهد: «در سال جاری، موضوع همایش «قرآن محور بیداری امت‌ها» نام‌گذاری شده و ضرورت درک نقش علما در تبیین معارف قرآنی و بیداری امت اسلامی از محورهای اساسی این همایش است».

علمای گوناگون اهل سنت در این نشست شرکت کرده‌اند. احساس علاقمندی متقابل و پاسخ‌های دوستانه آنها بسیار کمک کننده بود.

تابلوی کاروان‌های (۳۸۰۱۳) «گنبد کاووس» در میان جمع مشاهده می‌شود. قاری قرآن هم کنار جایگاه نشسته و عبای سفیدی بر دوش گذاشته است. «مولوی اسحاق مدنی» مشاور رییس جمهوری در امور اهل سنت نیز به جلسه آمده است.

آقایان: «طه فروزش»، «صفر حاجی آخوند قزاقی»، «عبدالجبار میرابی»، «الله قلی توماج» از علمای اهل سنت منطقه گلستان هستند که در این نشست شرکت دارند.

«حمید شاکرنژاد» هم با عبایی سفید، به تلاوت قرآن پرداخت:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَنَسَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۱ (انفال:

۴۵ و ۴۶)

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که در میدان نبرد با گروهی روبه‌رو می‌شوید، ثابت‌قدم باشید و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید. و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید و با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است.

قرآن شنیدن نیز همانند بسیاری از عبادت‌های دیگر به همدم نیاز دارد تا بتوانی با هم‌نوایی و همدم شدن، کلام قرآنی را با هیجان و درک لطائف آن بشنوی. اما نمی‌دانم چرا امروز مهمانان کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند یا شاید هم فکر می‌کنند؛ چون جلسه رسمی است، رعایت آداب جمع می‌کنند. در هر صورت، ضرورت دارد با قاری همراهی و هم‌نوایی شود.

«حجت الاسلام والمسلمین عطاران» مدیریت امور اهل سنت بعثه، به زائران خیرمقدم می‌گوید و بر وظیفه بعثه، بر آماده‌سازی شرایط برای زیارت زائر خانه دوست در مدینه و مکه تأکید می‌کند. او از بعثه می‌خواهد این وظیفه را به گونه‌ای انجام دهند که تمام دغدغه زائر انجام اعمال عبادی و بندگی کردن در محضر خداوند باشد. کاروان‌های متعدد از استان‌ها و مذاهب گوناگون بدون هیچ‌گونه تبعیض و تفاوتی در این روزها در کنار هم به زیارت مشغول هستند و بی‌شک، زائران ایرانی نسبت به زائران دیگر، بهترین وضعیت را دارند؛ و در واقع، این تکلیف و دستور مقام معظم رهبری و نماینده ایشان است که دستور داده‌اند و در حال اجراست.

شعار امسال حج «وحدت و بیداری اسلامی» است. اهل سنت نیز همایش سفیران وحدت همه امت را به راه انداخته‌اند.

سخنان امیرالحاج در دفاع از مسلمانان

حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر که سر ساعت نه و نیم مطابق وعده، وارد جلسه می‌شود، در ساعت ۹:۴۰ دقیقه برای سخنرانی برمی‌خیزد و با درود به انبیا و ائمه علیهم‌السلام به ایراد سخن می‌پردازد:

«یکی از ظرفیت‌های مهم حج، ایجاد انسجام و وحدت و همدلی میان مسلمانان است. نمایندگان مسلمانان از سراسر جهان با هزینه شخصی بدون اتکا به دولت، به حج می‌آیند.

اینجا هیچ امتیازی برای هیچ کسی قائل نشدند: ﴿سَوَاءُ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ﴾^۱ همه مشترک اعمال خود را انجام می‌دهند. این ظرفیت فقط در اسلام هست و در دیگر ادیان وجود ندارد. بهترین جا برای توسعه فرهنگ اسلامی، حرمین شریفین است. مکه شهری امن است. بلد امن الهی است. همه در امنیت کامل هستند. هیچ‌کس نمی‌تواند به هیچ‌کس حتی به خود هم آزار برساند. حتی یک پشه را نمی‌تواند از بین ببرد و گیاهان هم در امنیت کامل هستند.

حتی امام صادق (علیه السلام) درباره مطالبه طلب یک طلبکار از بدهکار در مکه و ایام حج را نمی‌پذیرد؛ چراکه مکه و مسجدالحرام جای امن است. امروزه، اسلام هراسی و شیعه هراسی دو فتنه‌ای است که دشمنان ما در حال تلاش برای ایجاد اختلاف بین ما و مردم سنی هستند.

ایرانی از پاکستانی دفاع کرد، در حالی که، شیعه نبودند. در فلسطین هم مردم فلسطین سنی هستند و شیعه نیستند. از ۲۰ میلیون نفر سیل زده در پاکستان فقط ۴ میلیون نفر شیعه بودند. بقیه ۱۶ میلیون نفر دیگر آن سنی هستند. مسئله مهم این است که در غرب به شدت در حال گسترش است که مسلمانان در هیچ جای دنیا برای هیچ‌کس خطر نیستند، مسلمان‌ها اهل منطق و استدلال هستند.

فتوای مقام معظم رهبری در مورد تحریم توهین به مقدسات اهل‌تسنن که مورد استقبال همه واقع شد، یک ایده جدید نسبت به یک برنامه قدیمی است. از گذشته، این رویه از سوی ما وجود داشته است و ما باید مواظب باشیم. پاره‌ای اختلافات نباید ما را از هم جدا کند که باید مصداق «اختلاف امتی رحمة»^۲ بوده باشد.

۱. حج: ۲۵؛ «آن (مسجدالحرام) را برای همه مردم برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند».

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۱.

در ادامه مراسم، چند نفر از روحانیون جوان مولودی خوانی کردند. «شیخ محمدعلی والی‌زاده» هم سخنران بعدی جلسه است.

گزارش دیدار از هتل «بدر العوالی»

امروز از هتل بدر العوالی به‌طور تقریباً سرزده دیدار به عمل آمد. زوار نمی‌دانند چه خبر شده است؟ کاروان‌هایی از «فارس»، «کاشان» و «قزوین» در این هتل اسکان دارند و ما به همراه حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به قسمتی آمده‌ایم که اتفاقاً به پیرمردها اختصاص دارد.

جمعیت بسیاری در این هتل اقامت دارند. با آمدن رییس و اعضای بعثه، مسئولان کاروان سعی کردند ابتدا به اعضای بعثه غذا بدهند. اما حاج آقا و دیگر دوستان گفتند اول به زائران دیگر غذا بدهید که نوبت آنهاست. این از هوشمندی اصحاب بعثه هم بود که نمی‌خواهند تبعیض میهمانی و مدیریتی اعمال شود و هم اینکه می‌خواهند متوجه شوند که چقدر طول می‌کشد تا به همه زائران حاضر در هتل غذا برسد.

در این هتل، ۲۶۵۰ نفر از استان‌های گوناگون حضور دارند. رستوران خانم‌ها در طبقه بالا و رستوران آقایان در طبقه پایین است. جمعیت بسیاری است؛ تدارک این جمع و تهیه و توزیع غذا و برنامه‌های مربوط به این جمع، تلاش بسیار و همه‌جانبه‌ای را می‌طلبد.

البته صبحانه در اتاق‌ها سرو می‌شود و خدمه صبحانه را به در اتاق‌ها می‌رسانند؛ گوجه‌فرنگی، خیار، پنیر و شیر، صبحانه آقایان و خانم‌ها را تشکیل می‌دهد. غذایی که در بعثه و قصرالدخیل هم می‌دهند، تقریباً همین است و فقط ظرف‌ها در بعثه یک بار مصرف نیست. اما اینجا از ظرف‌های یک بار مصرف استفاده می‌شود. برای برنج و خورش‌ت‌قیمه و سالاد و نوشابه ظروف یکبار مصرف استفاده کرده‌اند که برای کنترل بهداشتی کاروان بسیار ضروری است، هرچند ممکن است تعدادی از پیرزن‌ها یا پیرمردها نتوانند با قاشق یک‌بار مصرف پلاستیکی راحت غذا بخورند.

پس از صرف نهار، زائر جوانی دفتر یادداشت خود را آورد که حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر برایش یادداشتی بنویسد و نماینده محترم ولی‌فقیه نیز برای او یادداشت یادگاری می‌نویسد.

سیاست تجمیع هتل‌های اطراف حرم در مدینه

سیاست دولت عربستان در مدینه، بر تجمیع زوار در هتل‌های بسیار بزرگ در اطراف حرم است و هتل بدرالعوالی، در راستای این سیاست ساخته شده است و اسکان ۲۶۵۰ نفر در این هتل، در داخل محدوده‌ای نزدیک حرم سبب شده نیاز به رفت‌وآمد با اتومبیل کاهش یابد در نتیجه حجم ترافیک کم شود. هتل‌های دیگر از جمله: «جوهره العاصمه» نیز در راستای اجرای همین سیاست ساخته شده‌اند.

حجت‌الاسلام قاضی عسکر، بدون تشریفات و تقریباً بدون اطلاع قبلی وارد هتل بدرالعوالی شد. زوار در حال نهار خوردن بودند و امیرالحاج می‌داند که در هنگام نهار خوردن و انتظار برای غذا نیز دیدار صورت می‌گیرد. جالب اینکه هر جا آقایان بودند، به احترام امیرالحاج برمی‌خاستند، اما جالب‌تر از آن، تکبر درخور توجه حاج خانم‌هاست که تا حدودی در شرع مورد تمجید قرار گرفته است. آنها با وجود مطلع بودن از سطح هیئت بعثه، فقط سر برگردانده و به سلام پاسخ می‌دهند و به ندرت برمی‌خیزند که این نشان از سطح و عمق احساس شخصیت در میان زنان زائر ایرانی است.

در نخستین دقایق دیدار با ابراز احترام و علاقمندی همراه است و در برابر خواست نماینده ولی‌فقیه برای بیان مسائل موجود، زائران یکی یکی شروع به دادن پیشنهاد می‌کنند. اندازه و نوع مسائل معلوم می‌شود. یکی می‌گوید مشکل حمل‌ونقل به‌وسیله آسانسور بسیار جدی است و بهتر است آسانسورها به زنانه مردانه تقسیم شوند، هرچند یکی از مدیران اجرایی می‌گوید آقایان زائر، با همه آسانسورها آشنا نیستند.

تقاضا برای درک دعای کمیل در مدینه

رییس یکی از کاروان‌ها که دیرتر از دیگر کاروان‌ها به مدینه رسیده، می‌گوید اگر بخواهند مطابق برنامه و جدول به مکه بروند، نمی‌توانند در دعای کمیل دوم مدینه شرکت کنند. رییس کاروان با التماس تقاضا می‌کرد که برنامه به صورتی تغییر کند که آنها فقط در دعای کمیل شرکت کنند و بعد بروند.

یک کاروان - که حدود ۲۷ پزشک هم دارد - در آخرین لحظه با مشکل نیامدن روحانی کاروان مواجه می‌شود؛ چون روحانی مزبور عضو هیئت علمی دانشگاه بود، نتوانست موافقت دانشگاه را برای آمدن بگیرد و این مسئله که چرا بعثه متوجه این نکته نشده، موضوع بازرسی افتخاری برای انعکاس این مسائل به بعثه را پیش می‌کشد و تلاش می‌شود که این معضل، به نوعی با اعزام فرد جایگزین حل شود.

از درخواست‌های دیگر زائران این است که زائران مناطق گوناگون کشور، با یکدیگر هماهنگ شوند. به عبارت دیگر، اصفهانی‌ها با اصفهانی‌ها و یزدی‌ها با یزدی‌ها باشند. هرچند شاید این رویه کار تعامل را برای برخی راحت‌تر کند، اما فلسفه حج، زدودن رنگ‌ها و تعلق‌ها و قومیت‌ها و قبیله‌گرایی‌هاست، تا انسان‌ها بتوانند حقیقت انسانیت را درک کنند و از علایق منطقه‌ای و صنفی و محلی خود دست بردارند و یاد بگیرند چگونه با کسانی که نمی‌شناسند، همانند شوند و همزیستی داشته باشند.

دیدار با بعثه بنگلادش

امروز از خبر ورود رییس بعثه «بنگلادش» بی‌خبریم؛ چه اینکه «جهانگیر عالم»، رییس بعثه بنگلادش در شامگاه امروز هشت آبان به دیدار امیرالحاج جمهوری اسلامی ایران آمده است و حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌گوید: مسلمانان می‌توانند با استفاده از ظرفیت حج، به مرحله ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾^۱ برسند.

۱. حج: ۲۸. «تا شاهد منافع گوناگون خویش در این برنامه حیاتبخش باشند».

مسلمانان منطقه هندوستان قدیم و به عبارتی، بنگلادش و پاکستان که از قدیم با زبان فارسی سخن می‌گفتند، هنوز اسامی فارسی دارند. آنها از میان اسامی گوناگون به اسامی‌ای که دارای شمول و برتری بهتری باشند، بیشتر علاقمندند؛ از جمله اسم «جهانگیر»، در میان آنها بسیار مرسوم است؛ همان‌طور که نام جناب رییس بعثه بنگلادش، جهانگیر عالم است.

او می‌گوید حاجیان بنگلادش به دو روش به حج می‌روند؛ دولتی و خصوصی. در بخش دولتی، هزینه آن ۳۵۰۰ دلار و در بخش خصوصی، هزینه پرداختی ۵۰۰۰ دلار است. اما در عمل هزینه دو گروه برابر می‌شود؛ چراکه در بخش دولتی، مسئله تأمین غذا بر عهده زائران است.

امیرالحاج که از دیدار جهانگیر عالم اظهار خرسندی می‌کند، موقعیت بنگلادش در جهان اسلام را می‌ستاید و از نقش آن در سازمان کنفرانس اسلامی و ارتباط خوب این کشور با جمهوری اسلامی و درک بسیار بالای آن کشور از مسائل مربوط به فلسطین تقدیر می‌کند و از امیرالحاج بنگلادش برای دیدار از ایران دعوت می‌کند تا با تجربه‌های ایران در زمینه اداره امور حجاج و فعالیت‌های فرهنگی آشنا شوند.

تکرار سریال هنرمندان

آنچه در اخبار از احتمال آمدن جمعی از هنرمندان به‌وسیله اعمال نفوذ آقای خاص (مشایی) آمده بود، سؤال برانگیز شده است. وقتی هنرمندان می‌خواهند به زیارت خانه خدا بیایند بی‌تردید آثار مثبت بسیاری در پی خواهد داشت و بعضی از حرکت‌های نامناسب سینمایی را در آنها کاهش خواهد داد و در بهبود وضعیت معنوی الگوهای اجتماعی مؤثر خواهد بود.

اگر خاص‌ترین هنرپیشه‌های سینمایی که خداوند هم بر سر نقاشی خلقت آنها

فرصت بیشتری گذاشته است، به حج بیایند، نخستین سوغات اینها، اعلام بندگی به درگاه خداوند است و دور شدن از دنیای پر هیاهوی اطراف و قرار گرفتن در صف نمازگزاران و طواف کنندگان. اگر این خواهران و برادران ما به حج نیایند، نمی‌توانند به آنتالیا یا «پاریس» و «رم» بروند و خوش بگذرانند و با این و آن عکس بگیرند و مهمانی بروند؟

این، جریان برای لیالی رییس سازمان هم در دسر شده است؛ چراکه لیالی در گفت‌وگو با خبرنگار «البرز» در مدینه می‌گوید:

«هیچ دستور یا نامه ویژه‌ای برای عزیمت افراد خاص به سفر حج نداشته‌ایم و اخباری در این باره منتشر شده است، اما وزارت ارشاد همه ساله سهمیه‌ای پنجاه نفره برای اعزام هنرمندان به سفر حج دارد و هرکس را که این وزارتخانه به ما معرفی کند، به این سفر مشرف می‌شود. فعلاً فقط قرار است آقایان «حسن جوهرچی» و «رضا توکلی» و «حسین محجوب» با یک تهیه کننده از طرف صدا و سیما به سفر حج بیایند و از حضور دیگر هنرمندان و اسامی آنها خبری ندارم».

با وجود این، سایت «جهان» از اسامی کسانی که سفارشی به حج می‌روند، نام برد و از سفر سال گذشته که پسر، دختر، همسر و داماد رییس دفتر رییس‌جمهور با سهمیه ویژه دولت به سفر حج رفتند که مورد انتقاد رسانه‌ها قرار گرفت نیز مطالبی را بیان کرد.

شیعه‌ستیزی سازمان یافته

هنوز یک هفته از آغاز عملیات حج سپری نشده است که نیروهای امنیتی دولت عربستان سعودی، سه فعال شیعی استان «قطیف» را به اتهام برگزاری مراسم بزرگداشت و تکریم امام خمینی علیه السلام بازداشت کرده‌اند. این سه فعال شیعی عبارت‌اند از: «شیخ سعید

البحار»، امام جماعت مسجد امام رضا علیه‌السلام؛ «محمد حسن الحبیل»؛ متولی این مسجد در شهر «تاروت» استان قطیف و «حسین الدببسی» متولی مسجد امام هادی علیه‌السلام در شهرک «سنابس» که به دستور «محمد بن فهد» امیر منطقه «الشرقیه» (منطقه شیعه نشین) عربستان بازداشت شده‌اند. اما در مسیر تبلیغات یک طرفه، سعودی‌ها از توزیع ۱۸ میلیونی نسخه قرآن کریم و کتاب و نوار برای حجاج داخلی و خارجی به ۳۲ زبان گوناگون در مناسک حج امسال خبر دادند.

مشاور وزیر امور اسلامی حج و عمره عربستان، اعلام کرد که برنامه‌های تبلیغی فراگیری با استفاده از شیوه‌های حرفه‌ای، از طریق طرحی فراگیر اجرا خواهد شد. نصب تابلوهای الکترونیک در میداين عمومی و مشاعر مقدسه و توزیع بیش از پنج میلیون کتاب و فیلم، جزوه و نوار برای حجاج داخلی و ۱۳ میلیون نسخه برای حاجیان خارجی به بیش از ۳۲ زبان و پخش برنامه‌های شنیداری و دیداری و مکتوب به ده زبان و نیز پخش برنامه‌ها و فیلم‌ها در بیش از ۸۰ شبکه ماهواره‌ای و رادیوهای عربستان سعودی و عربی تدارک دیده شده است.

کتاب‌های گوناگونی که در مسیرهای سفر، به رایگان دریافت کرده‌ایم، همه تبلیغ‌های عقاید وهابیت از یک سو و از سوی دیگر، تبلیغ علیه تشیع است. به عبارت دیگر، در تمام این کتاب‌ها جز تبلیغ ضد شیعه مطلب دیگری دیده نمی‌شود. یکی از این کتاب‌ها، کتاب «مناسک حج» به زبان فارسی و بر اساس روایت وهابی‌هاست که سراسر آن توهین، بی‌ادبی و استدلال‌های سفسطه‌آمیز غیر منطقی و برداشت بد از بسیاری از عادت‌های اجتماعی ایرانیان و نشر دروغ‌های بسیاری علیه شیعه است.

ارزیابی الگوها و شیوه‌های تبلیغی ضد شیعی وهابیت، خود نیاز به پژوهشی گسترده و علمی در حد رساله کارشناسی ارشد و دکتری دارد تا بتوان روش‌های تبلیغی ضدشیعی وهابیون را روش‌شناسی کرد و الگوهایی برای درک دقیق آن ارایه نمود.

نخستین اردوی لیبیک گویان

لشکر سپیدپوش توحیدیان ابراهیمی علیهم السلام آماده حرکت برای میهمانی خانه دوست هستند و لباس‌ها کنده می‌شوند. جمعه شب است. زائران که از برگزاری مراسم دعای کمیل مدینه فارغ شده‌اند، به سرعت آماده حرکت برای مسجد «شجره» می‌شوند. کیف‌ها و وسایل جمع شده بود. چه لطفی دارد آغاز حرکت از دعای کمیل و راز و نیاز عاشقانه با خداوند شروع شود و اکنون آمده‌اند تا لیبیک بگویند و رخت از تن برکنند. امشب پس از دعا، ۴۹۵۰ نفر از زائران ایرانی مدینه اول، در قالب ۳۲ کاروان و با ۱۲۶ دستگاه اتوبوس به سمت مسجد شجره می‌روند و سپس عازم مکه مکرمه می‌شوند. انسان در این لحظه‌ها، در میان شوق دیدار و غم فراق گرفتار است. در یک چشم، اشک فراق حبیب صلی الله علیه و آله و خانه ایشان را دارد و در چشم دیگر، شوق زیارت خانه دوست عزیزتر از جان.

به سوی دیدار دوست می‌آیند. شمیم عطر یار می‌آید. نمی‌دانیم اینجا یعقوب در انتظار دیدار یوسف است یا یوسف به سمت یعقوب می‌شتابد؛ چه اینکه هر چیزی بوی دیدار یار را می‌دهد، چه اینجایی که ایستاده‌ایم، چه مسیری که می‌رویم. میقات و میعاد هر دو وعده‌گاه، دوست است. چه زیبا گفته‌که: «یعقوب را پیراهن تو بینا نمی‌کند، یوسف پیراهن تو را بوی دیگری است!»

یکشنبه نهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و سوم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

دیدار از مرکز پزشکی حج در مدینه

وجود مرکز پزشکی در حج، یکی از حیاتی‌ترین بخش‌های حج هر کشوری است؛ شهری با جمعیت پنجاه هزار نفری در مدینه و ۱۰۳ هزار نفری در مکه، آن هم در غربت و دوری از وطن، به خودی خود یک مرکز پزشکی درخور را می‌طلبد؛ چه اینکه بخش‌هایی از مدینه در این زمان، شهری ایرانی می‌شود. با پنجاه هزار نفر جمعیت مترکم در هتل‌ها و انواع بیماری‌های مشترک انسانی، حوادث و مسائل پزشکی نیز به وجود خواهند آمد. به ویژه اینکه تغییر وضعیت جغرافیایی و زیستی و غذایی هم مزید بر علت شود.

جمعیت امسال که بیشترشان کهن سال‌اند، با مسائل بسیاری روبه‌رو شده‌اند که از جمله آنها نبود سرویس بهداشتی سنتی است و آنها مجبورند از نوع فرنگی آن استفاده کنند. مرحوم «جلال آل احمد» نیز در کتاب «حسی در میقات» خود به همین داستان دستشویی‌های کثیف و آفتابه‌های بدون آب و صف طولانی انتظار اشاره کرده است. ولی امسال این مشکل به شکل ناتوانی در استفاده از سرویس‌های بهداشتی فرنگی بروز کرده است؛ زیرا حاجیان ایرانی نمی‌توانند به آسانی از این سیستم استفاده کنند.

این مشکل به‌ظاهر ساده، بزرگ و کوچک، وزیر و وکیل نمی‌شناسد و به وقتش آدم

را بیچاره می‌کند. اما امروز این قصه با تحول دیگری روبه‌رو شده و آن مدرنیته در «بیت‌الخلا» است.

با حاج آقای قاضی عسکر از ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه صبح به مرکز پزشکی حج در مدینه می‌رویم. دکتر ریاض، رئیس مرکز پزشکی حج و از مدیرانی است که در زبان‌آوری و خوب توضیح دادن حرف ندارد.

سکنه به هنگام احرام بستن در مسجد شجره

نخستین بخشی که توجه جمع را به خود جلب می‌کند، بیماران بستری در بخش (CCU) هستند. دو زن و شش مرد، بیماران بستری در این بخش هستند. یکی از پیرمردانی که در بخش (CCU) بستری است، از وضعیت پیش‌آمده و بیماری در روزهای حج بسیار ناراحت و دلگیر است.

بیچاره پیرمرد سخت گریه می‌کند؛ طوری که حتی نوازش و دلجویی آقای قاضی عسکر هم نمی‌تواند مانع از گریستن وی شود.

او پس از مُحرِم شدن در مسجد «شجره»، دچار حمله قلبی شد و دوستانش، از هلال احمر کمک خواستند و پس از گذشت تنها پانزده دقیقه آمبولانس مرکز پزشکی سر رسید و به سرعت بیمار در حال احرام را به مرکز پزشکی آورد و گرفتار تخت و دستگاه و سرم و نظارت پزشکی کرد. پیرمرد فکر می‌کرد خدا او را نپذیرفت یا پیامبر ﷺ از او ناراضی است که اینچنین به امتحانی سخت مبتلا شده و حجتش ناتمام مانده است!

دکتر جراح از چند مورد جراحی کوچک و بخیه و ترمیم پیوند می‌گوید. دکتر «شهریار جعفری گیو» که از «گیو خراسان» است، از وضعیت خود و بیمارانش در اینجا راضی است.

مدیریت سلامت کاروان‌ها هم به تبلیغ پوستره‌های تبلیغاتی خود می‌پردازند و آنها را توضیح می‌دهند: تصاویری در مورد دقت در تراشیدن سر و قواعدی برای حفظ حقوق خود و دیگران در مورد حفظ سلامت در خیابان‌ها، نوع سوار شدن اتوبوس‌ها و رفت‌وآمد.

به کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟!

اما بدترین وضعیت در مرکز پزشکی، در بخش روان پزشکی حاکم بود. در این قسمت، بیماران روان‌پزشکی از نوع پیرمردهایی هستند که فراموش کردند از کجا آمده‌اند و یا گرفتار تغییر وضعیت شدید شده‌اند. مردهایی که هیچ وقت از زن و بچه خود جدا نشدند و نمی‌توانند با وضعیت جدید به آسانی تطبیق پیدا کنند. سردرد، سرگیجه و مهم‌تر، طیف قابل توجهی از کسانی که گرفتار اعتیاد به مواد مخدر هستند، به اینجا مراجعه می‌کنند.

داستان عجیب‌تر پیرمرد جا مانده از کاروان بود که سوژه بچه‌های تلویزیون شده بود. از «مرتضی قمری وفا»، گزارشگر با ادب تلویزیون خواهش کردم که خیلی با او صحبت نکند؛ چراکه او پای هر توضیحی، های‌های گریه می‌کند و اشک می‌ریزد. «دکتر مظلومی» معاون فرهنگی بعثه که روحانی سید خوش چهره‌ای است، هم به سراغ او رفت و به پیرمرد اطمینان از انجام اعمال حج داد. ولی پیرمرد همچنان اشک می‌ریخت.

خانمی هم از بالای تخت افتاده و لگنش شکسته است. بسیار مضطرب است و در گفت‌وگو و شکوه از وضعیت پیش‌آمده، قول یک عمره مجدد را از حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌گیرد. اورژانس مردان و خواهران یکی دو بستری تحت نظر دارد. یکی از کارهای جدید و ویژه پزشکی حج، قرار دادن شخصی به نام

«پرستار استقبال» است که وظیفه وی استقبال، راهنمایی و همراهی بیمار تا مراحل آخر درمان وی است. که موجب رضایتمندی بیماران محتاج می‌شود و در ذهن و خاطر بیمار این برخورد پرستار استقبال به‌خوبی نقش می‌بندد. اما پزشک ارتوپد، از وضعیت بیمارانش بسیار ناراحت است و از سرخوردگی‌های بسیار در وان‌ها می‌گوید. بیشترین مراجعه‌کنندگان دست و پا شکسته‌ها هستند که در انجام اعمال جراحی و سپس، اعمال حج دچار مشکل فراوان می‌شوند.

دکتر «شهرام رفیع» روان پزشک جوان، از گرفتاری‌های این دسته اخیر می‌گوید. پیر مردی بروجردی یک چشمش نابیناست. چشم راست پیرمرد سخت تغییر شکل داده و گوشه چشم راست او که نابیناست، به جایی برخورد کرده و زخمی شده است. روی آن را پماد زرد رنگی زده‌اند.

ریش بلند و انبوه پیرمرد، از انتظار و علاقمندی او در راه رسیدن به خانه دوست حکایت دارد.

اما او پس از سال‌ها انتظار و رسیدن به خانه دوست، گرفتار فراموشی شده و فکر می‌کند این جا کمیته امداد است، جوانی برومند از بروجرد به نام «محمد شعبان بیرانوند» او را همراهی می‌کند، با وجودی که با او هیچ نسبتی ندارد. او پیرمرد ۸۱ ساله را همراه خود آورده تا درمان شود. جمعیت سخت متحیر فتوت این جوان لرستانی شده‌اند و نماینده محترم ولی فقیه دستور داد تا نام او را یادداشت کنند تا شاید بتوان برای او تشویقی دست و پا کرد. امسال که وضعیت کنترل حجاج خیلی شدید شده، بعضی از زوار معتاد به تریاک، دچار اختلال سیستم عصبی و روحی می‌شوند و اسباب اذیت پزشکان و هم‌سفران را فراهم می‌آورند و صد البته خود آنها بیشتر اذیت می‌شوند. دکتر جمشیدی رییس مرکز پزشکی مدینه که محققى برجسته در رشته «روماتولوژی» است، در این ملاقات‌ها کمتر سخن می‌گوید و بیشتر سکوت می‌کند. به

عکس، رییس او دکتر ریاض تا دلتان بخواید گزارش می‌دهد و در مورد تابلوهای تبلیغاتی، شرح بندهای بهداشتی آشپزخانه‌ها و برنامه‌های دفترچه راهنمای سلامت در تیتراژ ۵۰ هزار نسخه با بندی برای آویزان کردن به گردن زائران توضیح می‌دهد. او خوشحال و خندان از یادداشت رضایت بخش امیرالحاج ایران و سربلندی از اینکه ایرادی به بخش‌های تحت مدیریت او گرفته نشده است، به هر کدام از اعضای هیئت دیدار کننده یک کیف کوچک حاوی وسایل بهداشتی هدیه می‌دهد.

دیدار از هتل «لؤلؤ المبارک»

پس از رفع خستگی از دیدار مرکز پزشکی و اقامه نماز ظهر و عصر، به هتل «لؤلؤ مبارک» می‌رویم. در راه، بین مدیران بعثه در مورد برنامه دعای کمیل آینده بحث شده که قرار است برای برگزاری دعای کمیل آینده آقای «صادق آهنگران» بیاید. همیشه دعای کمیل مدینه، سال ۱۳۶۲ پیش از عملیات «خیبر» و زیارت حرم حضرت رسول ﷺ و شعر معروفی که حاج صادق آهنگران درکنار حرم خواند را در ذهنم، تداعی می‌کند:

یا رسول الله دعا کن خیبری دیگر رسید

کربلا آماده شو، بهر حسین علیه السلام یاور رسید

داخل ماشین، حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر از من یادداشت‌ها را مطالبه می‌کند که منطقی است. اما با تأسف اینجا مشکل تایپ وجود دارد و در حال حاضر، من بین امور فرهنگی و دفتر ستاد و دبیرخانه گرفتار و سرگردانم. وقتی به هتل «لؤلؤ مبارک» رسیدم، تابلوی کاروان‌های «۱۷۰۰۴» و «۱۳۰۲۳» به چشم می‌خورد. چهار کاروان از اصفهان و تهران در این هتل حضور دارند.

مردم با احترام از حاج آقا و هیئت استقبال می‌کنند. آنها به احترام ایشان و جمع همراه،

نزد هیئت می آیند یا برخاسته، صلوات می فرستادند: «سلامتی امیرالحاج ایران صلوات!». وقتی به آخر ستون رستوران می رسیدم، به داخل آشپزخانه می رویم. خیارهای داخل یخچال از تمیزی برق می زدند. با انجام تعارف‌ها، جمعیت زائران بر میزهای نهار نشستند. یکی از زائران از رییس کاروان خود بسیار راضی است. ولی از تغییر نکردن وضعیت، به خاطر پرداخت بیشتر، رضایتی ندارد. در این مورد رییس کاروان توضیح می دهد که این رقم، تفاوت مربوط به محل اقامت در مکه است. زائر مزبور، به ظاهر تقاضای اتاقی مستقل با خانواده اش را در هتلی شیک تر دارد. جالب است این آقایان و خانم‌ها که به خاطر قرار گرفتن در روزهای زیارت و تحمل دوری محدود، تازه عزیزتر شده‌اند، حالا باید فراق را در عین وصال دیداری، تحمل کنند.

در این میان پیرمردی خوش کلام برمی خیزد و با اشتیاق بسیار، اشعاری را می خواند. از او می پرسند شعر از خودت است یا شاعر دیگری؟ پیرمرد که ۹۰ را سر می زند و «اردستانی» و سرحال است، اذعان می دارد که شعر از آن او نیست. اما حالا گله دارد که سال گذشته نگذاشتند با دختر و پسرش بیاید. علتش هم ترس از ابتلا به بیماری آنفلوآنزای خوکی بوده است و امسال تنها آمده و البته می گوید که همه زائران بچه‌های او هستند و می گوید متولد ۱۲۹۹ هـ.ش است.

پیرمرد خوش زبان، بعد از نهار برای خواندن متن دیگر طلب اجازه می کند که نکند اسباب زحمت شود. نهار هیئت، همان نهار کاروان است و هیچ امتیاز خاصی ندارد و در آخر، پیرمرد دوباره آمد و شعری را با مدح امام علی و ائمه علیهم‌السلام آغاز کرد و در کربلا خاتمه داد. او هم چنین شعری در مورد قبر حضرت ابوالفضل علیه‌السلام می خواند. شعرهایش جالب بود، هرچند تند تند می خواند.

نمی توانستم در برابر شعرهایش تاب بیاورم، اشکم در آمد. نهارم را با گریه تمام می کنم. پس از خاتمه شعر پیرمرد، پیشنهادهای گوناگونی مطرح می شود؛ از جمله



آموزش نمازهای نافله و بحث زیارت دوره و کوتاه بودن زمان آنها و ضرورت طرح بحث‌های عرفانی در مکه و مدینه، در نوشته‌های روزنامه «زائر». کاروان دیگری که دیدار می‌شود، کاروان «ملکوت» است که از تهران آمده‌اند.

دیدار با بعثه نیجریه

«نیجریه» کشوری بزرگ در قاره آفریقا است، جمعیت بسیار و برخوردار از سهم نفت بیشتر از ویژگی‌های این کشور است. نیجریه یکی از اصلی‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان و از قدرت‌های مؤثر نفتی در اوپک است، آقای «عیسی موسی» که رییس بعثه نیجریه است، ساعت ۱۷:۴۳ دقیقه با هیئت همراه برای دیدار با امیرالحاج ایران وارد جلسه می‌شوند و حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر پس از چند دقیقه، شروع به صحبت می‌کند:

«کشور نیجریه، کشوری قدرتمند در آفریقا است. رهبر معظم انقلاب و رییس‌جمهور و دولت ایران برای برقراری روابط با کشورهای آفریقایی، اهمیت بسیاری قائل هستند. در همه زمینه‌های توسعه سیاسی و اقتصادی زمینه پیشرفت در روابط وجود دارد و کشورهای اسلامی باید از این ظرفیت استفاده کنند؛ چراکه امروزه در سطح جهان، ضدیت با اسم اسلام، به شکل جدیدی به راه افتاده که نمونه آن، قرآن سوزی در غرب بوده است و این دلیل آن است که از گسترش اسلام به شدت نگران هستند و در این میان، وحدت کشورهای اسلامی می‌تواند جلوی بسیاری از این مخاطره‌ها را بگیرد.

با تأسف، دشمنان اسلام در سطح جهان، به اسلام هراسی دامن می‌زنند و در جهان اسلام، شیعه هراسی را مطرح می‌کنند و ما باور داریم که مکه و مدینه محل مناسبی برای حل این سوءظن‌هاست و جناب‌عالی که خود از علمای بزرگ اسلامی نیجریه هستید، به خوبی می‌دانید که ما می‌توانیم به روش بسیار خوبی بر اشتراک‌ها تأکید کنیم

و همکاری خوبی در حوزه حج داشته باشیم و علاوه بر این، در حوزه‌های فکری عرفانی در کشور شما فرقه‌های عرفانی بسیاری هستند که می‌توانند زمینه همکاری داشته باشند».

نماینده محترم ولی فقیه بر تجربه‌های نیجریه در انتقال جمعیت بسیاری از حجاج تأکید کرد و گفت: «تجربه‌هایی که نزد ما ایرانیان در حوزه مباحث پزشکی و اجاره مسکن و طبخ متمرکز و بهداشت وجود دارد را با شما مبادله می‌کنیم».

از رییس بعثه نیجریه - که سمت رییس تشکیلات حج را نیز بر عهده دارد - برای دیدار از مراکز گوناگون مربوط به امور حج و زیارت ایران، دعوت می‌شود. حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، پیش‌نویس تفاهم‌نامه را به پیشنهاد می‌گذارد و از آثار هنری و فرهنگی در مورد معارف حج و کتاب‌های نفیس در زمینه مکه و مدینه سخن می‌گوید.

از رییس بعثه نیجریه برای سخنرانی در همایشی که در مکه برگزار می‌شود نیز دعوت به عمل می‌آید. همچنین از برگزاری همایش در «الجزایر» و «سنگال» سخن گفته شد و برای اجرای این همایش درباره حج به دور از مسائل سیاسی در نیجریه پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

در ضمن، بانوان عالمه نیجریه می‌توانند در همایش بانوان مسلمان در بعثه که چند روز آینده (پنج‌شنبه) برگزار می‌شود، شرکت کنند و به ایراد سخن پردازند.

رییس هیئت نیجریه با سلام و درود بر پیامبر ﷺ اینچنین شروع می‌کند:

«من از طرف رییس سازمان حج نیجریه تشکر می‌کنم. کشور ایران و نیجریه هر دو حدود یکصد هزار زائر دارند که در این موضوع، با هم برابر هستند و این فرصت به ما اجازه بیشتری برای تبادل تجربه‌ها می‌دهد و اگر مسلمانان با یکدیگر متحد باشند، هیچ‌کس نمی‌تواند در امور آنها خرابکاری کند».

ان شاء الله در مکه ما با رییس سازمان حج تفاهم نامه را امضا خواهیم کرد و البته بدون هیئت حج موفق نخواهیم شد و کارشناس‌ها را به جمهوری اسلامی می‌فرستیم تا از تجربه‌های شما استفاده کنند.»

رییس هیئت نیجریه درخواست می‌کند که فیلم نشست را به او بدهند؛ چراکه رییس جمهور نیجریه علاقمند است دیدارها را ببیند. البته اصل این درخواست منطقی و درست است. ولی او با شگردی دیپلماتیک می‌خواهد هم فیلم را طلب کند و هم بگوید که این دیدار چقدر برای کشور او اهمیت دارد.

در ادامه، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر «آیت‌الله بوشهری» را که از علمای بعثه است و آقای باقری و فلاح‌زاده را به‌عنوان معاونان خود معرفی می‌کند.

وقتی به من رسید، سرم را پائین انداختم. انتظار نداشتم مرا هم، معرفی کند. اما ایشان مرا هم به‌عنوان یکی از همکاران خود در بعثه معرفی کرد.

در پایان جلسه، آقای دکتر باقری معاون بین‌الملل، پیش‌نویس تفاهم‌نامه را نیز به رییس بعثه نیجریه می‌دهد تا برای امضای آن زمینه‌سازی شود.

جایزه «ملک فیصل» برای آیت‌الله سیستانی

سردبیر پیشین روزنامه «الوطن» که به خاطر نوشتن مطالب ضد اعمال وهابیون، از کار بر کنار شد. در جریان همایش «گفت‌وگوی تمدن‌ها» در استان شیعه‌نشین قطیف، از مواضع آیت‌الله سیستانی تقدیر می‌کند. «جمال خاشقچی» در این همایش می‌گوید: «آیت‌الله سیستانی پیوسته شیعیان را به عدم واکنش و پاسخ‌دادن به هجمه‌های فرقه‌ای که خواهان ایجاد جنگ داخلی و تقسیم عراق هستند، دعوت می‌کند و مواضع ایشان تأثیر فراوانی در تبدیل شدن عراق به باتلاق جنگ‌های فرقه‌ای و فتنه‌های مذهبی داشته است.»

به همین خاطر، او پیشنهاد می‌کند که جایزه ویژه ملک فیصل که سالانه به یکی از افراد برگزیده اهدا می‌شود، امسال به آیت‌الله سیستانی داده شود. جمال خاشقچی، تصور می‌کند مرجعیت شیعه در عراق که علم بلند اسلام در دفاع از هویت دینی و ملی عراق است، با سیاست‌مداران و سایر شخصیت‌های فرهنگی با جایزه‌ای از نوع جایزه ملک فیصل قابل تقدیر است و شاید هم روزنامه‌نگار سعودی خواسته با این پیشنهاد، اذهان را متوجه بزرگی و صلابت شخصیت مرجعیت شیعه کند که در برابر فتنه‌انگیزی‌های متعدد وهابیون، هوشمندانه ایستادگی کرده و با درایت و صبوری اجازه نداد عراق به عرصه جنگ‌های فرقه‌ای و فتنه تفرقه ناشی از رفتارهای وهابی‌گری مبتلا شود.

فتواها و تناقض در مملکت سعودی

زنان در کشور سعودی که به لطف اندیشه‌های سخت‌گیرانه وهابیون از داشتن شناسنامه و هویت محروم بوده‌اند، گاهی با فتوهای حرمت دیگری هم روبه‌رو می‌شوند. تردیدی وجود ندارد که این ممنوعیت، در مناطقی از عربستان سعودی ممکن است خریدار داشته باشد. اما بی‌شک، این فتوا در میان طرف‌داران آنها در سایر کشورها خریداری نخواهد داشت.

برخی از این فتواها عبارت‌اند از: منع رانندگی زنان یا حرمت خوابیدن کنار دیوار (فتوای منیره القبیسی)، و اکنون فتوای ممنوعیت کار فروشندگی برای زنان.

صد البته در هر رشته ممکن است انسان ره به خطا ببرد. امام جماعت هم که باشد، می‌تواند بخش بیشتری از عمل شریف امامت جماعت را به گناه آلوده سازد که ساده‌ترین آن، آلودگی به رگه‌هایی است از ریاست. حال، در بازار تجارت و فروش مسائل بسیاری وجود دارد. هرچند که بسیاری از زنان، به ویژه زنان خودسرپرست یا زنانی که شوهرشان بیمار است یا فرزندان یتیم دارند، برای حفظ عزت خود مجبورند کار کنند. یکی از

شایع ترین این شغل ها نیز کار فروشندگی است که می تواند مختص خود زنان هم باشد. با وجود این عالی ترین مرجع فتوایی سعودی و به عبارتی، «کمیته پژوهش های علمی و فتوای عربستان سعودی» حکم به حرمت کار زنان داده، به ویژه در جایی که بیم اختلاط با مردان می رود و ممکن است آنها را در معرض فتنه قرار دهد. ما از این فتوا متحیریم؛ زیرا به محض اینکه وارد هواپیماهای سعودی می شویم، می بینیم که چگونه کارمندان بسیار کم حجاب سعودی در هواپیماهای سعودی به پذیرایی از حجاج می پردازند؛ جایی که بیشتر امکان اختلاط با مردان وجود دارد و عجیب تر اینکه، بسیار هم کم حجاب هستند. برای زائران ایرانی مشاهده چنین نمادی از همان ابتدا، تصویرگر تناقض عجیبی در جامعه عربستان است. با مشاهده کانال های تلویزیونی مانند «العریبه» نیز پی می بریم که تا چه حد، بی حجابی و رفتار منافی عفت در این کشور ترویج می شود.

پیشنهاد ملک عبدالله به عراق

ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی که این روزها در پی ایفای نقش بیشتری در منطقه خاورمیانه است و ساز رقابت با جمهوری اسلامی را بیش از پیش کوک کرده، از رییس جمهور، نخست وزیر و سران گروه های عراقی دعوت کرد تا برای انجام اعمال حج به مکه بیایند و پس از اعمال حج و البته پاک شدن از انواع گناهان، در ریاض گرد هم بنشینند و به توافق برسند. فهرست ائتلاف ملی عراق به رهبری «نوری المالکی» نخست وزیر، که می داند عربستان در پی جارو کردن زیر پای آنهاست، این پیشنهاد را نپذیرفتند. اما نمایندگان فهرست «العراقیه» به رهبری «ایاد علاوی» که از گروه تسنن عراق و مورد حمایت آمریکا و عربستان هستند از این پیشنهاد بسیار خوشحال شده و از آن استقبال می کنند.

عراقی های عضو ائتلاف ملی که به خوبی از نقش مخرب عربستان در هفت ماه

گذشته آگاهی دارند، دعوت به مراسم حج را بیشتر سیاست ورزی با هدف سوء استفاده کردن از اماکن مقدس برای رسیدن به اغراض سیاسی و استراتژیک خود می‌دانند. بی‌سبب هم نبود که «حسن السونیه» از اعضای ائتلاف ملی می‌گوید: «ما نسبت به دخالت‌های عربستان سعودی در مسائل عراق آگاهی داریم. اما تأکید می‌کنم که رهبران عراق به راه خود برای به نتیجه رسیدن وحدت ملی ادامه می‌دهند».

گروه‌های دیگری نیز مانند گروه «مقتدا صدر» هم مخالفت خود را بسیار شفاف‌تر بیان کردند؛ چه اینکه عربستان با صدور فتوای تند ضد شیعی چگونه مصالحه و سازش و وساطت را مطالبه می‌کند. «شیخ مازن الساعدی» می‌گوید: «عربستان باید به پرسش‌های مطرح درباره فتوای تکفیری که ریختن خون مردم بی‌گناه را مباح دانسته‌اند، پاسخ بدهد و اعلام کند که چرا اقدامی برای توقف صدور این دست فتواها نکرده است». الساعدی مطالبه دیگری را به میان می‌آورد و می‌گوید: «اگر عربستان حسن نیت دارد، مطالبه‌های خود از عراق را ببخشد (مطالبه‌هایی که زمانی برای جنگ با جمهوری اسلامی در اختیار صدام قرار داده است) و صدور فتوای تکفیری را متوقف کند و آتش درگیری‌های طایفه‌ای را در عراق شعله‌ور نکند».

اندک اندک جمع مستان می‌رسد

کاروان جانبازان هشت سال دفاع مقدس از جمله شصت جانباز قطع نخاعی، امروز یکشنبه به فرودگاه مدینه رسیدند و جمعی از مقام‌های بعثه، از جمله حجت الاسلام دکتر مظلومی، معاون فرهنگی بعثه و دکتر ریاض رییس مرکز پزشکی و همچنین نماینده بنیاد شهید که خود رییس کاروان ملکوت است، به استقبال زائران می‌روند.

کاروان ۲۳۰ نفره جانبازان که البته می‌توان گفت کمتر از نصف این جمع، جانباز هستند، در «هتل الدخیل»، روبه‌روی ضلع شمالی بقیع اقامت کرده‌اند و این هتل، ظاهراً تنها هتلی است که می‌تواند جانبازان را بپذیرد که این هم داستانی عجیب دارد.

دوشنبه دهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و چهارم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

دیدار از هتل «الودة المروه»

ساعت ۱۳:۲۰ به محل هتل الودة المروه رسیدیم. کاروان‌های گوناگونی از استان‌های فارس و اصفهان و تهران در آنجا بودند. نخستین نقطه دیدار، رستوران هتل بود. رستوران با وجود شلوغی و کوچک بودن، بسیار تمیز است. فشردگی جمعیت حکایت از جمعیت مجموعه هتل دارد. «مهدی روغنی» مدیر یکی از کاروان‌ها که جوان هم هست، می‌گوید: «یکی از پروازهایی که کاروان آقای «غضنفر» را می‌آورده و از شیراز آمده، تأخیر بسیاری داشته است: یک کاروان دو روز و کاروان دیگر ۱۳ ساعت تأخیر داشتند. حاج آقای قاضی عسکر گفت: «این مسئله به نوعی باید جبران شود و در آخر از مکه دیرتر بروند تا جبران مافات شود».

در محوطه لابی هتل، بر روی تابلویی عکس شهدا را زده‌اند و زیر آن نوشته‌اند: کاروان «۱۷۲۵۱» به سرپرستی «محمد رضا رزاقی». بعضی از زائران از سخت‌گیری عوامل و هیئت‌های امر به معروف ناراحت هستند. حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر این‌گونه توضیح دادند که: «شرایط ما الآن خیلی مطلوب نیست. اما با توجه به مقایسه در سال گذشته اوضاع الآن ما بهتر است و حتی شش نفر دستگیر شده ما در

امسال آزاد شده‌اند. حال آنکه، سال گذشته تا این تاریخ، چهل نفر افراد دستگیر شده داشتیم و کلی مصیبت کشیدیم».

یکی از زوار از تنگی جا و مسائل آن گلایه دارد که حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر اطمینان می‌دهد در مکه اوضاع بهتر خواهد شد. ضمن اینکه در این هتل، امتیاز نزدیکی به حرم هم یک نکته مثبت برای این کاروان‌هاست.

«سید مرتضی صحفی» روحانی کاروان از دیدار هیئت و حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر تشکر می‌کند. ردیف‌های نهار خوری به این صورت است که یک ردیف اعضای هیئت می‌نشینند و ردیف دیگر زائران می‌نشینند. نهار امروز هم قورمه سبزی با ماست و پیاز و برنج هندی است.

اثاثیه حدود پانزده نفر از زائران کاروان «۱۳۴۳۰»، هنوز نیامده و مسائل فراوانی را برای آنها به وجود آورده است؛ چون افراد همه وسائل مورد نیاز خود را جا گذاشته و دست خالی آمده‌اند و حالا گرفتار بی‌پولی و بی‌لباسی شده‌اند. از این‌رو، امیرالحاج تکلیف به پرداخت پول و تهیه لباس اولیه و لباس احرام می‌دهد تا ساک‌ها پیدا شود.

شرکت هواپیمایی وفیر که در این مسیر، بی‌نظمی‌های بسیاری در اجرای برنامه‌هایش دارد، بسیاری از زائران را دچار مشکل کرده است و باید برابر قرارداد، برای هر مسافر ۵۰ دلار جریمه بپردازد.

در برگشت یکی از خانم‌ها به سمت حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر رفت و مشغول صحبت شد، اما چون هر دو آرام صحبت می‌کردند، متوجه سخن آقا نشدم. سپس خانم به سمت شوهرش رفت و گفت: «به حاج آقا گفتم و حاجی قول داد انجام می‌شود». وقتی از یکی از حضاری که نزدیک آنها ایستاده بود، موضوع را پرسیدم، گفت مشکل بهداشت ویژه زنان، چندان مورد اعتنای عوامل بهداشت و مرکز پزشکی نبوده و این خانم یادآوری کرده‌اند که باید به این موارد هتل‌ها توجه شود.

دیدار بعثه‌های مراجع از بعثه

ساعت ۱۵:۴۰ دقیقه، آقایان بعثه جمع هستند و در انتظار آمدن اعضای بعثه مراجع هستند. نخستین بعثه، بعثه آیت‌الله جوادی آملی است که به دیدار نماینده محترم ولی‌فقیه آمده‌اند. در این دیدار، پس از عرض تعارف‌ها، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر کلام به یاد ماندنی آیت‌الله جوادی آملی را یادآور شدند که گفته بود: «درست است که حجاج مناسک دارند، بعثه مقام معظم رهبری باید مناسک داشته باشد و کار شما کاروان داری نیست، بلکه اقامه حج است و بعثه باید به دنبال اقامه حج باشد».

در ضمن جلسه خبر دادند که آقای «یاسر خلیلی» که در حال زیارت دستگیر شده بود، امروز در کمیسیون عفو، مورد عفو قرار گرفت و به‌زودی آزاد خواهد شد و این خبری خوشحال‌کننده بود. یاسر خلیلی روحانی بود. او که کفش خود را بالای دست گرفته بود، متهم به توهین به شیخین و قبورشان شد و احتمال دادند که او می‌خواست به خلفا توهین کند. ۱۵۰ ضربه شلاق و ۶ ماه زندان، حکم محکومیت او بود. البته خلیلی بسیار خوش‌شانس بود که کار به اثبات توهین به خلفا نکشید؛ چون در آن صورت، مسئله تا حد اعدام بالا می‌گرفت. مدتی بعد، گروه جدید از بعثه «آیت‌الله مکارم» در ساعت چهار بعد از ظهر برای دیدار آمدند.

استشمام سخت‌گیری بیشتر و اشتباه در نقل فتوا

نماینده آیت‌الله مکارم شیرازی از قول آیت‌الله نقل کردند: «من امسال، استشمام سخت‌گیری بیشتر از سوی سعودی‌ها علیه زائران ایرانی می‌کنم و شما صبر بیشتر داشته باشید. دیروز دیدم که به چند نفر به‌طور بسیار زننده‌ای توهین کرده و به آنها حمله می‌کردند».

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌گوید: «با وجود این، اوضاع بهتر شده و

فردا شب قرار است که چند نفر از خانم‌های مبلغه بعثه ما، در نشست خانم‌ها در کار گروه سعودی‌ها شرکت کنند و دیدگاه‌های ما را مطرح سازند.

رفت و آمد در بیت «آیت‌الله شیخ عمروی»

یکی دیگر از مباحثی که مطرح شد، آن بود که برخی از افراد که به بیت آقای عمروی می‌روند، در حقیقت اسباب دردسر را برای ایشان فراهم کرده‌اند. به عبارت دیگر، علاقه شدید به ایشان سبب به زندان افتادن ایشان شده است؛ هرچند خود ایشان ممکن است بیشتر آنها را نشناسد.

آیت‌الله شیخ عمروی مصیبت بسیاری کشیده و عمر طولانی دارد و همین سبب شده حقایق بسیاری را بداند؛ از جمله اینکه، آقای راشد از قول ایشان نقل می‌کند که قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام علاوه بر همکف بودن ساختمان آن و داشتن گنبد، شش پله پائین می‌رفته است. اما پس از آنکه وهابی‌ها مقبره و گنبد آن را خراب کردند، این قسمت بالا آمده و تصور می‌شود قبر همکف است.

ضبط خاطره‌های آقای شیخ عمروی

دغدغه بسیاری در این بین برایم پیش آمده که چرا تاکنون خاطره‌های آیت‌الله عمروی ضبط نشده و چرا چنین گنجینه گران‌بهایی تاکنون مغفول مانده است. در هر صورت، ذهنیت آقای عمروی بخش بسیار مهمی از تاریخ تشیع در جهان اسلام است که می‌تواند روایتی بسیار خواندنی باشد، اما صد افسوس که تاکنون انجام نشده است. سال ۱۳۸۳ به سراغ پسر ایشان «شیخ کاظم عمروی» رفتم و موضوع را یادآوری کردم. اما با تأسف، نتوانستم قصه را خوب به نتیجه برسانم.

ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه، اصحاب بعثه آیت‌الله موسوی اردبیلی آمدند. موضوع آزاد شدن یاسر خلیلی برای آقایان هم مسئله است. آقای مهدوی رییس بعثه و

پسر آقای موسوی اردبیلی همراه اعضای بعثه آمده اند.

مدتی بعد اعضای بعثه آیت‌الله شبیری زنجانی هم آمدند و بحث به موضوع‌های گوناگونی از برنامه‌های آقای «سید کمال حیدری» در نقد وهابیت تا گفت‌وگوهای درباره مباحث مبلغان وهابیت بقیع کشیده شد.

در گوشه دیگر، آیت‌الله استادی از قول آیت‌الله سید مهدی روحانی نقل می‌کرد که آیت‌الله «شیخ محمدعلی شاه آبادی (بزرگ)» می‌فرمودند: «کسانی که از اموات به ذهن آدم می‌آیند، به این خاطر است که روح خود را به شما می‌رسانند و به شما خبر می‌دهند و شما به یاد آنها می‌افتید».

اصحاب بعثه آیت‌الله نوری همدانی آمدند و رییس دفتر و بعثه، سلام ایشان را ابلاغ کردند و اظهار علاقه شخصی ایشان به حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر را به اطلاع جمع می‌رسانند، مدتی نمی‌گذرد که اعضای دفتر آیت‌الله صافی گلپایگانی، برای دیدار حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌آیند.

ایشان درباره وضعیت یاسر خلیلی و وضعیت زندان او توضیح‌هایی می‌دهد و از ارتباط‌های او با بیوت علما و درخواست کمک او برای رهایی از زندان سعودی سخن می‌گوید.

مسئله وضو گرفتن از آب‌های شرب داخل مسجدالنبی ﷺ

همراه با این گفت‌وگوها از دفتر آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی آمده‌اند و پس از احوال‌پرسی این سؤال مطرح شد که آیا می‌توان از آب خنک درون شبستان‌های مسجدالنبی ﷺ و مسجدالحرام برای وضو گرفتن استفاده کرد یا خیر؟ حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به سؤال این‌گونه پاسخ دادند: «با آب داخل شبستان‌ها که نوشته‌اند مخصوص شرب است، نمی‌توان وضو گرفت».

یکی از اصحاب دفتر آقای صافی گلپایگانی ضمن تقریر بیشتر، مسئله مصرف آب ظرف‌های بیرون مسجد را عام می‌داند. ولی آب ظرف‌های داخل مسجد مخصوص شرب است و قابلیت شرعی وضو ندارد؛ چون به لحاظ منطقی در داخل مسجد امکان وضو گرفتن وجود ندارد.

خاطره‌ای از آیت‌الله العظمی گلپایگانی

فرزند آیت‌الله العظمی گلپایگانی خاطره‌ای را از پدرشان درباره وضعیت حج و زیارت در مدینه بیان می‌کند؛ بدین شرح که: «از سوی آیت‌الله العظمی گلپایگانی به حج مشرف شدم. از نجف به مدینه آمده بودم و امیر مدینه برای دیدار ایشان افرادی را به دنبال ایشان فرستادند. برای دیدار به ساختمان اجاره شده‌ای که متعلق به رییس جوازات مدینه بود، رفتیم که قصر بزرگی بود و امیر مدینه، تا پیش پای ما به استقبال آمد.

عرب‌ها به هدایا اهمیت بسیاری می‌دهند. مرحوم آقا برای هدیه قالیچه‌ای بسیار عالی تهیه کرده و برای ایشان فرستادند.

ما در دیدار خود، دو مورد را از سوی حضرت آقا از آنها خواستیم: اول باز شدن حرم و مسجدالنبی ﷺ برای یک شبانه روز، دوم باز بودن در قبرستان بقیع برای ساعت‌های بیشتری از روز که هر دو مورد را فی المجلس دستور داد اجرا شود و همین طور هم شد. دو سه شب در حرم باز بود. ولی خدمه مخالفت می‌کردند و در این دو سه شب، ایرانی‌ها هر کاری خواستند کردند. حوله و لباس را برای تبرک و طواف می‌آوردند و به حرم مطهر حضرت رسول ﷺ می‌کشیدند. سعودی‌ها هم فیلم می‌گرفتند و به تمسخر می‌گفتند ببینید ایرانی‌ها چه می‌کنند!»

پس از این گفت‌وگو و رفتن اعضای بعثه حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، جلسه

با اصحاب دفتر آیت‌الله سبحانی تبریزی تشکیل می‌شود. در این جلسه به موضوع دعای کمیل و تکرار بعضی از واژه‌ها و اشکال در بعضی از واژه‌ها می‌پردازند که آقایان در مورد روش خواندن، سؤال‌ها و اشکال‌هایی داشتند.

ندادن جواز ورود دارو و ایستادن نبض زندگی

نبض زندگی یک پیرزن شمالی که در سن ۸۱ سالگی به زیارت خانه دوست آمده، ناکام از زیارت بیت‌الله از حرکت ایستاد. «آرفی آق منگلی»، زائر کاروان شماره (۳۸۲۸۷) از استان گلستان و شهر «گمیشان» بود که به علت سکتة مغزی در بیمارستان مدینه بستری شد و به علت مصرف نکردن داروهایش جان خود را از دست داد. در این مورد، باید راهکاری اندیشید تا داروهای مجاز و غیر مجاز برای ورود به عربستان به‌وسیله مراکز پزشکی و همچنین داروهای پروازی مورد بازبینی مجدد قرار گیرند تا بیماران رنجور از درد، به خاطر نداشتن جواز ورود دارو مبتلا نشوند. از سوی دیگر، اصحاب مرکز پزشکی، کنار مسجد شجره سفره‌ای پهن کرده‌اند تا در لحظه‌های پر التهاب احرام، آرامش‌بخش بیماران و دردمندان زائر باشند.

آقای «دکتر عرب خردمند» هم در مکه که بر کرسی‌های موقت ریاست بیمارستان مرکز پزشکی حج نشسته است، از راه‌اندازی بیمارستان ایرانیان در مکه خبر می‌دهد.

خاطرات و دغدغه‌های حجت‌الاسلام والمسلمین راشد یزدی

روحانی خوش لهجه یزدی، وقتی به سخن می‌آید، در می‌یابی که انبان گسترده‌ای از خاطره و داستان و روایت را در سینه دارد و عجیب‌تر اینکه، عقل تفهیمی او هم خیلی خوب کار می‌کند و خوب می‌داند مطالب مورد نظر خود را به شیوایی تفهیم کند.

او از حج سال ۱۳۴۴ ه.ش خود می‌گوید؛ آن زمانی که من و امثال من هنوز در عالم ذر بودیم. او از مسائل حج در آن سال‌ها می‌گوید؛ مسائلی که در مورد اسکان و

تغذیه و بهداشت وجود داشت؛ مواردی همچون: نبود آب دستشویی، کیفیت نامطلوب غذا و نابسامانی اوضاع و ... او از اتاقی در «شعب عامر» در خیابان «غزه»، (یا همان مسیر بازار مشهور به بازار «ابوسفیان») سخن می‌گفت که در آن پانزده نفر ساکن بودند؛ در حالی که، از نظر بهداشت در پائین‌ترین سطح ممکن قرار داشت.

حالا ایشان هتل قصرالدخیل یا «دار هادی» را در نظر می‌آورد که شیک و مجلل است و اینکه آیا این امکانات، این غذاهای مرتب و تمیز و سطح بالای بهداشت و مهم‌تر کاروانی که خود یک مدیر دارد و ده خدمه برای کاروان که هر کدام در خدمت به ضیوف الرحمن افتخار می‌کنند، مانع از سازندگی حج نمی‌شود؟ حال چه باید کرد که گرفتار تجمل نشویم؟ نفس ما بیش از این لوس نشود و از عوامل تربیتی حج دور نیفتیم و اسیر رفاه و آسایش زندگی در حج نشویم. به فرموده حضرت مولا علی علیه السلام خداوند می‌توانست خانه خود را در یک مکان خوش آب و هوا بسازد؛ اما اراده کرد و در وسط کوه‌های خشک و خشن و آفتاب داغ مکه ساخت و در منا و عرفات تحکم به وقوف کرد. تکلیف قربانی نیز، همه و همه برای انسان سازی بود. انسان باید مواظب باشد و در این وضعیت رفاهی بسیار خوب، کم بخورد و کم بگوید و کم بخوابد تا از درک لذت واقعی محروم نماند.

هشدارهای امنیتی

«حسن آصفی» که از قضات دادگستری بوده و بعدها از وکلای برجسته کانون وکلا شده و اینجا مدیر حراست عملیات حج است، دغدغه‌ای از جنس ناآشنایی زائران با شرایط داخلی کشور عربستان دارد. زائر در عربستان، به هیچ روی شرایط و آزادی عملی که در داخل کشور و مناطق زیارتی ایران وجود دارد را ندارد.

تأمین امنیت آنها نیز بیشتر معطوف به عملکرد متقابل نهادهای ایرانی و صد البته

سعودی‌هاست و مشکل دیگر، اعتماد زیاد زائران به هر کسی است که در این کشور می‌بینند که خود این امر بسیار خطرناک است. بیشتر کسانی که زائران در مسیر انجام اعمال با آنها روبه‌رو می‌شوند یا کارگران هتل‌ها، از اتباع خارجی هستند. آنها سعودی نیستند. به همین خاطر، ضریب امنیت و اعتماد باید با منطق همراه باشد و به هر کسی نباید اعتماد کرد. شاید به دلیل همین اعتماد نابه‌جا بود که جمعی از زائران در همان روز اول ورود به بیت‌الله الحرام و طواف اول، مورد هجوم سارقان قرار گرفتند.

بی‌جهت نیست که آصفی توصیه می‌کند هنگام ورود به ساختمان محل اقامت، ابتدا از محل نگهداری اموال زائران، به ویژه وجوه نقدی آنها اطمینان پیدا کنند. آصفی به حاجیان یادآوری می‌کند که در محوطه مسجدالحرام نباید به اشیای بی‌صاحب دست بزنند؛ چون اگر پول یا قطعه‌ای ارزشمند را پیدا کنند و به پلیس و یا نیروهای داخل حرم تحویل دهند، بی‌درنگ دستگیر خواهند شد. برداشتن این اموال حتی به قصد رساندن آن به صاحبش، سرقت تلقی می‌شود و شخص گرفتار زندان به مدت طولانی خواهد شد.

آنچه در ایران ارزش و کار خیر تلقی می‌شود، در عربستان بسیار زشت و جرم است و زائر عمره گزار ایرانی با تحویل دادن مال گمشده، خود چهار ماه در زندان به سر خواهد برد. همچنین زائران باید بدانند که قرآن را هنگام قرائت روی زمین نگذارند یا قرآن و کفش را با یک دست حمل نکنند؛ زیرا از نظر سعودی‌ها این جرم است. آصفی که وکیل ورزیده‌ای است، یادآوری می‌کند که اگر دستگیر شدید، شبیه فیلم‌های اروپایی، تا وکیل بعثه و مدیر کاروان نیامده، نه چیزی بگویید و نه چیزی بنویسید و نه چیزی را امضا کنید؛ چون ندانستن مقررات کشور عربستان و ادعاهای خدمه‌های گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر علیه زائر شیعه ایرانی، ممکن است دردسر ساز شود و زائران را با مسائل فراوانی مواجه کند.

تلاش ناکام

شاید سعودی‌ها در ذهن ساده و بسیط خود فکر می‌کنند که اگر کسی را به گفتن جمله‌ای مجبور کنند و از او بخواهند دست از عقاید خود بکشند و سنی شود، دردی از آنها دوا خواهد شد.

من خود شاهد این دسته از تلاش‌ها بوده‌ام. البته کاروان‌های دیگری هم گرفتار افراطیون وهابی شده‌اند؛ چه اینکه در منطقه «السیل الکبیر» در راه مدینه به مکه، یکی از افسران امنیتی با گستاخی تمام به زائران در احرام می‌گوید: «سنی شوید، برای شما بهتر از شیعه بودن است».

علاوه بر این، در مواردی از عبارتهایی که محتوای آنها تکفیر شیعیان بود هم به مناسب‌های گوناگون استفاده می‌کردند و اگر از حجم بالای انتشار کتاب‌های ضد شیعی بگذریم، از کانال‌های گوناگون تکفیری تلویزیونی از جمله: «وصال و الکلمه» نمی‌توان گذشت که همه همت خود را فقط به توهین به شیعیان معطوف کرده است تا بتوانند با انتشار ادعاهای پر از سفسطه و دروغ، اذهان زائر به ابتهال آمده به درگاه خداوند را آزار دهند. با وجود این، یک حقوق‌دان شیعی سعودی هم می‌گوید: «مقامات سعودی منتظرند شیعیان برای دفاع از خود اقدامی کنند تا به آنها حمله کنند؛ همان‌گونه که پیش‌تر به زوار قبرستان بقیع هجوم آوردند».

مرکز «هیئت البقیع» در مدینه هم در بیشتر موارد زائران را اذیت می‌کنند. اجازه خواندن دعا و کتاب دعا را نمی‌دهند. البته، باید دانست که سخت‌گیری‌های سعودی‌ها از گسترش نگرانی‌های اساسی آنها نشئت می‌گیرد. در بقیع نیز زائران ایرانی با مسائل بسیاری مواجه هستند و اصحاب امر به معروف به زائران اجازه نمی‌دهند همراه خود کتاب دعا و مفاتیح ببرند. حتی برخی هم که با تلفن همراه خود دعاها را می‌شنوند، مورد تعرض مأموران سعودی قرار می‌گیرند.

دیدار با اصحاب آشپزخانه در بعثه

جلسه دیدار اصحاب آشپزخانه از بعثه که برای پاسخ به دیدار حاج آقای قاضی عسکر تدارک شده، نشست جالبی است. گزارش آقای «علیرضا رضایی» مدیر آشپزخانه مدینه و نماینده آشپزها از پخت غذا، بسیار چشم گیر است؛ چراکه اینان آشپزهایی هستند که روزانه شش هزار غذای کاملاً بهداشتی می‌پزند و توزیع می‌کنند تا لحظه‌هایی را به پابوس حضرت رسول ﷺ و زیارت بقیع بروند و سر بر آستان دوست بسایند و بندگی کنند.

برنامه امشب ثابت می‌کند که می‌شود از آشپزی هم به دیدار دوست شتافت و بی‌ادعا خدمت کرد و مزدش را در دیدار با دوست گرفت.

بیشتر این آشپزها و خدمتکاران در شهر خود از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و این راه را برای اثبات دوستی حق برگزیده‌اند. آنچه در زبان عرفا و شعرای عاشق به شکل جارو زدن در خانه معشوق برای دیدن وی جلوه‌گر می‌شود، اینجا معنا پیدا می‌کند؛ حقیقت وجودی هر انسانی که دین را همراه با محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام درک کرده است و زیارت خانه دوست را عاشقانه و راغبانه طلب می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر با هیجانی وصف نشدنی شروع به سخنرانی می‌کند: «خدمت‌گزاری به حجاج فضیلت بسیاری دارد و امام سجاد علیه‌السلام به صورت ناشناس، به جمع حجاج می‌رفتند و به آنها خدمت می‌کردند و آنقدر برای این برنامه اهمیت قائل بودند که به جای نماز و عبادت به خدمت‌گزاری به حجاج می‌پرداختند.

ضمن اینکه روایت داریم که شخصی آمد نزد امام صادق علیه‌السلام که دوستانم مرا گذاشتند پیش اثاثیه تنها و خود رفتند. امام می‌فرماید: «أَنْتَ اعْظَمُهُمْ أَجْرًا»؛ «ثواب شما بیشتر از ثواب آنهاست که به زیارت رفته‌اند».^۱

نکته سوم، اساساً کسانی که در کار خیر مشارکت می‌کنند، اینها پیش خداوند محبوب‌ترین مردم هستند. شخصی از پیامبر ﷺ پرسید: «مَنْ خَيْرِ النَّاسِ؛ فَقَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ»؛ «از میان مردمان، چه کسی بهتر است؟ فرمود: کسی که از همه مردم خیرش بیشتر به مردم برسد».

کمتر کسی می‌داند که چه اتفاقی می‌افتد. شما در حج صد و سه هزار نفر حاجی شریک هستید.

پیغمبر ﷺ و ائمه اطهار دور و نزدیک ندارند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس از دور به من سلام دهد، فرشته‌ای می‌آید و سلام را به من می‌رساند و بر می‌گرداند».^۲

پیغمبر ﷺ به دست پینه بسته کارگر بوسه می‌زند، نه به دست تاجر و حاکم و مالک. ولی در این میان خدمتگزاری به حجاج معنای دیگری دارد.

الآن زائران ما که غذای آنها سالم و خوب است و همه راضی هستند و تشکر می‌کنند و خود این یکی از عوامل آرامش در حج است و حج آرام برگزار می‌شود و این چقدر ثواب دارد و عظمت دارد. ضمن اینکه، باید فرصت لازم را بگذارند تا شما نیز به زیارت بیائید. در این مسیر، توجه داشته باشید که اخلاص جدی وجود داشته باشد و خداوند نیز به شما نظر داشته و در راه خدمت بهتر به زائران ان شاء الله کمک می‌شوید و خداوند به شما عنایت می‌کند».

چشم‌گیر بودن سادگی و صفای امیرالحاج

حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در این سخنرانی، از آشپزها و آشپزخانه اظهار رضایت می‌کند؛ چراکه در دیدار از هتل‌ها و زائران، از کیفیت غذا شکایتی نمی‌شود و

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۱، ص ۲۹۳.

۲. جامع الاحادیث، ج ۱۲، ص ۲۹۵. «قال رسول الله ﷺ: خلق الله ملكين يردان السلام على من سلم على من شرق البلاد وغربها ألا من سلم على في داري فاني ارد عليه السلام بنفسى...»

افراد از این بخش راضی هستند. ایشان با ذکر این دعای شریف امام سجاده علیه السلام «اللَّهُمَّ [واجعل باقی عُمري في الحج والعمرة]»^۱؛ «خدایا! باقی عمر مرا در حج و عمره قرار بده»، به ذکر مصیبت می‌پردازد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر با ذکر مصیبت حضرت فاطمه علیها السلام فضای معنوی پر سوز و گدازی را به اصحاب آشپزخانه اهدا کرد و این در حالی است که ایشان در سخنرانی‌ها روضه نمی‌خوانند. اما شدت علاقه و رضایتش از اصحاب آشپزخانه به اندازه‌ای است که اینجا روال سخنرانی‌اش به‌طور اساسی تغییر می‌کند. برنامه سخنرانی که به پایان می‌رسد، از ایشان برای گرفتن عکس یادگاری دعوت می‌کنند. ایشان نیز با روی باز استقبال می‌کند.

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، (دعای امام سجاده علیه السلام در روز عرفه).

سه شنبه یازدهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و پنجم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

جست‌وجوی راز جوانی بعضی از علما

ساعت شش صبح از خواب بیدار شدم و تا ساعت هشت صبح مشغول نوشتن مطالب روز قبل و آخر شب شدم. سپس با عجله صبحانه خوردم و خود را به محل برپایی جلسه‌ها رساندم.

اعضای بعثه حضرت آیت‌الله سید کاظم حائری برای پاسخ دیدار حجت الاسلام و المسلمین قاضی عسکر ساعت هشت صبح، به محل برپایی جلسه‌های بعثه آمده بودند. اما من کمی دیرتر به جلسه رسیدم.

رییس بعثه آیت‌الله حائری، «حجت الاسلام والمسلمین شیخ محسن اراکی» است. از سال ۱۳۶۲ تاکنون او را همین طور جوان و با نشاط دیده‌ام. آقای فلاح‌زاده مدیریت منابع هم می‌گفت من از سال ۱۳۵۲ که شاگردش بودم، ایشان همین طور بوده و خدا را شکر تغییری نکرده است. آقای «معراجی» رابط بعثه مقام معظم رهبری با بعثه‌های مراجع نیز می‌گوید: «یکی از اساتید ایشان که آقای «سید علیرضا حائری» که از شاگردان مرحوم «شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر» است نیز همین‌طور از سال ۱۳۵۸ تا حالا جوان مانده است». ساعت ۸:۳۰ صبح هیئت بعثه آیت‌الله سید عزالدین حسینی زنجان آمدند.

پس از عرض سلام و احوال‌پرسی، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر موضوع حمله القاعده به یک کلیسا در بغداد که با ۵۵ کشته همراه بوده است را مطرح می‌کند. جالب اینکه، علمای عراق هنوز از حادثه حمله خبر نداشتند. ولی ایرانی‌ها و افغانی‌ها دقیق‌تر بودند. هرچند یک عالم افغانی تعداد کشته‌ها را ۷۰ نفر اعلام کرد، اما توجه ایرانی‌ها و افغان‌ها به این موضوع، بسیار درخور توجه است.

گفت‌وگوی آقایان در مورد آغاز ماه ذی‌حجه و نبود اختلاف در زمان شروع ماه ادامه پیدا کرد. نبود اختلاف مورد رضایت همه بوده است؛ مشکلی که گاهی در سال‌ها مسائل فراوانی را در اجرای مراسم حج و «عید سعید قربان» و گاهی «عید سعید فطر» ایجاد می‌کند. اختلاف بر سر زمان عید قربان در بین علما، در حقیقت، فاجعه بار است.

دیدار بعثه آیت‌الله سیستانی

ساعت ۸:۴۵ دقیقه صبح است. دیدار بعثه آیت‌الله سیستانی از بعثه مقام معظم رهبری با جمع قابل توجهی از علما همراه است. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی با حضور همه علمای حاضر در بعثه آقای سیستانی به قصرالدخیل می‌آیند. در جلسه، بحث دستگیری جانبازی که از سربازان حاضر در بقیع عکس گرفته بود، مطرح می‌شود.

این جانباز که گرفتن عکس را انکار نکرده بود، بر سر این قضیه دستگیر شده و اکنون در زندان به سر می‌برد. یکی از بانوان هم به خاطر داشتن نوشته‌ای دستگیر شده است. قضیه این دو نفر که در حج تمتع دستگیر شده‌اند، برای اعضا نگرانی بسیاری ایجاد کرده است. پس از بحث در مورد این دو زائر، نشست علما با مطایبه‌های بسیاری همراه است.

سومین جلسه شورای بعثه

ابتدا موضوع جلسه در مورد مسائل ستاد مدینه است که پس از قرائت قرآن، نماینده محترم ولی فقیه از آقای «مجردی» مسئول ستاد مدینه، گزارش مطالبه می‌کنند و او نیز درباره موضوع‌های گوناگون گزارش می‌نویسد.

آقای مجردی در مورد وضعیت هتل‌ها و ورود جانبازان توضیح‌هایی می‌دهد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر از شرایط آرامی که تا این مرحله از عملیات حج وجود داشته، بسیار راضی است؛ تا امروز فقط دو نفر از حجاج با سنا فوت کرده‌اند. از شکستگی‌ها نیز مورد جدیدی گزارش نشده است.

آقای دکتر ریاض به استقبال بسیار خوبی که از جانبازان صورت گرفته، اشاره کرد و گفت: «ما با همه امکانات در خدمت آنها هستیم و آقایانی که در مراسم استقبال حضور داشتند، شاهد بودند که در فرودگاه مدینه، مأموران سعودی از جانبازان دیدار جدی و سختی انجام ندادند و با احترام وارد و به سمت هتل برده شدند.

جلسه گذشته بسیار رضایت بخش بود و جلو آوردن نیم ساعته برنامه دعا، اقدام بسیار خوبی بوده که باید در دعای کمیل دوم نیز توجه بیشتری به برگزاری هرچه بهتر آن داشته باشیم».

آقای آخوندزاده در مورد موضوع‌های برگزاری جلسه، پیشنهادهایی داد، از جمله گلاب‌پاشی، هماهنگی دعا و مراسم و خواندن دعا با لحن عربی که پیشنهاد گلاب‌پاشی پذیرفته نشد.

ضرورت حمایت از سیل‌زدگان پاکستان

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر از خرید سوغات و ولیمه‌های پس از سفر سخن می‌گوید که باید از طریق روحانیون کاروان‌ها، موضوع را روشن‌تر کنیم که پرداخت آن در امور عام‌المنفعه بسیار بهتر است و البته باید توجه داشته باشیم که

حجاج مأخوذ به حیا نشوند و روحانیون به مردم تأکید چندانی نکنند. ضمن اینکه، تلاش کنیم نوعی رقابت اخلاقی ایجاد شود. از صندوق‌های صدقه هم استفاده کنیم و صدقه‌ها را برای فقرای پاکستان در نظر بگیریم

پیشنهاد دانشجویان خوانده شد که البته بعضی از آنها از نوع پیشنهادهای دانشجویی و جوانانه است و آرزو بر جوانان عیب نیست. البته پیشنهادهای خوبی هم دادند؛ از جمله گذاشتن صندوق در هتل‌ها. ولی باید توجه کنیم که از حوزه زائران خودمان خارج نشویم. نصب صندوق‌های صدقه در هتل‌ها مشکل دارد؛ چون کاروان‌ها اجازه گذاشتن صندوق در هتل را ندارند و ما باید بدانیم که در سرزمین دیگران، در حال اجرای اعمال حج هستیم؛ سرزمینی که مردمش دیدگاه‌های متفاوتی دارند و حساسیت جدی‌ای نشان می‌دهند؛ برای نمونه در این مورد که گوشت‌های قربانی به کشور پاکستان داده شود، اعتراض کردند و گفتند: «ما کشور میزبان هستیم و می‌دانیم با گوشت‌های قربانی چه کار باید بکنیم». در بحث حمایت از پاکستان، قرار شد از پاکستان فیلم تهیه شود که البته به دلیل دلخراش بودن صحنه‌ها در تلویزیون قابل پخش نیست. اما این فیلم را می‌توان در هتل‌ها و از طریق ویدئو پروژکشن پخش کرد که تأثیر بسیار خوبی هم دارد.

اما سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که پول‌های جمع‌آوری شده، از چه طریق به دست سیل زدگان می‌رسد؟ زیرا اگر از طریق سفارت پاکستان صورت بگیرد، مشکل نگرانی نرسیدن کمک‌ها به فقرای پاکستان همچنان وجود خواهد داشت. اما حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌گوید: «ما این پول‌ها را از طریق سفارت نمی‌دهیم. مسیر خاص خودمان را داریم. ضمن اینکه، ما چون مکه می‌رویم، لازم است دوستان در جریان باشند که پس از رفتن ما حضرت آیت‌الله استادی امور مدینه را اداره خواهند کرد». سپس موضوع زمان رفتن افراد مطرح می‌شود که هر کس باید زمان رفتن خود را انتخاب کند؛ چون زمان اتمام کار خود را بهتر می‌داند».

آیت الله استادی که تا اینجا در جمع اظهار نظر نمی کرد، درمورد اجازه زمان رفتن می گوید: «ماندن یا رفتن افراد نباید به دلخواه افراد باشد، بلکه باید بر اساس نیاز بوده باشد».

به نگارش کتاب حج کمک کنید!

در پایان جلسه، حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به همه اعضای جلسه تأکید می کنند که وظیفه آقای توکلی تدوین کتاب حج است. از این رو، گزارش های خود را به ایشان بدهید و با ایشان همکاری کنید.

علاوه بر این، آقای فلاح زاده هم تأکید می کند که ما گزارش ها را می دهیم. دوستان هم باید به مصاحبه آقای توکلی پاسخ بدهند که ایشان بتوانند حواشی کار را بنویسند. این کار، فرصت بهتری برای جمع آوری اطلاعات و نوشتن ایجاد می کند و البته کار و مسئولیت مرا نیز سخت تر و سنگین تر می سازد.

در هر صورت، با نگرانی های بسیاری روبه رو هستیم. هنوز کارم در قسمت های گوناگون بعثه خوب جا نیفتاده است.

انتظار طولانی خانواده شهدا

رضا مؤمنین که به ظاهر در حوزه علوم آزمایشگاهی تحصیل کرده، آزمایشگاه دار است و از عجایب، معاونت فرهنگی بنیاد شهید را هم بر عهده دارد. او از خانواده شهدا و جانبازان، با اسم «جامعه هدف» نام می برد و می گوید امسال هفت هزار و دویست و بیست نفر از جامعه هدف به حج تمتع اعزام خواهند شد که از این ۷ هزار و ۲۲۰ نفر، ۹۴ نفر جانباز هستند.

وقتی هفتاد و سه هزار نفر از خانواده شهدا در انتظار رسیدن به آرزوی دیرینه خود هستند و از هفت هزار نفر، امسال هم سه هزار و صد نفر مربوط به جا ماندگان از حج سال گذشته (به علت وجود بیماری آنفلوآنزای خوک) بوده اند. با این حساب، اگر سهمیه

امسال هم تغییر ناپذیر باشد، خانواده شهدا ده سالی باید به انتظار بنشینند که شاید بسیاری از این خانواده‌ها پیش از دیدار خانه دوست، به دیدار خود دوست بروند. حالا بماند هیاهوی جماعت‌های گوناگون درباره انواع تسهیلات که برای خانواده‌های شهدا و جانبازان و جانبازان درصد بالا در نظر می‌گیرند که خود داستانی دیگر دارد که بماند.

اما دکتر ریاض که رییس مرکز پزشکی سازمان حج است، از حرکت یک کاروان ویژه از جانبازان به مدینه می‌گوید: «کاروان جانبازان یک کاروان ویژه است که تحت مراقبت‌های خاص و زیر نظر پزشکان بنیاد شهید قرار دارند. ولی معلولان [عادی] در تمامی کاروان‌های حج حضور دارند.

دکتر ریاض که از کلمه «ویژه» استفاده می‌کند، همه را به یاد ویژه‌خواری‌های گوناگون می‌اندازد و باید گفت که چه اینکه یکی از این ویژه‌خواری‌ها آن است که سیستم آسانسور و دستشویی هتل محل اقامت آنها باید کمی بزرگ‌تر باشد تا برای جانبازان ویلچری قابل استفاده باشد، وگرنه، هزار نوع گرفتاری برای همراه و خود جانباز پیش می‌آید.

یکی دیگر از این امور ویژه برای جانبازان، استفاده از کپسول اکسیژن و وجود ماشین بی‌صندلی است تا بتوانند با ویلچر سوار آن شوند یا آنکه به هنگام اجرای مراسم دعا، جایی بنشینند که به خاطر وجود درد و سختی و دردآور بودن نشستن بر روی صندلی و ویلچر و ... به سرعت از میان جمع خارج شوند. از این رو، این کلمه «ویژه» چه بدهی‌هایی که برای جانبازان مظلوم به وجود نیآورده است.

حضور جانبازان در حج

دیدار از جانبازان دفاع مقدس با دیدار از «هتل الدخیل» در ضلع شمالی قبرستان بقیع همراه بود. جانبازان دفاع مقدس که در یک کاروان ۹۰ نفره به حج آمده‌اند، وضعیت بسیار سخت و مشکلی را در روزهای حج تحمل می‌کنند.

جامعه عربستان و محیط‌های زیارتی آن و وسایل موجود، به هیچ روی با مسائل جانبازان هم‌خوانی ندارد. تنها هتلی که در مدینه آسانسور و دستشویی‌های قابل استفاده برای جانباز ویلچری دارد، همین هتل الدخیل است.

نصف بدن کسی که بر روی صندلی چرخ‌دار می‌نشیند، بی‌حس و ناتوان و در برابر کوچک‌ترین دست انداز به شدت آسیب‌پذیر است؛ جانبازانی که دو چشم نابینا دارند و چندین جانباز برانکاری که بار سنگین کپسول آهنی حاوی اکسیژن را برای نفس کشیدن معمولی تحمل می‌کنند و در کنار همه اینها، همسران رنجور و زحمت‌کش آنها قابل ستایش‌اند که جان و روح‌شان را تقدیم ایثارگری این جانبازان کرده‌اند و می‌کنند. سفر حج، البته با پرداخت هزینه و سال‌ها انتظار برای آنها التیامی است بر دردها و فرصتی است برای گفت‌وگو با پیامبر رحمت و امین وحی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سر سائیدن بر آستان خانه دوست.

دیدار از جانبازان زائر

ساعت ۱۳:۳۰ به محل «هتل الدخیل» رفتیم که روبه‌روی ضلع شمالی بقیع قرار دارد. برخلاف روزهای دیگر که حاج آقای قاضی عسکر تنها با اعضای بعثه می‌رفتند، امروز با مسئولان سازمان حج و زیارت، مسئولان ستاد مدینه و رئیس هیئت پزشکی به دیدار هتل رفتیم. جالب اینکه، آقای دکتر رضا مؤمنین، معاون فرهنگی بنیاد شهید، به‌عنوان نماینده بنیاد شهید در این دیدار حضور دارد. ابتدا همه چیز به‌خوبی پیش می‌رود. جانبازان از سفر و دیدار نماینده محترم ولی‌فقیه تشکر می‌کنند. هرچند که گله‌های بسیاری هم دارند، از جمله اینکه در مسیر آمدن به حج در تهران مورد بی‌مهری واقع شده‌اند، جانبازی قمی که به او گفته‌اند نمی‌تواند همسرش را بیاورد. همچنین چند جانباز دیگر از مشکل دسترسی نداشتن به آسانسور از اتاقش اظهار ناراحتی می‌کند. کمی جلوتر یکی از جانبازان می‌گوید: «ما می‌خواهیم برات کربلا را

کنار بقیع بگیریم» و حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر اعلام رضایت می‌کند و رضایت او با صلوات همراه است و مطالبه همراه هم به نتیجه می‌رسد که سفر جانبازان به کربلا با همراه بوده باشد.

برخلاف برخورد مهربانانه رییس بعثه و سازمان حج با جانبازان و قول مساعد و همکاری دادن با زائران جانباز، نماینده بنیاد شهید که باید رفتار فرهنگی و دوستانه‌تری داشته باشد، پس از پایان گفت‌وگوی جانبازان با رییس بعثه، به شدت با آنها و نیز با جانبازی که به خاطر نیاوردن همسرش سخت گله‌مند و البته دچار مشکل شدید بود، برخورد کرد. یک جانباز برای رفع ساده‌ترین نیاز خود که غذا خوردن و دستشویی رفتن و نماز خواندن و خوابیدن است به همسرش محتاج است. اما در این شرایط، باید مرد دیگری از او مراقبت کند.

برخورد نماینده فرهنگی! بنیاد شهید در غیاب رؤسای بعثه و سازمان و البته در پیش چشم من به قدری زننده و تند بود که گریه‌ام گرفت و نتوانستم خودم را کنترل کنم. به همین دلیل موضوع را به حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر و لیالی گفتم.

نکته جالب اینکه، همین آقا وقتی به کاروان تحت سرپرستی اش «ملکوت»، برای دیدار رفته بودیم، به شدت مراقب بود که کسی از زائران تنها با نماینده مقام معظم رهبری و یا رییس سازمان تماس و یا گفت‌وگوی جداگانه نداشته باشد.

در پی اظهار نظر من، آقای لیالی با عصبانیت با نماینده بنیاد برخورد کرد و در ادامه دیدار و نهار، او از مسیر جلسه‌ها و گفت‌وگوها کنار گذاشته شد.

بسیار دلم سوخت؛ برای رزمندگانی که سی سال است در حال مبارزه با دشمن بیرونی و درونی (بیماری جسمی)‌اند. اما این چنین از سوی کسانی که حقوق و مقام و اعتبار و ادعا را از قبیل کاری که برای آنها انجام می‌دهند، می‌گیرند چنین مورد بی‌مهری و غضب قرار می‌گیرند؛ تا جایی که حق اعتراض هم ندارند.

چهارشنبه دوازدهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و ششم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

گفت‌وگو با کنسول ایران در جده

مهدی صفری، ایرانیان را منظم‌ترین حجاج معرفی می‌کند؛ چه اینکه بسیاری از حجاج کشورهای دیگر می‌آیند تا در عربستان بمانند و بدین ترتیب، عربستان سعودی همه ساله بالای دویست الی سیصد هزار نفر میهمان ناخوانده ماندگار دارد. زنان و یا مردانی که چیزی برای از دست دادن ندارند، در مسجد می‌خوابند و در هتل یا کارگاه و مغازه‌ای شروع به کار می‌کنند و آرام آرام اینجا ماندگار می‌شوند و آنچه در این میان جالب است، این است که دولت عربستان می‌داند حجاج ایرانی در تاریخ معینی می‌آیند و در تاریخ معینی هم می‌روند و اگر چه تأخیر پیش می‌آید، اما آنها ترش مزاج و عصبانی از این تأخیر در نهایت می‌روند و هیچ میلی هم به ماندن ندارند.

سیل پاکستان و مواضع ارزشمند رهبر معظم انقلاب

سیل پاکستان جمعیت بسیاری را به کام مرگ و نیستی فرو برد. زندگی بسیاری را نابود کرد. نابودی در پاکستان به اندازه‌ای بود که پیر مراد را در بین خطبه‌های نماز جمعه در ماه رمضان به گریه انداخت؛ همو که در جوانی بارها و بارها در تمامی حوادث و سوانح حضور پیدا می‌کرد. به خاطر اعتراض به ممانعت دولت در

رسیدگی به مردم «فردوس» به زندان رفت و در جریان سیل «ایران شهر» تا آخرین نفس به مردم محل تبعید خود کمک کرد. در اسناد ساواک آمده که یکی از بزرگان ایران شهر به نزد فرماندار رفت و گفت: دولت و شما که در سیل به ما کمک نکردید. دست کم به دولت مرکزی بگویید چند نفر مانند این آقای خامنه‌ای را به ایران شهر تبعید کنند تا بقیه مسائل ما به خاطر حضور آنها و از طریق ایشان حل شود!»

اشک پیرمرد در خطبه‌ها برای مردم پاکستان، سیل کمکی را به راه انداخت که در ایران برای مردم پاکستان به جریان درآمد. در مدینه و مکه هم سیل‌ها برای کار خیر بیشتر به سوی آنها التفات پیدا کرد. از این‌رو، کمیته جمع‌آوری کمک به سیل‌زدگان پاکستان در بعثه تشکیل شد تا امر کمک‌رسانی و جمع‌آوری هدایا در ایام حج را برای سیل‌زدگان هدایت کند. صرفه جویی در خرید، ولیمه و سوغات راهی برای جلب رضایت خداوند در یاری‌رسانی به سیل‌زدگان مظلوم است که همگی بر آن توافق دارند.

ستاد مدینه در نشست با امیرالحاج

صبح چهارشنبه دوازدهم آبان، جلسه ستاد مدینه با حضور نماینده محترم ولی‌فقیه برگزار شد. در این جلسه، آقای مجردی رییس ستاد مدینه با همکاران خود در بخش‌های مدیریت ستاد حضور دارند. مسئول حراست گزارش دقیقی از کشف مواد مخدر در داخل کشور می‌دهد و می‌گوید: «خدا را شکر، تا اینجا در مدینه به خاطر مواد مخدر هیچ مورد دستگیری نداشته‌ایم».

در ادامه، حاج آقای قاضی عسکر ضمن تشکر از آقای مجردی رییس ستاد مدینه و دوستانش، وضعیت مناسب سال جاری را محصول تجربه طولانی در مدینه منوره می‌داند و می‌گوید:

«باور و ایمان قلبی در مورد عمل مقدس زیارت حج سبب رشد این فعالیت‌ها شده است که در نتیجه آن، دوستان مقید به وقت نیستند و شبانه روز تلاش می‌کنند.

در عین حال، وجود تفاهم بین بعثه و سازمان سبب شده که کمتر مشکل حاصل شود. یکی از شیوه‌های کسب رضایت زائران، انعطاف پذیری مدیران در برابر درخواست‌هاست و مردم و زائران وقتی بدانند که ما همراه آنها هستیم، این رضایت حاصل می‌شود و در عین حال، حضور و در دسترس بودن خود مدیران هم مؤثر است و می‌تواند سطح رضایت را بالا ببرد.

ما نباید عیوب را مخفی کنیم، بلکه لازم است عیوب شناخته شده و زودتر رفع شوند. همچنین نباید از عیب دفاع کنیم و با تدبیری مدیریتی بتوانیم مسئله را حل کنیم. دنیا خیلی از مسائل را حل کرده است. برای نمونه، من در سفر اسپانیا دیدم که ساک من در بار هواپیما پاره شده است. در فرودگاه مقصد، به محل مربوطه مراجعه کردم و آنها ساک را عوض کردند. جالب است که اینان دستور اسلامی احترام به غیر را رعایت می‌کنند. لازم است در جهت حفظ اموال مردم، بتوانیم به مردم بهتر خدمت کنیم و در اجرای احکام اسلام توجه کافی داشته باشیم».

پس از پایان جلسه، مسئله کشف مواد مخدر - که برای من سؤال بسیار مهمی بود - موضوع پی‌گیری من از مسئول حراست ستاد مدینه شد که گویای حقایق بسیاری بود.

کنترل مواد مخدر، راز بررسی‌های سخت در ایران

در یادداشت‌هایم به سخت‌گیری‌های بسیار پلیس فرودگاه مهرآباد هنگام سوار شدن به هواپیما و بازرسی‌هایشان اشاره کردم که یکی از سخت‌ترین بازرسی‌ها را در طول عمرم تجربه کردم. امروز در جلسه شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی بعثه، مدیر حراست ستاد مدینه، گزارشی از موارد کشف مواد مخدر در فرودگاه‌های کشور می‌دهد که بسیار عجیب است و جالب‌تر اینکه، در این سمت، سعودی‌ها هیچ چیزی نیافته‌اند؛ حمل مواد مخدر در مدینه یا جده زندان و محکومیت سنگین و منع شدن از

سفر معنوی حج را در پی دارد.

البته باید به اصحاب حراست فرودگاه‌های کشور تبریک گفت که با دقت هرچه تمام‌تر در این سوی سرزمین اجازه ندادند برای کشور مشکلی درست شود. تعداد افرادی که از پروازهای حج به دلیل همراه داشتن مواد مخدر جا مانده‌اند، ۹۵ نفر بوده است که ۶۳ نفر از آنها مرد و ۳۲ نفر زن بوده‌اند. این ۹۵ نفر، چند همراه هم داشته‌اند که آنها هم از سفر بازمانده‌اند و بدین ترتیب جمع بازمانده‌ها، به بیش از یکصد نفر رسیده است.

گزارش مسئول حراست مدینه نشان می‌دهد که در هر هزار نفر، حدود یک نفر گرفتار این بلای خانمان سوز است. البته باید بگوییم که بی‌شک، این حجم از مواد مخدر، برای مصرف افراد معتاد بوده است و نه فروش یا تجارت مواد مخدر. در هر صورت، کشف مواد مخدر در داخل کشور به مراتب بهتر از کشف آن در عربستان سعودی است؛ زیرا زندان و شلاق و مجازات سخت در سرزمین بیگانه را در پی ندارد و مایه آبروریزی کشور هم نمی‌شود. اما در این میان، میزان دقت پلیس فرودگاه‌های ایران ستودنی است؛ زیرا مأموران امنیتی کشور عربستان نتوانستند حتی یک مورد از این افراد را دستگیر کنند.

جلسه شورای برنامه‌ریزی بعثه

امروز آقای «شیبانی» معاون خلیج فارس وزارت خارجه، با آقای «سعود الفیصل»، وزیر خارجه عربستان سعودی دیدار داشت و البته در جریان مراسم حج هم حضور خواهد داشت.

آقای مجردی، رییس ستاد مدینه کمک کرد که زائران اهل سنت، یک نماز مغرب و عشاء دیگری بمانند تا چهل نماز آنها در مسجدالنبی ﷺ کامل شود. علاوه بر این،

تصویب شد تا ستاد مدینه برای زائرانی که ساک‌های آنها نیامده، هزینه‌هایی در نظر بگیرد تا مشکل آنها حل شود.

تحمل نکردن عکس شهدا

چهار شب پیش در محل مؤسسه «ادلاء» حضور یافتم و ضمن تبریک به مدیر مؤسسه، از مدیریت خوب آنها تشکر کردم. اما ایشان پس از جلسه تمجید گفت: «دقت کنید که مدینه متعلق به همه مسلمان‌های دنیاست» و پس از دو روز مرا خواست و گفت: «امیر نامه‌ای زده که عکس شهدای مکه را دور عکس کعبه زده و در لابی هتل‌ها و جاهای دیگر زده‌اند» که ما اظهار داشتیم این عکس کارگزاران و کاروان را به دور خانه کعبه زدند. اما باز ایراد گرفتند که عکس کارگزاران از عکس امیر عربستان بزرگتر است و این از نظر ما درست نیست.

در نتیجه، ما گفتیم بقیه تصاویر را از لابی هتل بردارید و فقط در داخل اتاق‌ها باشد. پس از آن، به مدیر کل حج عربستان نوشتیم که «این شهدا، شهدایی هستند که والدین آنها در کاروان بودند و در مورد عکس‌ها، مدیران کاروان عکس خود را برای زائران بی سواد و کم سواد زده‌اند. ولی سعودی‌ها این چیزها را خیلی نمی‌بینند.

نماینده مقام معظم رهبری قاضی عسکر می‌گوید: «ما باید در آینده در قراردادها قید کنیم که به تبلیغات داخل هتل حساسیت نداشته باشند و باید توجه کنیم که چارچوب‌های ما را هم مراعات کنند. ما هم خودمان محترمانه جمع کنیم، بهتر است. البته در یکی از مناطق دو عکس شهید هست که (آر پی جی) بر دوش دارند. باید توجه کنیم که اینجا حساسیت شدید است. ولی به عکس حضرت امام علیه السلام و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خیلی حساسیت ندارند».

دکتر ریاض، رییس مرکز پزشکی می‌گوید: «دفاع مدنی مدینه ایرادی گرفت که انبار دارویی ما نباید زیرزمین باشد که این را جابه‌جا کردیم. ضمن اینکه، امروز یک خانم ۸۵ ساله

در سعی صفا و مروه و در اثر سخته قلبی از دنیا رفت و تاکنون چهار نفر از دنیا رفته‌اند».

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر توصیه کردند که در صفا و مروه، این افراد باید از ویلچر استفاده کنند.

وقتی بحث به دعای کمیل دوم مدینه رسید، آقای آخوندزاده جمعیت شرکت‌کننده در این هفته را ۲۲۶۰۰ نفر برآورد کرد که تقریباً ده هزار نفر از جمعیت هفته قبل کمتر است. با مدیر کاروان جانبازان جلسه داشتیم. این کاروان نزدیک به پنجاه نفر جانباز ویلچری دارد. باید توجه داشته باشیم که ۲۵ نفر از اینها تنها یک ساعت و نیم معطلی را می‌توانند تحمل کنند و ۲۵ نفر از جانبازان دیگر وضعیت بدتری دارند و باید آنها را در جایی قرار دهیم که هر وقت نیاز شد، بتوانند از جریان مراسم دعای کمیل به سرعت خارج شوند. برای این هفته هم تعدادی از نیروهای امدادگر، اعم از امدادگران زن و مرد را هم در نظر گرفته‌ایم که بتوانند با سرعت افراد بد حال را از جلسه خارج کنند.

پیش بینی می‌شود جمعیت در این هفته کمتر باشد. ضمن اینکه، نگهداری از جانبازانی که از نظر دستگاه تنفسی و اکسیژن مشکل دارند، بسیار سخت است.

شرکت در نشست‌های علمی سعودی‌ها در مدینه

مسئولان زن سعودی نشست‌هایی را برگزار کرده‌اند که جمعی از خانم‌های همکار بعثه نیز البته با داشتن دعوت نامه‌های رسمی در آن شرکت داشتند. میزبان جلسه خانم‌ها، مؤسسه «الاهلیه» بود. همکاران زن بعثه از اساتید دانشگاه و حوزه‌اند که در این نشست شرکت کرده‌اند و البته بحث‌های گوناگونی داشته‌اند. جلسه همراه با دانش و آگاهی‌بخشی اساتید خانم ایرانی با موفقیت همراه بوده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر نیز ضمن تأیید حضور بانوان استاد می‌گوید: «نفس حضور در جلسه بسیار مناسب است و می‌تواند جلوی هجمه‌ها را بگیرد و گاهی پیشنهاد ما در مسیر بحث و تصویب قرار می‌گیرد که جایگاه ما را تغییر می‌دهد».

دیدار با بعثه و اندیشمندان عراقی

با آمدن هیئت عراقی در ساعت ۸ شب، یکی از دیدارهای جدی بعثه انجام شد. غروب که رسیدم، متوجه شدم آقایان همه آمده‌اند و من کمی از آنها عقب مانده‌ام. البته کسی هم منتظر من نمی‌ماند و فقط چشم‌های نگران امیرالحاج که برای ثبت وقایع مرا به شدت می‌پاید، سخت آزارم می‌دهد. امیرالحاج که در مورد ضرورت تعامل و رفت‌وآمدهای دو طرف و تقویت و تحکیم دوستی‌ها صحبت می‌کرد، مرا در جلسه پیدا نمی‌کند؛ چون من ناچار هستم به خاطر حال و روز بد خود به پشت دوربین و دیوار پناه ببرم تا قیافه سرما خورده و چشمان پف کرده و سرخ شده مرا، اعضای هیئت خارجی و اصحاب جلسه نبینند.

به سرعت دست به کار می‌شوم و گزارش دیدار هیئت عراقی را می‌نویسم؛ هیئتی که از جمعی از علمای شیعه و سنی عرب و کرد و ترکمن تشکیل شده است. می‌خواهند در مورد عراق و مردم آن سخن بگویند، باید بر هویت شیعی و سنی، کرد و عرب و ترکمن تأکید شود و همین هویت چندگانه و درهم و برهم است که عراق را به کشوری هزار ملت و هزار رنگ تبدیل کرده است. همه آقایان بازی قدرت بلدند و بازی در میان بازیگران ماهر و کارکشته بسیار سخت است. اما همین قدرت بازیگری این گروه‌ها، این برکت را داشته که با وجود تلاش‌های آمریکا، عربستان سعودی و القاعده و اروپایی‌ها، هنوز عراق گرفتار جنگ داخلی و تشتت سیاسی شدید نشده است. بحران عمده عراق، بحران عدم توافق است؛ چراکه همه می‌دانند هرچه امروز بریدند، همان می‌شود سهم آنها در آینده تاریخی عراق، و این نکته‌ای است که شاید بسیاری متوجه ظرافت و اهمیت آن نباشند.

امیرالحاج ایران که درباره همکاری‌های دوطرف توضیح می‌داد و نگرانی‌های خود را

برمی‌شمرد، بر ضرورت استفاده از تجربیات ایران در امر حج تأکید می‌کند و می‌گوید:

«هیئت‌های کارشناسی در حال دیدار هستند. چند روز قبل از مرکز پزشکی دیدار کردند. ما از شخصیت‌های برجسته شیعه و سنی عراق دعوت می‌کنیم که در همایش‌های ما شرکت کنند. ما امیدواریم که روابط ما و بعثه عراق، روابط نمونه‌ای برای سایر کشورها باشد.»

ما به شدت نگران تشکیل نشدن دولت در عراق هستیم و امیدواریم که هرچه سریع‌تر دولت قانونی با تفاهم گروه‌ها تشکیل شود. ما در انتظار تشکیل عراقی قدرتمند، با اقتصادی پیشرفته هستیم و از حادثه اخیر بغداد که در آن جمعی از عراقیان کشته شده‌اند، اظهار نگرانی و عرض تسلیت داریم و امیدواریم که این عملیات اربابی و تروریستی، خاتمه پیدا کند و عراق کشوری امن و شکوفا باشد. ما آمدن شما را بسیار خوشامد می‌گوئیم. مقدم شما گلباران باد.»

آقای «مولا» رییس بعثه عراق در پاسخ گفت:

«از اینکه در خانه خود هستیم و از اینکه شما نگران تشکیل نشدن دولت عراق هستید و سرنوشت ما دغدغه شماست، بسیار خوشحالیم. ما در عراق مشکلاتی همچون تنوع اقوام داریم؛ به عبارت دیگر اقوام گوناگونی در عراق وجود دارد. اما با وجود این اقوامی قوی و متمکن هستیم و اجازه نمی‌دهیم که قدرت‌های خارجی در تصمیم‌گیری ما دخالت کنند. این انفجارها همه عراق را هدف قرار داده؛ شیعه و سنی، ترکمن و حتی مسیحیان را در مرکز بغداد هدف قرار می‌دهد. دست القاعده در این عملیات‌ها، به خوبی مشخص است. اما عملیات اصلی را باقی‌ماندگان حزب بعث عراق انجام می‌دهند که به نام جماعت اسلامی و القاعده صورت می‌گیرد و دست‌های صهیونیسم بین‌المللی با کشتار سنی و شیعه در تلاش برای ایجاد جنگ قومی هستند. ولی خوشبختانه بین هیچ‌کدام از اقوام و گروه‌ها جنگ صورت نگرفت. شما در این حج می‌بینید که در یک کاروان هم سنی هست و هم شیعه، و همه ما عرب و کرد و سنی و

شیعه همه آمدیم؛ چنان که هیئت ما هم چنین است.

ما به شما اطمینان می‌دهیم که این انفجارها نمی‌تواند راه ما را از شراکت وطنی و تشکیل دولت ملی قانونی منصرف کند. من از توجه جناب عالی و بعثه مقام معظم رهبری تشکر می‌کنم».

در ادامه جلسه، با سپاس‌گزاری از فتوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در منع توهین به مقدسات اهل تسنن، بیانیه علمای مسلمان عراقی در حمایت از فتوای آیت‌الله خامنه‌ای در منع توهین به مقدسات تشیع، به رییس بعثه مقام معظم رهبری داده شد.

پنج‌شنبه سیزدهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و هفتم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

جلسه «شورای رابطین روحانی»

جلسه شورای رابطین روحانی با نماینده مقام معظم رهبری در روز پنجشنبه ساعت ۸:۳۰ صبح تشکیل شد. در این جلسه، فعالیت‌های فرهنگی در کاروان‌ها، موضوع مسابقه‌ها و فعالیت‌های روحانیون، معین‌ها و معینه‌ها مورد بحث قرار گرفت. مراجعه‌های روحانیون کاروان‌ها به امور روحانیون، طی این چند روز اول در مدینه و جلسه مشترک با ۲۰۷ نفر از آنها تشکیل می‌شود.

یکی از مسائلی که در مورد ارتباط با روحانیون کاروان‌ها وجود دارد، سیم کارت‌های اعتباری تلفن همراه است که باید همگی آنها از این سیم کارت‌های خاص استفاده کنند تا این سیم کارت، مسیر ارتباط معاونت فرهنگی بعثه با روحانیون بوده باشد. ولی بعضی از روحانیون از این سیم کارت‌های جدید استفاده نمی‌کنند. نتیجه این می‌شود که نمی‌توان این روحانیون را پیدا کرد و یا پیام فرستاد و هماهنگی ایجاد کرد.

دکتر مظلومی معاون فرهنگی بعثه می‌گوید: «مقرر شده که در مرحله اول آن دسته از روحانیون که سال اول هستند و برای بار اول به حج آمده‌اند یا تاکنون ارزش‌یابی نشده‌اند، ارزیابی شوند و البته گروه‌های دیگر از روحانیون دارای سابقه، به صورت روتین و برنامه مورد ارزیابی عملکرد قرار می‌گیرند».

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر معتقد به جدیت در کار و در پی ارزیابی

بیشتر از روحانیون است. ایشان می‌گویند: «قرار بود که ما بازرس افتخاری داشته باشیم و از طریق یک نفر داخل کاروان، موقعیت روحانیون کاروان‌ها را پی‌گیری کنیم».

داستانی به نام «همایش زن و ارزش‌های اسلامی»

همایش زن و ارزش‌های اسلامی در ساعت ۹:۳۰ در محل همایش‌های هتل قصرالدخیل در بعثه مقام معظم رهبری آغاز می‌شود. یکی از مهمانان سخنران، خانم «هدی آل رحمه» است که با هیجان خاصی سخن می‌گفت و از آموزه‌های امام خمینی علیه السلام در گسترش شخصیت زن مسلمان و احیای شخصیت آن در میان مسلمانان می‌گوید. پس از خانم آل رحمه، قرار بود آقای به نام «شیخ مرتضی دینه» امام جماعت مسجد «دارالسلام» سخنرانی کند که البته در زمان تعیین شده حضور پیدا نکرد. مجری خانم دکتر «طوبی کرمانی» با تأنی خاصی که در به‌کار بردن کلمات اعمال می‌کند، از خانم «اعتصام سعدغنی»، مدیر حوزه علمیه «عقیله زینب کبری» در پژوهشکده‌ای از کشور عراق، با عنوان «نقش زنان در گسترش فرهنگ اسلامی» برای ایراد سخنرانی دعوت می‌کند و ایشان با صورتی کاملاً پوشیده به محل سخنرانی می‌آید. خانم اعتصام درباره وضعیت فرهنگی زنان در جهان اسلام و انسان فرهنگی و اینکه چه کسی انسان فرهنگی است، بحث را آغاز می‌کند و انسان فرهنگی را انسانی می‌داند که بتواند از قرآن و تعالیم انبیا راه حرکت به سمت حقیقت راپیدا کند.

او که به‌خوبی بر بحث‌های خود مسلط است، به مباحث دینی که از ناحیه زنان تأثیر پذیرفته، اشاره می‌کند؛ چه اینکه مسلمانان سعی صفا و مروه و رمی جمرات را بر اساس عمل «هاجر» انجام می‌دهند؛ همچنان که همسر «فرعون» توانست در اوج کفر و معصیت، دین خود را حفظ کند.

اما او می‌داند که برای ماندن در تاریخ و مباحث عمومی وقت چندانی ندارد. پس باید به زمان معاصر بپردازد.

او می‌گوید: «در شرایط فعلی باید زن مسلمان خود را در میان این همه تفاوت‌ها و معارضه با دین الهی حفظ کند؛ زیرا شرایط فعلی شرایط افتخار است؛ همان طور که حضرت ابراهیم علیه السلام در حالت افتخار می‌گوید: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ...﴾^۱ سخنان خانم اعتصام هنوز تمام نشده که قیچی تیز مجری، زبان قرای خانم سخنران که به حق سخنوری تواناست را ناکام می‌برد. ولی او بسیار کوتاه می‌گوید:

«مکتب اسلام از زنان مسلمان در جهان تصاویر گوناگونی را ارائه می‌کند؛ از جمله از خانم دکتر «مروه شروینی» شهیده حجاب، تا زنان دانشمند ایرانی در تمامی عرصه‌های مقاومت و زنانی به صف کشیده در راه ایثار و فداکاری در راه دین و مذهب در جهان اسلام و دیگر زنان مسلمان جهان اسلام».

«شیخ مرتضی دینه» که امام جماعت مسجد دارالسلام «تانزانیا» است، در زمان سخنرانی خانم «سعد» وارد جلسه می‌شود و با هشت دقیقه‌ای که خانم کرمانی به او داده است، می‌خواهد در مورد «زن و مقاومت» سخن بگوید.

او داستان مقاومت زن در قرآن را با نمونه مقاومت خواهر و مادر حضرت موسی علیه السلام بیان می‌کند که با ذکر آیه‌هایی از قرآن، بسیار کلی از آن می‌گذرد. در هر صورت، هشت دقیقه خانم کرمانی برای آقای شیخ مرتضی دینه، چندان وفا نمی‌کند و بحث او، ناتمام می‌ماند.

خواندن گروه تواشیح با ورود رییس بعثه مقام معظم رهبری و سپس آقای هادوی تهرانی که گویا به تازگی از ایران آمده‌اند، همراه است. یکی از اعضای بیت مقام معظم رهبری هم می‌آید و ناشناس در گوشه‌ای می‌نشیند و سریع خارج می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر که برای سخنرانی دعوت می‌شود، از فلسفه تفاوت زن و مرد سخن می‌گوید که همه پذیرفته‌اند با هم فرق دارند؛ چیزهایی او دارد

۱. ابراهیم: ۳۷؛ «پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمینی بی‌آب و علف ساکن ساختم».

و او ندارد و حتی کلام خدا در قرآن نیز مشهود است که خداوند برای مرد یا زن برتری قرار نداده است.

زنان و مردان به‌عنوان افراد نوع انسان، ویژگی‌های فطری یکسان و هدف واحدی دارند. همه مردان و زنان به دنیا آمده‌اند تا با استفاده از کرامت‌های ذاتی خود به هدف نهایی خلقت که تقرب به خداوند و رسیدن به زیبایی‌هاست، دست یابند و در بهشت جاوید الهی منزل گزینند.

در خلقت آن دو، تفاوتی مشاهده نمی‌شود و ملاک برتری تقواست: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳).

تنها معیار برتری، تقوای الهی است در مسائل ارزشی و معنوی هر دوی زن و مرد، کنار هم آورده شده‌اند.

خداوند در آیه ۳۵ سوره «احزاب»، اشتراک مرد و زن را در انسانیت و اهداف انسانی این‌گونه بیان می‌کند:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾.

خداوند همه ویژگی‌های مرد و زن را یکی معرفی می‌کند و در نظام خلقت امتیاز ویژه‌ای برای هر یک قرار نمی‌دهد و آخر آیه می‌گوید برای همه مردان و زنان، با ده ویژگی‌ای که در این آیه ذکر شده، خداوند آموزش و پاداشی بزرگ مهیا ساخته است. از این‌رو، حیات پاک از آن کسی است که قلب خود را سرشار از ایمان کند و با اعمال شایسته به‌پا خیزد؛ خواه زن باشد خواه مرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر آیه‌های متعددی از قرآن را درباره هماهنگی

در خلقت، اعمال صالح و ایمان و ورود به بهشت و جهنم و اینکه هیچ‌کدام بر دیگری سبقت ندارد را به‌عنوان شاهد مثال بیان کردند؛ از جمله آیه: ﴿يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۴۲).

حضرت مریم علیها السلام به‌عنوان الگوی برگزیده و برترین زنان جهان برای جهانیان معرفی می‌شود. از سویی، خداوند در مورد تعیین مجازات، بین زن و مرد تبعیض قائل نشده است و در موضع تنبیه به تفاوت قائل نیست.

﴿السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾ (مائده: ۳۸).

بنابراین، تفاوت نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زن و مرد، به هیچ وجه به معنای برتری یکی از آن دو بر دیگری نیست، بلکه به معنای تقسیم کار خانوادگی و اجتماعی بر اساس ویژگی‌های روان‌شناختی، زیستی و توانمندی‌های گوناگون و بهره‌مندی درست از آنهاست. در روایت‌های گوناگون تمجید از زن هم فراوان آمده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به بحث رشد زنان در جمهوری اسلامی پرداخت و اینکه، زنان هم اینک در رشته‌های گوناگون علمی در ایران حضور دارند و در کسب رتبه‌های برتر علوم پیشتاز و مقدم هستند. اما در آخر، سخن ایشان به جایی می‌رسد که باید زودتر می‌رسید؛ بحث خاصی که بتواند موج ایجاد کند. ایشان می‌گوید: «این خیانت غرب بسیار زننده و زشت است که زنان برهنه را آزاد می‌گذارد، ولی زنان مؤمن با پوشش اسلامی و حجاب را منع می‌کنند و این اتفاق بس خطرناک در تاریخ معاصر بشری است».

این سخن نماینده ولی‌فقیه، بسیار درخور توجه است و همین موضوع می‌تواند سوژه اصلی سخنرانی و سمینار باشد و در کشورهای گوناگون مورد بحث و گفت‌وگو قرار گیرد، که البته چنین نشد.

خانم دکتر «مازان بابور» از کشور ترکیه و رییس مرکز اسلامی زنان در «هامبورگ»

درباره وضعیت زنان مسلمان در اروپا به سخنرانی می‌پردازد. ایشان می‌گوید:

«ما به‌عنوان زن مسلمان که اسلام را پیدا کرده‌ایم، وظیفه داریم آن را بشناسیم و آن را بشناسانیم. من از این سخن امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «إِتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا»؛ استمداد می‌جویم».

خانم «نصرت عیسی» از کشور «انگلستان» و فعال اجتماعی بودند که شروع به سخنرانی کردند: «برای من جایگاه زن بسیار با اهمیت است و بهترین آموزش و تربیت برگرفته از اهل بیت علیهم السلام است. آنها وقتی از من می‌پرسند چرا؟ می‌گویم چون اهل بیت علیهم السلام دارای تربیت زیبایی هستند. من از تلویزیون اهل بیت علیهم السلام برنامه‌های بسیار مناسبی دیده‌ام که در مورد اهل بیت علیهم السلام توضیح می‌داد و اگر بخواهیم با کتاب‌های موجود باشد، ما از اهل بیت علیهم السلام فاصله خواهیم گرفت».

خانم دکتر «سروری» پزشک متخصص افغانی، مقیم آلمان بود که از کودکی در آلمان زندگی می‌کرد. ایشان همراه با هیئت ترکیه به زیارت آمده است و جزو معدود کسانی بود که در برنامه حجاج ترک در بعثه بسیار گریه می‌کرد. او می‌گوید: «انسان باید از مسیر مادر حیات پیدا کند که چه تولد و چه در دوره ارضاع و شیردهی باید از شیر مادر استفاده کنند و این لطفی است که خداوند به زنان و مادران عنایت کرده است». او با اینکه زمان چندان‌اندکی نداشت، منظم و سر وقت، هر چند که بحثش به نتیجه نرسیده بود، در کمال احترام و وقت‌شناسی بحث خود را تمام می‌کند.

گفت‌وگو با خدا در خلوت هتل

زائرانی که به مکه مکرّمه آمده‌اند، هرچند در معرض باران شدیدی قرار گرفتند، اما خوشبختانه آسیبی به هیچ‌کدام از آنها نرسید. اما در این میان یکی از زائران به نام

«عباس حاجیان» از استان اصفهان برای نوشیدن آبی که از ناودان طلا جاری شده بود، به میان جمعیت رفت و با تأسف، به علت ازدحام جمعیت دچار خفگی شد و کنار خانه دوست و حجر اسماعیل جان به جهان آفرین تسلیم کرد.

در مکه و در غروب پنج‌شنبه زائران، چشم به راه برگزاری دعای شریف کمیل هستند. اما در مکه امکان برگزاری دعای کمیل وجود ندارد. در مدینه دعای کمیل در بین الحرمین بقیع و مسجدالنبی ﷺ برگزار می‌شود که نمایی از قدرت کلام حضرت علی علیه السلام است. اما در مکه زائران باید به برگزاری دعا و نیایش از زبان حضرت علی علیه السلام در هتل‌ها رضایت دهند و صد البته، این دعا در خلوت هتل‌ها، سوزناک‌تر و شنیدنی‌تر خواهد بود. همه در راه هستند و تا امروز، سیزدهم آبان ۱۳۸۹، حدود هشتاد و شش هزار ایرانی به عربستان رسیده‌اند.

«حیبی تنها» که رییس ستاد مکه سازمان حج است، می‌گوید: «۶۱ هزار و ۲۳۷ نفر از زائران در قالب ۳۷۸ کاروان هم اکنون در مکه مکرمه حضور دارند و بیست و سه هزار و سی و پنج نفر نیز در قالب ۱۴۳ کاروان در مدینه منوره اقامت دارند و همه زائران ایرانی تا پایان روز چهارم ذی‌حجه و به عبارتی، پنج‌شنبه ۲۰ آبان، وارد مکه مکرمه خواهند شد».

درهای چوبی بقیع و کوچه بنی‌هاشم

ثبت تاریخ شفاهی حج و مراسم عبادی در مراحل گوناگون، یکی از ضرورت‌های تاریخ‌نگاری کشور ماست؛ زیرا هم‌اینک یکی از جدی‌ترین سؤال‌های اصحاب تفرقه، سابقه تاریخی برگزاری دعای کمیل و ندبه در میان شیعیان است. در این باره، «حاج اصغر آراسته» که یکی از قدیمی‌ترین ریيسان کاروان‌های حج است، می‌گوید:

«اولین بار، سال ۱۳۵۳ ش کاروان به مدینه آوردم که در آن کاروان ۶۸۰ نفر بودند و کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف مدینه شنی بود. برای رسیدن به حرم مسجدالنبی صلی الله علیه و آله باید

از میان گل و لای عبور می‌کردیم. هنوز بقیع نرده‌های چوبی داشت و کوچه بنی‌هاشم خودنمایی می‌کرد. کنار بقیع می‌شد بیتوته کرد و به راز و نیاز پرداخت. اما از سال ۱۳۶۳ ش بقیع با دیوارهای بلند و نرده‌های آهنین محصور و کوچه بنی‌هاشم تخریب شد و بازارهای قدیمی اطراف حرم از بین رفتند.

در سال‌های گذشته، کاروان به شکل امروزی نبود، بلکه حمله‌داران وظیفه رساندن حاجیان را بر عهده داشتند و کالاهای مورد نیاز خود را باید از تهران تأمین می‌کردند. حاج اصغر آراسته که در ۲۲ سالگی به زیارت حج تمتع آمده است تاکنون ۲۶ بار از شربت تمتع، متمتع شده و ۵۶ بار از اعتمار عمره بهره گرفته است. در کنار حاج اصغر، «حاج اسماعیل» که پیرمردی ۶۹ ساله است، بیست سالی است که در آشپزخانه‌های مکه و مدینه خدمت می‌کند. در سال‌های دورتر، باید در دخمه‌های ۱۰ - ۱۲ متری، آن هم با گرمای طاقت‌فرسای عربستان در کنار آتش پخت‌وپز می‌کردند؛ تا اینکه آشپزخانه مکه به نام «جبل الطور» راه‌اندازی شد؛ آشپزخانه‌ای که پیش از آن، منزل مسکونی بود و برای آشپزی ساخته نشده بود. اما وضعیت فعلی، قابل مقایسه با قدیم نیست.

حاج اسماعیل که به دلیل کار بسیار نمی‌تواند روزها خود را به حرم نبوی ﷺ برساند، فقط برای نماز عشا به مسجدالنبی ﷺ می‌آید و زود برمی‌گردد. با وجود این او می‌گوید: «همه این سختی‌ها را به عشق رسول الله ﷺ و ائمه اطهار ﷺ به جان می‌خرم و از این وضعیت راضی و خوشحال هستم».

دیدار از هتل «الانصار الجدید»

ورود ما به هتل «قصر الانصار الجدید» با داستان جالبی روبه‌رو شد. وقتی با نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت وارد هتل شدیم، محل جلسه را گم کردیم. هتل دو قسمت دارد؛ سالن کنفرانس که یکی از آقایان روحانی کاروان در آنجا سخنرانی داشت

و کسی هم به استقبال ما یعنی هیئت سرپرست حجاج نیامد، برخی از افراد هتل ما را به جلسه زائران راهنمایی کردند که لابی (B) هتل بود. ولی کنفرانس در سالن دیگری تشکیل شد که بسیار بزرگ بود و سالن‌های جدا برای آقایان و خانم‌ها داشت و جایگاه سخنرانی، نقطه مشترک دید آنها بود.

خوشبختانه همه حضور داشتند و جلسه بسیار خوبی با اجرای گروه تواشیح، مداحی و سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین راشد یزدی برگزار شد.

دیدار از هتل «مراج الشرق»

ساعت ۱۱ صبح، در حال رفتن به هتل مراج الشرق بودیم که دیدیم جمعیتی از زائران کشور ترکیه به سمت هتل می‌آیند. هفت کاروان از مناطق گوناگون کشورمان از جمله: کرج، شیراز، تهران و ... در این هتل سکونت دارند.

لابی هتل مراج الشرق به عکس شهدای منسوب به اعضای کاروان شیراز و عکس شهید محراب «آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب» و همچنین تصاویر ریسان، کارکنان و پزشکان کاروان‌های مستقر در هتل، مزین است.

برخلاف هتل قبلی، اینجا شرایط ورود و پیدا کردن محل استقرار زائران چندان سخت نبود. نماینده ولی‌فقیه، ضمن احوال‌پرسی از زائران، به سراغ آشپزها رفت و سپس در کنار میز نهار نشست. یکی از آقایان از چرب بودن بیش از اندازه غذا گلّه کرد که ممکن است به علت چرب بودن غذا به دنیای دیگر برود.

زائری از کاروان «میرهاشمی» به نام «گل محمدی» که خود سه رستوارن در تهران دارد، از کیفیت غذا و برنج و گوشت و روغن بسیار راضی است و می‌گوید: «من هیچ اشکالی در غذا ندیده‌ام. از نظر نظافت و تمیزی و خوش‌پختی همه جوره جالب است و تازه، من جنس شناسم و قدر جنس کار را می‌دانم».

در اینجا، آقای مجردی رییس ستاد مدینه که شاهد خوبی پیدا کرده بود، جانی گرفت و گفت: «ما اینجا در مدینه صبح به صبح گوسفند می کشیم و گوشت گرم به آشپزخانه می بریم».

گل محمدی گفت: «راست است. مزه آن معلوم است که گوشت کاملاً تازه است». دکتر «علیرضا شکیب»، پزشک کاروان «عرب خزائلی» هم جلو می آید و خود را معرفی می کند و با تشکر از حضور هیئت، سر میز غذا می رود.

در پایان جلسه، دکتر شکیب، متخصص داخلی و عضو هیئت علمی دانشگاه کرج، در مورد چگونگی جلوگیری از افزایش دیابت افراد دیابتی مطالبی را توضیح داد و به من هم توصیه کرد که مواظب چاق شدن در اینجا باشم.

گردهمایی ترک‌های مقیم اروپا در بعثه

هنگامی که به بعثه برگشتیم، جمعیت زائرانی که هنگام خروج از قصر الدخیل دیده بودیم را مشاهده کردیم که حالا پس از نهار به محل برگزاری جلسه آمده‌اند. با اینکه خسته بودم، به جلسه آنها رفتم و متوجه شدم که اصحاب جلسه، ترک‌های مقیم اروپا از کشورهای: آلمان، سوئیس، بلژیک، ترکیه، هلند، استرالیا و افغانستان هستند. ولی همه از «استانبول» به مدینه آمده‌اند و هویت آنها هویت ترکیه‌ای است.

از یکی از اعضای جلسه که متوجه شدم فارسی بلد است، می‌خواهم برایم توضیح دهد. اما او منوط به آخر جلسه می‌کند. مجری، برنامه را اعلام می‌کند و حامد شاکرنژاد به قرائت قرآن می‌نشیند.

تلاوت آقای شاکرنژاد را خیلی دوست دارم؛ چون شباهت بسیاری به صدا و قرائت و حرکت‌های فیزیکی آقای «راغب مصطفی غلوش» مصری دارد. او نیز آیه‌های ترکیبی و تلفیقی در مورد یک موضوع معین می‌خواند.

دکتر باقری معاون بین‌الملل بعثه، برای خوشامدگویی می‌آید. انتظار داشتم انگلیسی سخن

بگوید. اما او به زبان ترکی سخن گفت. دانستم که زبان‌دانی اش نیز درخور توجه است.

او برای زائران، آرزوی سلامتی کرد و اینکه حج مبرور و سعی مشکور داشته باشند و از دوستی دولت‌های ترکیه و ایران سخن گفت و از حضور آنها بسیار سپاس‌گزاری کرد و اینکه، هم‌بستگی اسلامی به شکل بسیار خوبی شکل بگیرد.

تازه فهمیدم می‌توانم از زبان رسمی ترکی، البته اگر سخنران ایرانی باشد، چیزهایی بفهمم. اندکی بعد آقای «غفاری» مداحی ترکی قشنگی را شروع کرد.

سپس «حجت الاسلام اجاق نژاد» نماینده مقام معظم رهبری در آذربایجان شروع به سخنرانی کرد: «خدا را شکر می‌کنیم که در جرگه مسافران این سفر الهی قرار گرفتیم و در یک سفری عزیز و محترم برای حج و پیغمبر عزیز اسلام ﷺ آمده‌ایم و برای این موفقیت خدا را شکر می‌کنیم».

آقای اجاق‌نژاد از مردم خواست برای شادی روح «حاج حمزه»، روحانی قدیمی این کاروان دعا و فاتحه بخوانند. حاج حمزه شاگرد امام خمینی علیه السلام بود. او سال گذشته، به علت بیماری سرطان از دنیا رفت. اجاق‌نژاد می‌گوید: «همه چیز فانی است، جز ذات باری تعالی. خداوند اول است که هیچ شیئی قبل از او نیست و عمل صالحی که خداوند بپذیرد، باقی است و ابدی. حج، نماز و روزه، احسان و کمک به ضعفا و فقرا، اگر عمل خالص برای خدا باشد، قبول است و اگر خالص نباشد، برای ریا و غیره باشد، پذیرفته شده نیست؛ آهنربا، آهن خالص را جذب می‌کند».

به دلیل آذری بودن زبان سخنران، همه بحث‌های آقای اجاق‌نژاد برایم مفهوم نیست. به همین دلیل نمی‌توانم روایت‌هایی را که می‌گوید به‌طور کامل یادداشت کنم. نگران فهم و نوشتن ناقص هستم. اما برایم قطعی است که آقای اجاق‌نژاد بیشتر در حوزه معارف دین بحث می‌کند و چندان در حوزه فقه و مباحث معمول بعضی خطبا عمل نمی‌کند و بیشتر به نظر می‌رسد اهل فکر و اندیشه باشد، تا خطابه و سخنرانی معمول اصحاب سخنوری.

در پایان سخنرانی، با تذکر مجری، آقای اجاق‌نژاد به زبان فارسی از افغانی‌های مقیم در جلسه تشکر می‌کند. «حجت الاسلام سید موسی حسینی» در شهر «سازبورک» اتریش امام جمعه و جماعت مسجد اهل بیت علیهم‌السلام است. ایشان که هشت سال در اتریش اقامت دارد، اهل «اقدیر» شهرستان «توزبوجان» ترکیه است که به همراه دو برادرش در قم تحصیل کرده‌اند. ایشان در سخنرانی خود می‌گوید: «یک جوان یهودی عاشق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شده بود و هر روز سر راه او می‌نشست. اما مدتی پیدایش نشد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سراغ او را می‌گیرد و به ایشان خبر می‌دهند که بیمار است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر بالینش می‌رود و می‌گوید: «جوانی که به من علاقه داشتی، می‌خواهم سعادت آخرت را به تو بدهم». بدین ترتیب، او اسلام را می‌پذیرد و مسلمان می‌شود و از دنیا می‌رود.

پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جوان یهودی که عاشق او شده بود، چنین هدیه ارزشمندی را می‌دهد. حال با شما که یک عمر عاشق او هستید و از این راه طولانی آمده‌اید، چه خواهد کرد؟ ما را دست خالی از مدینه بیرون نمی‌فرستد».

به لطافت طبع و برداشت زیبایش آفرین می‌گوییم و به شدت تحت تأثیر نوع نگاه ظریف سید موسی قرار می‌گیریم. پس از پایان جلسه، سید موسی برایم می‌گوید: «این آقایان از کشورهای گوناگون در مسجد و مرکز ما جمع می‌شوند و همه امور اینها با ماست. در مرکز ما افغانی، عراقی، ترک و ایرانی هستند و در ایام ثبت نام حج، بدون محدودیت ثبت نام می‌کنند».

وقتی از توجه معنوی بالای این زائران می‌پرسم، می‌گوید:

«به دلیل دور افتادگی و نبود معنویت برای اینان، زیارت خانه خدا و مدینه بسیار بر انگیزاننده است و جو معنویت اینجا هم بسیار مؤثر است. ضمن اینکه شما ایران و ایرانی را نبینید که همیشه دعا و نیایش و روزه در کنار زندگی‌اش هست. اما اینها دلشان برای معنویت می‌تپد. در مسجد ما که چهارصد کیلومتر اطراف آن مسجد و

مرکزی نیست، با زحمت جمع می‌شوند. اما اینجا همه چیز ایشان فراهم شده است.»

با سید موسی حسینی، خیلی زود رفیق می‌شوم. گویی سال‌هاست همدیگر را می‌شناسیم. از دو برادر دیگرش که روحانی هستند، آن هم از سرزمین ترکیه، چیزی نپرسیدم. اما این نکته درخور توجه بود که فرستادن علمایی که دارای تخصص اداری و سازمانی و هیمنه سیاسی و اجتماعی هستند، برای اروپا چندان نتیجه‌بخش نخواهد بود. آنچه بیشتر مورد نیاز است، علمای جوان مردمی و پیاده از اسب قدرت خیالی است که بی‌شک گزینه‌های بهتری برای به نتیجه رسیدن هستند.

در پایان جلسه، وقتی با سید موسی خداحافظی می‌کردم، پزشکی را دیدم که به زبان افغانی سخن می‌گفت: او «دکتر محمد وحید احمدی» است که خود را متولد کابل و متخصص بیهوشی و مراقبت‌های سی سی یو معرفی می‌کند و از وضعیت درمانی سید موسی می‌پرسد و بیماری او را کنترل می‌کند.

دومین دعای کمیل در مدینه

دعای کمیل دوم مدینه با کمی تغییر در برنامه‌های امنیتی برگزار شد. در دیدار از زائران، این هفته همه وسایل را از دستگاه گذراندند و همه زائران از دیوار نیروهای پلیس عبور کردند. در سمت دیگر از خیابان امام علی عليه السلام بسیاری از زائران پاکستانی و تاجیک و ترک ایستاده بودند تا اجازه ورود به مسیر برای رسیدن به جلسه دعا را پیدا کنند. اما نیروهای امنیتی اجازه نمی‌دهند. به همین دلیل، ایستاده نظاره‌گر صحنه هستند و از دور در مراسم دعای کمیل شرکت می‌کنند.

محیطی نسبتاً گسترده، محل برگزاری دعای کمیل است که هیچ‌گونه سیستم دسترسی به امکانات برق، فیلم‌برداری و بلندگو ندارد و باید تمامی انرژی مورد نیاز فیلم‌برداری، بلندگوها و سایر وسایل مورد نیاز از طریق موتورهای برق موجود در محوطه تأمین شود.

پادگان‌های شبه مدرسه

در راه که می‌آمدم، جمعی پاکستانی را می‌بینم که یک روحانی بسیار خوش تیپ، با عمامه ایرانی و دشداشه عربی همراه آنهاست که آسانسور در حال بسته شدن را برایم نگه می‌دارد و با لهجه پاکستانی، به فارسی می‌گوید: «برای مراسم دعا در بقیع دعوت شدید». متوجه می‌شوم که پاکستانی است، ولی هیئت ایرانی دارد می‌گوید: «برای شرکت در مراسم دعا، امشب لباس ایرانی پوشیدم تا مانع ورودم نشوند؛ چون با لباس پاکستانی اجازه ورود به محوطه دعا را نمی‌دهند». در بین راه، با او گفت‌وگو می‌کنم.

در مورد حوزه‌های علمیه شیعه در پاکستان می‌گوید: «تعداد طلاب آنها بسیار کم است؛ چراکه حساسیت بسیاری در جذب طلبه شیعه وجود دارد. اما در حوزه‌های منسوب به وهابیت، جمعیت مدارس آنها ۱۰ الی ۱۵ هزار نفری است».

به ایشان گفتم آنها عالم نمی‌خواهند؛ آنها سرباز و فداکار می‌خواهند؛ چون آنچه شما می‌گویید، پادگان است، نه مدرسه. احساس می‌کنم آنچه در مورد وهابیت و تربیت نیروی گسترده انسانی با دانش محدود ذهنی گفته‌ام، شواهد بسیاری می‌یابد.

همراه این طلبه پاکستانی که بسیار هم تعصب و غیرت دارد، از مسیر امنیتی پلیس عبور می‌کنم و در جایگاه می‌نشینم. آیت‌الله بوشهری هم با صفا و صمیمیت مرا در کنار خود می‌پذیرد. برای نوشتن گزارش از وضعیت دعای کمیل، باید به هر سو سرک بکشم کم کم افراد از بعثه‌های علما، می‌آیند. جایگاه جانبازان ویلچری که کسی نمی‌داند چه رنجی از نشستن بر روی آن می‌کشند هم پیش روی ماست.

روی دیوار بقیع و بالای سر جمعیت سربازان و عکس‌برداران سعودی ایستاده بودند. حجت الاسلام و المسلمین قاضی عسکر هم آمده است. در گوشه و کنار، شخصیت‌های سیاسی و دینی مانند دیگران و بدون هیچ تفاوت و تبعیضی نشسته‌اند.

آقای شریعتمدار مترجم رسمی بعثه، آغاز دعای کمیل را اعلام می‌کند.

نقطه آغاز دعا، مانند مراسم گذشته، این آیه شریفه است: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾.^۱

هرچند قاری به زیبایی آیه‌ها را قرائت می‌کند، اما به نظر می‌رسد در نغمه صبا، همین آیه بهتر دریافت می‌شود. اما هنگامی که آیه‌های سوره «کوثر» قرائت می‌شود، صدای حق جمعیت از گوشه و کنار بر می‌خیزد.

الهی بنده‌ای گم کرده راهم	بده راهم که سر تا پا گناهم
به هر در حلقه کوبیدم خدایا	مکن نومید نومیدم خدایا
اسیر نفس هر جایی شدم من	مقیم شهر رسوایی شدم من
نچیدم گل ز باغ آرزویی	به درگاہت ندارم آبرویی
تو رحمان و رحیم و مهربانی	منم مهمان تو، تو میزبانی
تو سوز سینه‌ام را ساز کردی	در رحمت به رویم باز کردی

حضور در کنار بقیع و حرم توفیق والایی است که خداوند عنایت می‌کند. جای بسیاری اینجا خالی است.

گفتند به حضرت فاطمه علیها السلام بگویند یا روز گریه کند و شب آرام بگیرد، یا شب گریه کند و روز آرام بگیرد. «بیت الأحزان» را مولا ساخت و خانم به این خانه می‌آمد.

گویی آن شب مخفی از چشم همه هم علی تشییع شد، هم فاطمه
 او پی تابوت زهرا می‌دوید نه، بگو تابوت او را می‌کشید
 مولا خود فاطمه علیها السلام را داخل قبر می‌گذارد.

کم کم از دستش زمام صبر رفت با دو زانو تا کنار قبر رفت

۱. زمر: ۵۳؛ «بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

صدای گریه‌ها و نفس نفس زدن جانبازی شیمیایی، هر لحظه به گوش می‌رسید. صدای خش دار ریه‌اش که با گریه همراه می‌شود، مظلومانه‌ترین صدای گریه‌ای است که انسان می‌تواند در عمر خود شنیده باشد.

حال و هوای خداحافظی در دعای کمیل

دعای کمیل دوم همیشه بوی خداحافظی می‌دهد؛ چون زائران مدینه قبل باید پس از آن به سمت مکه حرکت کنند و دیگر به مدینه بر نمی‌گردند. این حس برنگشتن به مدینه و خداحافظی‌های ابدی که اینجا با پیامبر ﷺ و ائمه بقیع صورت می‌گیرد بسیار تکان‌دهنده است. آرزویی طولانی مدت و وصالی اندک، با فراقی اجباری و ابدی از پیامبر ﷺ و آنچه می‌ماند، خاطره شیرین این لحظه‌ها و دقایق است.

روزگار عاقبت ملولم کرد	دور از مسجد الرسول کرد
ای بهشت همه خداحافظ	خانه فاطمه خداحافظ

محل برگزاری دعا و حال و هوای حضور ائمه علیهم‌السلام

هجرت شهدای کربلا از اینجا آغاز شد، از همین محله بنی‌هاشم و از همین کوچه‌ها. امام حسین علیه‌السلام، امام سجاد علیه‌السلام، حضرت زینب علیه‌السلام، مسلم علیه‌السلام، حضرت ابوالفضل علیه‌السلام همگی سال‌ها همین جا زیسته‌اند. اگر دقت کنیم، رد پای آنها در گذر زمان دیدنی است. حضرت علی اکبر، حضرت قاسم و عبدالله بن الحسن علیهم‌السلام اینجا زیسته‌اند و با پدر و عمو همراه شده‌اند. هنوز عظمت قدوم امام حسن مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام حیات و شهادت آنها در اینجا درک می‌شود.

در همین شهر بود که امام موسی کاظم علیه‌السلام دستگیر و زندانی و به بغداد برده شد. امام رضا علیه‌السلام در همین کوچه‌های بنی‌هاشم در مقابل مأمور «هارون» ایستادگی کرد و از همین جا راهی سرزمین «مرو» و مهمان عالی‌قدر ایرانیان شد.

خودم دیدم کیوترهای معصوم	همه سر زیر پرها برده بودند
خودم دیدم گلوی اصغرم را	خودم در بر کشیدم اکبرم را
اگر چه در کنار نهر علقم	ز گریه منع کردم خواهرم را

برگزاری دعای کمیل در حصار نیروهای امنیتی!

بخش قابل توجهی از نیروهای امنیتی و پلیس شهر مدینه، در مراسم اجرای دعای کمیل به کار گرفته می‌شوند و این امر بسیار درخور توجه است. علاوه بر جلوگیری از ورود زوار غیر ایرانی به داخل مراسم، ضلع شرقی حیاط حرم نیز به‌طور کامل مسدود می‌شود.

تأمین امنیت از ناحیه غرب محل برگزاری مراسم دعای کمیل که از این سمت، پلیس آن را به‌طور کامل پوشش می‌دهد و البته پوشش پلیس چهار طرفه است. از روبه‌رو خیابان «باب العوالی» و از در شمالی دو طرف، پلیس رفت‌وآمدها را کنترل می‌کند. در سمت غرب دیوار شرقی محوطه مسجدالنبی ﷺ است که زائران از نیمه حیاط مسجد مجاز به آمدن در سمت دیوار شرقی حیاط مسجد نیستند. در سمت غرب نیز دیوار بلند قبرستان بقیع قرار دارد که بر روی آن نیز نیروهای پلیس و دوربین‌های آنها مستقر هستند. در نخستین مراسم دعای کمیل، زائران از ناحیه مناره‌های شرقی مسجد تحت نظر نبودند. اما این‌بار، چند دوربین فیلم‌برداری در نقطه‌ای پایین‌تر از مناره، مراسم دعا را کنترل می‌کردند. هنگامی که مراسم دعا پایان یافت. از طریق درهای جنوب شرقی، به محوطه مسجدالنبی ﷺ آمدم و تازه متوجه شدم تعداد بسیاری از نیروهای پلیس در حیاط و خیابان‌های اطراف بوده‌اند و اکنون که نیم ساعتی از دعا گذشته، کار آنها نیز تمام شده است.

اگر مراقبت شدید نیروهای پلیس اداره «امن العام» و هیئت‌های امر به معروف نبود و شرکت در دعای کمیل برای همگان آزاد بود، بی‌شک، جمعیت دعای کمیل مدینه به بیش از دو برابر جمعیت فعلی می‌رسید.

جمعه چهاردهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و هشتم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

حضور در خط مقدم؛ یعنی بقیع

قبرستان بقیع که هر روز پس از نماز صبح، درهایش به روی مشتاقانش باز می‌شود، امروز صبح حال و هوای دیگری داشت. بسیاری از زائران شیعه عرب‌زبان، به جمع زیارت‌کنندگان بقیع پیوسته بودند؛ زائرانی که مبلغان وهابی چندان نمی‌توانند با آنها دهن به دهن شوند.

فضای بقیع به شدت امنیتی است؛ اما این فضا امروز صبح با آمدن جمع بسیاری از زائران شیعه عرب دگرگون شد. شیعیان عربی که اجازه سخن گفتن به اصحاب امر به معروف را نمی‌دهند و میدان را از آنها گرفته‌اند، شروع به خواندن انواع زیارت‌ها کردند. صدای زیارت «عاشورا» و «وارث»، به صورت دسته‌جمعی و آرام در فضای بقیع، بدون اجازه دادن و دامن زدن به هیچ تنشی، می‌پیچد.

اینجا با تأسف خط مقدم برخورد یک طرفه وهابیت با تمامی فرقه اسلامی شده است و علاوه بر اینکه آزاردهنده‌ترین صحنه‌های فیزیکی و ضد اخلاقی‌ترین رفتارهای فیزیکی مشاهده می‌شود، یکی از توهین‌آمیزترین شیوه‌های تبلیغی دینی هم جریان دارد.

با یکی از هم‌سفران سال ۱۳۸۳ به نام آقای «فلاح» روبه‌رو می‌شوم. نمی‌دانم چه مسئولیتی بر عهده دارد. به هم دست می‌دهیم و سوار اتوبوس می‌شویم. اتوبوس حرکت

می‌کند. راننده «محمد» نامی است اهل «حلب» سوریه.

«السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا فاطمة الزهراء، السلام عليك يا حسن بن علي، السلام عليك يا سيد الساجدين، السلام عليك يا باقر العلم بعد النبي، السلام عليك يا جعفر الصادق.»
 خورشید در چشمانم می‌تابد. از کنار دیوار بقیع اتوبوس با سرعت عبور می‌کند. همه در حال خواندن دعا برای بازگشت هستیم. «وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ.»
 بلند مرتبه‌سازی در شهر مدینه، بسیار رواج پیدا کرده است. ساختمان راه آهن قدیمی که مدینه را به «بندر عقبه» وصل می‌کرد، دیده می‌شود؛ هرچند دیگر از آن بنای حکومت عثمانی‌ها استفاده نمی‌شود.

مسجد «منارتین» محلی است که در اینجا «بنی نجار» پیامبر ﷺ را از دور دیدند و دختران به شعرخوانی پرداختند که:

طلع البدر علينا من ثنيات الوداع وجب الشكر علينا ما دعا لله داع

دفتر وکلای حجاج، محلی را نشان می‌دهد که حجاج انفرادی یا کاروانی باید پاسپورت خود را تحویل دهند تا اجازه خروج از مدینه به آنها داده شود. گاهی برای گرفتن اجازه خروج، ساعت‌ها معطل می‌شوند و البته اجازه خروج را فقط به راننده اتوبوس یا راننده تاکسی می‌دهند.

بخش شمالی، جنوبی و غربی شهر مدینه با کوه‌های خاکستری رنگ دارای سنگ‌های تیز حرّه، پوشیده شده و بخش شرقی آن هم از تپه‌های کوچک سنگ حرّه تشکیل شده است. در سمت چپ خروجی از شهر مدینه به سمت مکه، ساختمان قدیمی بزرگی که مشهور به «قلعه یهودیان بنی نضیر» و «کاخ کعب بن اشرف» است، دیده می‌شود. با حرکت آرام اتوبوس به مسجد شجره می‌رسیم.

هیچ کدام از دوستان معاونت فرهنگی در اتوبوس ما نیستند و من تنهایم. حتی صندلی کناری‌ام هم خالی است؛ چه اینکه احرام و محرم شدن، تنها شدن است؛ بریدن از همه چیز و همه کس.

می دانم لحظه‌های خداحافظی نزدیک است. ولی نمی دانم که آیا این آخرین باری است که موفق به دیدار حرم پیامبر ﷺ و مدینه النبی می شوم یا تقدیر بار دیگر این لحظه‌های شیرین وصل را نصیب من می کند. کمی دلم روشن است و امید اندکی دارم که باید مدینه بعد را برگردم. اما نمی توانم مطمئن باشم. از خود می پرسم توشه‌ام از این سفر چیست؟ چه اتفاقی برای انسان شدن و رمیدن به کمال انقطاع الی الله افتاده است؟ چقدر از این راه را درست و بر سیل نجات آمده‌ام.

مگر نه این است که امام سجاد علیه السلام در برابر اعجاب فردی که از تعداد بسیار حاجیان گفته بود: «ما اکثر الحجج»، فرموده بود: «ما اکثر الضجج و اقل الحجج»؛ «شیون‌کننده‌ها بسیارند، ولی حاجیان کم‌اند». خدایا! در این لحظه‌ها بر مؤمنان چه می گذرد؟ سخن از توصیه‌های شاعرانه نیست. سخن در ارتباط و فهم حقیقت ایمان و زیادت یقین و ایجاد پیوند روحی با پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام است.

خدایا! نکند علوی نشده، اموی شویم و زیارت حج، خود عامل عجب و حجاب شود. لحظه‌های سختی در پیش است. چند روز پیش مردی را دیدم که هنگام احرام، سکتہ کرد و ناچار به سی سی یو برده شد. «یا غیاث المستغیثین».

شنبه پانزدهم آبان ۱۳۸۹؛ بیست و نهم ذی‌قعدة ۱۴۳۱

رییس سازمان و راهنمایی ترافیک

پس از خواندن نماز صبح، به سمت بعثه برمی‌گردم. شنبه پانزدهم آبان ۱۳۸۹ است. در نخستین برنامه بازگشت از مسجدالحرام، شاهد یک مشکل بسیار عجیب می‌شوم و آن صف بسیار طولانی و آشفته زائران منتظر بازگشت به هتل‌هاست. بیش از یک ساعت، در صف سوار شدن بر اتوبوس معطل می‌مانیم. شرایط بسیار سختی است، به ویژه آنکه بیشتر این زائران مانند من در حال احرام هستند و تازه از انجام اعمال عمره تمتع فارغ شده‌اند و به شدت خسته هستند. با وجود این کمتر کسی می‌داند علت این سرگردانی چیست؟

با زحمت بسیار به ایستگاه دوم که مخصوص ایرانیان است، می‌رسیم. بسیاری از مقام‌های سازمان حج از نزدیک پی‌گیر حل مسئله ترافیک جمعیت هستند و آقای لیالی خود با پوشیدن لباس راهنمایان تا دیروقت و نزدیک صبح پای کار ایستاده بود. هنگامی که خبرنگاران از او می‌پرسند که چرا چنین وضعیت سختی پیش آمده است، این‌گونه توضیح می‌دهد: «مشکلات به وجود آمده به دلیل استفاده زائران ایرانی و زائران غیر ایرانی همگی از یک ایستگاه بوده که موجب شده زائران برای بهره‌مندی از زیارت خانه خدا، با مشکلات مواجه شوند».

روزنامه زائر هم عکس لباس‌های نیروهای امدادی رییس سازمان حج را روی صفحه اول خود گذارده است.

نخستین جلسه شورای بعثه در مکه

نخستین جلسه شورای بعثه در مکه در ساعت ۹ صبح شنبه پانزده آبان در سالن جلسه‌های هتل دارهادی آغاز می‌شود. سالن جلسه با سالن‌های ساختمان قدیمی بعثه مدینه بسیار متفاوت است و چیدمانی بسیار شیک و دقیق دارد.

در آغاز جلسه، حاج آقای قاضی عسکر نماینده ولی‌فقیه، از روند مطلوب جلسه‌ها اظهار رضایت می‌کند. اما از چند مسئله در مکه نیز ناراضی است که اعلام آن را معطوف به ادامه جلسه می‌کند.

وضعیت حمل و نقل شهری در مکه چندان مطلوب نیست و با تغییرهایی که صورت گرفته، در حال حاضر، اوضاع نا به سامان است و من منتظر فرصتی برای طرح این موضوع در جلسه هستم.

امیرالحاج، از آقای علی لیالی در مورد مشکل ترافیک می‌پرسد و آقای لیالی رییس سازمان حج که به شدت پی‌گیر مسائل حمل و نقل بوده و شب گذشته حدود ساعت ۲ در محل ایستگاه ویژه زائران ایران حضور پیدا کرده است. طرح اتوبوسرانی داخلی را طرح آقای «غلامرضا رضایی» معرفی می‌کند که او نیز می‌گوید:

«نگران خط عزیزیه است، چون حدود ۷۰ درصد از زائران در شرق حرم و در منطقه عزیزیه مکه زندگی می‌کنند. به همین خاطر، جابه‌جایی از این مسیر بسیار سخت است و بخش بیشتری از زائران اندونزی و ترکیه و عراق و شرق آسیا در همین مسیر قرار دارند. در ایستگاه جدیدی که در محل قدیمی «شعب ابوطالب» تأسیس شده، پس از برگزاری نمازها، جمعیت بسیاری به سمت ایستگاه اتوبوس سرازیر می‌شوند و فقط در عرض چند دقیقه پس از نماز صبح، حدود سیصد هزار زائر به ایستگاه «باب علی» وارد می‌شوند و این ایستگاه، قدرت تحمل این میزان جمعیت ناگهانی را ندارد و هیچ قاعده‌ای به آسانی برای تغییر ممکن نیست، مگر با حضور نیروی انسانی قابل توجه و

اینکه ما ایرانی‌ها به تنهایی نیرو مستقر کنیم هم کار درستی نیست؛ چراکه با آمدن نمایندگان اندونزی و ترکیه و عراق، اوضاع مشکل‌تر خواهد شد. ولی با وجود این حضور نیروهای ستادی ما برای حمایت از مردم بسیار اهمیت دارد».

مشکل ناهماهنگی در حمل‌ونقل شهری مکه

اوقات پیک و فشار جمعیت در ایستگاه، ساعت شش صبح و پس از نماز مغرب و عشا است. البته باید گفت در ایستگاه «منا» با مشکل ذاتی روبه‌رو هستیم که عبارت‌اند از: ۱. وجود دست‌فروشان که نصف فضای میدان را گرفته‌اند و عمل دور زدن بسیار کند شده است؛

۲. هجوم ناگهانی زائران برای رفتن به هتل‌ها. باید از زائران بخواهیم که به سرعت پس از اذان صبح، از مسجدالحرام خارج نشوند؛ چون این تعجیل سبب ازدحام جمعیت خواهد شد؛ بنابراین بهتر است زائران به جای ایستادن در صف ایستگاه، در حرم بمانند و انگیزه تعجیل وقت و فوت شدن نماز را باید در اقامه نماز و عبادت پس از نماز صبح کاهش دهیم و از سوی دیگر، وقت تقسیم غذا را افزایش بدهیم تا زائران مجبور به تعجیل برای رسیدن به هتل نباشند.

غلامرضا رضایی می‌گوید: «به خدمات حمل‌ونقل هم می‌گویید آنهایی که به حرم می‌روند، به قصد نماز است و اینها فقط در خروجی ایستگاه و پس از ساعت‌های نماز به ایستگاه می‌آیند. در ساعت پیک و پس از نماز، حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار نفر ناگهان به ایستگاه می‌آیند چه در مسیر رفت و چه در مسیر برگشت. البته باید در ساعت پیک با حضور نیروی انسانی، با چیدن افراد و ماشین‌ها، زائران را راهنمایی کرد.

در این وضعیت، مشکل شدید ما نبود نیروی انسانی کافی است. همه زائران به سمت درها حمله می‌کنند و با وجود آشنا نبودن زائران، پلیس و نیروهای محلی سخت می‌گیرند».

در ادامه «حسین مظفر» می‌گوید: «در باب علی که ایستگاه با ترکیه و اندونزی مشترک است، به آسانی قابل برنامه ریزی نیست. ولی می‌توانیم از حاجیان ترکیه و عراق و اندونزی کمک بگیریم تا همکاری لازم شود. ولی در منطقه منا هم باید از نیروهای سعودی کمک بگیریم و آنها باید همکاری کنند».

در ادامه، بحث از تغییر شیفت و تغییر ظرفیت شد و اینکه موضوع تنظیم سرعت بسیار مهم است که بتوان بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد.

فلاح زاده که از شکل‌گیری صحنه‌های ناجور نگران است، می‌گوید: «روحانیون کاروان‌ها باید در مورد هماهنگ کردن زائران و برنامه‌های حمل و نقل همکاری کنند» و به آنها توجه داد که در مورد مشکلات مسکن و حمل و نقل، با زائران گفت‌وگو داشته باشند. بحث‌های گوناگونی در زمینه حمل و نقل مطرح شد؛ از جمله: چگونگی کم کردن بار مسافران تا موارد بسیار دیگر که فقط حکایت از پیچیدگی‌های فراوان اعمال حج و مدیریت آن در سرزمین وحی دارد.

در ادامه آیت‌الله حسینی بوشهری می‌گوید: «من از ساعت ۶ وارد شدم. حدود یکساعت در راه بودم و ساعت ۷ به هتل رسیدم. از این‌رو، باید تعداد نیروی انسانی لازم را تأمین کرد تا مسائل موجود کم شوند».

آقای دکتر «حشمت‌الله قنبری» مسئول مؤسسه «مشعر»، وجود اختلاف بین مسافران در هنگام سوار شدن را سبب‌ساز می‌داند. ضمن اینکه، راننده خارجی احساس مسئولیت چندانی ندارد و حضور آقای لیالی سبب نظم خود به خود شده بود.

حاج آقای قاضی عسکر با جمع بندی بحث می‌گوید: «باید از بروز مشکل‌های قابل پیش‌بینی جلوگیری کرد و برخی از این مسائل قابل حل هستند؛ چراکه زائران کشورهای دیگر باید اتوبوس کشورهای خود را سوار شوند. ضمن اینکه، مسئله اطلاع رسانی بسیار مهم است و روحانیون هم بدانند با راهنمایی و هماهنگی می‌توانند بخشی

از مشکل را حل کنند. مسئله مسکن هم واقعیتی است که باید بر روی آن برنامه‌ریزی کرد تا مشکل کم شود».

بحث حمل و نقل در ایام تشریق موضوع جدیدی است که در جلسه مطرح می‌شود و در ادامه جلسه آقای دکتر ریاض، رییس مرکز پزشکی توضیح می‌دهد که: مطابق آخرین آمار، در مکه ۵۲ نفر بستری در بیمارستان داشتیم که یازده نفر از آنها به شدت بیمار بودند که از این یازده نفر، چهار نفر در بیمارستان سعودی از دنیا رفتند و هفت نفر را به ایران برگشت دادیم. در مکه، ۴۱ نفر دیگر هم از بیمارستان سعودی مکه ترخیص شدند.

با تأسف، شکستگی‌ها تاکنون در بیمارستان مکه ۵ نفر بوده و میانگین سنی فوت ۶۵ سال است. در بخش تخصصی، مراجعه‌های تخصصی کمتر است. در سال ۸۷ تعداد مراجعه‌ها تا چنین روز ۳۵۰ نفر بود که در سال فعلی ۲۵۰ نفر است و نشان می‌دهد پزشکان کار خود را خوب انجام می‌دهند و سر جمع وضع سلامت بیماران به مراتب بهتر از سال‌های گذشته است.

استقرار در مشعر و منا

یکی دیگر از مباحث این جلسه، بحث چگونگی استقرار در ستاد مکه و گرفتن آخرین نقشه‌های منا بوده که سعودی‌ها به لحاظ دادن نقشه‌های نقشه برداری شده، سخت می‌گیرند و برای آشنایی لازم است در طول روز از منطقه منا دیدار شود.

نقشه برداری بسیار دقیقی صورت گرفته است و بر اساس دیدارهای میدانی، روند اجرایی برنامه ایام تشریق به وسیله سعودی‌ها قابل توجه است.

تغییر محل استقرار بعثه در منا مورد مذاکره قرار گرفت تا در منطقه زائران بتوانند آنجا حضور پیدا کنند.

تعیین برنامه‌های منا و مزدلفه از هم‌اکنون انجام شده و مسائل زیرساخت راه‌ها و

پل‌ها حل شده است. اما کارهای باقی‌مانده انجام نشده است. در عرفات همه زمینه‌ها تعیین شده است. در سه روز گذشته، خیمه‌های حجاج را قرار داده و محیط را نظافت کرده‌اند که از این بابت، نگرانی وجود ندارد. در مزدلفه منطقه در اختیار ماست که کارهای آن انجام شده است. بیشترین نگرانی ما در عرفات این است که بخشی از دستشویی‌ها خارج از منطقه قرار دارد که ممکن است برای مردم مشکل ایجاد کند. البته در عرفات برای اسکان افراد مشکلی نداریم.

سعودی‌ها مشکل‌های مربوط به جاده و پل را حل کرده‌اند و فقط در مزدلفه از قسمت محل استقرار حجاج ما سیم توری «فنسی» زده‌اند که کاملاً مشخص است که بخشی از این مقدار را هنوز فنس نزده‌اند. و منطقه برای ما کاملاً اختصاصی خواهد بود. اما در منا، برای محل تردد اتوبوس‌ها فکر جدی نکردند.

ماجرای مدیریت میدانی در ایام تشریق و تغییر رویه‌ها در نظر من بحث بسیار پیچیده‌ای بود و تطبیق صحنه‌ها و قضایا نیز برای هر کس دیگری که چندان با محیط آشنا نبوده، به شدت انتزاعی و ذهنی است.

یکی دیگر از مسائل، موضوع دادن اجازه نماز جماعت در هتل‌هاست. به کسانی که نخواهند برای زیارت در ساعت‌های خاص بروند، اجازه بدهند در هتل‌ها نماز جماعت را برگزار کنند و علت اجرای این امر مشکل تردد در شهر مکه است.

در پایان جلسه، به روحانیون توصیه شد که برای رمی جمرات، در مکه، در فرصت مناسب سنگ جمع کنند؛ چه اینکه در منطقه مشعر و مزدلفه به دلیل آسفالت شدن منطقه پیدا کردن سنگ بسیار مشکل است.

حضور سه میلیون نفر در حج

کارگاه آموزشی سازماندهی مدیریت اعزام، برای وضعیت حرکت زائران در ایام تشریق برگزار شد. در این کارگاه، وزیر حج عربستان سعودی به سخنرانی پرداخت و

تعداد حاجیان در موسم حج در سال جاری را سه میلیون نفر اعلام کرد که یک میلیون و هفتصد هزار نفر از خارج از عربستان و یک میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر از داخل عربستان هستند.

وقتی به سهمیه همه مسلمانان جهان در برابر مسلمان داخل عربستان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم یک کشور با جمعیت حدوداً ۲۰ میلیونی برابر تمام جهان اسلام سهمیه اعمال حج دارد؛ صرف‌نظر از اینکه می‌توان برای تعداد حاجیان غیرسعودی تا چه اندازه نیز ظرفیت افزود. در این مراسم، جانشین فرماندهی کل نیروی انتظامی عربستان سعودی نیز به مهم‌ترین برنامه‌های این نیرو اشاره کرد و گفت: «نیروی انتظامی عربستان به ضرورت رعایت مسیرهای یک طرفه تأکید دارد و به مشکل‌های احتمالی حرکت حجاج در ایام تشریق، از جمله حرکت توده‌های انبوه حجاج از طریق تونل «مفصل»، بیتوته در معابر و اماکن عمومی در منطقه «ربوة الحضارم»، حرکت انبوه در ربع صدقی، حرکت موج جمعیت در روز دوازدهم از جمرات به منطقه ششه و حرم و حرکت توده‌ها در روز دوازدهم ذی‌حجه در خیابان «ملک خالد» توجه دارد».

جالب‌تر از همه طرح قطار مشاعر مقدس است که در سال جاری افتتاح شده است؛ چه اینکه معاون وزیر شهرداری‌ها و مسئول پروژه‌های مرکزی در مشاعر مقدس می‌گوید: «حجاج خارجی، به ویژه آنهایی که نزدیک ایستگاه‌های قطار سکونت دارند، می‌توانند از قطار مشاعر در ایام تشریق استفاده کنند، مشروط به اینکه با وزارت حج پیش از ایام حج هماهنگی قبلی به وجود آمده باشد. منظور از هماهنگی معاون وزیر، خرید بلیط بسیار گران قیمت برای حرکت چند دقیقه‌ای قطار است که اعلام کرده‌اند که از این قطار، فقط زائران سعودی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند استفاده کنند که آنها استفاده‌کنندگان اصلی هستند. قیمت خرید بلیط برای استفاده چند دقیقه‌ای، ۲۵۰ ریال سعودی معادل ۷۵ هزار

تومان یا ۷۵ دلار است.

هنگامی که این رقم را در جمع حاجیانی که می‌توانند از آن استفاده کنند، ضرب کنیم، معلوم می‌شود که سعودی‌ها عجب کیسه‌ای برای هر کدام از خدماتی که به زائران می‌دهند، دوخته‌اند. آنها می‌خواهند در همین سال اول، همه هزینه‌ای که صرف ساختن قطار مشاعر کرده‌اند، یک جا برگردد. گذشته از این، کرایه جابه‌جایی هر نفر در کمترین مسیر با ون‌های قراضه و راننده‌های آفریقایی و یمنی، کمتر از ده ریال سعودی، معادل ۳۰۰۰ تومان نیست.

فراکسیون حج و زیارت در مجلس

هنگامی که خبر تشکیل فراکسیون حج و زیارت در مجلس اعلام می‌شود، یکی از مدیران ارشد بعثه به آرامی می‌گوید: «دردسر دیگری بر ددرهای ما افزوده شد؛ چراکه از این به بعد، برای حل مشکل، باید با اعضای این فراکسیون هم سر و کله بزنیم. تازه اگر مدعی حضور در حج، مطالبه سهمیه و هزار خواهش دیگر نشویم، بعد تازه همه مسائل به مجلس و صحن آن کشیده خواهد شد».

شناسایی و استفاده از همه ظرفیت‌های نظام در جهت همبستگی مسلمانان، ایجاد تعامل بین نهادها و دستگاه‌های دولتی در جهت حمایت از سیاست‌های بعثه مقام معظم رهبری، پی‌گیری مجدانه از مقام‌های ذی‌ربط در جهت تحقق منویات امام راحل علیه السلام و تدابیر حکیمانه ولی امر مسلمین جهان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد حج و زیارت و تدوین قوانین مورد نیاز در جهت تقویت امنیت و رعایت شأن و منزلت در رفاه زائران حج و زیارت، از دیگر اهداف تشکیل این فراکسیون است. هنوز افق‌های این خبرچندان روشن نشده است و بعثه نیز در حال حاضر، در تعقیب و جست‌وجوی اهداف تشکیل این فراکسیون است.

دیدار از ستاد مکه

دیدار امیرالحاج از ستاد مکه، با دیدار از دفتر امداد و گمشدگان که به ریاست «عبدالعظیم رضانیا» اداره می‌شود، در ساعت پنج بعد از ظهر پایان می‌یابد. تا آنجا که من می‌شناسم رضانیا فردی شوخ طبع و فعال و خطر پذیر است. پیدا کردن رضانیا در ایران به علت مشغله بسیاری که دارد، بسیار دشوار است. اما این روزها در مکه، دست یافتنی است؛ چراکه او رییس ستاد امداد و گمشدگان در مکه و مدینه و مشاور رییس سازمان حج است. رضانیا با هیجان و حرارت در مورد کار گروه خود توضیح می‌دهد که: «۶۲۷ امدادگر و ۲۵۰۰ امداد یار در سطح کاروان‌ها و شهر مکه به امداد حجاج مشغول هستند، محصول فعالیت شبکه گسترده امداد رسانان ستاد این است که تا این ساعت، هیچ فرد گمشده‌ای از ایران در شهر مکه وجود ندارد».

گم شدن در مکه، عجیب نیست؛ کم حواسی، بیماری آرایمر، جدا شدن از خانواده یا تغییر مکان و زمان، یکرنگی لباس‌ها و ترکیب قیافه‌های تکراری و مشابه، در کنار پیری و کم‌سو شدن چشمان و دور ماندن از کاروان و گم کردن آدرس، از جمله عوامل گم شدن زائران در مکه است.

رضانیا به‌طور رسمی می‌گوید: «گم شدن عجیب نیست، اما پیدا نکردن ما باید عجیب باشد». وقتی حاج آقای قاضی عسکر داستان «جی. پی. اس» موبایل را پیش می‌کشد، رضانیا از هزینه بسیار سنگین و ضرورت نداشتن آن سخن می‌گوید. ولی دور نیست زمانی که (جی. پی. اس) آن قدر عادی و عمومی شود که قابلیت داشتن آن در ایام حج نیز چندان گران نباشد.

رضانیا گوشی بی‌سیم که در دستش دارد را به سمت نماینده ولی‌فقیه دراز می‌کند و از ایشان می‌خواهد که از همین جا یک پیام «خسته نباشید» به دوستانش در سطح شهر بدهد. به همین سادگی، بدون دادن حتی یک لیوان آب، از رییس ابلاغ «خسته نباشید» برای همکاران خود می‌گیرد.

اما ستادی که ما دیده بودیم، حکایت از فعالیت بسیار گسترده همکاران محترم و زحمتکش ستاد مکه سازمان حج را دارد. رییس ستاد که آقای حبیبی تنهاست، دارای گستره فعالیت بسیار قابل توجهی است.

ستاد مکه در هتل بزرگ دارهادی، به اندازه فرمانداری یک شهر تشکیلات دارد. اما همه این تشکیلات برای موقت بودن گرد هم آمده‌اند. ساختمان بسیار شیک و نوساز هتل دارهادی که بعثه و سازمان حج و زیارت ایران و ستاد مکه و البته جمعی از حجاج ایرانی هم در اتاق‌های طبقه‌های آن هستند، محل مدیریت برنامه عظیم حج ایران اسلامی در مکه است.

حمل و نقل ترددی در ایام تشریق

تغییر سیستم رفت و آمد در مزدلفه، مشعر و منا و تبدیل سیستم رفت و آمد گذشته که به صورت اتوبوس‌های روباز همراه کاروان بوده، به سیستم حمل و نقل ترددی بسیار ظریف و حساس، مانند حرکت کردن روی یک مرز عبوری بسیار باریک در میان مزرعه برنج است؛ از هرسو، زیبایی و طراوت و سرسبزی آن به چشم می‌خورد، اما باید با دقت مواظب باشید تا پایتان به خطا نرود؛ چرا که به داخل مزرعه پا گذاشته و دست‌کم اینکه پا به شدت گلی خواهد شد.

برنامه حمل و نقل ترددی که عربستان برای جلوگیری از ترافیک و ورود حجم بسیار بالای ماشین و اتوبوس به مشعر و منا طراحی کرده است، به همین صورت حساس است. از این رو، وقتی وارد اتاق‌های ستاد می‌شوید، همه مجبورند برنامه‌های خود را با دقت از روی نقشه‌های گوناگون توضیح دهند؛ چون در این سیستم حمل و نقل جدید، همه کاروان‌ها مجبورند فقط از مسیرهای تعیین شده رفت و آمد کنند و هر گونه تغییر جزئی در برنامه، کار را به شدت مشکل خواهد کرد.

نقشه‌های گوناگون از صحرای عرفات و مشعر و مزدلفه، ورودی‌ها و خروجی‌ها، قطعه‌بندی‌ها، فنس کشی‌های انجام شده و مهم تر شناسایی کامل مسیر رفت و آمد با حساسیت بسیاری در ستاد، برنامه‌ریزی و تشریح شده‌اند و بخش قابل توجهی از کار هر کدام از این واحدها در نخستین جلسه شورای بعثه در مکه توضیح داده شد.

تجربه جدید صدور کارت حجاج

از موارد جالب دیگر که باز با یادآوری کم لطفی «بانک ملی» همراه شد، داستان کارت‌های صادره برای حجاج بود؛ کارت‌های شناسایی که دارای عکس و شماره کاروان و آدرس هتل و از نظر استحکام، ماندنی بودند و می‌توانستند از ایام حج به یادگاری بمانند؛ کارت‌هایی از جنس سلیکان که همه آنها به موقع نرسیده و توزیع آنها به تأخیر افتاده است. اما آقای امیرالحاج بر جدید بودن این کار تأکید دارد.

یکی از موضوع‌های مهمی که این روزها ذهن همه اصحاب ستاد و سازمان و بعثه را به خود مشغول کرده، ماجرای اجتماع حجاج در شب مشعر در یک محدوده پنج هکتاری است که مفروش می‌شود. سؤال این است که با این جمعیت چه باید کرد؟ آیا در این اجتماع گسترده می‌توان به شرطی که سعودی‌ها حساسیت نشان ندهند، مراسمی اجرا کرد؟ قرائت قرآن، برنامه برگزاری دعایی چون دعای جوشن کبیر و ...

هنگامی که امیرالحاج مصاحبه می‌کند، می‌شنوم که می‌گوید: «خانه کعبه، قلب عالم خلقت است و حج، عملی است بسیار گسترده و عظیم به دور این قلب خلقت و ایام معلوم و معدود در ایام تشریق، روزهایی است که همه هستی متوجه این قطعه از عالم است و حقیقت توحید و ارتباط با خداوند را می‌توان در تنهایی و خلوت دل خویش مشاهده و درک کرد، به شرط آنکه بتوان چشم از دنیا و مافیهای آن پوشاند».

افسوس که ما چنین نیستیم و به آسانی نمی‌توانیم حتی جرعه‌ای از دریای شیرین حقیقت حج را بنوشیم و سیراب شویم.

یکشنبه شانزدهم آبان ۱۳۸۹؛ اول ذی‌حجه ۱۴۳۱

نمایش اقوام

ایام حج، نمایش عجیبی از انسان‌های متفاوت است که از اقوام و سرزمین‌های گوناگون برای هدفی مشترک گرد هم آمده‌اند. در این روزها، نبض وجود همه مؤمنان در مکه و مدینه می‌زند. به همین خاطر، از سرزمین‌های گوناگون آن تعداد که برایشان امکان آمدن به حج فراهم می‌شود، خود را به مکه می‌رسانند تا سر بر آستان خانه دوست بسایند و اعلام بندگی کنند.

امروز توجه‌ام را به حاجیان سرزمین‌های دیگر معطوف کردم و بیشتر از کشورهای که مقام‌های آنها در بعثه حضور پیدا نکرده‌اند، می‌نویسم.

پروژه برج‌های منا و کاهش حضور زائران

حج امسال مشکل «خنزیری» یا همان بیماری مشهور «آنفلوآنزای خوکی» را ندارد. بیماری وحشتناکی که سبب شد سال گذشته، تنها تعداد بسیار محدودی از حاجیان به زیارت بیت‌الله روند. اما امسال با اینکه این مشکل وجود ندارد، دولت عربستان با ساخت و سازهای گوناگون در منطقه منا باز محدودیت‌های پذیرش حجاج را به گونه‌ای دیگر اعمال کرد.

یکی از این پروژه‌ها، پروژه «قطار مشاعر» به طول ۱۸ کیلومتر است که به تازگی و فقط برای سعودی‌ها و اعراب کشورهای شورای همکاری قابل استفاده است. از سوی دیگر، فضایی که برای برپایی چادر در منا در نظر گرفته شده بود، به علت انجام پروژه‌های ساخت و ساز در اماکن مقدس، ۳۰ درصد کاهش یافته است. «سعید القریشی»، رییس کمیته حج در «اتاق تجارت و صنعت» جده می‌گوید:

«امسال تنها یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر زائر خارجی به انجام فریضه حج می‌پردازند؛ زیرا محوطه‌ای که برای برپایی چادرها در نظر گرفته شده، ۳۰ درصد کاهش یافته است و وزارت حج نباید پروژه‌های خود را در مناطقی اجرا کند که مورد استفاده زائران است.»

پروژه برج‌های منا، از جمله پروژه‌هایی هستند که گسترش توزیع چادرها را با محدودیت‌های جدی مواجه ساخته‌اند.

مرهمی بر زخم گرسنگی مسلمانان پاکستان

گروه پانصد نفره پاکستانی‌ها به سرپرستی «علامه سید افتخار حسین نقوی»، روحانی پاکستانی به قصد سپاس‌گزاری از اهتمام ایران به سیل‌زدگان پاکستان با رییس بعثه مقام معظم رهبری، حاج آقای قاضی عسکر دیدار کردند. در این دیدار سیدین، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر بر جریحه‌دار شدن خاطر مقام معظم رهبری از حادثه سیل پاکستان تأکید می‌کند و توجه و علاقه شدید ایشان به مردم پاکستان را یادآور می‌شود. سید افتخار حسین نیز با سپاس‌گزاری از توجه ویژه حضرت آقا، از کمک‌های انسان دوستانه دولت و مردم ایران به سیل‌زدگان پاکستانی، می‌گوید: «اگر توجه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، مراجع بزرگوار و دولت و مردم و جمهوری اسلامی ایران نبود، به‌طور قطع، مردم پاکستان با تلفات جانی بیشتری روبه‌رو می‌شدند.»

با طرح اهدای ۱۰۳ هزار قربانی حاجیان به سیل‌زدگان، ممکن است مشکلات آنها اندکی

کاهش یابد و بعثه و سازمان حج در پی اجرای این برنامه مؤمنانه و انسان دوستانه است تا شاید ارسال این گوشت‌های قربانی مرهمی بر زخم گرسنگی مسلمانان پاکستان باشد.

روس‌ها به حج می‌آیند

کشور روسیه هم اینک بیش از ۲۰ میلیون نفر جمعیت مسلمان دارد که در حج امسال، ۲۰ هزار نفر از آنها به زیارت بیت‌الله الحرام آمده‌اند. رییس اداره بین‌المللی شوراهاى مفتی‌های روسیه، اعلام کرد که: «بیش از ۲۰ هزار زائر روس از طریق مرزهای هوایی و زمینی به عربستان می‌روند. گروه‌های زائر از «باشقیرستان» روسیه و همچنین از منطقه داغستان با هواپیما و اتوبوس به قصد زیارت بیت‌الله الحرام راهی عربستان شده‌اند».

گزارش‌های دیگری حکایت دارد که دولت عربستان و نیروهای امنیتی آن، روش‌های جدید جاسوسی و استخبارات را با شدت بیشتری علیه حاجیان شیعه برخی کشورها، مانند لبنان سازماندهی کرده‌اند؛ چراکه ایالات متحده آمریکا به بهانه کنترل حزب‌الله لبنان و یا گروه‌های شیعی و گروه‌های سلفی و تندرو مرتبط با القاعده، مکالمه‌های حجاج را کنترل کرده است تا بتواند به حلقه‌های معنوی و منابع تأمین مالی این گروه‌ها در ایام حج نزدیک‌تر شود و در این مسیر، از شنود تماس‌های زنان حاجیه نیز امتناع نمی‌کنند و در این میان، حاجیان ایرانی یکی از اصلی‌ترین کانون‌های توجه سرویس‌های امنیتی عربستان هستند. همچنین حاجیان کشورهای مغرب عربی و شمال و شرق آفریقا، اتباع آمریکایی و اروپایی که اصالت عربی و پاکستانی دارند، به ویژه جوانان و روحانیون در این حلقه توجه قرار دارند.

افغان‌ها از ایران می‌آیند

پناهندگی افغان‌ها، به کشورهای مجاور در جریان جنگ‌های گوناگون و نابرابری‌های اقتصادی و فقر اتفاق افتاده است.

«سید وحید ظهوری حسینی»، مسئول بنیاد علمی «کوثر» از اعزام ۳۷۵۰ تن از افغان‌ها از طریق کشور ایران به عربستان سعودی خبر می‌دهد و این ۳۷۵۰ نفر از افغان‌های مقیم ایران هستند که با نظارت وزارت کشور جمهوری اسلامی به مدیران کاروان‌های حج معرفی می‌شوند و با کاروان‌هایی از «ورامین» و «شهر ری» و «مشهد مقدس» به عربستان اعزام می‌شوند.

مصری‌ها با محدودیت می‌آیند

در عین حال، مصریان با وجود داشتن بیش از هفتاد میلیون نفر جمعیت و روابط بسیار خوب با دولت عربستان، هر ساله تنها ۵۰۰۰۰ نفر را به حج می‌فرستند و البته امسال، این سهمیه به ۸۰۰۰۰ نفر رسیده است. با وجود این، مقام‌های وزارت توریسم به این نتیجه رسیده‌اند که باید از تکرار سفر حاجیانی که طی پنج سال گذشته به حج رفته‌اند، جلوگیری کنند. از این رو، حاجیانی که از سال (۲۰۰۵) به حج رفته‌اند، در حال حاضر نمی‌توانند به حج بیایند.

کارگاه ایران در «سیرالئون»

در آن سوی آفریقا نیز رایزنی فرهنگی ایران در سیرالئون با همکاری کمیته حج سیرالئون، چند کارگاه آموزشی برای تشریح «کارگاه آشناسازی با مفاهیم و مناسک حج ابراهیمی» برگزار کرد.

«محمد رضا قزل‌سغلی» از ضرورت آموزش، به مواردی چون: خود آمادگی، اخلاص، یاد گرفتن مناسک حج، حلال کردن مال... اشاره می‌کند.

«ابراهیم کامارا»، «شیخ تیبحان سیلاه»، امام جمعه مرکزی «فريتاون» به شرح و توضیح اعمال، تشریح واجبات عمره تمتع، احرام، طواف و نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، تقصیر و همچنین واجبات حج تمتع، احرام و قوف در عرفات، اهمیت عرفات،

اعمال وقوف در عرفات، وقوف در مشعر الحرام، فرود آمدن در منا، سنگ زدن به جمره، حکمت سنگ زدن، قربانی و تراشیدن سر و ... پرداختند.

حاجیان ترک آلمانی هم آمدند

همه ساله از اروپا، زائران بسیاری برای زیارت خانه خدا به عربستان می‌شتابند و این بار زائران از آلمان، که جمعیت بسیاری از ترک‌ها را در خود دارد و غلبه مسلمانان آن با ترک‌هاست، با کاروان‌های ترک به عربستان می‌آیند و نخستین کاروان زائران حج از کشور آلمان، با همت اتحادیه ترکی - اسلامی وابسته به سازمان دیانت ترکیه از فرودگاه «دوسلد روف» آلمان به عربستان آمدند.

در حج امسال بیش از ۵۰۱۵ زائر از آلمان عازم حج خواهند شد که سه کارشناس امور دینی و پنج نفر از اعضای اتحادیه ترکی - اسلامی آلمان، آنها را همراهی خواهند کرد. با وجود این طبق آماري که سفارت عربستان در «برلین» اعلام می‌کند که به استناد تعداد ویزاهای صادر شده برای مسلمانان آلمانی از سوی این سفارتخانه است، تعداد زائران آلمانی در حج امسال نسبت به سال گذشته، کاهش چشم‌گیری دارد؛ زیرا بحران مالی در اروپا و افزایش تعداد فقرا در آلمان، سبب کاهش تعداد زائران آلمانی در حج سال جاری شده است.

حج زنان بدون همراه

علمای وهابی کار کردن زنان در فروشگاه را حرام می‌دانند و می‌گویند که زن نباید کنار دیوار بخوابد؛ چون دیوار مذکر است. در حالی که نظر «آیت‌الله مہری»، نماینده مراجع عظام شیعه در «کویت»، چنین است که اگر زن از امنیت خود اطمینان داشته باشد، می‌تواند بدون همراه محرم، عازم حج شود.

امروزه در کاروان‌ها، کادری برای حراست از زنان وجود دارد که متشکل از تعدادی زن مورد اعتماد کاروان است و زنان می‌توانند با این گونه کاروان‌ها به حج بروند.

نماینده مراجع در کویت می گوید که تمام مراجع شیعه، حج زن متأهل یا مجرد بدون همراه را مجاز می دانند و مهم تر اینکه، روایت های اهل بیت علیهم السلام همگی دلالت بر نفی ادعای بطلان حج زن بدون همراه دارد.

با وجود آنکه مدیران سازمان حج همواره در گفت و گوها تأکید می کنند که مناسبات بسیار خوبی با عربستان برقرار است و سخت گیری ها کمتر شده تا سعودی ها در معرض شرمندگی رفتاری و اخلاقی قرار گیرند، اما به ظاهر گوش آنها بدهکار تعارف ها و احترام های فائقه سیاسی نیست؛ چه اینکه زائران عازم مکه که در جده به زمین نشسته اند، ساعت ها در فرودگاه جده در انتظار می مانند. بازرسی های سخت گیرانه و اسکن چشم، انگشت نگاری و سایر ناهماهنگی ها، سبب شده تا زائران ایرانی از ساعت هشت شب تا نیمه های شب در فرودگاه سرگردان باشند و مأموران سعودی هم پاسخی به آنها ندهند.

از سوی دیگر، به دلیل کمبود اتوبوس و ناهماهنگی در کار جابه جایی، حرکت زائران از بندر جده به مکه مکرمه، به سختی انجام می شود و زائران مسن تر در دسر بسیاری را تحمل می کنند و این در حالی است که زائران ایرانی، منظم ترین و کم آزارترین زائران ایام حج هستند.

پنجاه تن از مقام ها بیایند

هنوز تکلیف آمدن هنرمندان به حج چندان معلوم نیست و سؤال های بسیاری درباره این گروه از زائران احتمالی از وزیر ارشاد، دکتر «سید محمد حسینی» صورت گرفته است و وزیر ارشاد هم بر اقدام وزارت ارشاد در این راه تأکید می کند. با وجود این، عربستان سعودی هم از پنجاه تن از مقام های ایرانی برای حضور در حج دعوت کرده است. البته این دعوت عربستان مازاد بر سهمیه حج جمهوری اسلامی است و در این سفر، مقام ها ظرف مدت ده روز اول حج را به جا می آورند.

حاجیان سرزمین‌های اشغالی فلسطین

هر ساله تعدادی زائر از سرزمین اشغالی به حج می‌آیند، بدون آنکه حاجیان بتوانند به زیارت «بیت‌المقدس» بروند؛ چه اینکه از گذشته‌های دور، دوره زیارت حج در سه مسجد بزرگ اسلام صورت می‌گرفت که عبارت بودند از زیارت بیت‌الله الحرام، زیارت مسجدالنبی و قبر رسول الله ﷺ در مدینه و پس از آن زیارت مسجدالاقصی در بیت‌المقدس در فلسطین. اما با اشغال رسمی سرزمین‌های فلسطین به دست دشمنان صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ م. سفر به بیت‌المقدس قطع شد و مشکلات فراوانی برای کسانی که بخواهند از فلسطین اشغالی خارج شوند، به وجود می‌آید؛ به گونه‌ای که امکان برگشت دوباره برای آنها وجود نداشت.

در شرایط فعلی، نخستین گروه ۱۵۰۰ نفره از زائران فلسطینی مسلمان ساکن مناطق اشغالی، با ۳۰ دستگاه اتوبوس، راهی «امان» پایتخت «اردن» می‌شوند تا از آنجا با هواپیما و اتوبوس به عربستان بیایند. دومین گروه از حجاج فلسطینی نیز به فاصله‌ای کوتاه وارد اردن می‌شوند.

وزارت اوقاف اردن، برنامه ویژه‌ای را برای استقبال از زائران فلسطینی تدارک می‌بیند. مجموع زائران مناطق اشغالی ۵۲۰۰ نفر بوده که بی‌شک، از مظلوم‌ترین مسلمانان هستند.

دیدار با هنرمندان

برنامه این بود که غروب قرار است، طیفی از جماعت هنرمندان که به حج آمده‌اند، به بعثه بیایند. حوصله هیچ کاری را نداشتم. اما می‌دانستم این جلسه حواشی بسیاری باید داشته باشد که اگر امروز نرم، با گزارش‌های رسمی راضی نمی‌شوم.

با زحمت به طبقه پایین و سالن اجتماعات بسیار بزرگی که به آسانی پر نمی‌شود،

رفتیم. به ظاهر نمایندگان مجلس و هنرمندان گوناگون از تلویزیون را در هم آمیخته‌اند که تعداد آنها به یک کاروان می‌رسد. آقای قاضی‌زاده که جامعه‌شناسی خوانده و بیشتر در حوزه اندیشه سیاسی مکتوب‌هایی دارد، روحانی کاروان آنهاست. تا قرائت قرآن آغاز می‌شود، نماینده ولی‌فقیه به میان جمع می‌آید و پس از تعارف و خوش آمدگویی در ردیف اول می‌نشیند.

تا اینجا آمدن هنرمندان البته با حاشیه‌ها و سؤال‌هایی همراه بوده است. هرچه باشد نتیجه این خواهد بود که عرصه تبلیغی و فرصت رسانه‌ای و در عین حال، تأثیر اجتماعی بسیاری از این هنرمندان خواه ناخواه بالاست.

با تأسف، در دنیای رسانه‌ای امروز تأثیرگذاری متوجه عناصر عمیق‌تر و فکری‌تر نیست، بلکه آنها عرصه‌های خاص و محدود خود را دارند. اما دنیای رسانه‌ای انسانی را بزرگ می‌کند، درحالی‌که خود او هم چندان باور ندارد که چنان باشد. دنیای رسانه و فیلم، مانند بازی پازلی است که پازل‌ها کمتر از نقش خود آگاه هستند. اما وقتی در یک کاراکتر پازلی قرار می‌گیرند، خواه، ناخواه اگر این پازل‌های فرهنگی از وارستگی شخصی و اخلاقی بیشتری برخوردار باشند، عناصر هدف در عرصه اجتماع و رسانه، عناصر سالم‌تری خواهند بود.

آقای قاضی‌زاده به اختصار گزارشی ارائه داد و سخن را تمام کرد. سپس از «هوشنگ توکلی»، برای اظهار نظر دعوت شد.

هوشنگ توکلی که ۶۳ ساله است در ابتدای صحبت‌هایش از پروردگار به خاطر حضور در مکه تشکر می‌کند. سپس می‌گوید:

«سه بار با من تماس گرفته شد که در این سفر باشم. بار اول از سوی مدیریت بنیاد فارابی؛ بار دوم از سوی معاونت سینمایی ارشاد که به دلم نچسبید؛ و سومین بار از سوی رییس دفتر رییس‌جمهور دعوت شدم. در روز آخر، این پذیرش صورت گرفت

تا در این مکان حضور پیدا کنم. من در فیلم، نقش مرحوم دولابی را بازی می‌کنم. همه ذهنم در تجربه‌های مرحوم دولابی بود که به مرحله حج و تجربه حج رسیدم.

فقط از خداوند سپاس گزارم و از ریاست سازمان و رییس بعثه تشکر نمی‌کنم.

من از نسل قدیمم. در ماجرای ترور «حسنعلی منصور» (نخست وزیر سال ۱۳۴۳) حضور داشتم. «محمد بخارایی» و «صفار هرندی» را می‌شناختم. در ۱۵ خرداد فعال بودم. با انقلاب و اسلام غریبه نبودم و آرزو داشتم که اسلام به پیروزی برسد.

ما در این سی سال، نهضت ترجمه ادعیه را به راه نیداختیم. ولی با وجود این، این دعاها با همین کلمه‌های فارسی ضعیف انسان را منقلب کرد. آیا تعاریف از لایه‌های دعا و طواف با تعاریف گذشته، امروز را کفایت می‌کند یا خیر؟ برای ۱۰۰ سال پیش بود، ولی امروز نه. ما جواب داریم اما کار نکردیم. ما در دانایی‌های گذشته ماندم.

در ادامه، آقای «زینعلی زاده» که از اساتید سناریونویس و تئاتر است، با بغض و گریه و با تأنی بسیار شروع به سخنرانی کرد. سخنان هیجانی او نیز بیانگر صحنه‌ای از هنرنمایی‌های اوست؛ شیدایی و عشق: «به عاشق بگو در کار عشق، عقل ورزد، نمی‌تواند. به عاشق بگو در کار عشق انصاف بورزد، نمی‌تواند. عاشقان می‌گویند عشق، عین همان عقل است».

سخنرانی او بیشتر اجرای تئاتری هنرمندانه و هوشمندانه بود؛ تئاتری که در طرح تئاتر عمل هاجر و اسماعیل بسیار اثرگذار بود.

اما «حسن جوهرچی» از حج به‌عنوان تمنا یاد می‌کند و از اینکه، دعوت به سفر حج برای او در میان‌سال‌ها با موهای سفید شده پذیرفته می‌شود، خدا را شاکر است.

خانم «مشایخی» حج را بیشتر از منظر سماع می‌بیند و خود را گرفتار این تسلسل عاشقانه که در اینجا گدایی به شاهی مقابل می‌نشیند، تصور می‌کند و می‌گوید: «ضامن من در برابر خداوند ابراهیم است. خدایا! من بین دنیا و آخرت، بین صفای دنیا و مروه آخرت هروله می‌کنم. برای دنیا تلاش کنم و در مروه به آسایش آخرتی بنشینم و در

آخر، من به رسم قدما چند تار مو بریده ام و به رسم تقصیر به امانت گذاشته‌ام».

خانم «آل ایوب» معروف به «خاله نرگس»، مجری برنامه کودک و آشنای بچه‌ها، فضای جلسه را با شعرهای بسیار زیبایی تغییر می‌دهد:

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستم	بنگر که از کجا به کجا می‌فرستم
در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست	می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستم
ساقی بیا که هاتف غییم به مؤده گفت	با درد صبر کن که دوا می‌فرستم

نماینده ولی فقیه بر گفت‌وگوی اختصاصی با بعضی از طیف‌ها و اقشار متخصص در ایام حج تأکید دارد، می‌گوید که دعوت از هنرمندان را به صورت اختصاصی خود پیشنهاد کرده‌است.

حاج آقای قاضی عسکر از طعنه و کنایه‌های برخی در مورد سفر این کاروان گله کرد و از اشک‌ها و احساس لطیف آنها به‌عنوان دلیل این اقدام بسیار زیبا یاد کرد و گفت: «هنرمندان باید به حج و زیارت بیت الله بیایند تا این لطافت‌ها را تصویر و تبیین کنند. حج تمرین عبودیت و تمرین مناسک زندگی است. حج قصد خدا کردن و معنای اصلی آن رستگاری است».

«اذا اردت الحج فجرد قلبك»^۱ هنگامی که ظرفیت در انسان ایجاد شود تا بتواند از این برکت‌ها استفاده و دل را از هر کینه‌ای پاک کند، آن‌گاه خود را به زیارت خانه خدا می‌رساند».

سه‌شنبه هیجدهم آبان ۱۳۸۹؛ سوم ذی‌حجه ۱۴۳۱

برگزاری همایش اهل سنت

امروز همایش حج اهل تسنن در مکه برگزار می‌شود. جمع بسیاری از حج‌گزاران کاروان‌های گوناگون به بعثه آمده‌اند. بیشتر کاروان‌های شناسایی شده از کاروان‌های مناطق ترکمن‌نشین شمال ایران و همچنین کاروان‌های «کردستان» و «بلوچستان» بودند. این کاروان‌ها که مبتنی بر احکام و قواعد شرعی اهل سنت هستند، با برنامه‌های ویژه و البته زیر نظر بعثه مقام معظم رهبری اداره می‌شوند. «حجت الاسلام عطاران» که اداره امور اهل سنت را در بعثه بر عهده دارد، درباره گروه‌های اهل سنت می‌گوید:

«تعداد حج‌گزاران اهل سنت به هیچ وجه قابل پیش‌بینی نیست؛ چون وقتی ثبت‌نامی‌های آن سال مراجعه می‌کنند، تازه مشخص می‌شود که چه تعداد از اهل سنت ثبت‌نام شده است. همه ساله و البته امسال، نزدیک‌ترین ساختمان‌ها در کنار حرم رسول خدا ﷺ و بیت الله الحرام در اختیار اهل سنت است و اهل سنت، بدون سوار شدن به اتوبوس، پیاده تا مسجد الحرام می‌روند و می‌آیند.

دکتر ریاض - که دیروز مریض دستگاهش بودم - امروز با تیبی بسیار متفاوت و شیک به سمینار آمده است و کنار دستم نشسته، تسبیح می‌گرداند.

عطاران سخنان را به مجری واگذار کرد و این مقدمه‌ای شد برای سخنرانی مولوی اسحاق مدنی.

مولوی اسحاق مدنی مردی شصت ساله و متواضع و سیاستمداری جا افتاده و البته چند شغله است؛ هم رییس شورای افتای اهل سنت و هم مشاور رییس جمهوری در امور اهل سنت است. او از مشکل‌های گسترده امت اسلامی سخن می‌گوید و اصلی‌ترین عامل آن را تفرقه و نبود همبستگی می‌داند.

با آمدن دکتر باقری معاون بین‌الملل، دکتر ریاض به سرعت از صندلی عقب به ردیف جلو می‌شتابد.

مولوی اسحاق مدنی می‌گوید: «بیشتر مسائل اختلافی ما اختلاف بین شیعه و سنی نیست، بلکه ممکن است اختلاف نظر بین فرق اهل تسنن هم باشد. برای نمونه، اگر یک حنفی با شیعه در موضوعی اختلاف نظر دارد، ممکن است شیعه در همان مسئله با یک شافعی وحدت نظر داشته باشد و بر عکس. همچنین اگر خونی از بدن کسی خارج شد، شیعه وضو را باطل نمی‌داند، ولی حنفی باطل می‌داند، ولی شافعی صحیح می‌داند و مسائلی همچون: طلاق ثلاثه، بسیاری از علمای اهل تسنن با شیعه وحدت نظر دارند».

مولوی اسحاق مدنی عنصر اختلاف را معلول جهل در تلقی‌ها دانسته و اختلاف و دعوا را در خدمت دشمنان اسلام و تسنن و یا شیعه می‌داند. در حالی که، تجربه ثابت کرده اختلاف سبب تقویت هیچ مذهبی نمی‌شود. وقتی اسلام تضعیف شده، دیگر شیعه و سنی معنایی ندارد.

با این نظر اسحاق مدنی موافقم که باید جریان تاریخ‌نگاری بنی‌امیه و بنی‌عباس را مورد مطالعه قرار داد. برای نمونه، در مورد اهل‌بیت علیهم‌السلام همه فرقه‌های سنی و شیعه عبارت: «اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی آل ابراهیم انک حمید مجید»^۱ را قبول دارند.

همچنین برخی نسبت‌هایی به شیعه می‌دهند که هیچ اساسی ندارد؛ آنها مدعی‌اند

قرآن‌های، موجود در مدارس و مساجد، با قرآنهای مخفی داخل خانه تفاوت دارد اما این ادعا نادرست است؛ زیرا حتی یک نقطه هم با هم تفاوتی ندارد.

مولوی اسحاق مدنی در ادامه می‌گوید: «بزرگان ما در گذشته چه کرده‌اند؟! بزرگان ما اختلاف نظر داشتند، ولی برای وحدت اسلام در یک صف و در لشکر همدیگر قرار می‌گرفتند. آنها در زمان خود با هم وحدت داشتند، اما چرا ما نقش متفاوتی را بازی می‌کنیم. راه آنها وحدت بوده است».

سخنان اسحاق مدنی همه را به وجد می‌آورد. عقلانیت او در درک حقایق بسیار اقناع‌کننده است.

حاج آقای قاضی عسکر برای ایراد سخنرانی به جایگاه می‌روند و در جایگاه، صمیمیتی ویژه با اهل سنت به خرج می‌دهند. او به اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه منتجب درود می‌فرستد و با سایر تعارف‌ها از سخنان اسحاق مدنی سپاس‌گزاری می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، از زیبایی اسلام سخن می‌گوید: که امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «قرآن به حدی جاذبه دارد که دشمنان و مشرکان سرسخت هم وقتی صوت قرآن را می‌شنیدند، اسلام اختیار می‌کردند». بحث اسلام در حوزه‌های گوناگون زندگی بشری، هرکدام بسیار زیبا و انجام شدنی‌اند. از کناره جایگاه برمی‌خیزم و در میان جمعیت بسیاری که آمده‌اند دور میزمن. سالن بسیار بزرگی است. انبوه جمعیت از حاجیان عادی گرفته تا شخصیت‌های علمی و دینی و اجتماعی از هر طیفی در نشست حضور دارند.

امیرالحاج در ادامه از وجود دو قشر خطرناک سخن می‌گوید:

۱. گروهی که به مقدسات اهل تسنن و شیعه توهین می‌کنند و با توهین سبب می‌شوند که دیگران راه توهین را باز کنند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: ﴿لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ﴾؛ شما با فحش دادن نباید سبب توهین به مقدسات و شکسته شدن حرمت

مقدسات شوید؛^۱

۲. عناصری افراطی که پول می‌گیرند و خیانت می‌کنند. بمب‌گذاری در مساجد که البته فکر می‌کنند جای آنها در بهشت است؛ مانند جنایت‌هایی که در عراق و زاهدان اتفاق افتاده است.

آمریکا هم در افغانستان با نیروهای هوایی و زمینی خود سبب مرگ بسیاری از انسان‌ها می‌شود. مردم غزه و فلسطین که شیعه نیستند: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا﴾^۲

دشمنان اسلام از اسلام سیلی خورده‌اند و باید آگاهانه در برابر اینها بایستیم و نباید در برابر دشمنان اسلام خود را با اختلاف تضعیف کنیم.

امام خمینی علیه السلام در نامه‌ای به «ملک خالد» پادشاه عربستان می‌نویسد: «اینجانب تمام گرفتاری‌ها و بدبختی‌های مسلمین را در اختلاف و نفاق بین آنها می‌دانم».

اگر اختلاف‌ها را کنار بگذاریم، امور مشترک ما در بسیاری از مسائل بیشتر از اختلاف‌ها است. خداوند واحد، پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان را همه قبول داریم.

امیرالحاج از پیش بینی امام خمینی علیه السلام در شکست «شوروی» سخن گفت و تأکید کرد که امام خمینی علیه السلام پیش بینی فروپاشی آمریکا را هم کرده بود و باید در قدرت و وحدت در انتظار تحقق پیش‌بینی حضرت امام علیه السلام بود.

دیدار از ستاد منطقه ۹ هتل «صفوة الجرائد»

هنگامی که نشست همایش اهل سنت به پایان می‌رسد، مطابق معمول ظهرها، همراه با حاج آقای قاضی عسکر به دیدار از هتل «صفوة الجرائد» که ستاد منطقه ۹ در مکه است، می‌رویم و با رسیدن به کاروان با استقبال زائران و روبروسی روحانی کاروان و

۱. انعام: ۱۰۸.

۲. قصص: ۴؛ «فرعون در زمین برتری‌جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود».

دست‌بوسی برخی از کاروانیان به احترام سیادت، روبه‌رو می‌شویم.

مسافران در دوازده طبقه این هتل ساکن هستند و البته با مشکل بسیار سخت کم‌بودن آسانسور مواجه‌اند. در نتیجه، برای تجربه وضعیت آسانسور و پله‌ها ناچار شدیم تن به ریاضت انتخابی بدهیم. از پله‌های بلند و کم عرض قسمت اضطراری تا پنج طبقه بالا رفتیم. حدود صد پله‌ای بالا آمدیم. همه حاجیان از این وضعیت بسیار ناراحت هستند. سن بالا و بیماری‌های قلبی و تنفسی و پله‌های مکرر و فراوان، برای آنها تحمل ناپذیر است.

هنگامی که همه به احترام حاج آقای قاضی عسکر برخاستند، جوانکی هفده ساله که در زمره حجاج آمده، توجه امیرالحاج را به خود جلب کرد. سید او را به‌عنوان جوان‌ترین مرد حاجی امسال در آغوش گرفت.

بوی پیاز و کباب کوبیده فضای سالن را پر کرده است. در منطقه ۹، از ۳۶ کاروان، ۲۹ کاروان از خراسان رضوی، دو تای آنها از اصفهان و یکی از تهران و یک کاروان از خراسان جنوبی و یک کاروان هم از خراسان شمالی آمده بودند. بدین ترتیب، حدود ۵۹۴۵ حاجی در این مجموعه هتل‌ها هستند.

همایش فرهیختگان

شب سه شنبه، اجتماع گسترده دیگری در بعثه شکل می‌گیرد. جمعیتی نسبتاً قابل توجه از مردان و زنان در اینجا گرد هم می‌آیند تا تجربه‌ای دیگر از گرد هم آمدن‌های حج را لمس کنند؛ گرد هم آمدن کسانی که بیان حقایق اسلام و ایران و تبلیغ حقیقت دین و موقعیت مسلمانان و از همه لطیف تر بیان لطایف زندگی ائمه و اهل بیت علیهم‌السلام دغدغه اصلی آنهاست.

یکی از وجوه غیر آشکار حج که بی‌شک، در «عداد منافع الناس» وعده داده شده، همین چشم در چشم شدن انسان‌ها و گفت‌وگو با یکدیگر است و اینان جماعتی

هستند که بیش از دیگران می‌توانند با مسلمانان ارتباط برقرار کرده و گفت‌وگو کنند؛ گفت‌وگوهایی از سر شناساندن خود، کشور، مذهب و موقعیت مسلمانان و شناختن و حصول معرفت از رویه‌های دیگر دنیای مسلمانان.

امروز وقتی در این جمع می‌نشینم، می‌بینم که دانستن یک یا دو زبان، چه ارزشمند است؛ زبانی که بتوان با آن از پیامبر ﷺ و از تشیع و از رد ایرادهای نادرست اصحاب تفرقه گفت.

جالب اینجاست که همایش با عنوان «همایش فرهیختگان» نام‌گذاری شده است و البته فرهیختگی اینجا معانی دیگری می‌تواند داشته باشد که دارد. ولی آنچه اهمیت دارد، این است که این همایش بیش از آنکه همایش فرهیختگان باشد، (فرهیختگی به معانی ایرانی آن)، بیشتر همایش اصحاب نظر و دانش تبلیغ است.

مجری جلسه پس از توضیح‌های آقای «صفدری» به اجرا پرداخت که البته به نظر می‌رسد مجری حرفه‌ای نباشد؛ علاوه بر این، درباره حج شعرهایی خواند که به هیچ وجه درخور اجتماع فرهیختگان، به هر معنایی، نبود.

نماینده محترم ولی فقیه که در همه جلسه‌ها سر ساعت مقرر شرکت می‌کند، اکنون به سرعت به محل سخنرانی می‌رود و درباره منافع حج و روح جمعی مسلمانان سخن می‌گوید:

«مسلمانان با سرمایه شخصی و بدون تکیه بر بیت المال در حج گرد هم می‌آیند. تحول روحی و اخلاقی در مردم یکی از الزام‌های این زیارت است. مسلمانان در راه رسیدن به حج، باید بسیاری از مسائل خود را حل کنند. مشکل‌های اقتصادی و اخلاقی و حل اختلاف‌ها، سبب بسیاری از تحول‌ها می‌شود. ضمن اینکه این فرد، باید بسیاری از ویژگی‌ها گذشته را تغییر دهد؛ چه اینکه در صورت تغییر می‌تواند بفهمد حج او قبول شده است. در صورت تغییر و تحول می‌تواند بسیاری از زیر مجموعه‌های خود را

تحت تأثیر قرار دهد».

حاج آقای قاضی عسکر در حال سخن گفتن است، ولی من بر می‌خیزم و در سالن جلسه دور می‌زنم. می‌دانم پس از سخنرانی ممکن است اوضاع تغییر کند. تا آخر جلسه، آرام آرام قدم می‌زنم و کل جمعیت را از نظر می‌گذرانم. جلسه بسیار پرشور است. جمعیت بسیاری آمده‌اند.

وی با هوشمندی از ادعیه برجسته‌ای مانند: «دعای ابوحمزه» و «مناجات شعبانیه» و «دعای عرفه» می‌گوید و از تمرین بیشتر در کنار خانه خدا و فراموش کردن بسیاری از دل‌نگرانی‌ها و مشکل‌ها سخن می‌راند.

در حالی که مشغول نوشتن بودم، متوجه می‌شوم دوربین لحظه نوشتن من را شکار می‌کند. حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، هوشمندی به خرج می‌دهد و از اصحاب جلسه در خواست ایده و تئوری و نقد و انتقاد برای بهبود وضعیت می‌کند.

او از سطح‌بندی حج و طبقه‌بندی بین حجاج سخن می‌گوید. ولی معلوم نیست این سطح‌بندی چقدر به صلاح باشد؛ مکه‌ای که لازم است رنگ زدایی و پیرایه‌گریزی باشد، فرهیختگان را پر ریخته و برهنه از همه علایق به محضر خانه خداوند بیاورند، دوباره گرفتار تشخص و گرفتاری‌های خود متفاوت بینی شوند. من اهمیت این تصمیم را درک نمی‌کنم. اما خدا کند حج ما گرفتار تشخص‌های درونی و مواهب مادی و امتیازهای عرفی نشود.

در این میان، دوربین جلسه به شکار تصویر خانم‌هایی می‌پردازد که در لحظه‌های پایانی سخنان امیرالحاج و ذکر عرفه و دعا، قطره اشکی در گوشه چشم دارند.

در پایان جلسه، به سخنان رهبر معظم انقلاب و توصیه ایشان در کمک به مردم پاکستان اشاره می‌کنند و کلیپ تصویری از فقر و تنگ‌دستی مردم پاکستان که بسیار رقت‌انگیز است را نشان می‌دهند.

جلسه سخنرانی آیت‌الله حسینی بوشهری با مقدمه‌چینی و شعرهای دم دستی مجری آغاز می‌شود. بسیار تأسف می‌خورم که شعرهای مجری درخور جمع حاضر و مقدمه سخنان استاد بوشهری نیست.

سخنان استاد بوشهری با بیان ترسیم حج در کلام حضرت علی علیه السلام با فرازهای: «جعلہ سبحانہ للاسلام علماً»؛ «حج برای اسلام علم قرار داده شده» و امام صادق علیه السلام فرمودند: «لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة»^۱؛ «تا کعبه سر پا است، دین زوال‌ناپذیر خواهد بود.» و بیان زیبای حضرت فاطمه علیها السلام که فرموده است: «والحج تشييداً للدين»^۲؛ «حج تشیید و تقویت دین است»، آغاز می‌شود.

استاد حسینی بوشهری درباره ضرورت الگو بودن فرهیختگان و پیام رسانی فرهنگ اهل بیت علیهم السلام سخن می‌گوید و مهم‌تر اینکه، تأکید می‌کند، رفتار بر اساس روش اهل بیت علیهم السلام، بهترین منش رفتاری و تبلیغی می‌تواند باشد.

او از ضرورت ترسیم فضای ایران و مسائل مشترک جهان اسلام، عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام و قرآن سخن به میان می‌آورد و به روایت‌هایی چند اشاره می‌کند؛ از جمله این کلام امیرمؤمنان که می‌فرماید: «اعجز الناس من عجز عن اكتساب الاخوان»^۳؛ «ناتوان‌ترین مردم کسی است که نمی‌تواند برای خود برادری انتخاب کند».

همچنین: «ثلاثة من الجفا أن يصحب الرجل فلا يسأله عن اسمه و كنيته»^۴؛ «سه چیز از جفاست: یکی اینکه با کسی همراه باشد و از اسم و کنیه او نداند».

و نیز این سخن امام صادق علیه السلام که درباره حج فرمود: «و جعل فيه الاجتماع من المشرق و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۷۱.

۳. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳.

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۲.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۵.

المغرب لیتعارفوا... ولتعرف آثار رسول الله تعرف اخباره و یذکر و لاینسی؛ «و خداوند در مسجد الحرام اجتماع از مشرق و مغرب را گرد آورد تا همدیگر را بشناسند و آثار پیامبر ﷺ و اخبار او را ببینند تا یاد او بماند و فراموش نشود».

پایان برنامه به «گروه تواسیح سبتین» سپرده شد و آنها هم آمده‌اند تا اشعاری بخوانند که کسی نفهمد و با مجموعه‌ای از نغمه‌های پر سر و صدا هنرنمایی کنند؛ چیزی شبیه متون یونانی که در کلیساها می‌خوانند. تنها شنوندگان با سواد می‌دانند ذکر خداست. اما نمی‌دانند چه هست. شاید خود این دوستان هم مفهوم چنین اشعار پیچیده را ندانند؟!

رییس سازمان حج و مشکل از وصال ماندگان

علی لیالی رییس سازمان حج از به وصال نرسیدگان در حج می‌گوید. علت فوت تمام زائرانی که از دنیا رفته‌اند، کهولت سن و بیماری‌های قلبی بوده است و هیچ‌کدام از آنها بر اثر حادثه یا اتفاق غیر منتظره فوت نکرده است. انتقال جنازه‌ها با مشکل بسیاری همراه است. زائرانی که در مناسک فوت می‌کنند، در صورت وجود امکانات هواپیما، با نخستین پرواز به تهران منتقل می‌شوند و در غیر این صورت، پس از پایان حج منتقل خواهند شد. تا تاریخ ۸۹/۸/۱۹ هفت زائر در مکه و مدینه بر اثر کهولت سن و سکت قلبی از دنیا رفته‌اند. مسن‌ترین زائر سال جاری نیز اینک از راه رسیده است؛ خانم «فاطمه شریعتی» از استان کردستان با ۱۱۹ سال سن، پیرترین حج‌گزار امسال معرفی می‌شود.

جایزه‌ای برای پزشکان

عصر روز جمعه بیست و یکم آبان ۱۳۸۹، مرکز پزشکی حج مراسمی را برگزار کرد. در این مراسم، به پزشکان و مدیران فعال در بخش‌های درمانی و بهداشتی

جوایزی اهدا شد. این جوایز از نظر مادی قیمت چندانی ندارد و عبارت است از یک جانماز و چند کالای فرهنگی دیگر که بیش از هر چیز دارای ارزش معنوی و نشان دهنده توجه به تلاش پزشکان و مدیران کاروان‌ها در راستای سلامت زائران است.

سوژه‌ای برای ساخت فیلم سینمایی

آمنه پیر زن ۷۰ ساله «درگزی» داستان عجیبی دارد. او می‌گوید شب خواب می‌بیند که سوار هواپیما شده و به خانه خدا رفته است. صبح زود، بدون اطلاع خانواده‌اش با جمع کردن طلاهایش عازم فرودگاه می‌شود و با گذرنامه تاریخ گذشته‌اش، خود را به گیت خروجی فرودگاه مشهد می‌رساند. او با همراه شدن زائران افغانی به محل عبور از گیت می‌رود. اما خانم مسئول گیت با دیدن گذرنامه و نداشتن بلیط او را به عقب بر می‌گرداند. او نیز برگشته و شروع به گریه کرده است. اما مأموری او را می‌بیند و علت گریه‌اش را می‌پرسد. به نظر می‌رسد مأمور تحت تأثیر قرار گرفته و برایش بلیط تهیه می‌کند و او با بلیط وارد سالن ترانزیت هواپیما می‌شود. در مسیر عبور نه کسی از او چیزی پرسیده و نه مدرکی از او خواسته‌اند. بدین ترتیب، با گرفتن بلیط و کارت پرواز، سوار هواپیما می‌شود و در ساعت ۳:۱۰ نیمه شب پیرزن به سوی سرزمین آرزوها پرواز می‌کند و شش صبح به فرودگاه مدینه می‌رسد.

اما در فرودگاه مدینه، مأمور سعودی به گذرنامه او اشکال می‌گیرد و اینجاست که گریه‌هایش به جایی نمی‌رسد و سعودی‌ها اجازه خروج از فرودگاه را به او نمی‌دهند. در دو روزی که پیرزن در فرودگاه مدینه بود، از سوی بعثه پذیرایی می‌شد. اما پیرزن ناراحت از نرسیدن به حرم نبوی ﷺ لب به غذا نمی‌زد. او پس از فرستاده شدن به فرودگاه جده به همراه زائران پیر و بیمار دیگر به تهران و سپس، مشهد عودت داده می‌شود.

ادامه سریال هنرمندان

داستان سفر هنرمندان به حج، برای وزیر ارشاد هم دردسر ساز شده است. او ناچار شد بارها در مورد این سفر به خبرنگاران پاسخ بدهد؛ از اسامی غیر مرتبط گرفته تا ادعای هواپیمایی اختصاصی برای هنرمندان و حرف و حدیث‌های بسیار دیگری که ساخته و پرداخته شده است.

وزیر ارشاد در این باره می‌گوید: «سفر هنرمندان به مکه کاری است که در سال قبل و دوره‌های گذشته نیز انجام می‌شد و مسئله تازه‌ای نیست. سهمیه محدود در این بخش وجود داشت که به افرادی داده شد که به دنبال اجرای یک برنامه هنری یا پی‌گیر یک سوژه هنری بودند؛ برای نمونه، اگر فرض بگیریم ۵۰ سهمیه وجود دارد، ۱۰ سهمیه به صدا و سیما اختصاص یافته تا در آنجا فیلم و برنامه بسازند یا هنرمندانی که از سوی معاونت سینمایی رفته‌اند، می‌توانند در آنجا ایده و سوژه بگیرند و حتی فیلم بسازند».

حضور افراد نخبه و هنرمندان اندیشمند، فقط نفع فردی ندارند، بلکه آثاری که ارائه می‌کنند، سودی اجتماعی دارد. برای نمونه، کتاب «حسی در میقات» جلال آل احمد که اثری جاودانه است، نتیجه سفر او به مکه است. با وجود این سیاست‌های بجا و نابجای فراوانی درباره این سفر شکل گرفته است و این در حالی است که هنرمندان مانند سایرین با کاروان آمده و هزینه داده‌اند و مانند دیگران همگی سوار هواپیما شده و از همان غذاها خورده‌اند؛ گو اینکه، آنها هم مانند دیگران هستند.

ساعت عجیب بر روی برجی عجیب‌تر

ساعت بزرگی حدوداً ۴۳ متری در چهار سمت بر فراز دومین آسمان خراش جهان و بزرگ‌ترین هتل مشرف به خانه کعبه ساخته شده است. برای ساخت آن از معماری عجیب و غریبی از ترکیب معماری ایتالیایی و چینی استفاده کرده‌اند که در هر زمان به

آنها نگاه شود، احساس کدورت و ناراحتی انسان را فرا می‌گیرد؛ بنایی چنین عظیم که جلوه خانه کعبه را تحت الشعاع خود قرار داده است و چنان بد قواره ساخته شده که در نگاه اول انسان را به یاد اژدهای هفت سر می‌اندازد و البته این احساسی بود که بیشتر هنرمندان و حاجیان ابراز کرده‌اند.

در ساخت این ساعت که با دستور «ملک عبدالله» پادشاه عربستان ساخته شده، بیش از ۹۰ میلیون قطعه موزائیک و شیشه رنگی به کار رفته که از چهار سمت منقوش به نام «الله» و از تمام نقاط شهر مکه هم قابل مشاهده است. گفته می‌شود هزینه ساخت برج و ساعت آن سه میلیارد دلار بوده و پروژه ساخت آن، یکی از گام‌های مربوط به مدرن‌سازی شهر مکه است. با وجود این بسیاری از مسلمانان از این ساختمان و ساعت ناراضی‌اند؛ چراکه خانه خدا را به شدت تحت الشعاع دید زائران و حاجیان قرار داده و در نگاه اول، هیبت اژدها گونه خود را بر ذهن بیننده حاکم می‌کند.

چهارشنبه نوزدهم آبان ۱۳۸۹؛ چهارم ذی‌حجه ۱۴۳۱

فرهنگ حج در معاونت فرهنگی

حجت الاسلام دکتر محمدجواد مظلومی، معاون فرهنگی بعثه، طلبه سید اهل زنجان است که فلسفه تطبیقی خواننده و زبان خوب می‌داند و یک روحانی به روز و کاملاً دیجیتال است که ارتباطات قابل توجهی در حوزه بین‌الملل دارد.

بار اصلی فعالیت‌های بعثه در حوزه ارتباطات با امور معنوی و فرهنگی در ذیل مدیریت آقای دکتر مظلومی است که از چهار مدیریت جذب و سازماندهی، آموزش، اهل سنت، محصولات فرهنگی تشکیل شده است. آقای مظلومی با توضیح درباره آموزش روحانیون، چگونگی جذب روحانیون در کاروان‌ها، حج و عمره و بهره‌گیری از فضای عربستان برای تحکیم همبستگی میان مسلمانان و راهکارها و آموزش‌های ارائه شده برای چگونگی برخورد با رفتارهای شبهه افکنانه و افراطی هیئت‌های امر به معروف و هابی در عربستان می‌گوید:

«هر سال دولت عربستان فهرستی درباره انواع کتاب‌هایی که قرار است از ایران به این کشور منتقل شود را درخواست می‌کند. ما هم این فهرست را ارائه می‌دهیم و آنها با توجه به کتاب ضمیمه آن درباره کتاب‌ها تصمیم می‌گیرند که به بعضی از کتاب‌ها اجازه می‌دهند و به بعضی کتاب‌ها اجازه نمی‌دهند. با این حال، ممکن است کتابی که اتفاقاً همان سال مجوز

رسمی دولت عربستان را دریافت کرده است، در مبادی ورودی این کشور توقیف شود».

دکتر مظلومی در تقسیم‌بندی نیروهایی که در ایام حج عمل می‌کنند با عبور از نیروهای دولتی، از نهادهایی سخن می‌گوید که هرگز در کنترل دولت عربستان نیستند؛ مانند بعضی از نهادهای افراطی مردمی که رفتارهای ناپسندی دارند و مسائلی را ایجاد می‌کنند و این رفتارها در چهارچوب رفتارهای دولت عربستان نمی‌گنجد و دولت هم به آن رضایت ندارد.

همچنین دکتر مظلومی از توان کم بسیاری از زائران ایرانی نگران است؛ چه اینکه این زائران زبان دیگری نمی‌دانند و تا به حال از کشور خود خارج نشده‌اند و مهم‌تر اینکه، با فرهنگ عربستان آشنا نیستند و پیشینه برخورد با اهل سنت را هم ندارند. بنابراین، گاهی در ارتباط کلامی، آنها دچار مشکل می‌شوند. پس نباید انتظار داشت که زائران در عربستان با مشکل مواجه نشوند و دوازده جلسه آموزشی هم نمی‌تواند کار اساسی‌ای در تغییر هماهنگی ایجاد کند.

هنگامی که از دکتر مظلومی درباره تغییرات ساختاری اماکن مقدس سؤال می‌شود، او به نکته‌ای اشاره می‌کند که جای تأمل دارد؛ تأملی که ما را وا می‌دارد به مسئله تصویر تاریخی توجه بیشتری داشته باشیم. بی‌تردید، بهره‌گیری از هنر عکاسی، در ثبت این تصاویر، ضروری است.

ایشان می‌گوید: «در حال حاضر، گزارشی از تغییرها نداریم که در اعمال زائران مشکل‌هایی ایجاد کند. در واقع، اتفاق‌ها و تغییرهایی که در عربستان رخ می‌دهد، تدریجی است و چون معمولاً تصویر مستمر از آن بنای زیارتی نداریم، در نظر خود گمان می‌کنیم با تغییر یکباره مواجه شده‌ایم».

مظلومی از جذب و آموزش روحانیون که سخن می‌گوید، به مراحل جدی و سخت عبور از این مسیر اشاره می‌کند و می‌گوید: «واجد شرایط بودن آزمون کتبی،

مصاحبه، سنجش قدرت بیان را باید بگذرانند و مباحث احکام، اسرار و معارف حج شناخت قوانین حج و تاریخ اسلام را باید آموزش ببینند و با مهارت‌های مخاطب‌شناسی آشنا شوند و روحانیون پیش‌کسوت و صاحب تجربه و دانش در این زمینه، راهنما و مربی روحانیون جوان‌تر هستند».

البته در کاروان‌ها علاوه بر روحانی کاروان، روحانی دیگری به‌عنوان معین، او را همراهی می‌کند و در صورت افزایش جمعیت یک کاروان، یک خانم روحانی با ویژگی‌های گفته شده، به‌عنوان معینه هم همراه کاروان خواهد بود.

آقای مظلومی که در همایش معینه‌ها هم سخن گفته بود، از حسن خلق معینه‌ها بیشتر سخن می‌گوید تا از دانش و آگاهی آنها؛ چه اینکه سال‌ها پس از حج نیز ارتباط میان معینه‌ها و زائران تداوم پیدا می‌کند. از مجموع ۱۴۰۰ روحانی و معینه در کاروان‌های کشور، ۶۱۰ نفر روحانی شیعه و ۵۰ نفر روحانی اهل تسنن هستند. ۵۰۰ نفر معین و ۲۴۰ نفر معینه نیز در کاروان‌های کشور حضور دارند.

همایش «تقریب بین المذاهب»

همایش «تقریب بین المذاهب الاسلامیه»، از جمله همایش‌هایی است که در آن علمای گوناگون شیعه و سنی برای ایراد سخن و گفت‌وگو درباره موضوع‌های مشترک دو طرف حاضر می‌شوند و به ایراد دیدگاه‌های خود درباره چگونگی نزدیک شدن به همدیگر و بازشناسی دشمنی‌های دشمنان اسلام و جوامع اسلامی می‌پردازند.

معمولاً در این کنفرانس‌ها، شخصیت‌هایی برای سخنرانی دعوت می‌شوند که دارای سیره تقریبی و تحیبی در بین مسلمانان هستند و بی‌تردید، شخصیت‌هایی که دارای عملکرد تخریبی در بین مسلمانان هستند را در این کنفرانس‌ها شرکت نمی‌دهند.

امیرالحاج که سخنران اول جلسه همایش تقریب است، بر دغدغه‌اش در مورد تفرقه و اختلاف تأکید دارد و ادب دینی و تعامل مؤدبانه در برابر یکدیگر را منش اسلامی

می‌داند که اسلام طرفدار ادب است و اجازه توهین و اتهام به شرک را به همدیگر نمی‌دهد و البته این دستور العمل، فراتر از اسلام است؛ چه اینکه خداوند اجازه توهین به مقدسات مشرکان را هم نمی‌دهد و قرآن نتیجه اهانت به آنها را این می‌داند که آنها نیز توهین متقابل کرده و ارزش‌های دینی در هم شکسته می‌شود.

با تأسف، در حال حاضر، در پاکستان و افغانستان و عراق به اسم دفاع از اسلام، مردم مسلمان را در مساجد می‌کشند و با تحجر خوارج گونه‌ای که در جهان اسلام دارند، دشمنان اسلام نیز آنها را با پول و ثروت می‌خرند و آنها را علیه اسلام و مسلمانان به خدمت می‌گیرند.

امیرالحاج بر ضرورت آگاهی بخشی تأکید می‌کند؛ زیرا بسیاری از مردم جهان اسلام، مسائل اولیه اسلام را هم نمی‌دانند.

ما به تبادل اطلاعات برای رشد و گسترش اندیشه دینی به شدت نیاز داریم و باید بر آگاهی و دانش جوامع مسلمان بیفزاییم.

مولوی اسحاق مدنی که ریاست جلسه را بر عهده دارد، ادامه جلسه را به آقای «شیخ محمد نعمانی» می‌سپارد تا به ایراد سخن بپردازد.

نعمانی که در شب گذشته، شعر معروف «بلد الشام» را برای «حافظ اسد» و «بشار اسد» خوانده بود، اکنون به‌عنوان سخنران با لهجه خاص عربی، شروع به سخنرانی می‌کند. نعمانی نیز بر ضرورت همبستگی مسلمانان در کشورهای گوناگون تأکید دارد و از تلاش دشمنان اسلام در فتنه‌انگیزی فرقه‌ای در عراق و برافروختن جنگ شیعه و سنی و عرب و ترکمن می‌گوید.

پس از نعمانی، یکی از علمای اهل تسنن مصر به نام «دکتر احمد طیب» که از سخنرانان جلسه است، به جایگاه دعوت می‌شود. دکتر طیب به همانندی‌های شیعه و سنی در مصر اشاره دارد و تصریح می‌کند که دانشگاه الازهر که با نام مبارک حضرت

زهرائیه نام گذاری شده، یکی از مراکزی است که همه عقاید دینی در آن تدریس داشته‌اند و بزرگان الازهر مانند: «شیخ محمود شلتوت»، «شیخ سلیم بسیاری» در مورد تقریب، آگاهی و حساسیت گسترده‌ای داشته‌اند.

دکتر احمد طیب از سلسله امام حسن علیه السلام و از طائفه «صوفیه» است که آشنایی گسترده‌ای با مذاهب اسلامی دارد و در راه گسترش اندیشه تقریب تلاش بسیاری کرده است.

او می‌گوید: «حزب‌الله تنها نیرویی است که در برابر اسرائیل به پیروزی رسیده است. از این رو، باید توجه کنیم که رهبران جامعه اسلامی به توطئه‌های غرب علیه جامعه اسلامی ایران توجه کنند. امروز مدعی‌اند که ایران، دشمن جهان اسلام است. از آنجایی که ایران به پیشرفت‌های هسته‌ای، داروسازی، صنایع و غذایی و ... رسیده است، سبب شده که این کشورها از ایران بترسند. بنابراین، اینها دارند ادعا می‌کنند که ایران در پی احیای امپراتوری خود است. اینکه امام خامنه‌ای فتوا به تحریم هرگونه توهین داده‌اند گام بلندی در مسیر تقریب است».

نعمانی که بسیار شیرین سخن می‌گوید و بر کرسی هیئت ریسه نشسته است، از شیخ احمد طیب برای دیدار از عراق دعوت می‌کند. سخنران بعدی خود را چنین معرفی می‌کند: «من «شفیق بن زیدی» از کشور پاکستان هستم». او در ادامه می‌گوید:

«مردم پاکستان اکنون گرفتار مصیبت بزرگی هستند. گرفتار کشتار به اسم دموکراسی شده‌اند و آمریکا همان طور که به عراق و افغانستان حمله کرده و مشکل‌های بسیاری برای افغان‌ها به وجود آورده، برای ما نیز مسائل بسیاری را فراهم کرده است. حال سؤال این است که در افغانستان و پاکستان چرا این‌طور شده است؛ چرا که هر کس بر اساس گروه خودش دست به اقدام می‌زند؟ سه روز پیش، بمب گذاری در یکی از مساجد اهل سنت سبب کشته شدن جمع بسیاری از مسلمانان شد و باید گفت که این جنایت‌های گروه‌های افراطی تنها علیه شیعیان نیست، بلکه علیه اهل تسنن نیز هست».

دیدارهای مکرر امیرالحاج

دوباره گرفتار حالت تب و لرز می شوم. معلوم است انواع ویروس‌ها در شرایط گوناگون و با حضور در میان زائران به نوعی دوباره عود می‌کند.

دیدارهای روزانه از هتل‌ها و کاروان‌ها تقریباً هر روز ادامه دارد و امیرالحاج سعی می‌کند به همه کاروان‌ها سری بزند و احوال آنها را بپرسد و با آنها ناهاری بخورد و به تبع، بیشتر مدیران بعثه و سازمان حج نیز می‌آیند و حاجیان هم سؤال‌ها و درخواست‌های بسیاری دارند.

از حوصله و صبوری امیرالحاج در شگفتم که چطور با ریز بینی و هوشمندانه به همه جنبه‌های عاطفی و روحی حاجیان توجه می‌کند و این چیزی است که در کمتر مدیری دیده می‌شود. امروز هم از هتل «المواکب» دیدن می‌کنیم و مانند همه هتل‌ها از وضعیت آسانسور گرفته تا کیفیت غذا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پس از دیدار از هتل المواکب وقتی به هتل دارهادی رسیدیم، به اتاق رفته و از خستگی به خواب عمیقی فرو می‌روم؛ چون ۳۶ ساعت نخوابیده بودم.

دیدار با گروه اعزامی صدا و سیما

ما در حج، فرصت‌های بسیاری داریم که می‌توانیم از آنها به بهترین وجه بهره بگیریم و ظرفیت سازی کنیم؛ ظرفیتی مانند بازار مشترک اسلامی، فضاهای مشترک اجتماعی، آشنا شدن با چهره‌های رسانه‌ای و قرار گرفتن آنها در جریان اعمال حج، زمینه‌هایی که نیاز چندانی به گفت‌وگو و ورود به عرصه‌های فکری مستقیم یا زمینه‌های امنیتی و سیاسی ندارد.

چنانچه در مورد سفر هنرمندان سینمایی و تلویزیونی، هیاهوی بسیاری صورت گرفت که چرا تعدادی از هنرمندان به حج آمدند و حال آنکه، آمدن بسیاری از

هنرمندان یا سایر فرهیختگان، خودش ظرفیت‌سازی بسیاری را در پی خواهد داشت. در نشست کوتاهی که حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر با چند تن از کارمندان صدا و سیما و چند نفر از بازیگران داشت، می‌گوید:

«دوستان صدا و سیما در عرصه‌های گوناگون شبانه روزی تلاش می‌کنند. جاذبه معنوی حج هم همه ما را تکان می‌دهد. این یک واقعیت است که هنرمندان در اقبال گوناگون نفوذ دارند و لازم است در بخش معرفی حج تبلیغات و فرهنگ‌سازی، نیرومندتر عمل کنیم و فعال‌تر شویم؛ همچنان‌که در بخش مهارت‌های اخلاقی و رفتاری یا فرهنگ سوغات، چندان گسترده عمل نکرده‌ایم.

بحث اماکن یک موضوع بسیار مهم است. اما در مورد مکان‌ها و شخصیت‌های جهان اسلام که در آنها مدفون‌اند، هیچ کار مطالعاتی صورت نگرفته است و می‌توان در این مسیر، برای معرفی مراکز اسلامی کارهای قابل توجهی انجام داد».

ملاطفت امیرالحاج و طرح همین درخواست، ممکن است در کوتاه مدت نتیجه ندهد، ولی در دراز مدت می‌تواند به کار آید.

نگاه امیرالحاج در عرصه‌های گوناگون مرتبط با حج شمول دارد و خوشبختانه گوشش شنواست و این اصرار و توجه به شنیدن، می‌تواند کمک بسیار خوبی در پیشبرد مسائل باشد؛ چیزی که معمولاً برخی مدیران ارشد پس از مدتی آن را فراموش می‌کنند.

رضا توکلی می‌گوید: «اینکه چه شد و چه اتفاقی افتاد که ما اینجا آمدیم، ما در کاروان‌هایمان و تصویرها به شیدایی دل‌هایمان توجه نکردیم. ما چه می‌کردیم و چه اتفاقی افتاد که حالا آمده‌ایم. من به بچه‌ها گفتم که دیگر برنگردیم، از لحظه‌ها و فرصت‌ها استفاده کنیم. دوست هم اتاقی من نویسنده است که با قلم اطاعت می‌کند و در حال نوشتن لحظه‌های گوناگون است. وقتی به گذشته خود فکر می‌کنم، می‌بینم من

که همیشه فکر بازی بودم و قرارداد ببندم و خرج زندگی را بگذرانم. اما اکنون می بینم حقیقت دیگری وجود دارد که ما از آن غافل بودیم».

بغض لطیفی در چهره او پدیدار شد. او ادامه می دهد: «از دوستانم خواستم تا در لباس احرام و در اتوبوس احساس خود را برایمان بنویسند. واقعاً لحظه دیدار خانه کعبه عظمتی وصف نشدنی بود و نمودارم چگونه از این لحظه ها بنویسیم و این عواطف و لحظه ها را بر تکنیک خود سوار کنم».

این گفت و گو چندان به طول نینجامید و به نظر می رسد زمینه ای برای گفت و گوی بیشتر و مفصل تر در آینده باشد.

دیدار با بعثه عمان

ساعت هفت غروب است. هیئت بعثه عمان که به دیدار امیرالحاج آمده اند، مورد استقبال امیرالحاج و مدیران بعثه قرار گرفتند.

نماینده ولی فقیه با تعارف و احترام های دیپلماتیک از فتنه های گوناگون علیه اسلام و مسلمانان همچون آتش زدن قرآن و جایزه دادن به کاریکاتوریست ضد پیامبر ﷺ سخن گفت و اینکه، این حوادث نشان می دهد که غرب دشمنی خود را آشکار کرده و در سوی دیگر، بلای عظیم نازل شده در پاکستان سبب بی خانمانی جمع بسیاری شده است.

ایشان می گوید: «خوشبختانه در سرزمین شما علمایی هستند که تبادل آرا با آنها می تواند در گسترش امکانات و فرصت های دو طرف به کمک مسلمانان بیاید. با توجه به مسائل و سختی های مردم پاکستان تصمیم داریم قربانی ها را به آنجا ارسال کنیم و مردم ما هم قبول کرده اند که از هدایای خود کمک کنند و به مردم پاکستان یاری برسانند.

تجربه های بسیار ما در امر حمل و نقل و اداره حجاج، تجربه های گران قدری است.

می‌توان در تبادل تجربه‌های ما و شما به تفاهم نامه خوبی رسید. همایش‌های خوبی در کشورهای الجزایر و اندونزی و تانزانیا اجرا کردیم که بسیار درخور توجه طرفین بوده است.

چند سال پیش از وزارت حج عربستان به ایران آمدند و کارگروه خوبی تشکیل شده بود که توانستیم همکاری‌های خوبی داشته باشیم. در حال حاضر هم می‌توانیم این همکاری‌ها را با کشور عمان داشته باشیم».

سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر با رییس بعثه عمان درباره همکاری‌ها، دقایقی به طول انجامید و در این میان، آقایان مهدی هادوی تهرانی و اختری و مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام وارد جلسه شدند.

اما رییس بعثه حج عمان، سخنان خود را با معرفی دوستانش شروع کرد. رییس هیئت و اعضای آن (به غیر از یک عضو نظامی آنها) همگی بدون جوراب بودند. امیرالحاج بعثه عمان می‌گوید:

«سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر اخلاق اسلامی تأکید دارد. هم اندیشی امت اسلامی، موضوع بسیار مهمی است؛ همان‌طور که کمک به مسلمانان هم جزئی از وظیفه ماست، هرچند به دعا کردن برای آنها باشد. از اینکه بعثه جمهوری اسلامی در امر خیر پیش‌قدم شده است، خوشحالییم و همدلی و هماهنگ شدن بین ما، بسیار با ارزش و با برکت است. ما باید از فرصت حج در زندگی خود استفاده کنیم و به فرزندانمان این آموزه‌های خوب و احساسی را بیاموزیم».

امیرالحاج ادامه بحث را پی گرفته و بر گسترش روابط و دیدار کارشناسان عمان از محل اسکان و درمانگاه‌ها و آشپزخانه‌های ما و پس از حج هم، بر دیدار از ایران و تبادل تجربه‌ها و گسترش گفت‌وگوها تأکید می‌کند.

گفت‌وگوهایی از جنس عاطفه

امشب با حاج آقا سید جعفر طباطبایی یکی از روحانیون بسیار آگاه و آشنا به امر حج و تاریخ اسلام و مناطق مقدسه و مناطق مکه و مدینه، گفت‌وگو می‌کنم و از او می‌خواهم برایم از این مناطق و حوادث تاریخ اسلام بگویند. با آقای طباطبایی موقع شام برای جلسه مشورت و گفت‌وگو قرار می‌گذارم. پیرمرد که گوشت نمی‌خورد و به نان و سبزی قناعت می‌کند، در ضمن صحبت به دو نکته جالب اشاره می‌کند: از تولد پیامبر ﷺ و زندگی چهار ساله‌اش در «جعرانه» و بازگشت او کمی برایم می‌گوید و سپس می‌گوید: «باید عمره باشد. بیایی برایت همه را بگویم».

به هنگام خروج از دارهادی، «عیسی گونش» را می‌بینم؛ طلبه‌ای ترک که در جنگ تحمیلی مجروح شده و جانباز ۳۰ درصد است و اینک «مؤسسه ندا اهل بیت (علیهم‌السلام)» فدراسیون شیعیان آلمان را همراهی می‌کند. از نشست ترک‌های شیعه مقیم اروپا در مدینه برایش می‌گویم که گزارش آن را نوشته‌ام. قرار می‌شود بحث مفصل‌تری درباره تشیع در اروپا داشته باشم. به او اطمینان می‌دهم مطالب او را به بهترین وجه مورد استفاده قرار دهم.

پیاده از دارهادی راه می‌افتم. دو شب است که به مسجدالحرام نرفته‌ام. خودم را سخت سرزنش می‌کنم. آخر هر شب که برای زیارت و طواف آمده‌ام، فردایش سخت در کار نوشتن اذیت شده‌ام. هرچه بادابادا! سر و جان به فدای خم ابروی دوست.

تونل پر سر و صدای طویلی را پشت سر می‌گذارم. تعداد بسیاری از زائران در حال بازگشت هستند. شهر مکه پر شده از ساختمان‌های بلند و پل‌های گوناگون و البته خیابان‌های بسیار کم ترافیک. پیاده روی در این ساعت، بسیار دل‌انگیز است، به شرط آنکه دلت آرام و خالی از آشوب باشد.

به محوطه روبه‌روی مسعا رسیده‌ام و برای گرفتن وضو در صف طولانی دستشویی قرار گرفته‌ام. «دورة المیة» پر از افرادی است که بیشترشان مُحرم هستند. جمعیت در

اینجا موج می‌زند و این حکایت از گستردگی جمعیتی دارد که در اطراف حرم هستند. دقایق نفس‌گیری را در صف ایستاده‌ایم. کمی که می‌گذرد جوانی بنگلادشی با مهربانی دستش را بر دوشم می‌گذارد و به من تکیه می‌دهد. احساس عمیقی از برادری به من منتقل می‌شود و با وجود اینکه، نوبت او بر من مقدم است، من زودتر می‌روم و کاغذها و نوشته‌هایم را به او می‌سپرم. کف محوطه به شدت خیس است. اما خطوط مورب و مربعی شکل که در کاشی کف تعبیه شده، آب‌های زاید را جمع می‌کند و بدین ترتیب، مانع از پریدن آب به پشت سر و شلوار می‌شود.

حاجیان بی‌جا و مکان

داخل محوطه دستشویی پر است از افرادی با قومیت‌های گوناگون بنگلادشی، پاکستانی، عرب، آفریقایی و... در حال راه رفتن از بین این جمعیت مشغول نوشتن بودم که ابراهیم، جوان سی و پنج ساله مصری که روی زمین دراز کشیده بود از من می‌پرسد چه می‌نویسی؟ به زحمت می‌گویم سفرنامه. می‌پرسم از کجایی؟ می‌گوید: «از مصر آمده‌ام». می‌گویم من درباره مصر کتاب نوشته‌ام؛ «اسلام‌گرایی در مصر»، داستان «خالد اسلامبولی» و «انور سادات».

می‌گوید: «در تهران خیابان بزرگی به اسم خالد اسلامبولی وجود دارد». می‌گویم خیلی بزرگ نیست. سادات به شاه جنایتکار ایران پناه داد؛ شاهی که در حق مردم ایران جنایت‌های بسیاری کرده بود و همچنین پیمان «کمپ دیوید» را با اسرائیل منعقد کرد. به همین دلیل، ایرانی‌ها از او ناراحت بودند و هستند. اما خالد اسلامبولی یک بطل و قهرمان است.

می‌گوید: «در جنوب مصر همه مخالف دولت هستند. اما در شمال این‌طور نیست. من اینجا مشغول کار هستم و مادرم را آورده‌ام تا به زیارت خانه خدا بیاید».

ابراهیم را به خاطر احترامی که به مادرش گذاشته می‌ستایم و از اینکه خود نتوانستم مادرم را به این زیارت بیاورم، احساس شرمندگی می‌کنم.

پنج‌شنبه بیستم آبان ۱۳۸۹؛ پنجم ذی‌حجه ۱۴۳۱

کنفرانس قدس

کنفرانس قدس آغاز شده بود. هنگامی که من رسیدم، یکی از شیوخ سنی عراق سخن می‌گفت. با پایان یافتن سخنرانی وی، یکی از شخصیت‌های فلسطینی درباره تلاش اسرائیل برای تغییر تاریخ و تغییر عمق استراتژیک فلسطین و تغییر جامعه فلسطینی شروع به سخنرانی کرد.

جمعیت قابل توجهی از کشورهای گوناگون آمده‌اند. شیخ عبدالکریم عبید را برای نخستین بار از نزدیک می‌دیدم. بسیار علاقمندم با او گفت‌وگو کنم و فاز بعدی خدمت به حزب‌الله و تشیع در لبنان را با او بردارم.

البته در ابتدا اقدام من با سمیر قنطار اقدامی درخور توجه بود، سمیر قنطار پدیده‌ای ویژه است که مانند بولدوزر می‌تواند راه‌ها را برای شنیدن صدای مقاومت فلسطینی و حزب‌الله لبنان بازکند و در پی آن زمینه برای تاریخ‌نگاری مقاومت شیعی در لبنان را فراهم سازد.

در این افکار بودم که متوجه شدم امیرالحاج برای سخنرانی به جایگاه می‌رود. بسیار متأسفم از اینکه فرصت سخنرانی نیافته‌ام، با وجودی که سخن‌های بسیاری در مورد ضرورت تاریخ‌نگاری برای جنبش حزب‌الله و فلسطین برای این جمع داشتم تا از این طریق موج جدیدی از جبهه فرهنگی برای مقاومت ایجاد شود.

امیرالحاج از توجه امام خمینی علیه السلام به فلسطین و پیشگامی نیروهای مسلمان در عرصه دفاع سخن می گوید. به گفته ایشان، ایده امام خمینی علیه السلام تنها ایده آرمانی نبوده، بلکه قابلیت تحقق داشته است.

اما طی سال‌های طولانی، گروه‌های ملی گرا و ناسیونالیست با اندیشه‌های ملی‌گرایانه، نتوانستند در مواجهه با اسرائیل و دفاع از حقوق خود به جایی برسند و پس از رفتن این راه اشتباه و ناتوانی در رسیدن به اهداف، بر سر خون شهیدان معامله کردند، بدون اینکه چیزی به دست بیاورند. اما با آغاز انتفاضه، حرکتی جدی آغاز شده که راه جدیدی را هم باز کرده است.

او از مردمی سخن می گوید که با وجود فشار شدید دشمن، به شدت ایستادگی می‌کنند و این بی‌شک، ناشی از توجه به دین و اسلام است.

ایشان می گوید: «ما باید توجه داشته باشیم که فرصت‌های شکل گرفته را از دست ندهیم. آنها به دنبال تصرف منطقه از نیل تا فرات هستند؛ یعنی می‌خواهند تمام خاورمیانه را تصاحب کنند، انقلاب اسلامی و مقاومت شیعی حزب‌الله اجازه چنین کاری را نداد. باید قبل از ضربه خوردن به دشمن ضربه بزیم و این در فرهنگ اسلامی ماست که نباید دشمن را ضعیف و کوچک بشماریم. «لا تستصغرنَّ عدواً وانَّ ضَعْف»^۱

هم‌بستگی امت اسلامی لازمه دستیابی به اهداف مسلمان است و ما می‌توانیم با همبستگی قدرت گسترده‌ای به وجود آوریم. همبستگی قدرت گسترده‌ای را برای ما فراهم می‌کند و این در قرآن فراوان آمده است.

ما نباید اجازه دهیم که مسئله اشغال فلسطین در هیاهوهای تبلیغاتی دشمن فراموش و این فجایع گسترده محو شود؛ همچنان‌که ماجرای جنایت صهیونیست‌ها در مواجهه با کشتی آزادی سبب رسوایی گسترده اسرائیل در دنیا شد».

مردی از پشت میله‌های زندان‌های اسرائیل

سخنران بعدی شیخ عبدالکریم عبید بود. شیخ عبدالکریم عبید را همه می‌شناسند؛ عملیات هلی‌برن اسرائیل برای دزدیدن و ربودن امام جمعه شهرک «جبشیت» در هفده سال پیش، غوغایی جهانی ایجاد کرد و شیخ مدت‌ها در صدر لیست اخبار خاورمیانه و جهان بود. هنگامی که شیخ شروع به سخنرانی کرد و از «سید حسن نصرالله» نام آورد، جمعیت داخلی و خارجی همگی بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام صلوات بلندی فرستادند.

شیخ می‌گوید: «ما مسلمانان در برابر فلسطین چه کردیم و یهودیان چه کردند؟ آیا مسلمانان برای فلسطین و مقاومت از مال و فرزندان‌شان گذشته‌اند؟ شما می‌دانید که هر کدام از ما چه میزان به اعراب و فلسطین کمک کردیم. ما سر سفره خود سیر غذا می‌خوریم، ولی در غزه کودکان از گرسنگی می‌مردند. این سؤال بسیار مهمی است. ما از اعراب چه می‌خواهیم؟! هیچ چیز ویژه‌ای نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم که به نفع اسرائیل سخن نگویند. مشکل در اسرائیل و آمریکا نیست، مشکل در تربیت و خانه‌های ماست. اگر هر عرب که اموال گسترده‌ای دارد، یک صندوق در خانه خود بگذارد و به فلسطین کمک کند، مسائل بسیاری از فلسطینی‌ها حل خواهد شد.

در وضعیت کنونی، ما به دو چیز نیاز ضروری داریم:

۱. اعراب از اسرائیل و حکام غربی دور شوند. امروز هیچ دفتری از غزه در کشورهای عربی وجود ندارد. اما اسرائیل در همه کشورهای عربی، دفتر نمایندگی و سفارتخانه دارد؛

۲. وجود همبستگی بین خود اعراب، در راه رسیدن به هدف آزادی فلسطین.

مهم‌ترین چیزی که باید آموزش دهیم این است که ما می‌توانیم اسرائیل را از صحنه حذف کنیم؛ همان‌طور که طاغوت ایران، شاه از بین رفته است.

جمعیت اسرائیل بیش از ده میلیون نفر نیست. اما مسلمانان یک میلیارد و ششصد میلیون نفر هستند. پس چرا در فلسطین نمی‌توانند در برابر اسرائیل مقاومت کنند و

اسرائیل را از بین ببرند؟ چون با همدیگر وحدت و هماهنگی ندارند.

در سال‌های گذشته، صهیونیست‌ها یک مسئله بیشتر نداشتند و آن سنگ مقاومت در لبنان بوده است و مسئله اصلی آنها این بوده که چرا شما خواهان مرگ هستید؟ آنها پس از مدتی فهمیدند که امام حسین علیه السلام چگونه در کربلا ایستاد. اگر این فرهنگ در جهان منتشر شود، به یقین، در این زمان اتفاق‌های بزرگی خواهد افتاد.

در شرایط فعلی، اسرائیل از سه چیز می‌ترسد:

۱. اگر الگویمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام باشد؛
۲. اگر وحدت وجود داشته باشد. ما در لبنان بر اسرائیل پیروز شدیم. من به شما می‌گویم اگر ایران، عراق، سوریه و لبنان متحد شوند، اسرائیل نابود خواهد شد. بر همین قاعده است گاهی با ایجاد اختلاف و درگیری در لبنان می‌خواهند به شکل‌های گوناگون مقاومت را تضعیف کنند.

۳. هرکس که علیه ولایت فقیه تلاش کند یا مردم را در عراق به قتل برساند، بی شک، او در خدمت اسرائیل است؛
۳. هرکس که آرزوی شهادت در راه خدا را داشته باشد؛ اسرائیلی‌ها از افراد شهادت طلب می‌ترسند.

مردم و نظامیان اسرائیل، دنیا را بسیار دوست دارند. صهیونیست‌ها دنیا را به شدت دوست دارند و نمی‌توانند به مرگ فکر کنند.

من باید بگویم جنگ آینده به زودی شروع خواهد شد و این جنگ برای بازپس‌گیری تمامی سرزمین‌های فلسطین خواهد بود، جنگ آینده تنها برای لبنان نخواهد بود، بلکه برای آزادی سراسر فلسطین خواهد بود.»

سخنران دیگر «شیخ نجفی» از کشور پاکستان بود که از بحث‌های کلی در مورد ضرورت آزاد سازی فلسطین سخن می‌گوید. ایشان گفت:

«فلسطین تنها مسئله فلسطینی‌ها و اعراب نیست، بلکه مسئله عالم اسلام است. به همین خاطر امام خمینی علیه‌السلام روز جمعه آخر ماه رمضان را مسئله همه جهان اسلام اعلام کرد و در تظاهرات «روز قدس» در پاکستان هفتاد نفر به شهادت رسیدند و سید حسن نصرالله در پیامی که در مورد مظلومیت قدس صادر شد، گفت: «ما افتخار یافتیم که وراثت در شهادت برای آزادی قدس پیدا کرده‌ایم».

این سؤال مطرح است که آیا فقط جمهوری اسلامی وظیفه دفاع از اسلام را دارد و سایر مسلمان‌ها وظیفه‌ای ندارند، جای بسی تأسف است که مسلمانان برای اختلاف با هم اتحاد دارند، اما در آنچه باید متحد باشند، متحد نشده‌اند».

خانم دکتر مسلمانی که استاد دانشگاه «وایکینگ‌هام» است و مدتی نیز در فلسطین حضور داشته، سخنران بعدی جلسه است.

خانم دکتر اظهار خوش وقتی می‌کند از اینکه فرصت یافته تا در این جلسه بسیار مهم سخن بگوید. او از شهادت زنان و فرزندان و مردان فلسطین در برابر اسرائیل می‌گوید و این مقاومت را برای جهان اسلام بسیار ارزشمند می‌داند.

ایشان می‌گوید: «من سال‌ها پیش برای خدمت در فلسطین رفته‌ام و در آنجا رنج مردمان و تحقیر و فشار وارده بر آنها را بسیار سخت دیده‌ام. من می‌دیدم که غیر مسلمانان از رنج بر مسلمانان بسیار نگران بودند. ما نباید اجازه دهیم که فلسطین و فلسطینی‌ها فراموش شوند».

جراحی ناقص ترکی‌ها

سخنران دیگر جلسه، پزشک جراحی از کشور ترکیه بود. ایشان می‌گوید:

«من از اینکه پیام مردم ترکیه را به شما می‌رسانم، بسیار خوشحال هستم و از طرف خود و هموطنان می‌گویم که به رسول و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود معتقدیم. اگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از ما بپرسد که برای فلسطین چه کرده‌اید؟ چه پاسخی به ایشان می‌دهیم؟ به‌عنوان یک

جراح، ما باید بیماری را تشخیص دهیم. وقتی قسمتی از بدن ضعیف می‌شود، با توجه به اینکه بیماری کوچک است، اما به دلیل پرداختن میکروب‌ها به یکدیگر آنها را توانا کرده است. با تأسف، این مسئله درباره فلسطین به‌طور جدی به آن پرداخته نشده است. من در برابر سخنان شیخ عبید می‌گویم در کشور ما ترکیه، هیچ مسئله‌ای به اندازه فلسطین اهمیت ندارد.

نه تن از شهدایی که ما برای انتقال غذا داده‌ایم و نطق آقای اردوغان در «داووس» پایتخت «سوئیس» را دیدید که چگونه رییس‌جمهور اسرائیل را رسوا کرد. ما باید از متخصصینی که در این حوزه تخصص دارند، کمک بگیریم. حدود ۱۱۰ سال است که آنها عمل کرده‌اند و ما دست روی دست گذاشتیم. اما راه‌حل‌های ما به این قرار است.

۱. اسرائیل باید به مرزهای قبل از ۱۹۴۸ برگردد؛

۲. به مسجد الاقصی تعدی نشود؛

۳. اسرائیل باید از ترکیه به خاطر حمله به کشتی آزادی عذرخواهی کند.

ما از سه هزار یتیم در غزه حمایت می‌کنیم. ما در فلسطین هزینه عروسی ۳۰۰ خانواده را تأمین کرده‌ایم.

پزشک ترک هم به نسخه خودش عمل نمی‌کند. او باید بداند که این میزان داروی او هم کفایت این مرض شدید و غده بزرگ سرطانی را نمی‌کند. پایان جلسه او را پیدا می‌کنم و با او روبه‌رو می‌شوم. پس از احوال‌پرسی و رو بوسی به ایشان گفتم از سخنان شما خیلی متشکرم. نمونه انسانی خوبی را مثال زدید. در واقع، کسی درد و بیماری تشکیل اسرائیل را درست تشخیص نداده و همواره سعی کرده‌اند به درمان پردازند. او خوشحال شد و تشکر کرد. اما من در ادامه به ایشان گفتم نسخه‌ای که شما تجویز کرده‌اید هم ناکافی است؛ چرا بازگشت به سرزمین‌های ۱۹۴۸؟ این به معنای ماندن اسرائیل است. درخواست‌های دیگر شما هم آن قدر کوچک است که اهمیتی ندارد.

اسرائیل عذرخواهی بکند یا نکند. اما پزشک ترک پاسخی نداد. دلم به حال فلسطین و فلسطینی‌ها سوخت از اینکه خوب‌های امت اسلامی چقدر کوتاه درباره آنها فکر می‌کنند. «محمد ماکاشینا» از کشور نیجریه سخنور دیگری است که بسیار کوتاه می‌گوید: «قبل از آمدن به مکه، دخترم از من پرسید چرا به قدس نمی‌روید» و چرا به یهودیان چیزی نمی‌گوئید؟ حال من آمده‌ام به این کنفرانس تا از این کنفرانس پاسخ بگیرم که چرا ما که سابقاً از حج به قدس می‌رفتیم، دیگر به قدس نمی‌رویم؟».

سؤال کاشینا و یا بهتر بگویم دختر کاشینا، سؤال عجیب و پر محتوایی است که تا مغز و استخوان آدم را می‌سوزاند.

دکتر «محمد نور» از کشور سودان

محمد نور سخنران دیگری است که از کشور سودان در این جلسه شرکت کرده است. او با عرض سلام و تبریک به حاضران می‌گوید:

«در هیچ مسئله‌ای مانند قضیه فلسطین، مسلمانان با هم متحد نیستند که قدس از آن ماست و باید به آن برگردیم که اول مسئله عزت مسلمانان است که کمتر به آن توجه دارند. اما با تأسف طیف دیگری از مسلمانان در پی گفت‌وگو با صهیونیست‌ها هستند که البته بیشتر قدرتمندان و سیاستمداران به دنبال گفت‌وگو با اسرائیل‌اند.

جالب اینکه، این طیف هیچ نتیجه‌ای جز سرکشی بیشتر اسرائیل به دست نیاوردند. کمپ دیوید اول تا آن‌همه کنفرانس‌ها، همه سبب تضعیف فلسطین و تقویت آمریکا و اسرائیل شده است. دستاورد مسلمانان از این گفت‌وگوها، ترور عرفات، شهرک‌سازی و کشتار بیشتر مسلمانان بوده است.

اما واقعیت این است که آخرین راه، راه مقاومت است و راه مقاومت تنها روش رسیدن به پیروزی است. ما اعتماد به نفس را به دست آوردیم که ما در زمان پیروزی‌ها زنده هستیم. در کنار این راه بزرگ، ما باید در پی:

۱. تلاش برای پرورش نسل مقاومت باشیم. جوانان خود را براساس الگوی مقاومت تربیت کنیم؛

۲. ما در سودان به شدت پی گیر وحدت در بین خود، اعم از شیعه و سنی هستیم و ما بشارت می دهیم که در سودان سازمان های بسیاری تأسیس شده است که خط مقاومت را پی می گیرند».

محمد نور را در آخر جلسه از نزدیک دیدم. او سیاه پوستی نورانی است که چشمانش برق دیگری دارد. هیبتش به بچه حزب الهی های بسیار مقدس و با سواد خودمان می ماند. با او دست می دهم و به او می گویم برای پرورش آن نسل، کار مؤثری انجام داده ام و آن، خاطره های سمیر قنطار است که در گسترش این مبارزه ها بسیار مؤثر است. ان شاء الله آن را برای کشور خود استفاده کنید. محمد نور تشکر می کند.

دیدار شیخ عبدالکریم عبید

شیخ عبدالکریم عبید به دیدار بعثه ایران آمده و با رییس بعثه در جلسه است. فرصت خوبی دست داده است. باید بتوانم شیخ را تحت تأثیر قرار دهم و مسئله اخذ خاطراتش در زندان های اسرائیل را با او از این موضع که به موضع قدرت نزدیک تر است، در میان بگذارم.

یکی از جلسه هایی که در حاشیه مراسم همایش قدس برگزار شد، همین جلسه بود. در جلسه ای که با شیخ عبدالکریم عبید به طور جداگانه برگزار شد بسیاری از مدیران و علمای حاضر در بعثه شرکت کردند. کمی دیر به جلسه رسیدم. اما خیلی سریع شروع به نوشتن کردم. این بار روبه روی ما، میز و روی آن میوه گذاشته بودند. امشب دیگر شهروند درجه دو نبودیم. سپس «کربلایی» خبرنگار خبرگزاری فارس نیز آمد. به او گفتم بیا امشب دیگر شهروند درجه دو نیستیم. خندید.

حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در حال سخنرانی است. ایشان می گوید:

«یکی از چیزهای بسیار مهمی که در لبنان اهمیت دارد، مسئله هم‌بستگی و هماهنگی با مردم لبنان و شفافیت در بیان مواضع است. سید حسن نصرالله با شجاعت مواضع خودش را اعلام و بدون تعارف همه ایده‌های خود را بیان می‌کند. اینکه رهبری شما را به‌عنوان الگو معرفی می‌کند، نکته بسیار مهمی است. با احیای فرهنگ جهاد و شهادت بود که وعده‌های الهی تحقق پیدا کرد.»

از اینکه «بعثه حزب‌الله» امسال دایر نشده است، بسیار متأسفیم. هرچند علتش را نمی‌دانم که چه شده است که حزب‌الله امسال بعثه ندارد. پرونده قتل «حریری» و بازی دادگاه بین‌المللی و تلاش عربستان برای نابودی حزب‌الله چیز کم‌اهمیتی نیست. حزب‌الله هم الگوی بسیار کم‌نقص شیعی است و عربستان بله!».

شیخ عبید می‌گوید: «ما از تلاش‌های شما در جمهوری اسلامی بسیار سپاس‌گزاریم. ما هرچه داریم، از عاشورای امام حسین علیه السلام داریم، از شهادت‌پذیری در کربلا داریم. پس از پیروزی در جنگ سی و سه روزه همه قبول داشتند که سید حسن به سید عرب و سید مقاومت مشهور شد. با تأسف یکی از دولت‌هایی که در سال‌های اخیر مزاحمت‌های بسیاری برای مقاومت ایجاد کرد، دولت مصر است که ادعاهای نادرستی را علیه مقاومت مطرح کرد.»

ما از دیدار شما خیلی خوشحالیم و امیدواریم سلام ما را به رهبر معظم انقلاب برسانید». بحث چگونگی اقامه نماز جماعت در بعثه یا در مسجدالحرام، بحث جدی دیگری بود که بین آقایان شیخ عبدالکریم عبید و قاضی عسکر صورت گرفت.

آقای هادوی از قول فردی وهابی نقل می‌کند که: «این حزب‌الله که نه خدا را می‌شناسد و نه نماز را، چطور تاکنون چنین مقاومت کرده است». همه اعضای جلسه از بلاهت فرد وهابی و همچنین از شدت دروغ‌گویی دستگاه‌های تبلیغاتی وهابیت خندیدند.

در این هنگام، از شیخ عبدالکریم درباره خاطره‌هایش پرسیدند. حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر هم به من اشاره کرد که ایشان خاطره‌های سمیر قنطار را گرفته است. اما شیخ گفت: «من چیزهایی نوشته‌ام. ولی هنوز منتشر نکرده‌ام؛ چون گذاشتم برای پس از مرگم». من نیز از این سر جلسه به زبان آمدم و گفتم اگر شما همراهی کنید، ما حاضریم خاطره‌های شما را هم گرفته و چاپ کنیم. من با سمیر ۵۰ جلسه مصاحبه کردم که اتفاق بزرگی است. حیف است خاطره‌های شما گفته نشود.

از اینکه شیخ می‌خواهد بسیاری از ناگفته‌ها به پس از مرگ او منتقل شود، ناراحت می‌شوم. چندان چانه‌زنی نمی‌کنم. اما اشاره حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی و تأیید دیگر دوستان بیشتر به کار آمد. شیخ از سر تأمل به من نگاهی کرد. حس کردم کمی برای اصرار من آماده شده است.

میز شام را چیده بودند. شیخ امشب برای شام میهمان بعثه است. از اینکه هنوز فرصت تمام نشده، بسیار خوشحالم. میز بزرگ شام را دور می‌زنم. تقریباً در صدر جلسه، کنار دکتر مظلومی و نزدیک به شیخ و قاضی عسکر می‌نشینم. آن سمت هم آیت‌الله هادوی که انسان موفقی است. در تحصیل و تدریس و اعتبار اجتماعی و زبان‌دانی و اعتبار بین‌المللی، از معدود کسانی است که وقتی به او فکر می‌کنم، غبطه می‌خورم و از دست خودم به خاطر از دست رفتن عمر و به‌جایی نرسیدن در علم، شاکی می‌شوم.

شیخ عبید تک مضراب‌هایی هم به فارسی می‌گوید و حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر با او فارسی صحبت می‌کند. من که هنوز از طمع خاطره‌های او دست برنداشته‌ام، با اجازه چشمی، دوباره به خاطره‌ها اشاره می‌کنم و می‌گویم قبل از عید یک ماه در لبنان با سمیر جلسه‌های متعددی داشتم. او صحبت‌های بسیاری برای همه ما داشت که کتاب بزرگی خواهد شد.

دوباره حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به کمک من آمد و کمی مرا به

شیخ عبدالکریم معرفی کرد. به شیخ می‌گویم حیف است که ما ندانیم بر شما چه گذشت. ما لازم است درون اسرائیل را به دنیا نشان دهیم و این اتفاق تاکنون نیفتاده است و اگر شما راضی شوید، من یک ماه دیگر به لبنان می‌آیم و یک هفته‌ای با شما کار مصاحبه را تمام می‌کنم.

شیخ می‌پذیرد و می‌گوید: «ان‌شاءالله بیایید انجام می‌دهیم». به خاطر این موفقیت شام را با لذت می‌خورم، کمی هم پرخوری می‌کنم. گام مهمی برداشتم. این دوستان لبنانی ما خیلی خبر ندارند چه اتفاقی خواهد افتاد و البته مدتی بعد، این موافقت، خدا را شکر، به شکل دیگری عملی شد.

سر شام بحث نوعی خورشت آلو سبزی کدو، پیش آمد. شیخ عیید گفت: «این کدو همان کدویی است که در قرآن به‌عنوان غذای حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام به معجزه سبز شده است. بحث ادامه پیدا کرد که آیا آن کدو، کدوی تنبل بوده یا کدو حلوایی که رونده بود که حضرت یونس را پوشاند یا بوته بود. شام به آخر رسید. در پایان جلسه عکاس بعثه، عکس‌های یادگاری می‌گیرد و من این‌بار خود را کنار نمی‌کشم و در یک زاویه از عکس می‌ایستم، حتی با شیخ هم عکس گرفتم.

دیدار با امیرالحاج بیمار

به دیدار «حجت الاسلام مولا» می‌آییم. امیرالحاج عراق بیمار است و با این حال، به استقبال امیرالحاج ایران می‌آید. او به فارسی سخن می‌گوید و به همین دلیل، آغاز گفت‌وگوها چندان رسمی نیست و بیشتر به احوال‌پرسی‌های دوستانه می‌گذرد.

آیت‌الله حسینی بوشهری، آمدن سادات (حجت‌الاسلام قاضی عسکر و خودش) را سبب شفای آقای مولا می‌داند و آقای مولا هم با همان حال نزار، به گرمی از این سخن آقای بوشهری استقبال می‌کند. گز بسیار پر ملاطی را می‌آورند و من چون نمی‌شناسم، احتیاط می‌کنم و نمی‌خورم. اصحاب جلسه نیز به کار خود ادامه می‌دهند.

آقای بوشهری تشکیل دولت عراق را تبریک می‌گوید. شیخ نعمانی که بسیار خوش‌زبان است، تشکیل و تولد دولت عراق را پس از مدت‌ها کشمکش، به زایمان از طریق سزارین تشبیه می‌کند.

دکتر «شیخ الاسلام» آرام به من می‌گوید: «آقایان خیلی خوشحال نیستند و نگرانند؛ چراکه کاندیدای اینها «عادل عبدالمهدی» بوده، ولی اتفاقاً مالکی نیرومندتر و ریشه‌دار تر از عادل عبدالمهدی است و این به نفع شیعه و جمهوری اسلامی و ماست. ضمن اینکه، عادل عبدالمهدی سابقه چپگرایی هم داشته، ولی مالکی یک شیعه برجسته و استخوان‌دار است».

اما آقای شیخ محمدتقی مولا، در سخنانی رسمی به زبان عربی اظهار خوشحالی می‌کند و از فرایند تشکیل دولت عراق سخن می‌گوید و اظهار امیدواری می‌کند که حکومت مشترک قوی و نیرومند و در شأن مردم عراق بوده باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر برای شیخ مولا که از شاگردان برجسته «شهید آیت‌الله صدر» است آرزوی بهبودی می‌کند. ایشان که از تشکیل دولت عراق خشنود است، برای همواری راه اقتدار و عظمت عراق و مردم آن دعا می‌کند.

با سرعت در حال نوشتن هستم که ناگهان عکاس بعثه عراق روی من زوم می‌کند، فلاش، برق می‌زند و من باز سرم را به نوشتن گرم می‌کنم.

دو جوان عرب، چایی پرشکری می‌آورند. نماینده ولی‌فقیه از حضور عراقی‌های دانشمند در بعثه ایران و گفت‌وگوهای گوناگون از آقای مولا سپاس‌گزار است و سخن کوتاه می‌کند تا شیخ بیش‌ازاین اذیت نشود؛ چراکه روی صندلی کوچکی که بیشتر به صندلی بازجویی شباهت دارد، نشسته است. ایشان تب شدید دارد و علاوه بر این، معلوم می‌شود که آقا، دیسک شدید کمر هم دارد.

شیخ مولا از اینکه نتوانست در سخنرانی تعیین شده و در سمینار اهل‌بیت علیهم‌السلام

شرکت کند، بسیار ناراحت است.

شیخ نعمانی به روشنی در مورد فعالیت‌های بعثه عراق و شرکت در همایش‌های بعثه سخن می‌گوید.

در ادامه جلسه بحث کمردرد و بیماری‌های آقای مولا، به بحث‌های خانوادگی کشیده شد. پیرمرد بیچاره با کمال خجالت و سرخ‌شدن صورت، دست‌هایش را بالا برد و گفت: «من چند سال است تنها می‌آیم، بدون همسر».

با آقای مولا خداحافظی کردیم. به همراه چند تن از مدیران بعثه ایران داخل آسانسور رفتیم، اما آسانسور دچار مشکل بود با وجود پایین آمدن، دوباره ما را ده طبقه بالا برگرداند.

در محضر آیت‌الله جوادی آملی

استاد امروز در دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌فرمایند: «وظیفه بعثه مقام معظم رهبری، اجرای برنامه حج نیست، بلکه اقامه حج است.»
 بر همین اساس، آیت‌الله جوادی آملی امسال برای کنگره حج، پیامی ارسال کرد که با عنوان «جمال حج و جلال عمره» منتشر شد و در اختیار حجاج قرار گرفت و از سوی بعثه ایشان هم به مراجعه کنندگان و اعضای گوناگون بعثه اهدا شد. در این پیام ایشان گفته بود:

«کعبه که از آن نظر دو پیامبر پروردگار، معماری آن را طبق رهنمود خدا بر عهده داشتند و اولین معبد توحیدی در روی زمین است، می‌تواند محور ایستادگی جامعه توحیدی در قبال الحاد و نیز در برابر شرک بوده و مدار مقاومت و مصاف با هرگونه طغیان و ستم باشد. گرچه خداوند قیام متفکرانه موضعی و ایستادگی اندیشمندانه مقطعی را برای گردهمایی محلی و منطقه‌ای دستور داد. اکنون که فروغ اسلام جامعه انسانی را به جهان‌بینی حکیمانه توحیدی و جهان‌بانی معمارانه دینی و جمال‌آرایی خردمندانه مذهبی

فرا می خواند، با وحدت اسلامی دسیسه مشئوم هر ابرهه‌ای که خیال خام اهانت به قرآن و هتک حریم حضرت ختمی نبوت ﷺ را دارد، ختئا نمائیم. در مراسم جهانی حج است که با هماهنگی همه موحدان، هرگونه کژاندیشی و کجروی برطرف می‌شود.

از فتاوی خودخواهانه تا برنامه‌ریزی‌های نادرست

شیخ «صالح فوزان» که عضو هیئت صدور فتوای عربستان و از چهره‌های شناخته شده وهابیت است، به تازگی، فتوایی در نهایت خودخواهی و تفرعن صادر کرده که انجام اعمال مناسک حج، جز براساس فتواهای وهابیت حرام و باطل است. او می‌گوید:

«ما از همه مسلمانان می‌خواهیم اعمال مناسک حج خود را کنار گذاشته و با در نظر گرفتن ادله شرعی که در اختیار داریم، بر طبق احکام و روایت ما، مناسک حج را به جای آورند. ما نمی‌توانیم به زور عقایدمان را تحمیل کنیم. اما در عین حال هم نمی‌توانیم تحمل کنیم که دیگر مذاهب با بدعت و شرک، مناسک خود را به جا بیاورند. ما باید به آنها اشتباهاتشان را بفهمانیم.»

شیخ فوزان که خیال می‌کند آنچه او خوانده یا باور کرده، حق مطلق است، دیگران و اعمال آنها را با مارک شرک و کفر و بدعت محکوم می‌کند. عجب ذهنیت نادرستی را «ابن تیمیه» و «محمدبن عبدالوهاب» در مغز این توهم‌گرایان کم‌منطق کاشته‌اند!

همایش روحانیون در مکه

همایش روحانیون در نمازخانه دارهادی برگزار می‌شود. ساختمان مسجد هم مانند خود ساختمان در داخل دارای انحناست؛ به گونه‌ای که قوس شبه هلالی مسجد سبب می‌شود آخر مسجد خوب دیده نشود. اما بی‌شک، معماری درون طراحی و فرم داخلی و کاشی‌های به کار رفته در بنا از هارمونی درخوری برخوردار است؛ از جمله آیه‌هایی که بر کاشی‌های دیوار نوشته شده، سوره «کوثر» است. بر سقف نیز طراحی‌هایی

دایره‌ای شکل منقوش به آیه‌ها و نیز لوسترهای منقوش به آیه‌ها محیط را به‌طور کامل معنوی کرده است و این‌ها غیر از همایش روحانیون که به تعبیر آقای دکتر مظلومی پارلمان فرهنگی روحانیت در حج است، با اجتماع جمع قابل توجهی از روحانیون، روحانیون کاروان‌ها، معین‌ها و معینه‌ها تشکیل می‌شود.

دکتر مظلومی به چند نکته اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: شیوه ارزیابی روحانیون کاروان‌ها، بحث ارزیابی فعالیت‌های روحانیون در ایام تشریق، انجام اعمال و آموزش و اینکه انجام اعمال زائران را مجموعه امور روحانیون ارزیابی می‌کند.

تاکنون این ارزیابی تا پیش از ایام تشریق انجام نگرفته است و البته رابطین کسانی را که سریع به کشور برمی‌گردند، به‌طور طبیعی با سرعت بیشتری برمی‌رسند.

دکتر مظلومی بحث مبسوطی را در مورد ضرورت کمک به مسلمانان پاکستان ایراد می‌کند. در این جلسه، چندین بار جابه‌جا شدم تا در نهایت، در گوشه‌ای پشت جایگاه نشستم. اما حاج آقای عسکری با اصرار مرا از جایم بلند می‌کند و سپس میز تحریر شیشه‌ای بزرگی را برایم فراهم و مرا پشت تابلو پنهان می‌کند تا راحت بتوانم گزارش همایش را بنویسم.

در بین چهره‌های گوناگون روحانیون کم‌وبیش مردانی دیده می‌شوند که برخلاف خودم، چندان گذر عمر روی چهره‌های آنها تأثیری نداشته است. مجری جلسه با نام امام زمان عجل‌الله فرجه جمع را برمی‌خیزاند و حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر بدون آنکه کلاس بگذارد و سعی کند تا همه بنشینند و سپس به احترام او برخیزند، در کمال سادگی همراه با برخاستن روحانیون، پشت میز سخنرانی می‌رود.

شاید بگویید که رییس را خیلی ساده و روان می‌بینم و البته چنین هم هست؛ ساده و متواضع بودن در بین مدیران ارشد، غنیمتی است که این روزها کمتر به دست می‌آید و خوشبختانه، امیرالحاج فعلی ایران چنین است خدا را شکر. خیلی با خودش تعارف و

با دیگران سیاست‌ورزی ندارد.

او از ویژگی‌های مدیریتی پیامبر و رحمت آن حضرت ﷺ سخن می‌گوید. اخلاق نیکو و نرم‌خویی، ویژگی بسیار زیبایی است که خداوند آن را در قرآن برجسته‌تر می‌کند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أمرت بمداواة الناس»^۱. دیگر آنکه در برابر انسان خشن و بی‌رحم هم نباید ناامید بود: «أَذْهَبَا إِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»^۲. او با طرح ویژگی‌های پیامبر ﷺ می‌گوید پوشش ظاهری آن حضرت منظم بوده و بسیار زیبا ظاهر می‌شده‌اند. چیزی که سبب شرمندگی صاحب این قلم می‌شود که هیچ استعدادی در خوش‌تیپی و ظرافت‌های ظاهرسازی ندارم.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر این‌بار در مورد چگونگی کاربرد واژه‌ها در سخنان خود تأکید می‌کند؛ چه اینکه یک روحانی در جلسه‌ای گفته بود که امام حسین علیه السلام به علت ترس، از مکه خارج شده است. این جمله آقا ساعت‌ها وقت بسیاری را گرفت و در کاروان بحرانی را ایجاد کرد تا مسئله برایش توجیه شود که محصول نداشتن ظرافت در کاربرد واژه‌ها بوده است.

امیر الحاج، به بحث فرهنگ‌سازی درباره رفتار اجتماعی و دینی، می‌پردازد و به ضرورت آماده‌سازی موضوع حمل‌ونقل ترددی که مسئله حساس و مهمی است، توجه ویژه‌ای دارد و تأکید می‌کند که زائران باید برای جمع‌آوری سنگ‌ها برای رمی جمرات از همین امروز اقدام کنند، نه اینکه مانند یکی از آقایان روحانی برخلاف قوانین، حجاج را به مشعر برده تا سنگ جمع‌آوری کنند.

۱. تحف العقول، ص ۴۸.

۲. طه: ۴۳ و ۴۴؛ «به سوی فرعون بروید که او طغیان کرده است، و به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود، یا

(از مجازات الهی) بترسد».

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در مورد برگزاری مراسم برائت، از همدلی و همراهی بیشتر و ضرورت صدور بیانیه سخن می‌گوید و اینکه، در عرفات چرا بیشترین زمان را به مداحان می‌دهیم به جای اینکه از این ادعیه پاک و معنوی استفاده کنیم. چرا به جای گوش کردن به مداحی‌های جورواجور، به خواندن دعای توسل، دعای ابوحمزه ثمالی یا دعای کمیل و مناجات خمس عشر نمی‌پردازیم.

در پایان، به برخی از برگزیدگان آزمون‌های آموزشی تکمیلی جوایزی اهدا کردند. نفر اول، «سعید عطاریان» شیخی دشداشه پوش که بر بالای جایگاه رفت و نفر دوم، «محمد مهدی فیاض».

در این هنگام، آقای احمدی که برنامه‌های تحت مدیریت او به نتیجه رسیده است را می‌بینیم که شادمان گوشه‌ای از سالن ایستاده است.

همچنین سه خانم به نام‌های: «مرضیه مؤمنی»، «زهره غلامی» و «مرضیه هاشمی جوبباری» به‌عنوان معینه‌های برتر جایزه گرفتند.

ادامه جلسه به آقای لیالی رییس سازمان حج سپرده شد تا از حمل و نقل ترددی و امور اجرایی حج برای روحانیون بگوید. اما من باید با سرعت خود را به همایش قدس برسانم تا شاید شیخ عبدالکریم عبید را پیدا کنم.

دیدار با کاروان‌های ایرانیان خارج از کشور

ساعت ۳ بعدازظهر است. جمعیت بسیاری در حدود هفتصد نفر از کاروان‌های گوناگون و هیئت‌های متفاوت در سالن اجتماعات بعثه در داره‌ادی گرد هم آمده‌اند. این جمعیت بسیار جوان‌تر از کاروان‌های دیگر است؛ تاجایی که حتی صدای اطفال هم شنیده می‌شود و چند کودک نیز در جمع مشاهده می‌شوند.

امیرالحاج که از صبح چند سخنرانی گسترده داشته، در این جلسه بیشتر به نصیحت

می‌پردازد و بر مقوله دعا و نیایش بیش از هر چیز دیگر تأکید می‌کند؛ چه اینکه امام خمینی علیه السلام حج را کانون معارف الهی می‌داند و در این کانون معارف الهی باید بکوشیم تا هرچه بیشتر با یاد خدا زندگی کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر از اختصاص ظرفیت و سهمیه برای عمره‌گزاری جوان‌ها خبر می‌دهد؛ سیاستی که در راستای تشویق حضور جوانان در مراسم عمره است. او از تاریخ انبیا و تاریخ اسلام می‌گوید.

با پایان یافتن سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، جمعیت حال و هوایی مهدوی به خود گرفت و این حال و هوا با اشعار مرحوم «محمد رضا آغاسی» به اوج خود رسید.

به مکه آمدم ای عشق تا تو را ببینم	تویی که نقطه عطفی به اوج آئینم
کدام گوشه شعر کدام کنج منا	به شوق وصل تو در انتظار بنشینم
روا مباد که بر بنده‌ات نظر نکنی	روا مباد که ارباب جز تو بگزینم
چو رو کنیم به رخت درد و رنج شناسیم	ز لطف روی تو دست از ترنج شناسیم

این بخشی از اشعاری بود که اصحاب گروه «سبطين» خواندند. هنگامی که گروه سبطين از محل جایگاه برمی‌گشتند، به آنها خسته نباشید گفتم. خدا را شکر دست از متون یونانی قدیمی (منظور اشعار عربی نامفهوم) برداشتند و چیزهایی خواندند که من و همه حاضران فهمیدیم چه می‌گویند.

دکتر مظلومی، از دسترسی به شبکه و سایت‌های گوناگون سازمان حج و بعثه و ایجاد پیوستگی میان حاجیان خارج از کشور و بخش‌های گوناگون بعثه و البته معاونت فرهنگی بعثه سخن می‌گوید.

پس از آن، صدای مرحوم محمد نوری درباره ایران و وطن، اشک خیلی‌ها از جمله خودم را در آورد. مدتی است که سخت ایران برای من دوست داشتنی‌تر از گذشته شده

است و عجیب به آن عشق می‌ورزم؛ چراکه ایران، اصلی‌ترین کانون عشق به ولایت و امامت است و سرزمین آن، سرزمین دفاع از اسلام و تشیع و حقانیت توحید است.

«رسولی محلاتی» پسر «حجت الاسلام و المسلمین محلاتی» که سفیر ایران در عربستان است، در وقت بسیار کوتاه جلسه، یک مقدمه بسیار طولانی و پرتعارف آغاز کرد و بیشتر به سوابق شخصی خود در جذب ایرانیان خارج از کشور پرداخت. وقت بسیار ضیق و محدود است و وقتی در جمعیت هزار نفره ضرب می‌شود چه پاسخی می‌توان در برابر این اتلاف زمان و مکان داد. اما بهترین جمله‌ای که به ذهنم آمد این بود که: «بسیاری از مسئولان کشورها ایرانیان را بهترین اقلیت معرفی کرده‌اند که منشأ توسعه و پیشرفت در کشورهای مقیم بوده‌اند».

رسولی محلاتی بیشتر در مورد روابط ایرانیان مقیم خارج کشور سخن می‌گوید که نتیجه توجه جمهوری اسلامی ارتقای اداره امور ایرانیان خارج از کشور از زیرمجموعه «اداره امور ایرانیان» به «شورای عالی ایرانیان» به ریاست رییس‌جمهور شده است.

مسائل موجود در اروپا، با موضوع‌های کشورهای خلیج فارس تفاوتی اساسی دارد؛ مانند بحث تابعیت مضاعف که در خلیج فارس هیچ توجهی به آن نمی‌شود.

رسولی محلاتی بیشتر به مسائل صنفی وزارت خارجه پرداخت که چندان با فضای جلسه هم‌خوانی نداشت. اما درنهایت، با اخطار آئین‌نامه‌ای رییس جلسه که خود از آن به‌عنوان اخطار انضباطی یاد می‌کند، سخنانش را به پایان برد.

در ادامه، آقای راشد یزدی با خواندن شعرهای زیبایی شروع به سخنرانی می‌کند و جلسه‌اش را نیز با ظرافت: «خیرالدعا ما یجری علی لسانک»، می‌نامند.

راشد یزدی به جای استفاده از واژه فرار مغزها، از صدور مغز سخن می‌گوید که به ظاهر این مسئله برای ایشان چنین توجیه شده است. ایشان می‌گوید: «ما ایرانی‌ها اگر ظرف باشد، مظروف قابل رشدی هستیم. مثلاً یک نانوا را در کویت دیدم که در چله

تابستان همزمان دو تا تنور را اداره می‌کند.

ایرانی‌ها در خارج بروز می‌کنند؛ در نئوکلینیک آلمان که در همه عالم معروف است که درصد بالایی از متخصصان آن، ایرانی هستند.

در یک سفر خارجی، پزشکی ایرانی را دیدم که قرار بود پدر زنش او را برگرداند، گفتم حضرت عباس تو را بزند اگر بروی ایران و برگردی. پزشک جوان با تعجب به من گفت: «آقا شما چرا؟»

گر تو نبودی دم و دودی نبود محفل ما گفت و شنودی نبود

اما عزیزان من، یادتان باشد هر نقطه‌ای که هستید، دو تا اصل را فراموش نکنید:

۱. اسلامیت؛

۲. ایرانیت.

برای حفظ و کسب پرستیژ ایرانی و کسب دانش بیشتر، به پیش، بر شما درود بر شما سلام».

جلسه مدیران ستاد مکه و مدیران ستادی با امیرالحاج

نقل و انتقال آخرین گروه از حاجیان به مکه، خاتمه پیدا کرده و اینک، مسئولان و مدیران ستاد مکه با امیرالحاج جلسه‌ای برگزار کرده‌اند تا گزارش آخرین پروازها و روند امور را به اطلاع وی برسانند. از این رو، هرکدام طی گزارشی می‌گویند با ۲۸۵ پرواز با جابه‌جایی ۱۰۳ هزار حاجی ایرانی به عربستان آورده شده‌اند. امسال، هیچ زائر حامل مواد مخدری وارد عربستان نشده و از این زائران مسن، هیچ زائری، در عربستان دستگیر نشده است. البته پلیس فرودگاه‌های ایران، ۱۱۵ نفر را در ایران دستگیر کرده که به خاطر مواد مخدر برگشت داده شده‌اند.

امسال در فرودگاه مدینه دفتری تأسیس شد که وجود این دفتر خودبه‌خود بر اقتدار حج ایران در این فرودگاه کمک کرد. البته در جریان نقل و انتقال‌ها، بخشی از زائران

مدینه در جده پیاده شدند که البته به سرعت و با تنظیم برنامه، از مدینه به مکه انتقال یافتند و هیچ اتفاق ناگواری نیفتاد و جابه‌جایی با سرعت انجام شد.

در حوزه مسکن، خوشبختانه مشکل مسکن کم بوده و زائران از نبود آب یا خدمات جاری شکایتی نداشتند. ولی مشکل آسانسورها و دوری آنها همیشه بوده و هست. از این رو، می‌توان گفت که در حوزه مدیریتی بحثی نیست و بحث‌ها مربوط به حوزه ساختاری است.

در آشپزخانه مکه، برای ۱۰۶ هزار نفر در یک وعده نهار تأمین می‌شود و همه پخت‌وپزها در دو آشپزخانه مکه صورت می‌گیرند.

۷۵ درصد زائران ۲۹ تا ۳۲ روز و ۱۰ درصد ۲۸ روز و ۱۵ درصد از کاروان‌ها هم ۳۵ روز اسکان دارند و پس از ایام تشریق، از مکه مراسم بازگشت زائران شروع خواهد شد.

برای حمل‌ونقل شهری مکه، ۴۸۰ دستگاه اتوبوس در شهر مکه، به‌وسیله اداره حمل‌ونقل به خدمت گرفته شده است. که در برخی ۵ نفر مسافر و بعضی تا ۶۰ نفر مسافر هم بوده‌اند. غلامرضا رضایی با ابراز رضایت از عملیات حمل‌ونقل گفت: «برای جانبازان و پیرمردها، بیست اتوبوس، اختصاص داده شده است».

مدیر حراست، کل دستگیری زائران را ده نفر اعلام کرد و گفت: «فوتی‌ها در مکه ۱۲ نفر و ۴ نفر در مدینه بوده‌اند و امسال نسبت به سال‌های گذشته بسیار محدود و کمتر بوده است».

مسئله ثبت حوادث و اتفاق‌ها به صورت آنلاین بوده است. در سال جاری در تمام مناطق، ثبت نام آنلاین انجام می‌شود و در مورد بیمه برای حاجیان برنامه‌ریزی شده و هر زائری می‌داند چه قدر باید بیمه دریافت کند.

دیدار با بعثه بحرین «شیخ عدنان القطان»

پنج‌شنبه بعد از نماز مغرب و عشا، به دیدار بعثه بحرین رفتیم. بعثه بحرین در یکی از کوچه‌های فرعی منطقه «عزیزیه» قرار دارد. در سالن ساختمان از پله‌ها بالا رفتیم و وارد اتاق تشریفات شدیم. از سادگی تشریفات اعراب خلیج فارس تعجب می‌کنم. من که همیشه به بحرین علاقه‌ای ویژه دارم، با شیخ عدنان القطان دست می‌دهم. ابتدا امیرالحاج ایران می‌گوید: «در سال گذشته، شما به دیدار بعثه ما آمدید و امسال ما آمده‌ایم برای بازدید.» و در پی آن، پس از احوال‌پرسی می‌گوید: «با وجودی که روابط ما بسیار خوب است، ما علاقمند به گسترش روابط در امور مربوط به حج هستیم و ما تجربه‌های خوبی داریم». ایشان همچون سایر دیدارها، به ویژگی‌های حج جمهوری اسلامی ایران پرداخت و نکته‌هایی را متذکر شد.

امیرالحاج با معرفی همراهان، تک‌تک آقایان را معرفی می‌کند و با تعارفات گفت‌وگو را خاتمه می‌دهد.

امیرالحاج بحرین که نسبتاً جوان است، زیارت حج را به حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر و جمع همراه تبریک می‌گوید. او بر مناسبات سیاسی و تاریخی تأکید می‌کند و می‌گوید: «ما در بحرین برای شما احترام قائل هستیم و به تعاون و همکاری با شما معتقدیم و از منافع حج، دیدن شما است. دین و اعتقاد و قبله ما واحد است. بعثه بحرین ۲۵۰ نفر از کارکنان را به همراه دارد. ۱۲ هزار حاجی داریم و هزینه آنها هم چهار هزار دلار و مجموع سفر آنها حدود ۲۰ روز است. همراه کاروان‌ها، روحانیون دینی هستند که به حجاج آموزش می‌دهند.»

در این بین، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به نشریه روزانه زائر هم اشاره می‌کند. گفت‌وگوها خیلی صمیمانه است. از آقای «رامین»، معاون سابق مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌پرسم آیا می‌شود درباره کتب قدیمی موجود در

کتابخانه‌های بحرین فکری کرد و از میراث مشترک معنوی دو کشور سخن به میان آورد؟ شاید راهی برای یافتن آثار قابل توجه شیعه در بحرین یافت شود.

گفت‌وگویی شنیدنی

در راه بازگشت از بعثه بحرین، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌خواهند از فرصت استفاده کرده و به یکی از کاروان‌ها سری بزنند. اما آیت‌الله هادوی تهرانی و محمد علی رامین گفتند ما جلسه داریم و به دیدار از هتل نمی‌رسیم.

البته بعید است که در اقتضای کار آقای رامین یا آقای هادوی بوده باشد که به دیدار هتل بیایند. من هم که متوجه شدم آقایان می‌خواهند برای برپایی جلسه‌های خودشان بروند، ترجیح دادم همراهشان بروم؛ چون خیلی خسته بودم و به علت خوردن دارو، چشمانم از خواب سنگین شده بود و همچنین باید از دعای کمیل گزارش می‌گرفتم، این بود که فرار را بر قرار ترجیح داده و سوار ماشین آقای هادوی و رامین شدم.

هادوی و رامین، هر دو دنیا گشته و دنیا دیده هستند. هر کدام از هفت گز دنیا هفتاد گز آن را گشته‌اند. هادوی بسیار خوش توضیح است.

گستره اطلاعات او، به همراه زبان‌دانی‌اش به اضافه خوش‌شانسی از نوعی که آقای مطهری می‌گوید، مزید بر توجه است که از هادوی یک شخصیت بین‌المللی می‌سازد در اندازه‌ای که از دعوت سال گذشته خود به کنفرانس بین‌المللی داوز سوئیس سخن می‌گوید. هادوی در سال ۱۹۹۰ و به عبارتی، ۱۸ سال پیش، مرکز اسلامی مهمی را در سوئیس تأسیس کرد. ایشان اظهار می‌داشت از آن تاریخ به بعد، دیگر به سوئیس نرفته و پی‌گیر مؤسسه اسلامی نشده است تا شائبه و سخن پراکنی شکل نگیرد. او همچنین از تأسیس یک مرکز اسلامی دیگر در آلمان سخن می‌گوید. جالب اینکه، می‌گوید در سال ۱۹۹۳ برای حل یک اختلاف بسیار سنگین ملکی در تایلند به‌عنوان حکم انتخاب شده بود. اختلاف‌های ملکی مربوط به دو مؤسسه به ظاهر شیعی تایلندی بوده که

سفارت جمهوری اسلامی و سایر مؤسسه‌ها از حل مسئله عاجز مانده بودند و در نهایت طرفین دعوا به حکمیت و قضاوت آقای هادوی رضایت می‌دهند و هادوی جوان، حکم مالکیت ملکی شد که مساحت آن ۵۰ هزار متر بوده، آن هم در «بانکوک» تایلند که یکی از گران‌ترین شهرهای جهان به لحاظ قیمت ملکی بوده و هست.

هادوی پس از مدتی بررسی و تحقیق، به نفع یک طرف رأی می‌دهد و البته نمی‌دانست که طرف او سنی است و طرف مدعی شیعه است. بدین ترتیب، یک عالم شیعی به نفع یک سنی رأی می‌دهد و این اتفاق سبب می‌شود سال بعد، مالک به ملک رسیده به تهران بیاید و اعلام تشیع کند و سپس ملک ۵۰ هزار متری خود را در بانکوک به مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام اهدا کند. البته هادوی از این موضوع گله می‌کرد که تاکنون، هیچ بهره‌برداری از این ملک نشده و مجمع جهانی آن را به حال خود رها کرده است.

نکته جالب دیگر در مورد هادوی این است که ایشان در کنفرانس بین‌المللی اسلام و مسیحیت سخنرانی کرده بود و پس از ایشان «تونی بلر» نخست وزیر انگلیس به سخنرانی دعوت شده بود که در ضمن سخنرانی، با طعنه خطاب به هادوی و اسلام گفته بود: «این شیخ ایرانی، انگلیسی خوب صحبت می‌کند». بدین معنا که او فقط زبان انگلیسی‌اش خوب است و نه منطبق دینی او. به همین دلیل، هادوی اجازه می‌خواهد و دوباره به جایگاه می‌رود و در مقابل متفکران و نمایندگان برجسته اسلام و مسیحیت می‌گوید: «بسیار متأسفم، اگر «برتراند راسل» (فیلسوف منتقد ضد خدای انگلیسی) زنده بود، به ما و شما می‌گفت که جهان به وضع اسف‌باری رسیده است که آقای بلر بیاید و در چنین کنفرانسی اظهار نظر کند».

نویسنده مجله «تایم» که این گزارش را نوشته بود، متذکر شد که هادوی، تونی بلر را به شدت تحقیر و احساس تأسف را به حاضران منتقل کرد که چرا افرادی چون

تونی بلر به خود اجازه می‌دهند در چنین کنفرانس‌های فکری و عقیدتی مهمی چون کنفرانس اسلام و مسیحیت، اظهار نظر کنند.

از ماشین پیاده می‌شویم. من تلوتلو خوران به هتل برگشتم و البته خدا لطف کرد که به جای جلسه اداری، دعای کمیل در حال برگزاری است. خود را به دعای کمیل می‌رسانم. سه روز بعد، ظهر روز «یوم‌الترویه» (یکشنبه) وقتی که استاد هادوی را با همان هیئت در آسانسور دیدم، از او اجازه می‌خواهم که داستان تایلند را نقل کنم. او تعجب می‌کند که از کجا من ماجرا را می‌دانم. کمی شیطنت می‌کنم و در نهایت از استراق سمع خود در صندلی جلوی ماشین می‌گویم. ایشان با صدای بلند می‌خندد و کریمانه اجازه می‌دهد که من آن را به‌طور کامل نقل کنم.

برگزاری مراسم دعای کمیل در بعثه

«حجت الاسلام صالحی خوانساری» دعای کمیل شب جمعه در مکه را شروع می‌کند. در مکه دعای کمیل به شیوه متفاوتی برگزار می‌شود و دیگر از مشکل‌های امنیتی خبری نیست. همه در سالن اجتماعات منحنی شکل هتل دارهادی تجمع کرده‌اند. جمعیت به بیش از دو هزار نفر می‌رسد.

آقای صالحی نقل می‌کند که: «شخصی نزد امیرمؤمنان علیه السلام آمد و از فقر نالید. دیگری آمد و از خشکسالی گفت و فردی هم از نداشتن فرزند شکوه کرد. امام علیه السلام همه را به استغفار دعوت کرد و وقتی پرسیدند که آقا چرا هر سه را به استغفار فرمودید؟ آقا فرمود: «خداوند می‌فرماید: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمِدِّدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾»^۱

۱. نوح: ۱۰ - ۱۲؛ «و گفتم از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است. تا باران‌های پربرکت آسمان را پی‌درپی بر شما فرو فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد».

همچنین به روایت دیگری اشاره کرد که:

یک ایرانی به محضر پیامبر ﷺ آمد و برای بی‌سوادیش درخواست راه‌حل کرد که بتواند با خداوند ارتباط بگیرد. پیامبر ﷺ فرمود شما این ذکر را یاد بگیرید: «إلهي أنت ربي و أنا عبدك».

اما فرد ایرانی به جای «انت ربي» گفت: «انت عبدي و انا ربك». می‌گفت و اشک می‌ریخت. سپس خطاب به پیامبر ﷺ گفت: من این‌طور می‌گویم پیامبر ﷺ فرمود: «اشتباه می‌گفتی. آنچه می‌گفتی، کفر است که تو خدا باشی و خدا بنده تو». جبریل نازل شد که خداوند فرمان داد که ملائکه کلام او را تغییر دهند.

جمعه بیست و یکم آبان ۱۳۸۹؛ ششم ذی حجه ۱۴۳۱

همایش اهل بیت علیهم السلام در مکه

همایش اهل بیت علیهم السلام صبح جمعه ساعت ۹، با قرائت قرآن آغاز شد. در این همایش، علمای گوناگون از سراسر دنیا حضور دارند و طبق معمول، علمای سنی و شیعه هم درباره ضرورت هم‌بستگی حول محور اهل بیت علیهم السلام به بحث و سخنرانی می‌پردازند و از اشتراک‌ها و علایق علما و ائمه اهل تسنن با ائمه اطهار علیهم السلام سخن می‌گویند. یکی از مشهورترین این سخنرانان «آیت‌الله آصفی» است. ایشان که نماینده مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام عراق است، شروع به سخنرانی می‌کند. سالن پر از جمعیت است. من هم تلاش می‌کنم در قسمت جلو بنشینم. اما جایی برای نشستن پیدا نمی‌کنم.

آقای آصفی در مورد تحلیل اوضاع خانواده اسلامی و خانواده شیعه بحث می‌کند و بر ضرورت هماهنگی و هم‌بستگی در درون خانواده اسلامی و خانواده شیعی تأکید می‌ورزد.

پس از ایشان، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر تریبون را در اختیار می‌گیرد و با تعارف و احترام به علما و حاضران در جلسه، از هدف خداوند در آفرینش انسان‌ها سخن می‌گوید و اینکه خداوند، هدایت را در انبیا، قرآن و مفسران قرآن (اهل بیت علیهم السلام) قرار داده است.

ایشان می‌گوید:

قرآن می‌تواند برای همه انسان‌ها زندگی سالم و آرامی را به همراه داشته باشد. اما این قرآن به مفسر نیاز دارد. از این رو خداوند رهبرانی را آورد که بتوانند قرآن را تفسیر کنند. این رهبران نیز باید افرادی پاک و معصوم باشند تا بتوانند انسان‌ها را در مسیر هدایت قرار دهند، بدون خطا و اشتباه.

اهل بیت علیهم‌السلام داناترین مردم هستند. «سلونی قبل أن تفقدونی»^۱ وقتی علم و تقوا هست و راه و رسم زندگی را از امامان معصوم و هدایت‌شده می‌گیرند، پس به چه دلیل باید از رهبران غیراخلاقی دنیا تبعیت کرد. بهترین راه زندگی بشر، همین مسیری است که خداوند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام معرفی کرده‌اند.

پیروان اهل بیت علیهم‌السلام چه کسانی هستند؟ «شیخ صدوق» روایت‌های صفات شیعه را آورده که اگر روایت‌ها را بخوانید، در می‌یابید که شیعه، تابع فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام است: «الشیعة من شایع علیاً»^۲ دروغ نگوید، غیبت نکند، خیانت نکند، خیرخواه باشد، با قرآن انس بگیرد و در خدمت به اسلام و جامعه مسلمانان و ابنای بشر باشد. در روایات آمده که برخی برای دیدار با امام رضا علیه‌السلام به در خانه آن حضرت آمدند و در زدند و گفتند: «ما از شیعیان هستیم». امام رضا علیه‌السلام در را باز نکرد؛ تا دو ماه هر روز این عمل تکرار می‌شد، پس از دو ماه امام رضا علیه‌السلام آنها را پذیرفت و به آنها فرمود: «شما از محبین هستید»، «شیعه بودن مسئولیت دارد» و مطالبی را در همین زمینه بیان فرمودند.^۳

امروز ما باید رفتار و منش پیروان اهل بیت علیهم‌السلام را الگو قرار دهیم و باید بتوانیم فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام را توسعه دهیم و اگر چنین کنیم، دنیا مسخر ما خواهد شد. در نامه ۵۳ نهج البلاغه، حضرت علی علیه‌السلام خطاب به «مالک اشتر» می‌فرماید:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۳.

۳. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۸.

«ای مالک! تو گرگ درنده مباش و اینها یا برادر تو در دین خدا هستند یا شبیه تو در انسانیت».

قاضی عسکر از تسخیر قلوب مؤمنان سخن می‌گوید و بر ظرفیت‌سازی و استفاده از ظرفیت شیعه در عراق، ایران و لبنان تأکید می‌کند. من از صندلی بر می‌خیزم و به سمت انتهای جمعیت می‌روم. تمام سالن پر است از اقوام گوناگونی که با گوشی و بدون گوشی به سخنرانی گوش می‌دهند. زرد، سیاه، اروپایی، مالزیایی و ... در آخرین صف صندلی‌ها می‌نشینم و آخرین کلام امیرالحاج را می‌نویسم.

قند پارسی در دیدار با امیرالحاج تاجیکستان

تاجیکستان یکی از سه کشور فارسی زبان است که در گذشته، متعلق به ایران بوده و در دوره قاجار از کشور ایران جدا شده است.

عصر جمعه است. آقای «اسماعیل پیرزاده»، رییس بعثه تاجیکستان، مردی میانسال است که از نشستن بر روی صندلی زیر اشعه آفتاب پرهیز می‌کند. یکی از اعضای جلسه وقتی درباره زلالی نور خورشید به او می‌گوید، به شیرینی می‌گوید.

آبی که از او زلال خیزد وز خوردن او ملال خیزد

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر ابتدا تنها و بعد همراه سفیر ایران در عربستان، آقای رسولی محلاتی و دکتر باقری، معاون بین‌الملل و دکتر فلاح زاده به جلسه می‌آیند. صحبت‌های اولیه درباره جمعیت انبوه نمازگزار ظهر جمعه در مکه است؛ چراکه مکه در این روز، نماز جمعه‌ای بسیار پرجمعیت دارد. پیرزاده نیز از جمعیت بسیار در نماز جمعه می‌گوید. حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌گوید این نماز جمعه، بیشترین جمعیت را در طول سال دارد؛ زیرا نزدیک‌ترین نماز به ایام تشریق است و همه می‌آیند. ایشان امروز در مورد خدمات پزشکی و حمل‌ونقل و

شهری و آموزش و فعالیت روحانیون و انتشار کتب و نیز امکاناتی که برای زائران فراهم شده است؛ بیشتر توضیح می‌دهند.

پیرزاده پس از تشکر می‌گوید: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم». ﴿لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ﴾^۱

و در پی آن از «مولانا جلال‌الدین رومی» نقل می‌کند که:

قدم بی‌باک تر نه در حریم جان مشتاقان تو صاحب‌خانه‌ای آخر چرا دزدانه می‌آیی؟

و:

هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس

و پس از یک جُنْگ ادبی زیبا درباره حج می‌گوید: «جمع حاجیان تاجیکستان، ۵۵۰۰ نفر است که تحت نظر ستاد حج تاجیکستان هستند، چه انفرادی، چه جمعی و کاروانی». پیرزاده از قسمت‌های پزشکی و دارو و ادویه‌ها هم می‌گوید که آقای «حسین موسی زاده» که عضو شورای افتا هستند، پیش‌ازاین به مدینه و مکه آمده‌اند و جا را آماده کرده‌اند. بیش از دو هزار نفر به مدینه رفتند (مدینه قبل) و بقیه هم به مکه آمده و بعد از انجام اعمال حج به مدینه می‌روند.

به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندانم

که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی؟

چو دریای رحمت تلاطم کند گنه صاحب خویش را گم کند

ما دعوت شما را نمی‌توانیم قبول نکنیم. ما و شما از یک کشور بزرگ بودیم و منطقه ما قسمتی از خراسان بزرگ بوده و این چیزی نیست که پنهان کنیم و به آن افتخار نکنیم.

۱. فتح: ۲۷؛ «همه شما به خواست خدا وارد مسجدالحرام می‌شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده‌اید».

دری، اندر خراسان پرورش یافت بودی تا شمال چین بالش
به چین به گفته ابن بطوطه همه بودند عاشق جمالش

این زبان فارسی دری مادری ماست و ما چندان به ترجمه نیاز نداریم و رشته محبت ما بسیار طولانی تر از این حرف‌هاست.

اگر فرهنگ حج در ادبیات ما باشد، ما به زبان فارسی مانند صبح نگاه می‌کنیم. به همین خاطر، ما همیشه از آمدن صبح خوشحالیم و از اینکه در اینجا به زبان فارسی صحبت می‌کنیم هم بسیار خوشحال هستیم و مهم‌تر اینکه ادبیات ما در زبان فارسی، بیشتر برگرفته از قرآن و کلام خداوند است.

مثنوی معنوی مولوی هست قرآن بر زبان پهلوی

نه تار عمر ما محکم است، نه تار دوستی. از بس که این دو رشته بسیار نازک‌اند باید با زحمت مواظب باشیم که این دو رشته پاره نشوند.

پیرزاده که در طلب آشنا شدن با اعضای بعثه جمهوری اسلامی است، با شوخی و خنده می‌گوید: «عجیب است که ما اول سخنرانی می‌کنیم، بعد آشنا می‌شویم». پس از آن، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به معرفی دوستانش می‌پردازد و زیرکانه می‌گوید:

«ما اشعار زیبای شما را قبلاً در ایران چاپ کردیم».

سپس پیرزاده به خاطره‌ای که در یکی از سفرهای بازگشت از مکه به سمت تاجیکستان دارد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «آن زمانی که به نیشابور رفتیم، مراسم سالروز درگذشت عطار نیشابوری در حال برگزاری بود. مردم در سر قبر عطار جمع بودند. ما که از گرد راه خاک آلوده بودیم و ژنده، وقتی به جمع رسیدم شروع به خواندن اشعار عطار کردم و به قدری شعر خواندم که جمعیت می‌گفتند این خود عطار است که زنده شده است».

سپس حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، پیرزاده را به نهار دعوت کرد و گفت: «آش و نانی با ما بخورید». پیرزاده نیز به زیرکی می‌گوید:

جمعیّتِ محبانِ مبهوتِ آش و نان است گر آش و نان نباشد، کس آشنا نباشد

هنگامی که سخن از «سعدی شیرازی» به میان می‌آید، پیرزاده می‌گوید: «سعدی در کشور ما سعدی است؛ «لایجمعان بوستانی علی بوستان» سعدی افتخار همه فارسی‌زبان‌هاست».

پیرزاده مدعی است که مولوی در اشعار خود، به بیماری ایدز هم اشاره کرده است و سپس با خوش‌سخنی می‌پرسد: «آیا از جلسه نوار هم برداشته شده و آیا این برای تلویزیون است؟».

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌گوید: «البته برای خودمان است. ولی تلویزیون هم می‌تواند استفاده کند».

در حاشیه جلسه، آقای حسینی بوشهری می‌گوید: «اشعار را در کتاب حج بیاورید». می‌گویم استاد تا آنجا که رسیدم اشعار را نوشته‌ام.

نهار امروز میهمانان، مانند نهار همه حجاج است؛ باقالی پلو با گوشت. پیرزاده از آشنای‌اش با انواع غذاهای ایرانی می‌گوید. از خورشت آلو گرفته تا آبگوشت و شوربا و اما بحث که به آلوی بخارا می‌رسد، شیخ تاجیک می‌گوید: «این زرد آلو است». اما فلاح زاده فرق آلو و زرد آلو را برایشان می‌گوید. من می‌گویم شیرازی‌ها به سیب زمینی هم آلو می‌گویند و آقای بوشهری هم سخن مرا تأیید می‌کند.

در ادامه، پیرزاده از سر ذوق، اشعار دیگری را هم می‌خواند و از نگهداری خداوند درباره انسان‌ها می‌گوید:

شب تاریک سنگستان و من مست قدح از دست من افتاد و نشکست

نگهدارش ورا نیکو نگه داشت وگرنه صد قدح نفتاد و بشکست

آقای بوشهری نیز این شعر را جور دیگری خواند:

گر نگهدار من آن است که من می‌دانم شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد

البته پیرزاده بدش نمی‌آید کار به مشاعره بکشد، ولی همه می‌دانند که نباید وارد این بازی شوند؛ چه اینکه پیرزاده و میهمان‌های دیگر، آب را به شعری فارسی می‌خورند. هنگامی که سخن از میهمان‌نوازی ایرانی‌ها و دعوت از امیرالحاج تاجیک به ایران می‌رسد، شیخ تاجیک از قول عطار می‌گوید: «خود تا نخواندت به خانه کس مرو» اما قاضی با زیرکی می‌گوید: «این برای خانه دیگران است. اینجا و ایران خانه خودتان است».

پیرزاده خیلی خوشحال می‌شود و دعوت را می‌پذیرد.

موسوی زاده که تا اینجا ساکت بود، در توصیف ایران و زیبایی‌هایش از زبان «کمال‌الدین تبریزی» بسیار زیبا می‌گوید:

از آب خجند بگذرد و کوه در شهر تو یک مثل نیست
اینها به غایت کمال است اسرار خداست نه غزل نیست

سپس به مسئله مقبره شیخ کمال‌الدین تبریزی در تبریز اشاره می‌کند و اینکه، او چقدر تبریز را دوست داشته است.

تبریز مرا به جای جان خواهد بود هر لحظه مرا دل‌نگران خواهد بود

شیرینی جلسه امروز با شیرینی قند پارسا و شعر فارسی آمیخته شده بود. احساس برادری و همانندی به شدت بر احساس دیپلماتیک و ادبیات رسمی غلبه داشت، به ویژه اینکه در مکه همه تشخص‌ها رنگ می‌بازند و روح یک‌رنگی و برادری بر همه حاکم می‌شود.

جلسه مدیران کاروان‌ها با امیرالحاج

جمعی از مدیران کاروان‌های گوناگون در اجتماعی درخور توجه، با امیرالحاج

ملاقات می‌کنند و هرچند میهماندار اصلی این جلسه، سازمان حج و آقای لیالی و دوستانش هستند، اما امیرالحاج، شخص اول حج ایران، با مدیران و حمله‌داران به گفت‌وگو می‌پردازد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر درباره مدیریت کاروان‌ها سخن می‌گوید و با بیان این عبارت «سوء التدبیر سبب التدمیر»^۱؛ «تدبیر بد سبب نابودی امور می‌شود»، می‌گوید:

مدیریت دینی، مدیریت مشورتی و مصلحتی است؛ چنان‌که قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾^۲؛ «با مسلمانان مشورت کن، ولی هنگام که تصمیم گرفتی، با توکل بر خدا عمل کن»؛ امام علی ع نیز می‌فرماید: «برای مشورت با بخیل و نادان مشورت نکن» و می‌فرماید: «من شاور الرجال شارکها في عقولها»^۳؛ چون از عقل جمعی و فردی استفاده کرده است و اگر انسان با بخیل و نادان مشورت کند، براساس دریافت نادان و بخیل به تصمیم می‌رسد.

ساعت ۳:۴۵ بعد از ظهر است. نکته قابل توجه آن بود که در ضمن سخنرانی، بسیاری از مدیران کاروان‌ها خوابیده بودند. بعضی نیز ژست گوش‌دادن گرفته بودند، ولی در واقع، خوابیده بودند. جمعی هم که بیدارند. در دل آرزو می‌کنند که جلسه زودتر تمام شود.

یکی از چیزهایی که باید به آن توجه کرد این است که مدیران کاروان‌های حج در چه سطحی هستند؟ باید آنها را از نظر سطوح مدیریتی، تحصیلات، جایگاه فرهنگی و جایگاه اجرایی بررسی کرد. البته این موضوع بسیار حساس و مهمی است که چقدر

۱. غرالحکم، ص ۳۹۹.

۲. آل عمران: ۱۵۹.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱.

عشق و علاقه در آنها وجود دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر که در پی ارائه راه حل است، توصیه می‌کند که باید در مسائل حج مشورت کنید و مشورت دهید و مردم را راهنمایی کنید. ایشان از تجربه‌های خود در آرام کردن اوضاع و ضرورت حسن سلیقه سخن می‌گویند و گله می‌کنند که چگونه یک کاروان‌دار، به بهانه نداشتن سهمیه سرانه، حاجی را از مدینه تا مکه در حال احرام گرسنه و تشنه نگه می‌دارد، درحالی‌که، سهمیه آب و غذای او به تعداد است.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در مورد مدیریت صحیح تقسیم کار و نظارت بر آن می‌گوید: «وقتی کار تقسیم نشود، مدیر کاروان می‌گوید من بیچاره که یک نفر هستم، چگونه این حجم بالای کار را مدیریت کنم». مسئله عرفات و مشعر از موضوع‌هایی است که نماینده ولی‌فقیه بر درستی انجام آن و اعمال حاجیان تأکید بسیاری دارد و از مدیران کاروان‌ها می‌خواهد بیشتر به آن توجه کنند.

یکشنبه بیست و سوم آبان ۱۳۸۹؛ هشتم ذی‌حجه ۱۴۳۱

حرکت به سوی عرفات

امروز یکشنبه و «یوم‌الترویة» است. همه برای حرکت به سمت عرفات و دل بردن از همه آنچه گرفتار آنند، در تلاش و تکاپو هستند. در مکه غوغای عجیبی است. همه در تب و تاب هستند. لحظه‌هایی را به فکر می‌نشینیم؛ حج، قصد جدایی از خود و خودی‌هاست و چقدر در این راه، من و خیل عظیم آنهایی که آمده‌اند، از خود رها می‌شوند.

دوشنبه بیست و چهارم آبان ۱۳۸۹؛ نهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

روز عرفه؛ مراسم برائت از مشرکان

روز دوشنبه و ساعت ۹ صبح است. امروز روز «عرفه» است. بسیاری از حجاج در چادر جایگاه بعثه جمع می‌شوند. مکان و جغرافیای محل برای این جمعیت متراکم و فشرده بسیار کم است. بیشتر حجاج داخل چادرها هستند. آقای «سماواتی» شروع به خواندن مناجات امیرمؤمنان علیه السلام کرده است؛ مناجاتی که همه معنای آن را متوجه می‌شوند: «مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ». ویژگی بارز این دعا سادگی عبارت‌ها و درعین‌حال، حدیث نفس همه انسان‌ها در ارتباط با خداوند متعال است.

«مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا أَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ، مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ».

خدایا! عافیت ببخش. من دردمند و گرفتارم. چه کسی بر دردمند رحم می‌کند، مگر آنکه عافیت‌بخش باشد.

مولا! تو کبیری و من فقیرم و تو هادی‌ای و من گمراهم و چه کسی می‌تواند گمراه را هدایت کند، جز هادی؟

قرائت قرآن مراسم برائت از مشرکان را حمید شاکرنژاد شروع می‌کند. او آیه‌های

سوره «توبه» را می‌خواند و پس از آن صدای شعارهای مراسم برائت نیز بلند می‌شود.

«الله اکبر، لاله الله، محمد رسول الله».

«یا ایها المسلمون اتحدوا اتحادوا، به حق رب العالمین اعتصموا».

«برائة المسلمین من عمل الکافرین».

در این مرحله، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر با لباس احرام و بدون عمامه آمده و قرار است پیام رهبر معظم انقلاب را بخواند. سید برائت از مشرکان را سیره انبیای الهی می‌داند: «أَنْتِ بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ!»؛ که از زبان حضرت ابراهیم و هود عليه السلام است.

هیاهوی بلندگوهای حاجیان ترک که از چهار سال پیش تاکنون، همزمان با مراسم برائت به برگزاری مراسم‌های گوناگون می‌پردازند تا مراسم برائت و صدای آنها تحت‌الشعاع قرار گیرد، فضا را پر کرده است. البته این کار با حمایت کامل دولت عربستان سعودی صورت می‌گیرد.

نماینده ولی فقیه با ذکر روایت‌های گوناگون از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند: «لا ایمان بالله الا بالبراءة من اعداء الله»^۱؛ «ایمان به خدا جز با برائت از دشمنان خدا محقق نمی‌شود».

بیان امام عليه السلام از حج ابراهیمی و کلام حضرت آقا در مورد حج مورد نظر جمهوری اسلامی خوانده می‌شود و در پی آن، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به خواندن پیام مقام معظم رهبری می‌پردازد.

حضرت آقا از گسترش بیداری اسلامی و از پیروزی‌های امت اسلامی و نیز اسلام‌هراسی، برانگیزش تعصب‌های سنی و شیعه، تلاش سازماندهی‌شده برای گسترش

۱. هود: ۵۴؛ «من از آنچه همتای خدا قرار می‌دهید بیزارم».

۲. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۸.

فساد، اقدامی در برابر خیزش بیداری اسلامی، سخن می گوید.

او به درستی به ضعف شدید اسرائیل در برابر دوره قدرت گذشته آن و پیشرفت در رشته های گوناگون علمی و نظامی و تحلیل نقطه دقیق تاریخی و تحول های نظام بین المللی اشاره می کند. درک زمان، ویژگی اصلی پیام حضرت آقا بوده است؛ چه آنکه خود ایشان خوب بر زمان و زمانه تسلط دارد و همین تسلط ایشان بر زمان و زمانه است که می بایست از مردم توقع درک زمان و زمانه داشته باشد.

ایشان ایستادگی در برابر حضور نظامی و سیاسی آمریکا در خاورمیانه، عراق، افغانستان و پاکستان را از وظایف مهم مسلمانان می داند.

پس از قرائت نامه به وسیله حاج آقای قاضی عسکر، این بار آقای شریعتمدار به ترجمه عربی پیام حضرت آقا می پردازد.

معجری در ادامه برنامه، با تقلید از صدای آقای «مرتضایی فر» می گوید:

تبت پدا المشرکین من بلد المسلمین

تبت پدا الغاصبین من بلد المسلمین

الله اکبر، لا اله الا الله، محمد رسول الله ﷺ

به ظاهر مادر شعر و شاعری سیاسی و مناسبتی، به سن یائسگی رسیده است و قدرت تولد هیچ شعار جدیدی را ندارد.

هنگامی که از سمت غرب خیابان، که محل اجتماعات بعثه است، به سمت شرق خیابان می رفته، جمعیت انبوهی را می دیدم که در خوابگاه ها و چادرها نشسته اند یا برنامه سخنرانی متفاوتی از مراسم برائت از مشرکان دارند.

مراسم دعای عرفه

مراسم دعای عرفه در ساعت ۱۴:۴۵ در محل سالن مراسم بعثه در عرفات آغاز می شود. این دعا بسیار مورد علاقه همه مردم ایران است؛ زیرا حضرت سیدالشهدا علیه السلام

این دعا را در این محل و در چنین روزی خوانده‌اند. دعای عرفه در عرفات، برای برآورده شدن بسیاری از آرزوهای شدید مورد توقع است. اینک که محوطه به طور کامل از انبوه جمعیت پر شده است و جمعیتی هم در حال آمدن هستند، ترجیح می‌دهم در همین گوشه بنشینم و بگویم:

﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ * قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفَ قَالَ أَنَا يُوسُفَ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ * قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ * قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾^۱

ای صاحب‌الزمان کجایی که تو را پیدا نمی‌کنم
 این خانه را به غیر تو تمنا نمی‌کنم
 ای دوستان واحد امداد هم‌تیمی
 گم کرده‌ای است مرا که پیدا نمی‌کنم
 در ادامه این اشعار، حاج صادق آهنگران چنین می‌خواند:

بار الها! بر درت روی سیاه آورده‌ام
 عمر از کف رفته و بار گناه آورده‌ام
 راه تاریک است، لیکن آیه لا تقنطوا
 روشنی با خود، من گم کرده راه آورده‌ام ...

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصُنْعِهِ
 صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَأَتَقَنَ
 بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ
 جَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَرَائِئِ كُلِّ قَانِعٍ وَرَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ

دعای عرفه بیشترین اشاره را به انسان با نظام طبیعت و موضوعات عالم ناسوت دارد و زبان آن با زبان دعای کمیل بسیار متفاوت است. دعای عرفه به مقوله انسان و

۱. یوسف: ۸۹ - ۹۲؛ «گفت آیا دانستید، آنگاه که جاهل بودید، با یوسف و برادرش چه کردید؟ گفتند آیا تو همان یوسفی؟ گفت آری من یوسفم و این برادر من است، خداوند بر ما منت گذاشت. هرکس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید سرانجام پیروز می‌شود چراکه خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. گفتند به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشید و ما خطاکار بودیم. یوسف گفت امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست، خداوند شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است».

جزئیات وجودی انسان و رابطه و نیت آن با خالق و چگونگی خلقت و تداوم ارتباط هستی و پیوستگی و تعلق و افتقار و احتیاج انسان به خداوند می‌پردازد و به بیان نسبت و احتیاج بشر و هستی و جهان آفرینش به ذات باری تعالی توجه می‌دهد. هرچه بر واژه‌های دعای عرفه بیشتر تعمق کنیم، به این احتیاج بیشتر می‌رسیم و مهم‌تر اینکه، جهل و ناآگاهی‌ها در مورد حقایق هستی در فهم این دعای عظیم‌الشان بیشتر یافت می‌شود. اواخر دعا هم بیشتر به راز و نیاز با خداوند پیش می‌رود و یادآوری حب و حیب و محبوب و محبت خداوند به بندگانش است.

اگر مجنون دل شوریده‌ای داشت دل لیلی از او شوریده‌تر بی

سیستم قربانی در ایام حج

شاید وقتی از قربانی و اعمال ذبح گوسفند در عید قربان سخن به میان می‌آید، حاجی‌ای را در حال سر بریدن گوسفند تصور کنید که شیطان نفس خود را نیز همانند گوسفند سر می‌برد.

قربانی و هدایت صحیح آن به وسیله بعثه

یکی دیگر از کارهای بسیار خوب بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج در حج امسال، اعلام ارسال قربانی‌های حج برای مردم سیل‌زده پاکستانی بوده است. در واقع، یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های بعثه و حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، توجه دادن زائران و حجاج به موضوع کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده پاکستان بود. صرف‌نظر از کمک‌های جمع‌آوری شده و نشست‌هایی که برگزار شد، بعثه مقام معظم رهبری اعلام کرد که امسال می‌خواهد قربانی‌های حج را برای مردم سیل‌زده پاکستان ارسال کند. اما سعودی‌ها از اینکه ایران اعلام کرده قربانی‌ها را به پاکستان ارسال می‌کند، بسیار ناراحت شده و گله کرده‌اند که ما خود می‌دانیم قربانی‌ها را کجا صرف کنیم و شما چرا زودتر اعلام کردید و در عمل، برای انجام این نظر ایران بی‌میلی خود را نشان دادند.

در هر صورت، بخواهیم یا نخواهیم، سعودی‌ها در مصرف گوشت قربانی سیاست‌های مذهبی و عقیدتی خود را اعمال می‌کنند و این چیزی نیست که از نظرها دور باشد و به هیچ‌روی قابل قبول نیست که سیاست توزیع گوشت‌های قربانی در ایام حج، از سیاست خارجی دولت عربستان سعودی جدا باشد و جناح‌های افراطی حاکم در عربستان، از این امکان بهره نگیرند.

در هر صورت، ایران توانست با پیش‌دستی، اقدام درخوری را انجام دهد و بیش از شصت هزار قربانی سال ۱۴۳۱ را برای سیل زدگان پاکستان ارسال دارد؛ امری که رییس «بانک توسعه اسلامی» رسماً در نامه‌ای وصول آن را اعلام کرد.

باران روز دهم ذی‌حجه

ساعت ۷ بعد از ظهر روز دهم ذی‌حجه است. صحرای عرفات و هزاران چادر تودرتو با کوجه‌های باریک، در معرض باد شدید و رعد و برق‌های مکرر قرار می‌گیرند. دقایقی از طوفان نسبتاً تند می‌گذرد و رعد و برق‌های شدید سراسر صحرای منا را فرا گرفته‌اند.

در داخل بعثه، مراسم بزرگداشت جمعی از روحانیون کاروان‌ها در حال اجراست؛ روحانیونی که در سال گذشته، پیراهن تنفس را کنار گذاشتند و به آسایش ابدی در خاک رفتند.

آقای «نقویان» هم در حال سخنرانی است و جمعیت را با اشعار حافظ شیرازی به توپ می‌بندد و از حافظ و اشارت او به طهارت در حج سخن می‌گوید.

شور بارش باران منا، مرا فرا گرفته است. نمی‌توانم این باران را نادیده بگیرم، هر چند که سرم به‌طور کامل طاس شده و قطره‌های باران را به روشنی هرچه تماتر در پوست سرم احساس می‌کنم.

همسرم می‌گوید باران می‌بارد. می‌گویم اتفاقاً به همین خاطر باید این باران را دید.

رحمت خداوند و بارش نعمت که معمولاً پس از عید قربان و اعمال حج در منا اتفاق می‌افتند، غوغایی از لطف صاحبخانه را نشان می‌دهد.

نیم‌ساعتی در میان باد و رعد و برق و بارش تند باران توقف می‌کنیم. منطقه از انواع زباله‌ها پر شده است. حاجیان، چادر خواب و چادرهای کوچک سفری و وسایل خود را جمع‌وجور می‌کنند و به گوشه‌ای پناه می‌برند. داخل یک چادر کوچک، یک دختر بچه آفریقایی ۵ ساله و سه پسر بچه دیگر که به همراه مادرشان برای دست‌فروشی آمده‌اند، به شدت گریه می‌کنند. به قدری که از شدت گریه، گلوی دختر بچه خشکیده است. با عجله رفتم و از کامیون یکی از کاروان‌ها، یک بطری آب گرفتم و به دخترک دادم. آب را قبول نمی‌کند. مقداری میوه و آجیل که همراه همسرم بود را به دختر می‌دهیم، ولی او از من نمی‌پذیرد. من هم آجیل را کنارش می‌گذارم و می‌روم.

چهارشنبه بیست و ششم آبان ۱۳۸۹؛ یازدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

تعطل در بهداشت مناطق منا

خیابان‌های منا، به علت کوتاهی و تعطل نظام شهرداری و بهداشت در عربستان سعودی به شدت کثیف است و در این روزها هم انباشت زباله به بالاترین حد خود می‌رسد. هیچ سیستم دفع زباله فعالی وجود ندارد. خیابان‌هایی با آب‌های آلوده جاری در کف آن در عربستان بسیار به چشم می‌خورد.

دوست من که از مدیران بانک مسکن است، به شدت از نبود مدیریت شهری در عربستان ناراضی و عصبانی است. برای سه روز اقامت در منا از حجاج رقم کلانی دریافت می‌شود و در برابر آن، فقط چادر است. منطقه چنان گرفتار آلودگی و زباله است که بسیاری از مسیرها به شدت بوی تعفن می‌دهند. جایگاه جمع‌آوری زباله در هر صد متر قرار دارد و این خود به مشکل دیگری تبدیل شده است.

هیچ نظافت‌کننده‌ای به‌طور جدی حضور ندارد و البته ممکن است پس از رفتن حجاج این نظافت صورت گیرد. اما مسئله این است که این انباشت زباله نمی‌تواند ظرف یک روز اتفاق بیفتند و در سه روزی که حجاج در منا هستند، این جمع‌انبوه از آلودگی، بسیاری را به بیماری مبتلا می‌کند. طی هفت سالی که از سال ۱۳۸۳ تاکنون

آمده‌ایم، هیچ تغییر مهمی در سیستم آب و فاضلاب و بهداشت و امکانات اینجا صورت نگرفته است.

عبور از منطقه پاکستانی‌ها تنها با آزار شدید ناشی از وجود زباله همراه نبود. زیبایی‌های فراوانی هم داشت. در هر قسمت که یک موکت یا زیلویی بود و چند نفر می‌توانستند با یکدیگر بایستند، یک نفر جلو ایستاده و بقیه پشت سر او اقتدا می‌کنند. از ابتدای خیابان تا انتهای آن، شاید صدها نماز جماعت کم جمعیت و محدود و تقریباً چند نفره در حال برگزاری است که وراى چهره کم‌کاری فیزیکی کارگزاران شهری سعودی، روح معنویت و عبادت، یکرنگی و یکدلی حاکم بر مسلمانان را به زیبایی متجلی می‌سازد.

شنبه بیست و نهم آبان ۱۳۸۹؛ چهاردهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

بازبینی فعالیت‌ها در ایام حج

امیرالحاج به تقسیم کار بین خود و همکارانش می‌پردازد و از اینکه حج امسال بسیار خوب، آرام و بدون هزینه جدی انجام شده است و از مواد مخدر و دستگیری و زندانی جدی هم خبری نیست و هیچ اتفاق بدی نیفتاده، بسیار راضی و خشنود است. نباید در درستی این اقوال شک کرد. هر چند اشکال‌های فراوانی هم وجود داشته است؛ مانند مقدمات حمل و نقل ترددی که در مسیر ایرانیان، هنگام رفتن به مشعر و منا گیرهای کوچکی وجود داشت. اما خدا را شکر حج امسال بسیار خوب و رضایت‌بخش برگزار شده، به ویژه اینکه ارتباطات بسیار خوبی بین بعثه و سازمان حج برقرار بوده است. البته حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به مشکل‌های کاروان‌های خارج از کشور نیز اشاره دارد.

ایشان تقاضای گرفتن گزارش‌های همه واحدها را می‌کند؛ چراکه می‌خواهد مجموعه گزارش‌ها را جمع‌بندی کرده و نزد رهبری ببرد.

به گفته آقای لیالی از ۲۸۶ نفر از مدیران و همکاران سازمان حج، تنها ۱۹۶ نفر آنها اعمال عمره انجام داده‌اند. مدیران و همکاران دیگر اعمال حج را انجام نمی‌دهند تا دیگران بتوانند به اعمال خود بپردازند و این گذشت باارزشی است. به همین خاطر، او

نیز از انجام حج بدون مسئله و مشکل در مراسم سال جاری خوشحال است. لیلی از موفقیت در انجام پروازها در حد متوسط ۲۸۰ پرواز از ایران به مدینه در هنگام رفت، بسیار راضی است و البته متوسط ۳۸ دقیقه تأخیر را به دو پرواز خاص با تأخیر فراوان منسوب می‌دارد که سبب افزایش متوسط تأخیر شده‌اند و اشاره دارد که بازگشت حجاج از ۲۹ آبان شروع و تا ۱۹ آذر خاتمه می‌یابد. او از وضع بهداشت و حمل‌ونقل درون‌شهری نیز اعلام رضایت کرد.

داستان حمل‌ونقل و کرایه در مکه

سیستم حمل‌ونقل درون‌شهری مکه مشکل دارد. هرچند این موضوع در مدینه چندان موضوعیت یا مداخلت ندارد، اما در شهر مکه، داستان حمل و نقل، داستانی عجیب است. هر کس بخواهد به زیارت مکه بیاید، باید مبلغ قابل توجهی را صرف هزینه رفت‌وآمد کند؛ زیرا هزینه کرایه در مکه در روزهای خاص و پرجمعیت بسیار بالاست. به ویژه اینکه رانندگان عرب و غیر عرب در پی گرفتن سهم خود از زیارت حجاج هستند. کرایه ماشین در مکه، تقریباً ده برابر تهران است.

با راننده عربی در این مورد صحبت می‌کنم و او با صراحت می‌گوید: «این افراد به دنبال فرصت هستند و آمدن حجاج سبب می‌شود که امکان دریافت درآمد برای آنها بیشتر شود و به آن به چشم نزول رحمت خداوند برای خود نگاه می‌کنند». به همین خاطر، وجود سیستم حمل‌ونقل از ناحیه جمهوری اسلامی در این دوره بسیار مهم است. حجاج ایران نمی‌دانند جمهوری اسلامی چه خدمتی به آنها در مکه می‌کند.

تحلیل اشکال‌های موجود در بعثه

وقتی در جلسه بعثه، موضوع چگونگی اجرای مراسم برائت مطرح می‌شود، بعضی از اعضا بسیار با تعارف به بیان اشکال‌ها می‌پردازند و البته در مورد اشکال‌های شکل

گرفته در عرفات، مشعر و منا پی‌گیری‌هایی انجام شده بود.

اشکالی که آقای «نواب» مطرح کرد، به شرایط موجود در مشعر و عرفات اشاره داشت و من با وجودی که در جلسه سهم مدیریتی نداشتیم، با اجازه حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، اشکال‌های مورد نظر در عرفات را بیان کردم و از اشکال‌های وارده بر شعار سیاسی و تکراری بودن و روش اجرا و ضرورت تحول در شعارها و برنامه و هماهنگ شدن کاروان‌ها و همچنین مزاحمت کاروان‌های ترک در عرفات سخن می‌گویم. جالب اینکه، مورد توجه جمع هم قرار می‌گیرد و حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر بر ضرورت تغییر تأکید می‌کند و برای تغییر شعارها پیشنهادهایی را خواستار است.

در بحث دعای عرفه، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر می‌گوید: «جوانی دو سال است که دعای عرفه و سایر ادعیه را چاپ و بدون نام، در سطح زائران توزیع می‌کند که البته هزینه‌ای هم نمی‌گیرد و جالب اینکه، حتی تقاضای رفتن به حج هم نمی‌کند». دکتر باقری، معاون بین‌الملل در پایان جلسه با اشاره به بحث‌های من تأکید کرد که منظور من تغییر شعار نبوده، بلکه تحول در کیفیت بوده است. همچنین یادآور شد ما با ترک‌ها مذاکره کردیم و آنها همراهی کردند و قرار بود برنامه را با هم اجرا کنیم و به اشتباه، این هم‌زمانی اتفاق افتاد و بعد از اطلاع دادن ما، فوری قطع کردند.

دکتر ریاض، رییس مرکز پزشکی، آمار قابل توجهی داد که فوتی‌ها تاکنون، ۲۵ نفر بوده‌اند؛ ۱۹ نفر مرد و ۶ نفر زن که ۴ نفر آنها در مدینه و ۲۱ نفر هم در مکه به دیار باقی رفتند و جوانترین آنها ۴۸ سال و پیرترین آنها ۸۸ سال سن داشته است. تعداد معاینه‌های فیزیکی امسال، به ۱۳ هزار معاینه رسیده است. در حالی که، در سال گذشته ۱۵ هزار معاینه صورت گرفته است. فوتی‌های سال گذشته، ۴۰ نفر بوده‌اند و امسال ۲۵

نفر هستند. در این مورد، یکی از سایت‌های خبری خبر فوت ۱۲۵ حاجی اندونزیایی را می‌دهد که با توجه به دو برابر بودن حجاج اندونزیایی، این مسئله برای ایران موفقیت بزرگی است که یک‌ششم متوفیان اندونزیایی هستند.

بازرسان و حساسیت‌های آنها

جمعیت زیارت‌کننده خانه کعبه، امروز بسیار فشرده است تاکنون که ساعت ۱۸:۳۰ است، انبوه جمعیت در طواف، امکان طواف را نمی‌دهد. البته اگر خودم تنها باشم در همان لحظه‌های اول می‌روم. اما چون باید همسرم را نیز با خود ببرم، طواف مشکل می‌شود. در هر صورت، غروب آماده شده‌ام تا به مسجدالحرام برای طواف برویم. اما در انتهای راهروی هتل دارهادی تلفن زنگ می‌خورد و جلسه مدیریت نظارت و بازرسی با امیرالحاج را اطلاع می‌دهد و من باید خود را به سرعت برسانم.

برای سر در آوردن از کار بازرسان چند بار مراجعه کردم، اما به نتیجه نرسیدم. با آقای «حسین مظفر» وزیر سابق آموزش و پرورش و یکی از بازرسان حج، دوبار می‌خواستم صحبت کنم، اما او تن به گفت‌وگو نمی‌دهد و به اظهار نظر رییس بازرسی آقای «رشیدی» وا می‌گذارد. علیرضا رشیدی عملکرد را شرح می‌دهد و می‌گوید:

«بازرسان وظیفه نظارت بر اجرای عملیات حج را در دوره موسم حج دارند و پی‌گیری می‌کنند. از ۲۱۰ کاروان دیدار شد و ۱۶۵ قرارداد مسکن مورد بررسی قرار گرفت. آنها بر اجرای قراردادها نظارت می‌کنند و سیاست‌های مسکن و قراردادهای سال آینده را طراحی و سیاست‌گذاری می‌کنند. بازرسان به‌طور مستمر و با دقت انبار مواد غذایی، آشپزخانه‌ها و امور اجرایی و هیئت پزشکی مربوط به سازمان را زیر نظر می‌گیرند و این نظارت حتی در ایام تشریق در مسائل گوناگون قربانی و وقوف و انجام اعمال نیز جریان دارد و تا جایی که ظرف سه روز ایام تشریق، بیش از ۱۱۰ مورد دیدار صورت می‌گیرد. کار بازرسان گاهی در طول روز به ۱۷ ساعت می‌رسد.»

بازرسی فرهنگی کاروان‌ها از جمله موضوع‌هایی است که بازرسان چندان به آن اهتمام نداشتند و رییس بازرسی اذعان می‌کند که بیشتر به حوزه‌های اجرایی پرداخته‌اند. حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در پس تعارف‌ها، مسئله تعیین تکلیف سیاست‌های کلان بازرسی را مورد مطالبه قرار می‌دهد و بر انتقال هم‌زمان نظارت و احساس امنیت در کار تأکید می‌کند. البته باید توجه کرد که آنچه در دیدارها به‌عنوان اشکال در نظر گرفته می‌شود باید به سرعت مورد بازبینی و تغییر قرار گیرد و از همان لحظه تشخیص، حل و عملیاتی شود، نه اینکه مانند گذشته باز هم همان اشتباه‌ها تکرار شود.

مظفر که زمانی ردای وزارت آموزش و پرورش را بر دوش کشیده و امروز نماینده مجلس است، بیشتر از بازرسی‌های آینده سخن می‌گوید که در قراردادها دقت بیشتری شود و ضمانت اجرایی قرارداد را برای آینده مطرح می‌کند. سپس، رندانه سیاست‌های رییس بعثه در امور مسکن و فرهنگ و توزیع کالا و کاهش تصدی‌گری و ... را از امیرالحاج خواستار می‌شود. او سیاست اجرایی فعلی مسکن در منطقه عزیزیه را مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ چراکه اسکان در مسکنی معمولی در اطراف حرم، به‌مراتب بهتر از، ساختمانی خوب و شیک، ولی با فاصله بسیار از حرم است که سبب می‌شود حاجی از زیارت بیشتر محروم باشد.

مظفر از طرف قرارداد حمل و نقل می‌خواهد که سیستم حمل و نقل را خود آنها در اجرا نظارت کنند که سبب کاهش هزینه‌های بعثه و سازمان می‌شود.

بحث پی‌گیری‌های حقوقی و تصادف‌ها و آسیب‌های وارده باید مورد توجه قرار گیرد. مظفر به کاروان‌های به ظاهر غیر ایرانی مانند کاروان «المهدی» در ماجرای منا اشاره و آن را به شدت رد می‌کند و می‌گوید چرا دولت سعودی اجازه صدور ویزا به چنین کاروان‌هایی را می‌دهد؟

دکتر فلاح زاده، معاون توسعه به مشکل‌هایی اشاره می‌کند که از سال‌های گذشته وجود داشته‌اند و اینکه هنوز هم تحولی در حل آنها صورت نگرفته است؛ چراکه در اجرا و بازرسی باید به سیاست‌های کلان توجه می‌شد و چهار نوع نظر سنجی از فعالیت‌های کاروان‌ها و روحانیون کاروان‌ها به گوش حاضران می‌رسید و البته حقوق زائر و سازمان و حقوق متقابل آنها باید به روشنی بیان شود.

فلاح زاده از مسئله مهم هم راستاسازی سیاست‌های گوناگون سخن می‌گوید؛ چراکه اگر سرویس رفت‌وآمد به زائر نرسد، ممکن است روحانی نتواند ایده‌ها را مطرح کند و در این صورت زائر به سخن او گوش ندهد.

آخرین بازرس، آقای «کریمی» بود که از گروه خود به‌عنوان حامی سینه‌چاک امیرالحاج یاد می‌کند. او خواهان افزایش تعداد بازرسان است. اما درعین حال، از رییس بسیار تمجید می‌کند و مدعی می‌شود که بازرسی آنقدر انعطاف دارد که حتی اگر یک نفر هم باشد، به همه وظایف رسیدگی خواهد کرد.

یکشنبه سی‌ام آبان ۱۳۸۹؛ پانزدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

نشست هنرمندان با امیرالحاج

جلسه دیدار هنرمندان با امیرالحاج پس از اعمال حج، روز یکشنبه و با هدف کمک برای پرداختن به جنبه‌های معنوی حج و تلاش برای ایجاد ارتباط تشکیل می‌شود. ضمن اینکه، پیش از شروع جلسه، بعضی از هنرمندان در مورد وجود زباله و اخلاق بعضی از اعراب انتقاد داشتند.

آغاز جلسه با سخنان خانم «افسر اسدی» شروع می‌شود.

هوشنگ توکلی با نگاهی انتقادی از قضایای جاری در ایام حج و نبود بهداشت در مراسم سخن می‌گوید و «سعید راد» هم از توجه نکردن به مباحث معنوی حج، ابراز نگرانی می‌کند. «ملت خواه» معتقد است که این سفر عشق، در تلاش‌های ادبی و فلسفی هنوز به کف مطلب به لحاظ تفهیم و تفهم نرسیده و کار مهمی انجام نشده است. در کودکی فیلمی به نام «خانه خدا» ساخته شد و بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت. ما در کشور، نیاز شدیدی به پرداختن به باطن حج داریم تا بتوانیم مخاطبان جهانی را با مفهوم عمیق حج آشنا سازیم. ما آمادگی انجام چنین وظیفه‌ای را داریم.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به سخن خانم اسدی که گفته بود چطور می‌شود که انسان برای این سفر سال‌ها انتظار بکشد، اما در حج به معنویت توجه چندانی نمی‌کند، توجه ویژه‌ای نشان داد.

حج نویسی مبنای ماندگاری

«امیر محببان» وظایف زائران را به سه لایه تقسیم می‌کند:

۱. انجام وظایف شرعی؛

۲. انجام وظایف و تحول روحی؛

۳. کسانی که پس از انجام وظایف، به انتقال پیام خود می‌پردازند.

اما مهم‌تر از همه، کسانی هستند که بتوانند حج را برای انتقال نگه دارند. «دکتر شریعتی»، «جلال آل احمد»، «ناصر خسرو قبادیانی» از کسانی بودند که با نوشتن، حج را نگه داشتند که به آن حج هوشمند می‌گوییم.

طبیعی است تحول جمعی در انجام مناسک حج، همراه با تحول فردی بر سطح جامعه تأثیر خواهد گذاشت. تحول فردی در اهل قلم و هنر هم می‌تواند بر انتقال مفاهیم معنوی حج مؤثر باشد و این به شرطی است که حج ما، مانند حج بزرگان، حجاجی هوشمند باشد.

رضا توکلی می‌گوید: «باید در انتقال مفاهیم راهنمایی شویم که در راه انتقال مفاهیم چه باید کرد؟ حمایت می‌شود، یا خیر؟ اما این سفر سبب شد که نگاه ما متمرکزتر در مسئله حج بشود».

«علیرضا سجادپور» یکی از مدیران سینمایی کشور معتقد است که ساختن فیلم مستقیم شاید مقدور نباشد، اما پرداختن به حج به صورت لایه‌های داستانی در انجام درست اعمال یا آسیب‌شناسی حج می‌تواند مورد توجه واقع شود و ما تعهد می‌کنیم در فیلم نامه‌ها، از عرضه مضامین معنوی حمایت کنیم. برای نمونه، یک حاجی به جای تبدیل ارز به دنبال خواندن کتاب باشد. یکی از حاضران می‌گوید: «ما در برابر سینمای ۲۰۱۲ قرار داریم و نیازمند یک اثر جهانی هستیم. پرداختن حاشیه‌ای چندان دردی دوا نمی‌کند».

«سید روح الله حجازی»، نویسنده و کارگردان از انتهای جلسه می گوید: «ما باید توجه کنیم که در حج، چه اثر معرفتی را سازمان می دهیم. روحانیون کاروان‌ها، بیشتر به ظواهر حج و گاهی به تاریخ اشاره دارند. جای خالی وجوه معرفتی آن به خوبی حس می شود. در کتاب‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها چه سهمی از این مسئله به آن پرداخته شده است».

حجازی که در مورد پرداختن به ظواهر و اعمال فقهی، کمی دلخور بود، به معنویت و معرفت بیشتر تأکید می کند.

قاضی عسکر از توجه امام علیه السلام به مقوله معارف حج می گوید و توجه بیشتر به مسائلی مانند شرکت در نماز جماعت و توجه به اعمال متعارف مسلمانان را خواستار است. علاوه بر این اظهار می دارد: «ما مسائل مربوط به خانم‌ها را هم داریم. بیش از نصف جمعیت ما خانم‌ها هستند که باید به آنها هم توجه داشت».

یکی دیگر از هنرمندان می گوید: «اعمال حج، هنر است و بازی خالق با مخلوق و بازی هم واقعی است و هیچ کس سیاهی لشکر نیست. تک تک، قلم مویی هستند در این نقاشی بزرگ».

مسئولان دولت سعودی چه خدمتی به حاجیان کرده اند و در برابر کدام خدمتشان می توان به آنها خادم الحرمین گفت؟ آیا اهمیت مراسم حج برای دولت عربستان، کمتر از اهمیت برگزاری جام ملت‌های آسیاست؟

یکی از حاضران به نص صریح قرآن: ﴿أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ﴾^۱ که می گوید خانه خدا باید تمیز و مطهر باشد، اشاره می کند و می گوید: «اما با تأسف، در مکه و ایام حج به هیچ وجه به این دستور صریح قرآنی توجهی نمی شود».

بازیگران فتیله‌ای

«علی فروتن» یکی از بازیگران برنامه کودک فتیله‌ای، از معماری «جمرات» می‌گوید: «بسیار بزرگ و عظیم ساخته‌اند، تا جایی که انسان وحشت می‌کند و به جای بال در آوردن از معنویت، شاخ در می‌آورد و وقتی به شیطان می‌رسد، اینجا احساس خوف می‌کند».

«محمد مسلمی» بازیگر دیگر فتیله با نام خداوند علم و هنر و بشر شروع می‌کند و می‌گوید: وقتی لیبیک گفتم، احساس کردم که ما روشن می‌شویم. ولی ما آمدیم کنتورها را صفر کنیم. ما با تأسف به فکر تغذیه هستیم. اما چی به فکر ما منتقل می‌شود؟! این مهم است. ممکن است به ما بگویند ماشاءالله چاق شدید، ولی ای کاش بگویند آدم شدید.

طولانی‌گویی نماینده مجلس

آقای «عباسپور» نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی، در سخنانی از شعر «حیدر بابا» و بدرقه زائران کربلا گفت و به مسئله بازار سه و نیم میلیون نفری مسلمانان که در سیطره اقتصاد چین غیر مسلمان است، رسید.

«باقر رودی» از تشکیل کارگاه فیلمنامه‌نویسی در راه حج سخن می‌گوید که بتوانند ایده‌ها را به اندیشه و فیلم تبدیل کنند. ایشان می‌گوید:

ما در حج سیزده بار قصد قربت می‌کنیم. به هیچ حیوانی حمله نمی‌کنیم و هیچ نشانه‌ای از تفاخر در ما باقی نمی‌ماند، حتی استفاده از بوی خوش. تضاد در صورت و معنا در حج و در مکه بسیار وجود دارد؛ مانند: هزینه ایاب‌وذهاب و همچنین سجده کردن بر روی توده‌ای از کفش در نماز جمعه. انسان در مراسم حج نیز مانند سنگی که در رودخانه غلت می‌خورد و گرد می‌شود، گرد و نرم می‌شود.

در پایان جلسه، دکتر فلاح زاده بر مسئله نظام پیشنهادها و همچنین مسئله حضور

جامعه‌شناسان و رؤسای سابق حج، آقایان: «رضایی»، «خاکسار» و «قهرودی»، «سلطانی شیرازی» اشاره می‌کند و می‌گوید: «سعی خواهد شد که به پیشنهادهای هنرمندان توجه شود». فلاح زاده از پیام، پیام دهنده، گیرنده پیام و ابزار انتقال پیام سخن به میان می‌آورد. مهم این است که ما چگونه این فرهنگ را بتوانیم تغییر دهیم. باید راهی منطقی و عملی پیدا کنیم.

«حکیم الهی» که معاون بین‌الملل دانشگاه «جامعة المصطفی العالمیه» است به اتفاق همکارانش، به دیدار امیرالحاج می‌آید. با سپاس‌گزاری از پذیرش جلسه به‌وسیله امیر الحاج، طرح بحث جلسه را به همکاران دیگر می‌سپرد و گفت‌وگو درباره جامعه‌المصطفی پی گرفته می‌شود.

دوشنبه یکم آذر ۱۳۸۹؛ شانزدهم ذی حجه ۱۴۳۱

شرایط من در مذاکراتهای خاص

از آنجا که عضو رسمی بعثه نیستم، طبیعی است که در بعضی از دیدارهای انجام شده حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر که دارای شرایط ویژه دیپلماتیک یا حاوی مذاکراتهای خاص با مسئولان عربستان سعودی بوده، حضور نداشته باشم. چه بسا، بسیاری از گفت وگوهای ریاست بعثه جمهوری اسلامی یا سایر مقامها در ارتباط با مقامهای سیاسی و امنیتی عربستان در مسیر تسهیل عملیات حج و حل مسائل به وجود آمده یا پیش گیری از احتمال بروز مشکل بوده است و من خبر بعضی از آنها را شنیده‌ام و از حجم بالای فعالیت مسئولان بعثه در مذاکراتهای گوناگون خبردار شده‌ام و صد البته، ممکن بود که در موارد بسیاری هم در جریان امور قرار نگیرم و فاصله‌هایی هم در این میان ایجاد می‌شد و به‌طور طبیعی از دسترس خارج می‌شدم. نکته دیگر آنکه من باید خود به تنهایی این همه اخبار و وقایع را پی‌گیری می‌کردم.

بر این اساس، یکی از مذاکراتهایی که نتوانستم در آن حاضر شوم ملاقات امیرالحاج با دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی بود که گزارش آن را بی‌کم‌وکاست از زائر نقل می‌کنم؛ گو اینکه، خوانندگان خواهند گفت که این گزارش نویسی با سایر گزارش جلسه‌ها تفاوت اساسی دارد.

موضع‌گیری‌های مشترک کشورهای اسلامی در برابر دشمنان اسلام

در دیدار روز دوشنبه حجت‌الاسلام و المسلمین قاضی عسکر، نماینده ولی‌فقیه و سرپرست حجاج ایرانی با «اکمل‌الدین احسان اوغلو» دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی در جده، در خصوص تحولات جهان اسلام و راه‌های تقویت همکاری کشورهای اسلامی تبادل نظر شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حج، نماینده ولی‌فقیه و سرپرست حجاج ایرانی با توجه به کمک و حمایت مردم و دولت جمهوری اسلامی به سیل‌زدگان پاکستانی و تأکید مقام معظم رهبری در این مورد، اظهار همدردی حجاج و زائران ایرانی با مردم پاکستان و جمع‌آوری کمک‌های نقدی کاروان‌های ایرانی را مورد تأکید قرار داد.

حجت‌الاسلام و المسلمین قاضی عسکر، همچنین اسلام‌ستیزی در غرب را فتنه‌ای برای ترساندن مردم از اسلام دانست و بر ضرورت هوشیاری و بیداری اندیشمندان امت اسلامی تأکید کرد.

وی رمز موفقیت کشورهای اسلامی را در هم‌بستگی و مقاومت امت اسلامی در برابر توطئه‌ها عنوان کرد و گفت: «نمونه بارز این هم‌بستگی امت اسلامی را می‌توان در پیروزی مقاومت ۳۳ روزه در لبنان و مقاومت ۲۲ روزه در فلسطین مشاهده کرد».

دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی نیز ضمن تقدیر از کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به سیل‌زدگان پاکستانی، بر ضرورت اقدام جمعی و فوری کشورهای اسلامی برای یاری‌رسانی به مردم سیل‌زده این کشور تأکید کرد.

«احسان اوغلو» همچنین به موضوع اسلام‌ستیزی در غرب اشاره کرد و با اظهار تأسف از همراهی برخی کشورها با غرب در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی، خواستار اتخاذ موضع واحد کشورهای اسلامی در مقابل دسیسه‌ها و اقدامات دشمنان اسلام شد.

این دیدار با حضور «حمیدرضا دهقانی» سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی نزد سازمان کنفرانس اسلامی و باقری و فلاح‌زاده، معاونان نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی، برگزار شد.

رضایت حجاج از خدمات‌های ارائه شده

جانشین سرپرست حجاج ایرانی گفت: «حجاج از خدمات ارائه شده رضایت دارند». به گزارش خبرنگار اعزامی خبرگزاری فارس به مدینه منوره، آیت‌الله رضا استادی در دیدار اعضای معاونت توسعه و منابع انسانی بعثه مقام معظم رهبری، با تقدیر از دست‌اندرکاران حج گفت: «امیدواریم کارهای محوله را به خوبی انجام داده باشیم». وی با اشاره به خدمات خوب ارائه شده به زائران گفت: «زائران گله‌مندی‌های بسیار کمی داشتند و این نشان می‌دهد دست‌اندرکاران حج، نهایت تلاش خود را به کار گرفته‌اند».

پخش مستقیم دعای کمیل مدینه

سومین دعای کمیل مدینه منوره، با حضور حجاج ایرانی در ساعت ۲۳:۳۰ پنج‌شنبه این هفته، به صورت مستقیم از شبکه تلویزیونی اینترنتی «لیک» پخش خواهد شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حج، این مراسم با حضور عاشقان کوی دوست (زائران مدینه بعد) در کنار قبور ائمه بقیع و حرم نورانی رسول مکرّم اسلام ﷺ برگزار و از شبکه‌های دو سیما و رادیو ایران پخش شد. گفتنی است، دعای ندبه جمعه این هفته مدینه منوره هم در ساعت ۷:۳۰ صبح به‌طور زنده و مستقیم از رادیو قرآن پخش خواهد شد.

سه‌شنبه دوم آذر ۱۳۸۹؛ هفدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

دیدار با هیئت چینی

جلسه دیدار با هیئت چینی که قرار بود ساعت ۱۶:۳۰ برگزار شود، در ساعت ۱۵:۵۰ با آمدن چینی‌ها برگزار شد. در ساعت ۱۶ حاج آقای قاضی عسکر و هیئت ایرانی هم آمدند. امروز می‌خواستم زودتر در جلسه حاضر شوم. اما هنگام برداشتن خودکار از کمد، سرم محکم به در چوبی کمد تلویزیون خورد و به شدت گیج رفت و تقریباً افتادم. سرم خون آمد. دقایقی نشستم، تا حالم بهتر و خونریزی کم شود. به همین دلیل وقتی رسیدم، بیست دقیقه‌ای از زمان جلسه گذشته بود. آرام و البته با خجالت نشستم و شروع به نوشتن کردم.

مترجم چینی عبارت‌های چینی را به عربی - چینی ترجمه می‌کرد و فهم این برای ما سخت بود.

ریس بعثه چین، می‌گوید:

«نزد ما بین شیعه و سنی فرقی وجود ندارد و ما برای آیت‌الله خمینی علیه السلام احترام بسیاری قائل هستیم. علاقه‌های بین ما بسیار و قدیمی است. زبان فارسی را یک نعمت بسیار مهم در درک اسلام می‌دانیم و جمع بسیاری از مردم ما به زبان فارسی گفت‌وگو می‌کنند و مسلمانان نیز در نقاط گوناگون عالم، با لغت فارسی در زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند.

درست است که امروزه بیشتر مسلمانان در دنیا سنی هستند و مسلمانان در ایران، شیعه، اما ما تفاوت چندانی بین آنها قائل نیستیم.

بخش بسیاری از علایق بین ایران و چین، محصول علایق مسلمانان ایران و چین است و متأسفانه آمریکا دائماً در حال تلاش برای تشویش و تخریب چهره مسلمانان در عالم است و ما باید به آیه شریفه ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۱ تمسک کنیم.

اعضای هیئت چینی که بیشترشان جوان بودند، با گوش دادن به سخنان امیرالحاج گاهی پسته هم می‌شکستند یا از باب رفع مشکل سرماخوردگی، به دستمال هم پناه می‌بردند و گاهی با چایی لب تر می‌کردند و امیرالحاج از لزوم دفاع از حقوق مردم فلسطین سخن می‌گوید و به ضرورت تعاون و همکاری مسلمانان با یکدیگر تأکید می‌کند.

امیرالحاج چینی از همراهی و همکاری در امور حجاج و اقامت آنها و دعوت از قاضی برای دیدار از بعثه چین می‌گوید و از دیرشدن دیدار با هیئت ایرانی عذرخواهی می‌کند. جلسه با یادآوری خاطره حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر درباره سفر به چین ادامه می‌یابد. ایشان می‌گوید: «در روز قدس گذشته در سفارت ایران در چین، میهمان چینی‌ها بودیم و چینی‌ها یکی از همراهان سفر ما، «دکتر ربیعی» قاری قرآن را گرفتند و چند روز بعد بردند تا بتوانند از قرائت و صوت او استفاده کنند». البته آقای قاضی این را نشانه اوج علاقه چینی‌ها به قرآن و لطفشان به ایرانی‌ها می‌شمارد و از شادمانی دکتر ربیعی در بهره‌گیری گسترده چینی‌ها از قرائت او می‌گوید.

حاشیه‌های اقتصادی جلسه

امیرالحاج چینی، حس اقتصادی خود را به نمایش می‌گذارد و از علت تفاوت قیمت‌ها در حج ایران می‌پرسد. آقای قاضی علت آن را تفاوت هتل‌ها و مکان‌های

۱. آل عمران: ۱۰۳؛ «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و هرگونه وسیله وحدت الهی) چنگ زنید و پراکنده نشوید».

متفاوت ذکر می‌کند. با وجود اینکه غذا، بهداشت، سرویس رفت‌وآمد و هواپیما و امکانات دیگر همه یکسان است.

در پایان، تصویر پیام حضرت آقا به حجاج را به امیرالحاج چینی دادند و همگان به عکس دسته جمعی دعوت شدند و هدایا ردوبدل شد؛ هدایایی همچون: کتاب، مجله، آثار هنری، صنایع دستی، گز اصفهان و ...

دیدار با هیئت فرهنگی - سیاسی افغانستان

دکتر «محمد نیازین» وزیر اوقاف دولت افغانستان با همراهانش شب سه‌شنبه دوم آذر ساعت ۹:۲۰ به بعثه حج جمهوری اسلامی در هتل دارهادی می‌آیند. برخلاف چینی‌ها که نیم ساعت زودتر آمده بودند، آنها بیست دقیقه تأخیر داشتند. هیئت چهار نفره افغانی، دیگر به مترجم نیاز ندارند؛ چراکه زبان همه آنها فارسی است. هنوز بحث به‌طور جدی شروع نشده است. از طول سفر حجاج افغانی سؤال می‌شود که نیازین می‌گوید:

«مدت اقامت در اینجا به دلیل مشکل هواپیما و نبود امکانات در افغانستان ۴۵ روز است و اینکه همه باید بروند تا نوبت استفاده از هواپیما به ما برسد».

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر به اعضای بعثه افغانستان تبریک و خوش‌آمد می‌گوید و برای بهبود وضع افغانستان اشغال‌شده و درگیر در جنگ داخلی و فقر و پریشانی، آرزوی بهبودی اوضاع را دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر از منافع دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی حج و نیز از آثار آن بر بهبود وضعیت جامعه می‌گوید. او در برابر وزیر فرهنگ افغانستان، فعالیت‌های فرهنگی و اجرایی بعثه و سازمان را توضیح می‌دهد و مانند گذشته آنها را دعوت به همکاری می‌کند و موضوع انتقال تجربه‌های خود در مورد نوع همکاری میان اهل سنت و تشیع و چگونگی تعامل آنها در حول محور هم‌بستگی و

اتحاد مسلمانان را به میان می‌کشد.

محمد نیازین، وزیر اوقاف افغانستان از نژاد مشترک، جغرافیا، زبان، همسایگی، باورهای هماهنگ و برادری می‌گوید و از تلاش برای امتناع از افراط در قواعد و روابط مذهبی در افغانستان سخن می‌گوید و از وزارت آموزش و پرورش ایران به خاطر آماده‌سازی و انتشار کتاب‌های درسی تشکر می‌کند.

نیازین متواضعانه در مورد انتقال تجربه‌های افغان‌ها در امور حج با لبخند می‌گوید: «ما هیچ تجربه مفیدی نداریم که به شما بدهیم. ولی باید از تجربه‌های شما در انتخاب حجاج و شیوه انجام کار و روش‌های گوناگون استفاده کنیم».

تواضع و ادب دکتر نیازین در برابر عظمت جامعه ایران، بسیار درخور توجه است. مولوی اسحاق مدنی از سفر خود به افغانستان می‌گوید که: «افغان‌ها را بسیار با فضل دیدم و وحدت بین شیعه و سنی بسیار هوشمندانه و شبیه به ایران بود».

اسحاق مدنی وجود «دارالافتاء» به نسبت جمعیت خود آنها را بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: «دو مذهب حنفی و شافعی در بین سنی‌های ایران وجود دارند. دو نفر از فقهای آنها هستند و جمعی از شخصیت‌های کرد به‌عنوان میهمان حضور دارند. بدون آنکه کاری داشته باشند. به همین صورت از چهره‌های استان سیستان و بلوچستان در بعثه اهل سنت حضور دارند و جالب اینکه، کاروان‌های اهل سنت از کاروان‌های اهل تشیع به حرم نزدیک‌تر هستند؛ چرا که به نماز بیشتر توجه دارند».

اما مدیر برجسته افغانی می‌گوید: «ما در منا جای نزدیک را به شیعیان و جای دور را به افغان‌ها دادیم».

مولوی اسحاق مدنی در مورد تلویزیون آقای «برهان‌الدین ربانی» می‌گوید: «رییس تلویزیون شیعه است و مجری آن سنی و هر دو در زاهدان درس خواندند. یکی در مدرسه اهل تسنن و دیگری در مدرسه شیعیان».

اواخر جلسه، وارد بحث می‌شوم و از تأثیر کتاب‌های درسی در افغانستان می‌پرسم و به‌عنوان رییس شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی توضیح مختصری از این فعالیت می‌دهم که این برای مدیران بعثه جالب توجه بود.

نیازین، وزیر اوقاف افغانستان از اینکه ایرانی‌ها خدمت بسیار درخور توجهی به آنها کرده‌اند، برق از چشمانش می‌جهد و می‌گوید: «وقتی ما از هر کشوری درخواست کمک برای کتاب‌های درسی می‌کردیم شیوه‌ها و روش‌های پیشنهادی آنها با نیازهای ما هم‌خوانی نداشت و نمی‌توانستند نیازهای آموزشی ما را تأمین کنند. اما وقتی ایرانی‌ها وارد این بحث شدند، بسیار موفق عمل کردند و ما از فعالیت آنها و آموزش معلمان بسیار راضی و خوشحال هستیم و بزرگان کشور ما نیز از این زحمت ایرانی‌ها بسیار راضی هستند».

در تأیید گفته‌های آقای قاضی به وزیر فرهنگ و اوقاف افغانستان گفتم که شما افغان‌ها کارهای بزرگ و خوبی انجام داده‌اید. برای نمونه، کتاب «تاریخ افغانستان» «دکتر فرهنگ»، اثر بسیار باارزشی بوده است. وزیر افغانی و هیئت همراه و البته دوستان خودمان هم از اینکه یک تجربه فرهنگی خوب از افغانستان را یادآوری می‌کنم، خوشحال می‌شوند.

محمد نیازین، شرح کوتاهی درباره کار دکتر فرهنگ می‌دهد و ضرورت پرهیز از بی‌انصافی در پژوهش را یادآور می‌شود و از اینکه یک کالای فرهنگی افغانی از دید یک مشتری سخت‌گیر در یک جلسه در بعثه حج مکه مورد ستایش و احترام واقع شده، بسیار خشنود است.

وقتی جلسه به پایان می‌رسد، او با من به نام استاد خداحافظی می‌کند و در مسیر بدرقه، دوباره از عظمت و گستردگی و عمق کار ایرانی‌ها می‌گوید و اینکه، تمام سه هزار کتاب درسی را در ایران سرچ کرده یا از نظر گذرانده است.

چهارشنبه سوم آذر ماه ۱۳۸۹؛ هجدهم ذی حجه ۱۴۳۱

عید غدیر در بعثه

امروز چهارشنبه، روز «عید غدیر» است. صبح در بعثه برنامه دیدار برگزار است. رسم دیدار از سادات در اینجا هم جاری است. اعضای بعثه به دیدار رییس بعثه و امیرالحاج می آیند.

در دیدار از امیرالحاج، امسال یک تفاوت وجود دارد و آن اینکه پس از سال‌های طولانی، امسال امیرالحاج ایران از سادات است. دیدار با او به یک تیر دو نشان است و سید هم می‌داند که امروز او سید و منسوب نسبی به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. به همین خاطر، در ابتدای اتاق ملاقات، تنها و بدون مشاور و مسئول دفتر نشسته است. همه می‌آیند و با سید دیدار می‌کنند. عبارت: «الحمد لله الذي جعلنا من المتسکین بولاية أمير المؤمنين علیه السلام» بین همه ردوبدل می‌شود. جمعیت به سرعت می‌آیند و می‌روند و این بار حاج خانم‌های بعثه هم آمده‌اند و آقایان می‌روند. قرار است ساعت ۱۰، آقای نقویان درباره عید غدیر سخنرانی کنند.

آغاز میل رفتن و بروز مسائل

امروز بسیاری از حجاج به ایران باز می‌گردند. آنهایی که به سوی وطن می‌روند، در حال حاضر در فرودگاه جده گرفتاری بسیاری دارند و با تأخیرهای ده و دوازده ساعته

و بیشتر، در فرودگاه جده گرفتار می‌شوند. در مسیر آمدن زائران، جلسه‌های متعدد، مسئولان سازمان حج و هواپیمایی، با افتخار از کم بودن تأخیر ۴۵ دقیقه‌ای پروازها سخن‌ها گفتند و افتخارها آفریدند. اما حالا مشکل به شکل جدی بروز کرده و هواپیمایی وفیر وابسته به سعودی‌ها هم مسئولیتی نمی‌پذیرد.

یکی دیگر از سازهایی که هواپیمایی سعودی زده، این است که بار مسافر با هواپیمای همراه مسافر تحویل نشود. این اقدام هیچ وجهی ندارد؛ جز اذیت شدن زائران و انتظار آنها در فرودگاه و تزریق یک مشکل بسیار پیچیده و اعصاب‌خردکن به داخل ایران، آن هم به شکلی بسیار ارزان؛ چه اینکه این شیوه انتقال بار، بدون هیچ هزینه‌ای برای سعودی‌ها و فقط از طریق تقدم و تأخر انتقال وسایل، تمام حجاج و خانواده‌های آنها را در فرودگاه‌های کشور آویزان نگه می‌دارد. این شیوه ارزان‌ترین و آسان‌ترین راه اذیت و آزار ایرانیان است. این وضعیت بحرانی در بازگشت حاجیان، شرایط سختی را بر سیستم مدیریت حج و زیارت ایران تحمیل می‌کند و البته معلوم است که بروز این مشکل، بیشتر محصول نابه‌سامانی مدیریتی هواپیمایی سعودی است.

هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران هم در آخرین روزهای سفر حاجیان به دلیل مشکل‌های ایجاد شده، نتوانست بیش از سی درصد از زائران را به عربستان منتقل کند و این خود سبب شد تا انتقال حاجیان به دست شرکت وفیر سعودی بیفتد.

دیدار رییس بعثه فیلیپین از بعثه ایران

در غروب غدیر، «حاج محمد اسماعیل»، نماینده بعثه فیلیپین با تأخیری درخور، به بعثه ایران آمد. و نماینده بعثه فیلیپین می‌گوید: «از طرف خانم بای امیرلوگمن وزیر امور دینی شخصاً، اظهار خوش‌وقتی می‌کنم. ایشان به علت اشتغال‌های کاری، ناچار شدند زودتر به مانیل برگردند».

در ادامه، نماینده ولی فقیه از حج و آشنایی مسلمانان با یکدیگر و مسائل و نیز فرصت‌هایشان می‌گوید که:

حوادث بزرگی طی سال‌های اخیر، سبب توسعه اسلام شده‌اند که پیروزی انقلاب اسلامی یکی از آنهاست. پیروزی‌ها در لبنان و فلسطین و ایستادگی مسلمانان سبب جست‌وجو و شناخت بیشتر از اسلام شده است.

اعضای هیئت فیلیپین که از چهار مرد و سه زن تشکیل شده است، بسیار جوان و کم‌سن به نظر می‌آیند؛ تا جایی که یکی از دوستان حاضر در جلسه، از سطح ملاقات ناراضی است. امشب حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر برخلاف دیگر شب‌ها در تلاش برای معرفی اسلام و نوع تفسیر از اسلام است و البته این نکته درستی است و ضرورت دارد که ما از ارائه چهره تروریستی از اسلام پرهیز کنیم و بیشتر سعی در معرفی جلوه فرهنگی و تمدنی اسلام داشته باشیم. به همین خاطر، ایشان از خواست غرب در پروژه اسلام‌هراسی یاد می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر از حج همراه با معنویت و رعایت همه اصول اخلاقی سخن می‌گوید و در پی آن، به موضوع طرح «انتقال» تجربه‌ها در حج می‌پردازد و از همایش‌هایی که برگزار شده و مقام‌های دینی و سیاسیون فیلیپینی در آنها شرکت نکرده‌اند می‌گوید و برای سال آینده از هیئت فیلیپینی برای حضور در همایش‌های مکه و مدینه دعوت می‌کند. از وزیر امور دینی فیلیپین برای دیدار از ایران دعوت می‌کند و از علاقمندی ایران به حضور در فیلیپین و برگزاری همایش حج سخن می‌گوید.

قاضی عسکر امشب همه اعضای جلسه از جمله مرا به‌عنوان یکی از فرهیختگان و نویسندگان ایران به نماینده فیلیپین معرفی می‌کند. نماینده فیلیپین نیز از کمک سفارت جمهوری اسلامی ایران برای برگزاری مراسم گوناگون دینی در فیلیپین سپاس‌گزاری

می‌کند و می‌گوید: «ایران و کارهای آن، به قلب ما نزدیک است. حتی در یکی از بزرگترین فروشگاه‌های مانیل، اصلی‌ترین مغازه آن و نیز رستوران‌های بسیاری، مالک‌های ایرانی دارند و ما همیشه مسلمان‌ها را تشویق می‌کنیم که برای خوردن به رستوران‌های ایرانی‌ها بروند».

وضعیت مسلمانان فیلیپین

نماینده فیلیپین در مورد وضعیت مسلمانان فیلیپین می‌گوید:

«ما در فیلیپین یک اقلیت ده میلیونی از صد میلیون جمعیت هستیم. با وجود در اقلیت بودن، به گونه‌ای رفتار کرده‌ایم که طی سال‌های اخیر، اسلام رشد بسیاری داشته است. همچنین مسیحیان بسیاری به اسلام گرویدند. ما دعوت به اسلام را به‌طور جدی و نیرومند در سطح رادیو تلویزیون بیان می‌کنیم».

حجت‌الاسلام والمسلمین «اختری» می‌پرسد: «آیا دعوت شما به اسلام در تلویزیون رسمی فیلیپین است؟» حاج محمد اسماعیل پاسخ می‌دهند:

در رادیو و تلویزیون خصوصی که داشتیم، انجام می‌شد که تلویزیون ما به خاطر مشکلات مالی تعطیل شده است. پیش از جریان یازده سپتامبر ما کمک‌هایی از کشورهای عربی دریافت می‌کردیم، اما بعد از آن، این کمک‌ها قطع شد و حتی افرادی که کمک دریافت کردند، دچار مشکل سیاسی و حقوقی شدند.

آقای اختری می‌پرسد: «آیا تبلیغات مستقیم زیر نظر خود ایشان است؟». محمد اسماعیل پاسخ می‌دهد: «خیر! چون دولت اجازه رسمی نمی‌دهد، به صورت تهیه کنندگی خصوصی انجام می‌گیرد».

محمد اسماعیل زیرکانه می‌پرسد: «آیا کسی از شما به فیلیپین آمده است؟» حضار سفرهای خارجی فراوانی رفته بودند، اما کسی سراغ آنها نرفته بود. با این وجود محمد اسماعیل می‌گوید:

با توجه به جمعیت ده میلیونی، ما باید ده هزار حاجی داشته باشیم. ولی با تأسف بیش از ۴۲۰۰ نفر زائر نداریم. این به دلیل مشکل‌های مالی آنهاست که نمی‌توانند این هزینه را پرداخت کنند و ما امیدواریم بتوانیم با استفاده از تجربه‌های شما، تعداد حجاج خود را افزایش دهیم. سهمیه ده هزار نفری ما به دلیل فقر مسلمانان پر نمی‌شود. ما از کشور شما کمک‌های بسیاری دریافت کرده‌ایم، به ویژه در بلایای طبیعی. البته کمک‌های بسیاری از ایران دریافت کردیم. ما از کشوری توسعه نیافته و جهان سوم هستیم. باید بگوییم ما فقیر هستیم. اما دوست داریم به زندگی خود همان‌طور که رسول الله ﷺ خواستند، ادامه دهیم و معتقدیم کسی که قرآن را خوب بفهمد، دلیلی ندارد که به اسلام علاقمند نشود و ما قرآن را به زبان‌های گوناگون ترجمه کردیم.

ما می‌خواهیم برابر سنت پیامبر ﷺ زندگی کنیم

سطح هیئت فلیپین جوان و تأثیرگذاری آن بر گروه مدیران بعثه بسیار بود؛ چه اینکه آنها جمعیتی بودند بسیار جوان از کشوری دور افتاده از ارتباطات دینی جمهوری اسلامی، با جمعیت ده میلیون نفر مسلمان که در شرایط بسیار سخت، اسلام را پاس داشته و از دین خود مراقبت می‌کنند و با وجود آنکه بسیاری از هزینه‌ها و کمک‌ها را از کشورهای عربی دریافت می‌کردند؛ گرایش‌های وهابی ندارند و این وظیفه جمهوری اسلامی است که به مسلمانان این کشور توجه داشته باشد؛ توجهی در حد به راه انداختن یک شبکه کوچک تلویزیونی و رادیویی. اگر چه در سال‌های گذشته گروه‌هایی مانند جبهه مورو به رهبری «نور میسواری» از فلیپین که در جزایر «مینداناو» به دنبال استقلال بودند، به ایران رفت و آمد داشتند. اما طی سال‌های اخیر، عربستان سعودی و القاعده توانستند با بسیج نیرو برای گروه گروگانگیر و تروریست «ابوسیف»، فتنه وهابیت را به این کشور آسیای جنوب شرقی صادر کنند. همه این موضوع‌ها در

ذهن من جولان می‌کنند. اما نمی‌خواهم لطافت معنوی حضور این حاجیان جوان را با یادآوری قضایای سیاسی آلوده کنم. از این رو، با سؤال‌هایم کنار می‌آیم. اما جمله حاج محمد اسماعیل که گفت ما مردمی ضعیف هستیم، اما تلاش می‌کنیم مانند پیامبر ﷺ و به سنت ایشان زندگی کنیم، مرا سخت تکان داد. هنگام شام به آنها یادآور می‌شوم که به‌عنوان نویسنده کتاب حج، حکیمانه‌ترین و زیباترین جمله‌ای که نوشته‌ام، همین جمله شما بود؛ این جمله را در کتاب حج خواهم آورد. محمد اسماعیل که مهندس است و مدیریت خوانده، از تعبیر من در میان علمای برجسته ایران بسیار احساس سربلندی می‌کند و علمای جمع نیز از اینکه جمله زیبای محمد اسماعیل را به یاد وی و آنها آورده‌ام، با احترام به محمد اسماعیل نگاه می‌کنند.

پنج‌شنبه چهارم آذر ۱۳۸۹؛ نوزدهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

آخرین میهمان در بعثه

آخرین جلسه دیدار خارجی با رییس بعثه سوریه است. اما «حسان نصرالله» رییس بعثه سوریه گرفتار بیماری و سرم و دارو شده و به همین دلیل، کفیل او آقای «ایمن» و دو نفر دیگر به بعثه می‌آیند. آنها پس از عرض تعارف‌ها، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، بر وجود سابقه روابط استراتژیک ایران با سوریه تأکید می‌کند و برای آقای حسان نصرالله آرزوی سلامتی دارد.

نماینده ولی‌فقیه در این گفت‌وگو، بیشتر از دوستی با سوریه و دشمنی مشترک با اسرائیل و استکبار و توطئه‌های بین‌المللی سخن می‌گوید و درحوزه قدرت خویش از حج و زیارت، بر گسترش روابط و انتقال تجربه‌های طرفین تأکید می‌کند و می‌گوید:

«ایران در حج و عمره تعداد بسیاری حاجی و عمره‌گزار دارد. ما مسافرت‌های بسیار، هفتصد هزار نفری به سوریه داریم که در هر دو حوزه زمینه همکاری وجود دارد و همین‌طور به خاطر مجاورت‌های جغرافیایی، زمینه برگزاری همایش‌های مشترک حج داریم. با توجه به رشد کتاب و فرهنگ در کشور سوریه، ما نیز می‌توانیم در امر کتاب و فرهنگ در کشور شما همکاری داشته باشیم.

حج ظرفیت بالایی برای ایجاد همکاری و مودت بین مسلمانان دارد و ما می‌توانیم

از این ظرفیت برای دفاع از اسلام بهره گیریم، به ویژه، با آغاز شدن دشمنی با اسلام، در آتش زدن قرآن و جایزه دادن به کاریکاتوریست اهانت کننده به پیامبر ﷺ به وسیله صدراعظم آلمان و با تأسف افراد متحجر و تندرو که در این مسیر ابزار دست این جماعت ها شده اند و خوشبختانه رهبری معظم انقلاب اسلامی با فتوای هوشمندانه اش جلوی گسترش این سوء استفاده ها را گرفتند».

در ادامه، دوباره رییس به معرفی همکاران می پردازد. معرفی ها در این جلسه، از آیت الله بوشهری شروع می شود و به من خاتمه می کند.

آقای ایمن، معاون بعثه سوریه در مورد جمهوری اسلامی و مقاومت آن در برابر استکبار جهانی می گوید:

من از حضور در جمع دوستان خودمان متشکرم، و این دوستی جزو شئون ما در سوریه است و اهداف ما در مقاومت علیه استکبار جهانی و نشر دین اسلام، هدفی واحد است. سوریه یکی از اجزای مؤتلف مقاومت با برادران ایرانی است که در دین نبی ﷺ و قرآن و ملت واحد است. ما در سوریه، در وزارت اوقاف و شخص وزیر آقای «دکتر نبیل سلیمان» اراده جدی در تقریب بین مذاهب داریم و این در مورد ایران، بسیار جدی تر است و این چیزی است که شخص رییس جمهور از وزیر اوقاف خواسته است.

حاج ایمن به بیست و پنج هزار حاجی از سوریه و پنج هزار نفر که به عنوان کارگران خارج از سوریه آمده اند، اشاره می کند. همچنین بازگشت مبلغی پول از حاجیان سوریه که به وسیله حجاج ایرانی پیدا شده و به مسئول سوری داده شده بود را دلیل پاکی و نیک سرشتی حجاج ایرانی اظهار می کند.

ایمن از سعودی ها به علت نبود بهداشت و جمع نکردن زباله ها بسیار شاکی و از توهین آنها به حجاج بسیار ناراحت است. دکتر «جباری» که امروز مترجم بعثه است، از

سفرهای گوناگون خود به سی کشور آفریقایی می‌گوید که: «در هیچ کشوری حجم زباله را به اندازه زباله‌های موجود در مکه ندیدم! زباله‌های باقی‌مانده در حدود یک ماه، خود منشأ بسیاری از بیماری‌هاست».

معاونت بین‌الملل در تکانه‌ای شفاهی

در یک فرصت پایانی در روزهای پایانی عملیات حج می‌توانم با معاونت بین‌المللی بعثه گفت‌وگو کنم.

دکتر باقری که زمانی سفیر ایران در کویت، سوریه و ترکیه بوده و شغل معاونت وزارت خارجه را هم بر دوش کشیده، معتقد است که از سربازی به سرداری رسیده و جزو معدود مدیران وزارت خارجه‌ای است که مقام سفیری را داراست؛ مقامی که با طی مراتب اداری به آن دست یافته است. او می‌گوید تنها ۵ نفر در ایران به این مقام رسیده‌اند؛ چه اینکه بسیاری از سفرا، مدیران بخش‌های دیگری از مدیریت در کشور بوده‌اند و در دوره‌ای محدود سفارت کرده و به جای خود باز می‌گردند.

باقری که در گذشته، دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه تهران بوده، از نظم حساب‌شده در وزارت خارجه می‌گوید و به سابقه چهارساله هیئت‌داری خود در مسجد اشاره می‌کند و اینکه، با محیط تبلیغی طلبگی و روحانیت به‌طور کامل آشناست. باوجود این قرار گرفتن باقری در محیطی که بیشتر کار در آن به صورت دلی و هیئتی، ممکن است پیش برود و نظم و کاراکتر سازمان یافته‌ای همچون وزارت خارجه را ندارد، کمی نا‌مأنوس و برای ایشان مانند شناکردن در رودخانه‌ای ناهماهنگ است.

باقری از سخت‌گیری بسیار در انتخاب همکاران خود در معاونت بین‌الملل می‌گوید: «طلاب فاضل، استادان دانشگاه و آشنایان به یک یا دو زبان خارجه با امتحان‌هایی بسیار سخت و متعدد و ارزیابی‌های پیچیده در تحلیل شخصیت و دانش

در حوزه‌های علوم دینی و عقیدتی و سیاسی همراه است». این دسته از همکاران باقری کسانی هستند که به سؤال‌های مسلمانان کشورهای گوناگون درباره تشیع، ایران، انقلاب اسلامی و مسائل بین‌المللی پاسخ می‌دهند و در صورت پیچیدگی سؤال‌ها به هیئت علمی معاونت بین‌المللی ارجاع داده می‌شوند تا پاسخ بهتر و جامع‌تری را دریافت کنند.

تبلیغات ناجوان‌مردانه وهابیت و عکس‌العمل در برابر آن

با تأسف تبلیغات گسترده ضدشیعی و ضد ایرانی در عربستان سبب شده که مسلمانان بسیاری به دنبال پاسخ برای سؤال‌هایی باشند که خود سعودی‌ها طرح می‌کنند؛ چه اینکه مسلمانان حج‌گزاران که به مکه و مدینه می‌آیند، انسان‌هایی نیستند که به آسانی بشود با گذاشتن دو نفر مبلغ کج‌زبان و سطحی‌اندیش در بقیع و ادعا در مورد برداشت‌های تکراری و بسیار سطحی از چند روایتی که در مورد درستی استناد آن تردیدهای قطعی و مسلمی وجود دارد، عقیده خود را تغییر دهند و بدون تحقیق، تسلیم تبلیغات سعودی‌ها شوند.

کتاب‌هایی که مبلغان اداره امر به معروف و نهی از منکر به‌طور گسترده بین زائران ایرانی و غیر ایرانی توزیع می‌کنند، بیشتر ضد شیعی، بسیار تند و همراه با توهین‌های بسیاری در حق ائمه علیهم‌السلام است.

آخرین دعای کمیل مکه و مراسم شکرگزاری

آخرین دعای کمیل مکه با مراسم شکرگزاری و خداحافظی از بیت‌الله الحرام و شهر مکه به‌عنوان موطن پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همراه است. مراسم در سالن اجتماعات هتل دارهادی و با کمی تأخیر شروع می‌شود و با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در مورد رعایت مسائل اخلاقی و پرهیز از اسراف و سپاس‌گزاری از زحمت و تلاش‌های همکاران و شکرگزاری به محضر خداوند، به خاطر توفیق انجام این زیارت و دعا برای

انجام زیارت‌های دیگر ادامه یافت.

دعای کمیل رنگ و بوی خداحافظی می‌دهد. بیشتر حاجیانی که آمده‌اند، می‌دانند که دیگر نمی‌آیند و این آخرین دیدار عاشقانه و آخرین دیدار از خانه دوست است. بغض‌ها می‌ترکند و اشک‌ها جاری می‌شوند.

زندگی عجب معرکه‌ای است، سال‌ها در انتظار و امید برای رسیدن به خانه دوست به انتظار می‌نشینم و حالا که به اندک وصال رسیده‌ای، باید فراق را تجربه کنی؛ فراقی که آن سویس، اشتیاق رفتن به سوی خانواده و فامیل هم موج می‌زند.

باقری برخلاف تمامی مراسم دعاها، با حالتی ویژه و دلنشین شروع به خواندن دعا می‌کند:

خداحافظ ای بزم یار	خداحافظ ای بیت پروردگار
خداحافظ ای محفل اهل راز	خداحافظ ای قبله‌ام در نماز
خداحافظ ای کوی مطلوب من	خداحافظ ای بیت محبوب من
خداحافظ ای در تو دل منجلی	خداحافظ ای زادگاه علی
خداحافظ ای جان پای بتول	خداحافظ ای سجده‌گاه رسول...

جمعیت در اشک و آه غرق شده‌اند. همه در حالتی از شوق و خوف و رجا می‌گریند.

جمعه پنجم آذر ۱۳۸۹؛ بیستم ذی‌حجه ۱۴۳۱

آخرین جلسه مدیران بعثه و محاجه با هما

امروز جمعه ساعت ۹ صبح است. آخرین جلسه مدیران و مشاوران بعثه با امیرالحاج و نمایندگان شرکت هواپیمایی ایران، «هما» تشکیل می‌شود.

آقای لیالی و معاونانش همگی حضور دارند و قرائت قرآن نیز اشاره به اتمام و خروج از عملیات حج دارد؛ چه اینکه با دعای ورود و خروج صادقانه و یاری خداوند آغاز می‌شود.

﴿وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا﴾ * وَقُلْ

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا * وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا

يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا^۱.

امیرالحاج در ابتدای جلسه از پایان یافتن عملیات حج می‌گوید و از وضعیت

نابسامان پرواز، که در حال تبدیل شدن به یک بحران بسیار مهم است، ابراز نگرانی

می‌کند. ایشان با نگرانی از اینکه این مسئله ممکن است شیرینی حج را به تلخی بدل

کند، می‌گوید: «امروز آقای لیالی به ما توضیح بدهند که طبق قراردادها، چه راهی برای

۱. اسراء: ۸۰ - ۸۲: «و بگو پروردگارا مرا در هر کار، با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز و از سوی خود

حجتی یاری کننده برایم قرار ده. و بگو حق آمد و باطل نابود شد، زیرا باطل نابودشدنی است. و از قرآن، آنچه شفا و

رحمت برای مؤمنان است، نازل می‌کنیم ولی ستمکاران را جز خسران و زیان نمی‌افزاید.»

برخورد با این مشکل وجود دارد و تمامی شرکت‌ها الان چنین وضعیتی دارند و اگر مسافران مدینه هم به این جمع اضافه شوند، مشکل بیشتر خواهد شد».

آقای لیالی می‌گوید:

«اصلی‌ترین موضوع ما، وجود نابسامانی به ترتیب در شرکت وفیر و شرکت هواپیمایی سعودی، شرکت هواپیمایی ماهان و هواپیمایی هماست. ورود دو شرکت وفیر و ماهان، به خاطر بی‌توجهی مسئولان شرکت هما بود؛ چراکه تا یک ماه پیش شرکت هما جدول عملیات ۵۰ درصد پروازها را به سازمان حج نداد. با پی‌گیری‌های بسیار و برگزاری جلسه با حضور آقای «بهبهانی» وزیر راه، منتهی به این شد که در آخرین روزها، بدون هیچ دغدغه‌ای و به راحتی اعلام کردند نمی‌توانیم بیش از ۳۱ درصد از حج‌اج ایران را جابه‌جا کنیم و برای ۱۹ درصد هیچ پاسخی ندادند. وقتی یک سیستم هواپیمایی که باید ۵۰ هزار نفر را جابه‌جا کند، یک نماینده هم در اینجا (عربستان) نداشته و آقای «انبارلویی»، نماینده سابق را برکنار کرده بودند و نداشتن نماینده برای یک شرکت هواپیمایی در اینجا، یعنی یک فاجعه».

به همین خاطر، آقای رسولی محلاتی مجبور شد وارد عمل شود. ۲۵ روز پیش از شروع عملیات حج، هما رسماً اعلام کرد که تنها «۳۱ هزار نفر را جابه‌جا می‌کند». در جلسه‌ای که ما با وزیر راه گذاشتیم، وزیر راه با مدیر عامل ماهان تماس گرفت. مدیر عامل ماهان پذیرفت ۲۵ هزار نفر را از مقطع زمانی ۱۴ ذی حجه تا دوم محرم، جابه‌جا کند. اما با وجود این پذیرش، شرکت ماهان هر روز ملاحظه می‌کرد. در نهایت، بعد از دو هفته توانست برای ده هزار نفر اجازه پرواز بگیرد و به عبارتی، تنها پنج هزار نفر در رفت و پنج هزار نفر در برگشت را جابه‌جا کند و این در حالی است که ما درست یک هفته پیش از شروع پرواز، دست‌کم برای پانزده هزار نفر برنامه پرواز نداریم. در یک هفته ما به سراغ هواپیمایی سعودی رفتیم که شرکت سعودی نپذیرفت و ما به ناچار

رفتیم سراغ شرکت هواپیمایی وفیر.

ما نمایندگان شرکت وفیر را به تهران آوردیم و دو سه روزی نمایندگان شرکت وفیر در ایران ماندند و ما هنوز از هواپیمایی ایران و عربستان مجوز پرواز نگرفتیم. با وجود این و در آستانه شروع عملیات حج، از شرکت هما، هواپیمایی ایران حتی نپرسیدند که شما با ۵۰ درصد بقیه زائران چه کردید؟ یا با ۱۹ هزار نفر مسافر دیگر چه می‌خواهید بکنید؟

شرکت هواپیمایی وفیر هم ابتدا اعلام کرد که آماده نیستیم. خلاصه با کلی امتیاز و تحویل گرفتن از سوی ما، در نهایت پذیرفت که ۱۵ هزار زائر را جابه‌جا کند. شرکت وفیر در، عملیات رفت به سوی مدینه و جده خوب کار کرد و خود من و حاج آقای قاضی عسکر هم با هواپیمای شرکت وفیر آمدیم و البته هما هم در این میان شروع به باج خواهی کرد. البته شرکت وفیر بار سنگین بر جای مانده جابه‌جایی حجاج به مدینه و جده را به‌خوبی به دوش کشید و زائران را جابه‌جا کرد و تنها در پرواز رفت، فقط دو مورد اشتباه اتفاق افتاد که آن هم در حد جابه‌جایی و تأخیر چند ساعته پرواز و دیگر مشکلی نداشت.

شرکت هما در رفت، روزانه شش پرواز داشت. اما در عملیات برگشت، روزانه فقط برای دو پرواز اجازه گرفت و اگر به همان جدول اکتفا می‌کردیم، زائر باید بیش از ۴۰ تا ۴۵ روز در اینجا می‌ماند.

دوباره با وفیر مذاکره کردیم. ما که در رفت کسری اسلت پروازهای هما را با پرواز وفیر جبران کردیم و این پروازها را تنظیم کردیم، ولی در عملیات برگشت، وفیر به عملیات‌ها و تعهدهای پذیرفته شده خود عمل نکرد. مشکل آنجایی بیشتر شد که شرکت هواپیمایی سعودی نیز در این میان، به قراردادهای خودی عمل نکرد.

ما یک شب نمایندگان وفیر را محترمانه اینجا تا صبح نگه داشتیم و قرار شد دوباره برنامه را تنظیم کنیم. ولی باز بروز اشکال‌ها در جدول پروازها شروع شد. دو جلسه با

وزیر حج عربستان گذاشته و با او صحبت کردیم که وزیر حج به شرکت وفیر تکلیف کرد که اجازه پرواز به هیچ کشوری جز ایران را ندارد و در حال حاضر، بر اساس این دستور، روزانه چهار پرواز به راه افتادند. یکی دیگر از عوامل بروز اشکال، به گفته وزیر حج عربستان این است که امسال سه میلیون حاجی به عربستان آمده‌اند و به همین خاطر، شرایط سختی ایجاد شده است.

مشکل دیگر، سبک مدیریت در شرکت‌ها و روش توزیع بلیط است؛ زیرا در گذشته، بلیط زائر را دست مدیر کاروان می‌دادند. ولی در حال حاضر، زائر باید به فرودگاه برود و در آخرین لحظه از هما بلیط بگیرد و در مسئله جابه‌جایی بار هم به شدت زائر را اذیت می‌کنند و جالب اینکه نماینده هما در عربستان کسی است که مهلت ویزای او تمام شده و نمی‌تواند از خانه بیرون بیاید و نماینده هما برای حل مشکل زائران نمی‌تواند به فرودگاه برود.

زائران کشورهای دیگر هم گرفتار این مشکل هستند. با وجود این، برای کاهش آسیب‌های روحی ناشی از این وضعیت، ما یک هتل ۴۵۰ نفره در جده و یک هتل ۴۵۰ نفره در مدینه کرایه کردیم و وقتی مطمئن شدیم که یک پرواز قطعی شد، زائر را به فرودگاه می‌آوریم.

ما پس از کسب اطمینان از تحویل سالن، زائر را به فرودگاه جده می‌بریم که حضور زائر در فرودگاه را کمتر کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر پرسید: «قراردادها با شرکت هواپیمایی وفیر، به‌طور مستقیم با خود شماست یا با شرکت هواپیمایی هماست؟». لیالی پاسخ می‌دهد: «قراردادها با خود ماست و ما در پایان عملیات با آنها برخورد می‌کنیم. ما اکنون بر مشکلات وفیر غلبه کردیم. اجازه دهید تا با مدارا، عملیات انتقال و جابه‌جایی کاملاً انجام شود و در ایران در برخورد با هر چهار شرکت کار داریم. تعهدهای ما با شرکت

و فیر دقیقاً شبیه عملیات و قیمت شرکت سعودی در شرایط عادی است. تعهدهای متقابل فیما بین ما هم مانند شرکت سعودی است و ما در تسویه حساب، همه چیز را حساب خواهیم کرد و تمامی حق تأخیرها را خواهیم گرفت».

آقای لیالی بسیار عصبانی است. هرچند که صبور و تو دار است، اما به ظاهر در این ماجرا فشار بسیاری را تحمل کرده که چنین عصبانی شده است. هرچند که آقای «رضانیا» یکی از مشاوران او می گوید: «او در این جلسه بسیار کوتاه آمده و با انواع ایرادهایی که به مدیریت شرکت هما گرفته، بسیار ملاحظه کرده است».

نماینده ولی فقیه، این بار خطاب به آقای «ابراهیمی»، نماینده هما از او در برابر ایرادها و مطالب آقای لیالی، توضیح می خواهد. ابراهیمی نیز این گونه توضیح می دهد که:

«در جلسه، وزیر حج عربستان اعلام کردند که همه بعثه‌ها اول باید بلیط رفت و برگشت بگیرند و سپس خانه اجاره کنند. وقتی ما به این دستور اعتراض کردیم، سعودی‌ها اعلام کردند که برابر سهمیه بندی عمل می کنند.

در بخش فرودگاه باید بگویم که ما در ایران هفده فرودگاه داریم که آقایان دیده اند. اما در عربستان فقط یک فرودگاه است. بهتر است که مجموع وضعیت‌ها را ملاحظه کنند. در این میان، سازمان هواپیمایی عربستان با تأسف، به تعهدهای خود در برابر سازمان هواپیمایی کشور ایران عمل نکرده و ما هم یک شرکت هستیم و اختیارات چندانی در الزام دیگران به انجام تعهدهای خود نداریم.

فرودگاه مدینه، مجوز پروازی شصت پرواز را داشت. اکنون ۲۵ مجوز پرواز دارد؛ چراکه برای تعمیر و بهسازی، دو سالن آن تخریب شده است».

ابراهیمی که سعی دارد بحث را از مسئولیت هما منحرف کند، وارد بحث‌های رقابتی شرکت‌های هواپیمایی می شود.

در این هنگام، حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر سخنان او را قطع می‌کند و می‌گوید: «آن بخش بحث‌ها بماند برای ایران، حالا چه باید کرد؟».

ابراهیمی به بحث‌های فنی مربوط به ارسال فکس در فرودگاه جده اشاره می‌کنند و می‌گوید: «اکنون سازمان حج می‌گوید باید حاجی در هتل باشد در سالن نیاید. خوب سالن را از ما پس می‌گیرند و زائر با این برنامه دیر به سالن می‌آید و در سالن نهایی هم با تأسف، ریزترین وسایل را چک می‌کنند. همین‌ها سبب تأخیر و معطلی است».

ابراهیمی می‌گوید: «ما مدعی هستیم تمامی پروازهای هما دقیق بود، جز یک پرواز و مشکل سالن و فرودگاه فقط مربوط به ما نیست. شرکت‌های دیگر هم همین‌طور گرفتار هستند. در بحث تفتیش، مسئله مجوز عدم تفتیش را هم دولتی به دولت و شرکت مورد نظر خود می‌دهد ولی امسال دولت سعودی و وزارت کشور مجوز عدم تفتیش را به ما ندادند و حالا باید زائر شش ساعت پیش از پرواز در فرودگاه باشد».

ابراهیمی در پاسخ به سؤال حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر که اگر این تأخیر بیش از ۶ ساعت باشد، چه باید کرد، هیچ پاسخ درستی ارائه نمی‌دهد.

در این میان، لیالی از فرصت استفاده می‌کند و می‌گوید: «ما تا مطمئن نباشیم که سالن به روی زائر باز نباشد، نمی‌توانیم زائر را در فرودگاه پیاده کنیم. اگر ابراهیمی به ما اطمینان دهد که ظرف شش ساعت قبل از پرواز عمل کند، ما سر ساعت حجاج را به فرودگاه می‌آوریم. اما اگر این زوار در فرودگاه معطل بمانند، به زمین و زمان بد خواهند گفت».

قاضی عسکر از موضوع صدور بلیط در فرودگاه می‌پرسد که چرا صدور بلیط در فرودگاه با تأخیر بسیاری همراه است؟ ابراهیمی هم پاسخ می‌دهد: «این به دلیل اطمینان از ورود کاروان است. ولی در مواردی حجاج با تأخیر آمدند و ما حاضریم مدیر کاروان بیاید مکه، اینجا بلیط بگیرد و ما دفتر جده را تعطیل می‌کنیم».

اما لیالی آن را ناشی از تلاش برای فرار از مسئولیت می‌داند و می‌گوید: «دادن بلیط در مکه، سبب فراغت خاطر و رفع مشکل خواهد شد و البته شما حق ندارید دفتر جده را تعطیل کنید و شما می‌بایست در فرودگاه جده، به‌عنوان شرکت ملی هواپیمایی نماینده داشته باشید و پاسخگو باشید».

امیرالحاج نتیجه می‌گیرد که نمایندگی جده باید بماند و نماینده شما باید حضور داشته باشد، نه اینکه در خانه گرفتار ویزای خود باشد و شما باید مشکل را حل کنید. در این بین، یکی از همکاران لیالی یادداشتی را برای او می‌آورد. چهره برافروخته لیالی کمی باز می‌شود؛ لبخند می‌زند و بی‌درنگ خطاب به اعضا می‌گوید: «طی گزارشی که اکنون به من دادند، با چهار پرواز هماهنگ شرکت وفیر تأخیر پروازهای وفیر در حال جبران است و این پروازها امروز انجام می‌شود و پس از این، پروازهای وفیر عادی می‌شود».

در این میان، هشدار دکتر فلاح زاده به مسئله فشار مطبوعاتی در رسانه‌ها از روز شنبه است و ابراز خشنودی از اینکه در ایران خوشبختانه روزنامه‌ها در این دو روز تعطیل هست و اگر در این دو روز مشکل حل نشود، شنبه مطبوعات همه تلاش‌های حج آرام امسال را بر باد خواهند داد.

حاج آقای قاضی عسکر بحث سرعت تخلیه بار و تغذیه حجاج را مطرح می‌کند و می‌گوید: «در صورت ماندن در قسمت ترانزیت، دستور بدهید که از همان داخل فرودگاه غذا تهیه کنند و مدیران از حساب سازمان خرید کنند و بعد در ایران تسویه کنید و این را در سالن ترانزیت هم حل کنید و برای تکریم زائر از هیچ چیزی نباید کم کرد».

قسمت بار هواپیماها مشکل جدیدی است که در حج امسال مطرح شده است؛ چون بعضی از هواپیماهای کوچک جای بار چندانی ندارند و بعضی فرودگاه‌ها مانند فرودگاه «گرگان» ظرفیت هواپیمای بزرگی را ندارند به همین خاطر، هواپیماهای

کوچک نمی‌توانند بار را با حجاج حمل کنند که این مسئله در دسر جدیدی درست کرده است؛ زیرا حاجیان در فرودگاه‌ها باید منتظر رسیدن بار و سوغات خود باشند.

فوت‌های با اجازه

بحث بار و مسافران فروکش می‌کند و دکتر «خردمند»، مسئول مرکز پزشکی مکه درباره کارگروه خود می‌گوید:

آمار فوتی‌های با اجازه، که بیمارهایی هستند که در بیمارستان از دنیا رفته‌اند اما فوتی‌های بی‌اجازه کسانی هستند که در خیابان یا در سعی صفا و مروه از دنیا رفته‌اند، در سال ۱۳۸۷ این رقم ۳۱ نفر بوده، اما حالا ۴۱ فوتی داریم.

تعریف فوتی با اجازه و بی‌اجازه تعریف شنیدنی است که یادمان باشد خیلی بی‌اجازه نمیریم.

موفقیت بزرگ مرکز پزشکی حج

دکتر خردمند می‌گوید: «در حج جاری، ما در مسئله بیماری‌های عفونی، نه تنها مشکل نداریم، بلکه حتی یک مورد ثابت شده بیمار عفونی نداریم». اصحاب جلسه گفتند این موفقیت را در مصاحبه اعلام کنند. با وجود این همه از خبرگزاری «ایرانا» ناراحت بودند؛ زیرا خبرنگار ایرانا در مورد بیماری‌ها و ملاقات با حجاج، همان خبر سال گذشته را عیناً منعکس کرد که در آن، توصیه شده بود تا یک هفته به ملاقات حجاج نروند و این سبب نگرانی بسیاری شده است.

دکتر خردمند به نکته مهمی اشاره می‌کند که: «ما باید در زنجیره غذایی، همه عوامل خارجی و کارگران خارجی را از زنجیره پخت و تهیه غذا حذف کنیم. یکی از دلایل حفظ بهداشت امسال، همین وضعیت حفظ زنجیره غذایی از دسترس خارجی‌ها بوده است».

دکتر خردمند در مورد کاروان‌های خارج از کشور، بسیار گله‌مند بود که بسیار کثیف بوده و پزشک نداشتند یا در کشور معاینه نشده بودند که باید در مورد آنها دقت شود. نماینده ولی فقیه در آخر از همه تشکر می‌کند و می‌گوید: «امسال حج بسیار مطلوب و آرامی برگزار شده و همه کمک کرده‌اند و کارهای بهتری انجام شده و تحولات خوبی رخ داده است. از این رو، تلخی روزهای آخر نباید سبب نادیده گرفتن تلاش‌های دوستان شود».

حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، آخرین توصیه مدیریتی خود را با بحث نقدپذیری پایان می‌دهد که: «ما باید به سمت نقد و اصلاح پذیری برویم و البته دیگران هم مشکلاتی داشتند که تنها مربوط به ما نیست».

شنبه ششم آذر ۱۳۸۹؛ بیست و یکم ذی حجه ۱۴۳۱

بازگشت امیرالحاج به کشور

با پایان یافتن عملیات حج و بازگشت بسیاری از علما و شخصیت‌های بعثه، حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر هم باید به ایران باز گردد. با ایشان و بقیه معاونانش خداحافظی می‌کنم و از اعتمادی که به من داشته‌اند و فرصت مبسوطی که در اختیارم گذاشته‌اند، سپاس‌گزاری می‌کنم.

می‌دانم کار گسترده‌ای را باید انجام دهم. با انتظاری که از خودم دارم و آن را ایجاد کرده‌ام. می‌دانم راهی بسیار سخت در پیش دارم. همه چیز را باید خود بنویسم. امیدوارم بتوانم از پس این اعتماد برآیم، به ویژه آنکه می‌دانم حجت‌الاسلام والمسلمین قاضی عسکر هم نویسنده‌ای چیره‌دست و منتقدی سخت‌گیر است. با رفتن امیرالحاج، دو سه روزی سرم خلوت‌تر می‌شود و به نوشته‌هایم می‌پردازم. هرچه می‌نویسم، تمامی ندارد.

یکشنبه هفته آذر ۱۳۸۹؛ بیست و دوم ذی‌حجه ۱۴۳۱

فرصتی برای تنفس در زیارت

از فرصت اندکی که در روزهای آخر دارم، استفاده می‌کنم و به زیارت و یک عمره مستحبی برای پدرم می‌روم و از بعضی از اماکن؛ مانند: «غار ثور» و «حرا» و «مسجد امام صادق علیه السلام» دیدن می‌کنم.

از منطقه «عزیزیه»، «حوض البقر» و «محبس الجن» دیدار می‌کنم. مناطق بسیار جالبی بودند، به ویژه اینکه آقای عسکری از «نهر زبیده» و برنامه جابه‌جایی آب به دست همسر «هارون الرشید» در سال ۱۸۳ ق می‌گوید که با هزینه دو میلیون مثقال طلا و حفر ۳۶ کیلومتر کانال، آب را از «چشمه حنین» به عرفات رساند و دیوار سفید باقی مانده از همان نهر قدیمی زبیده است که آب را پس از عرفات، به مشعر هدایت کرده و وارد منا می‌کند.

منطقه «دانشگاه ام‌القری» در گذشته، محل همان حوض البقر و به عبارتی محل آب‌خوری گاوها بوده است و معروف است که «طنطاوی» یکی از علمای مصری که به دیدار این دانشگاه آمده بود، به شوخی از باقی ماندن «حوض البقر» در سر جای خود سخن گفته بود.

از غار ثور و جبل‌النور، غار حرا، «مسجد خیف» و «مسجد کبش» نیز دیدار کردیم.

البته از تخریب «مسجد کوثر» که محل نزول «سوره کوثر» بوده نیز بسیار متأثر شدیم. منطقه «معیصم» کشتارگاه قربانی‌ها بود. اما در سال ۱۳۷۶ با تلاش ایران، کشتارگاه مجهزی ساخته شد، و گرنه در گذشته اوضاع بسیار نامرتبی در هنگام قربانی پیش می‌آمد.

«مسجد نافه» نیز نشان از محل قربانی کردن «عبدالله» پدر پیامبر ﷺ و فرزند عبدالمطلب و قرعه زدن‌های مکرر به نام عبدالله و در نهایت صد شتر دارد و بر همین اساس، معیار دیه هر انسان صد شتر شده است.

«مسجد الدجانه» محل دیدار حضرت رسول ﷺ و حضرت خدیجه رضی الله عنها و مسجد «استراحة»، محل استراحت پیامبر ﷺ در حجة الوداع بوده است.

از همه اینها غم‌انگیزتر «مسجد محله جعفریه» است که امام صادق رضی الله عنه دو سال به آن محله تبعید شده بود. «شعب ابی دب» یا «پل حجون» هم محل قتلگاه حجاج جمعه خونین مکه است. ۴۰۰ نفر از حاجیان ایرانی در سال ۱۳۶۶ در این مکان به شهادت رسیدند.

«مسجد جن»، محل نزول «سوره جن» است. هفت تن از جنیان به پیامبر ﷺ ایمان آوردند و برخی از آنها از پیامبر ﷺ در اینجا، که منزل «معظم بن عدی» بود، تقاضای معجزه کردند و پیامبر ﷺ یک درخت خشکیده را سبز کرد و درخت به نزد پیامبر ﷺ آمد.

دیدارهای همراه آقای عسکری، جان تازه‌ای به سفر ما داد و مرا دو روزی از فشار سنگین کارها سبک کرد و فرصت نوشتن را بهتر برایم فراهم آورد.

سه‌شنبه نهم آذر ۱۳۸۹؛ بیست و چهارم ذی‌حجه ۱۴۳۱

آخرین همایش اهل سنت در قصرالدخیل مدینه

آخرین همایش برادران حاجی اهل سنت در بیست و چهارم ذی‌حجه، در بعثه مقام معظم رهبری با حضور جمعی از کاروان‌های اهل تسنن و روحانیون آنها برگزار شد. در این همایش آیت‌الله استادی در تجزیه و تحلیل نقاط مشترک تشیع و تسنن سخن می‌گوید.

آقای استادی از شیوه‌های گوناگون پیامبر ﷺ در دعوت مردم به اسلام می‌گوید که یکی از شیوه‌های توسعه اسلام، مباحله بوده است. امروز هم که بیست و چهارم ذی‌حجه و روز «مباحله» است، به معرفی کتاب‌هایی پرداخت که درباره مباحله و عظمت اصحاب مباحله و به عبارتی، حضرت رسول ﷺ، امام علی و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام نگارش یافته‌اند و این نکته بسیار مهم را هم بیان کرد که تمامی منابع اهل تسنن، به مسئله مباحله اشاره داشته‌اند و بر شرکت همین چند نفر در مباحله، اشتراک نظر دارند. آیت‌الله استادی، استاد کتاب‌شناسی و سخنرانی با ارجاع‌های دقیق است و به همین دلیل، جایی برای تردید در نقل‌های ایشان وجود ندارد.

آیت‌الله استادی، بر درک لحظه‌های روزهای آخر سفر معنوی حج تأکید می‌کند و به قرائت بیشتر قرآن و خواندن دعا برای حفظ نتایج سفر، هدایت و آمرزش گناهان و دعا برای فرزندان و پدر و مادر توصیه می‌کند.

«مولوی چابهارى» و هم‌بستگی در سایه توحید و قرآن

مولوی چابهارى، امام جمعه اهل تسنن «چاه بهار» نیز شروع به سخنرانی می‌کند. او با خواندن سوره «توحید» و آیه صلوات بر پیامبر ﷺ، از توحید خداوند و دوستی پیامبر ﷺ سخن به میان می‌آورد.

هرکس که بود او را زبان صدق ممدوح محمد و آل محمد است

مردم هزار مقصد دارند در جهان مقصود ما محمد و آل محمد است

مولوی بحث وحدت را در سایه قرآن و توحید کلمه را در چهارچوب کلمه توحید - که نماد آن را در قرآن، سوره «اخلاص» می‌داند - ذکر می‌کند و می‌گوید که مسلمان‌ها نیز طبق فقه قرآن و سنت عمل می‌کنند و اینکه خلاصه احکام این است که چه جنبه سلبی و چه جنبه ایجابی آن، در مسیر همبستگی است. در احکام معاملات و روابط انسانی، چه آنها که منع شده‌ایم و چه نشده‌ایم را وقتی تحلیل کنیم، مشخص می‌شود که راه ایجاد اختلاف منع شده است. غیبت و پشت‌گویی و تهمت منع شده است؛ زیرا همه اینها سبب اختلاف و تفرقه بین مسلمانان می‌شود و مانع همبستگی اسلامی بین مسلمانان است.

لحظه‌های دعا هرچند تکراری است، اما هرکدام خود موضوعیتی جداگانه دارد. صدای قرائت قرآن با لطافت در گوش می‌پیچد. نمی‌دانم انسان گرفتار گناه و محتاج، در برابر این خطاب الهی چه خواهد کرد؟

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * وَانبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾^۱

۱. زمر: ۵۳ و ۵۴؛ «بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید».

خدایا! آیا می‌توانیم پیش از رسیدن عذاب، برای همیشه به تو پناه آوریم؟ خدایا! آیا می‌توانیم از بار سنگین گناہانی که بر دوش داریم، رهایی پیدا کنیم.

خدایا! آیا می‌توانیم باور کنیم که همیشه و در همه لحظه‌ها به تو محتاج هستیم و این احتیاج همیشگی را درک کنیم؟ آیا می‌توانیم در این دنیای پر هیاهو باور کنیم بنده‌ات هستیم؟

در این همه لطف حضرت دوست، مستغرق هستیم که صدای مداح را می‌شنوم:

«زنم فریاد تا مردم بدانند بر این آلوده اینجا راه دادند»

سفره میهمانی رسول الله ﷺ در حال جمع شدن است. همه حاضران میهمان هستند. سخن از کلام امیر مؤمنان علیه السلام است که بزرگ امام این جمعیت است؛ امام که گفت و گویش با خداوند، هم‌اینک ورد زبان این مردم است؛ کلامی که مانند آن در هیچ فرهنگ و دین و فرقه‌ای یافت نمی‌شود.

مپرس از من چه بودم یا چه هستم؟ یا چه کردم من؟	سرا پا ناله و فریاد و سوز و آه دردم من
چگونه از مدینه دست‌خالی بازگردم من؟	گنہکارم گنہکارم، خدایا از تو می‌پرسم
برای خاطر زهر قبولم کن، قبولم کن	الهی هرچه هستم خاک اولاد رسولم کن
بدم اما کنار چهار قبر بی‌چراغ من	اگر خوارم ولیکن همدم گل‌های باغم من
نفس‌های مرا در شهر زهرا شعله دل کن	الهی اشک چشمم را به خاک این حرم گل کن

آه وداع از سینه میهمان‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برمی‌خیزد. همه به یاد حضرت زینب علیها السلام و ام‌کلثوم علیها السلام در پی جنازه مادر هستند. خداحافظی همراه با احترام زینب علیها السلام در مدینه، هنگام رفتن از مدینه و روزی که زینب با جنازه امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا خداحافظی می‌کند و تنهایی او، وداع آتشین و غربت در میان دشمنان بی‌رحم و بی‌عاطفه، با جمعی زن و کودک زخمی و آسیب‌دیده و اسیر در دست دشمن اموی نیز یادآور می‌شود.

حسین! برخیز ببین زینب محرمی ندارد.

عباس! برخیز خواهرت را به اسارت بردند.

یادآوری کلمات «شیخ نجم‌الدین»

در این هنگام، کلام «شیخ نجم‌الدین طبری» را در نشست علمای سنت در مکه به یاد آوردم که وقتی «شیخ عباس قمی رحمته‌الله» از مرحوم «آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی» درباره علت تقدم زیارت امام حسین علیه‌السلام در مکه پرسیدند، بزرگ‌مرجع شیعه فرمود: «چون حسین علیه‌السلام در مکه صاحب خانه بود و صاحبخانه را از خانه‌اش بیرون کردند». «الهي بالعيون الباكيات، الهي بالدموع الجاريات»؛ «خدایا! به چشم‌های گریان و به اشک‌های در جریان».

انضباط در بهترین شکل

به فضای دعای کمیل مدینه برمی‌گردم. جمعیت در انضباط به دعا گوش می‌دهند: «اللهم إني أسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء...» در راه چهره چند مأمور سعودی را می‌بینم که تحت تأثیر واژه‌های دعا هستند. چشمان آنها، حکایت از اوضاع و احوال درون آنها دارد.

«اللهم إني أسئلك سؤال خاضع متذلّل خاشع أن تسأخني وترحمني»

علاوه بر ننگبان‌هایی که در اطراف چهار سوی جمعیت ایستاده‌اند، حتی بالای هتل‌های اطراف نیز دوربین گذاشته و جمعیت را تحت کنترل دارند.

«ظلمت نفسي، ظلمت نفسي، ظلمت نفسي»

خدایا! من چقدر بیچاره‌ام. در حالی که، همه به درون خود می‌نگرند و با خدا تسویه می‌کنند، مرا به دنبال ترازو فرستاده‌اند و باید به جای بهره‌گیری از این سفره پر نعمت،

گزارش بنویسم؛ مانند بسیاری دیگر که رنجورند تا مواظب اطراف باشند، اما نتوانستند لحظه‌هایی در رابطه خود با خداوند و یادآوری گرفتاری‌های خود عمیق شوند.

«اللهم عظم بلائي و افرط بي سوء حالي و قصرت بي أعمالي و قعدت بي أغلالي و حبسني عن نفعي بعد آمالي و خدعتني الدنيا بغرورها»

نمی‌دانم امشب چرا دعای قاری این قدر لطیف شده است. نکته‌های تأکیدی در عبارات‌ها را به خوبی بیان می‌کند و هرچند «فلک الحجة» را مطابق مشهور ایرانیان «فلک الحمد» می‌خواند.

«الهي وربّي من لي غيرك»؛ «خدایا غیر از تو که را دارم». به چه کسی می‌توانم پناه ببرم؟ و خدایا! به ضعف بدنم، به نازکی پوستم و شکنندگی استخوانم رحم آور. ای کسی که اول بار مرا آفریدی.

اواخر دعا با سرعت بیشتری خوانده می‌شود؛ چه اینکه باید برنامه در محدوده زمانی یک ساعته پایان یابد. کلام حضرت علی عليه السلام آن قدر جذابیت دارد که حتی وقتی با سرعت هم خوانده می‌شود، لطایف آن قابل فهم است.

وقتی این شعرها خوانده می‌شود، باید باور کنی که آخرین دعای کمیل هم تمام شده است.

ای مدینه خدانگهدارت	منم بوی عطر گلزارت
خانه فاطمه خداحافظ	ای بهشت همه خداحافظ
دسته گل‌های زیر خاک بقیع	لاله‌های بهشت پاک بقیع
مادر داغ‌دیده عباس	همسر باوفای خیرالناس
دل خود را گذاشتم اینجا	باشما انسس داشتم اینجا

نگاه‌ها و گریه‌های آخرین است و سفره زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال جمع شدن است.

خداحافظ، خداحافظ تو ای شهر رسول‌الله	خداحافظ، خداحافظ، خداحافظ حبیب‌الله، نبی‌الله
خداحافظ، خداحافظ ستون توبه و منبر	خداحافظ، خداحافظ تو ای محراب پیغمبر
خداحافظ، خداحافظ تو ای دخت رسول‌الله	خداحافظ، خداحافظ تو ای سبط رسول‌الله

روزهای آخر ماه ذی‌حجه است و بوی محرم در مدینه آمده است. خداحافظی‌ها این‌بار همه را به یاد زینب علیها السلام انداخت و صدای هق‌هق همه هنگامی برخاست که مداح گفت: «حسین علیه السلام زینب را به شام می‌برند».

یا آن‌گاه که می‌گوید:

ای مصحف ورق و ورق، ای روح پیکرم	آیا تویی برادر من، نیست باورم
دیگر کنار پیکر پاکت چه‌ها گذشت	کین خاک هنوز می‌دهد بوی مادرم
چون چاره نیست می‌روم و می‌گذارم	ای پاره پاره تن به خدا می‌سپارم

پایان دعاست و صدای العفو همه برخاسته است. اختتامیه دعا با صدای لطیف و آرام آیت‌الله استادی و خواندن آیه: ﴿أَمِنْ حُجِيبِ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ﴾^۱ و طلب رحمت از ارحم الراحمین و درخواست فرج امام عصر علیه السلام و دعا برای مسلمانان در همه سرزمین‌های اسلامی برگزار می‌شود.

دعاهای آیت‌الله استادی بیشتر در حوزه سرنوشت سیاسی مسلمین به زبان عربی بود و دعای انفسی و خانواده به زبان فارسی ادا شد.

ختم دعا، به زبان فارسی و عربی اعلام می‌شود. من بر روی پایه سنگی یکی از ستون‌ها می‌نشینم. از مأموران نیروی انتظامی شهر مدینه قدردانی می‌شود. جمعیت به حرکت در می‌آیند؛ بعضی به نماز می‌ایستند و برخی مشغول تمیزکردن محیط هستند. حتی دانه‌های پوست تنقلات که شاید پیش از دعا افتاده است را جمع می‌کنند. آنها با علاقه بسیار می‌خواهند نظم و تمیزی خود را نشان دهند. آخرین مرحله از این

داستان معنوی و دیدنی در میدان برگزاری دعا، جمع‌آوری سیستم برق است. در این هنگام، یک مرد عرب را می‌بینیم که هنوز در حال فیلم‌برداری است. آخرین عکس‌های یادگاری نیز به وسیله زائران حاجی شده در اطراف مسجدالنبی ﷺ و محوطه برگزاری دعا گرفته می‌شود.

میهمان الجزایری بعثه

عصر جمعه آیت‌الله استادی در دفتر فرهنگی حضور دارد و تقریباً تنهاست. همه همکاران بعثه یکی یکی رفته‌اند یا در حال خداحافظی و جمع کردن وسایل هستند؛ تا آنجا که در رستوران بعثه فقط یک ردیف صندلی برای غذا خوردن چیده می‌شود. از کشور الجزایر میهمانی آمده و آیت‌الله استادی از آنها استقبال می‌کند. چهره‌ها گشاده و دوستی ایمانی دو طرف، فضای گرمی را بر محیط خلوت حاکم می‌کند. کسی برای پذیرایی نبود. از این رو، به سرعت وسایل پذیرایی را می‌آورم و اصحاب خدمات را از آمدن میهمان مطلع می‌کنم.

بحث خاصی در نمی‌گیرد. میهمان الجزایری که از علمای الجزایر است، به دیدار آمده و یکی دو جلد کتاب هم در ضمن گفت‌وگو مورد مطالبه میهمان الجزایری بوده است.

خطر در پی خطر

بعد از ظهر با خانواده و جمعی از هم‌سفران آنها برای زیارت مساجد سبعه در منطقه «خندق» می‌رویم. من برای آنها نقش راهنما را داشتم. منطقه به شدت در حال تغییر است. مساجد قدیمی، به ویژه مسجد امام علی ع و مسجد حضرت فاطمه ع محصور و در حال خراب‌شدن است و مسجد جدید «عمر بن خطاب» را که از سال‌ها پیش می‌ساختند، به شدت گسترش داده‌اند.

در اینجا کتاب‌های گوناگونی به زبان فارسی توزیع می‌شود که یکی از آنها، با تیتراژ

«هدایت جوانان شیعه» به شبهه افکنی‌های گوناگون در مورد تشیع می‌پردازد و جالب اینکه با نقد یا طعن، شش نفر از صحابه که عبارت‌اند از: ابوبکر، عمر، عثمان، حضرت علی علیه السلام، طلحه، زبیر، معاویه و عمرو عاص را از صحابه کبار معرفی می‌کند.

با تعجب می‌پرسم آیا معاویه کنار جناب ابوبکر قرار می‌گیرد؟

کتاب‌فروش امر به معروف پاسخم را نمی‌دهد و به هم‌دیگر نگاه می‌کنند. کتاب‌هدایی آنها را گرفتم و به داخل «مسجد سلمان» رفتم. پس از نماز، تورق کردم و دیدم فتوایی از یکی از فقها آمده که طعن یا توهین به این چند نفر را مشمول حد و مجازات دانسته است.

به سرعت خودم را جمع‌وجور کرده و از راه دیگری خود را به تاکسی می‌رسانم؛ چه اینکه این آقایان ممکن است سؤال پرسیدن را به نام طعن و توهین تلقی کنند. پس ترجیح می‌دهم دوباره با آنها روبه‌رو نشوم.

یکشنبه چهاردهم آذر ۱۳۸۹؛ بیست و نهم ذی‌حجه ۱۴۳۱

دیدار از «مسجد عمروی»

مسجد عمروی در بین حجاج ایرانی به‌عنوان یکی از مکان‌های دیدنی و همچنین محلی برای خواندن نماز، مشهور است. این مسجد، به باغ خرماي آیت‌الله عمروی اشاره دارد. روزی در میانه آن، ساختمانی قدیمی وجود داشت و حدود چهل سال پیش، مستقف و کف آن از حصیر پوشانده شده بود. شیخ عمروی که خود هم اینک بالای صد سال عمر دارد، از علمای مظلوم شیعه است که بارها دستگیر شده و به زندان افتاده است. ولی با وجود همه سختی‌هایی که تحمل کرده، همچنان چراغ شیعه را در مدینه روشن نگه داشته و به همین خاطر، بسیار مورد احترام همه شیعیان است. بازگو کردن شرایط سخت جامعه وهابی‌زده مدینه و تحمیل سختی‌ها بر شیعیان در این مجال نمی‌گنجد. اما باید بگوییم که مدینه به شدت در تصاحب وهابیت است و البته در سال‌های پیش از ظهور وهابیت، عثمانی‌ها هم شیعیان مدینه را به شدت تحت فشار قرار داده‌اند؛ زیرا دولت عثمانی به شیعیان مدینه، به‌عنوان کسانی که ممکن است به ایران شیعی علاقمند باشند؛ همیشه به‌عنوان عضو زائد منطقه مدینه نگاه می‌کردند و صد البته، با ظهور وهابیت این مسئله به مراتب سخت‌تر شد. دشمنی ذاتی وهابیت با تشیع و تلاش همه‌جانبه وهابیون برای هدم اسلام شیعی، فشار بسیاری را بر اهالی مدینه، بلکه برای شیخ عمروی و اصحابش تحمیل می‌کند.

راز محبت به شیخ عمروی و پسرش

وظایف شیخ عمروی که هم‌اینک به علت کهولت سن، بستری است را پسرش «شیخ کاظم عمروی» انجام می‌دهد. آمدن حاجیان به مسجد عمروی بسیار دیدنی است. هر کس به اینجا می‌آید، شیخ کاظم را مانند عزیز گم شده‌ای می‌یابد. کمتر روحانی شیعی خارجی هست که همانند شیخ کاظم و پدرش به شدت مورد احترام ایرانیان باشد.

شیخ در کمال سادگی می‌آید و به نماز می‌ایستد. پس از پایان نماز هم از جمعیت برای صرف نهار دعوت می‌کند. شیخ کاظم می‌گوید دعای توسل کوتاهی خوانده شود. مردم شیخ کاظم را می‌بوسند و با دوربین‌هایشان با ایشان عکس می‌گیرند.

خرمای ساده شیخ کاظم

احساس غریبی به انسان دست می‌دهد؛ دیدن عزیزی و وداع با او در همان لحظه دیدار. اجتماع اشتیاق و فراق با یکدیگر مانند اجتماع نقیضین یا اجتماع امر و نهی در زمانی واحد است.

پس از صرف نهار به دنبال شیخ می‌گردیم اما شیخ را پیدا نمی‌کنیم. جمعیتی کنار حیاط جمع شده‌اند. چندبار از کنار این جمعیت عبور می‌کنیم و هرچه از شیخ کاظم می‌پرسیم، کسی پاسخ نمی‌دهد؛ تا اینکه یکی می‌گوید شیخ همین جاست، روی سکوی بتونی نشسته و این جمعیت او را دوره کرده‌اند.

وقتی نزدیک‌تر شدم، دیدم شیخ کاظم در حال تقسیم خرما بین آنهاست. خرمای خشک مدینه یا شاید همین باغ که به نام امام حسن مجتبی علیه السلام وقف است. خرماها را به کف دست هر حاجی یا حاجیه‌ای می‌ریزد؛ هدیه‌ای ساده و از سر اخلاص و ارادت. جمعیت آرام آرام می‌روند. حاجیه‌ای میان‌سال را می‌بینم که به همراه شوهرش به

صورت سیاه چرده شیخ کاظم نگاه می‌کنند و مانند ابر بهار اشک می‌ریزند و دور می‌شوند. نمی‌دانم چگونه می‌توان این لحظه‌ها را بر روی کاغذ آورد. مظلومیت آیت‌الله عمروی و اینک پسرش شیخ کاظم و تنهایی شیعه در مدینه، بغض فرو خفته هر شیعه‌ای را بر می‌انگیزد و اشک از چشمانش جاری می‌کند و این مادر، گویی پسرش را تازه یافته و همین حالا باید برای همه عمر با او خداحافظی کند.

نگرانی از وقوع فاجعه‌ای تاریخی

کمی که خلوت‌تر شد، به دیدار شیخ رفتم. دو بسته خرما جداگانه به ما داد و این هدیه‌ای ویژه به خاطر دوستی آقای حاجی و معرفی من، به‌عنوان نویسنده کتاب حج و گزارش حج بود. اما من در طلب چیز دیگری آمده بودم.

گفتم شیخ، من سال ۱۳۸۳ ش آدمم و به شما گفتم باید خاطره‌های آقا را جمع‌آوری و مکتوب کرد. اما آن روز من یک نویسنده ساده در روزنامه زائر بودم و نتوانستم حقیقت ماجرا را به‌خوبی منتقل کنم. هرچند ایشان پذیرفت که مطالب مربوط به شیخ را که در مطبوعات و کتاب‌های رسمی منتشر شده در ایام خارج از حج، برای من گردآوری کند. اما نشد.

شیخ کاظم این بار می‌گوید: «آقا در حال حاضر بیمار است و هیچ چیزی را به خاطر نمی‌آورد». آه حسرت از نهادم برخاست.

صد سال تاریخ در حال جان‌دادن

صد سالی هست که تاریخ تشیع در عربستان در حال جان‌دادن است و تاکنون هیچ‌کس نتوانسته او را به حرف آورد که در این تاریخ طولانی، چه بر شیعه در عربستان و مدینه گذشته است. اگر شیخ، به‌عنوان محور تشیع در مدینه به سخن می‌آمد، حرف‌های بسیاری در مورد تاریخ شیعه می‌گفت. خدایا! مرا ببخش که در سال

۱۳۸۳ش برای انجام این کار مهم تلاش بیشتری نکردم.

نمی‌توانستم خودم را قانع کنم. می‌دانستم شیخ کاظم یا خیلی‌های دیگر، هنوز نمی‌دانند که چه فرصت گران‌بهایی از تاریخ تشیع از دست رفته است.

با وجود این شیخ کاظم بار دیگر به من وعده می‌دهد که در ایام عمره، مطالبی را برایم جمع کند. من می‌دانستم که این امر، به آسانی اتفاق نخواهد افتاد.

بعد از ظهر که به بعثه برگشتم، جریان را برای آیت‌الله استادی تعریف کردم. استاد که خود اهل تاریخ و زندگی‌نامه‌نویسی و قلم است، می‌گوید: «اگر بتوان کاری کرد که تا زمان حیات ایشان، یک بزرگداشت هم برگزار شود و کتابی کوچک نیز تا حیات ایشان نوشته شود، باز هم غنیمت است».

اما با تأسف، چند ماه پس از بازگشت ما، شیخ به جوار رحمت حق رفت و داغ من که آن روز برای او سخت‌گریه کرده بودم را صد چندان تازه کرد.

دوشنبه پانزدهم آذر ۱۳۸۹؛ سی‌ام ذی‌حجه ۱۴۳۱

آخرین زیارت پیامبر ﷺ

عصر روز دوشنبه است. وسایلم را فرستاده‌ام. آمده‌ام نماز ظهر و عصر را در مسجدالنبی ﷺ بخوانم و وداع کنم. و از لحظه‌های آخر حضور، بهتر استفاده کنم؛ زیرا دیگر زمانی ندارم و باید به سرعت به قصرالدخیل برگردم. در حرم نبوی ﷺ نماز ظهر و عصر و کمی قرآن و دعا خواندم. در حال خروج، چشمانم را کمی می‌بندم و در ذهن خود سعی می‌کنم تا به فضای مدینه عصر نبوی ﷺ بروم و در همین حال، بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستم و با گفتن ذکر، از جلوی روضه نبوی عبور می‌کنم.

آخرین پرواز

همه چیز به پایان رسید. غروب روز دوشنبه پانزدهم آذر ماه است. سوار ماشین شدیم و ماشین در اطراف مسجدالنبی ﷺ و بقیع نیم دوری زد و با مدینه برای آخرین بار خداحافظی کردیم.

به فرودگاه رسیدیم. هوا تاریک شده بود. آیت‌الله استادی را همراهی می‌کنم. ساده و بی‌تکلف است و اندک وسایلی همراه دارد.

هوایمای غول‌پیکر سعودی، آخرین گروه از زائران و فعالان بعثه را در خود جای

می‌دهد. ضربان پرواز به تپش در می‌آید و شوق دیدار خانواده، دوباره در جان همه لبریز می‌شود. اضطراب لحظه پرواز با هیاهوی موتور هواپیما به هنگام برخاستن و ذکر و صلوات و تسبیح مسافران همراه شد. حج همه تمام شده بود؛ اما داستان حج من تازه شروع شده است. با پایان نوشتن‌هایم، دور جدیدی از حج من در چهل و سه سالگی‌ام آغاز می‌شود؛ زیرا می‌دانم با این نوشته‌هایم درست یا نادرست، داستان حج امسال به خاطره‌ای تاریخی و جزئی از تاریخ حج بدل شده است. خدایا! تو را شکر ...

نهم بهمن ۱۳۹۰